

نهضت های ایرانی
نهضت ملی ایران در دوران معاصر

انتشارات مصدق

نطق های دکتر مصدق
در
دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

جلد اول - دفتر دوم

در ملی شدن صنعت نفت

باز نشر و تنظیم به اهتمام : جهانگیر گلزار

۵	مصدق و موازنه منفی.....
۱۱	یادداشت ناشر.....
۱۳	سیا در خدمت امپراتوری.....
۱۳	«چگونه حکومتی را سرنگون می کنند».....
۱۴	مصدق و آیزنهاور.....
۱۹	مرد برگزیده «سیا».....
۲۲	انتخاب آزاد.....
۲۳	امپراطوری نفت.....
۲۶	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۲.....
۲۶	روز یکشنبه هشتم مرداد ماه ۱۳۲۹.....
۳۳	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۶.....
۳۳	روز پنجشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۲۹.....
۳۷	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۷.....
۳۷	روز یکشنبه، نوزدهم شهریور ماه ۱۳۲۹.....
۴۰	«بیانات آقای فولادوند به عنوان اخطار نظامنامه ای».....
۴۳	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۸.....
۴۳	روز سه شنبه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۲۹.....
۴۷	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۹.....
۴۷	روز پنجشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۲۹.....
۵۰	نقل از مذاکرات مجلس جلسه ۶۰.....
۵۰	روز یکشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۲۹.....
۵۰	قانون اصلاح قانون تصفیه کارمندان.....
۵۲	نقل از مذاکرات مجلس جلسه ۶۱.....
۵۲	روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۲۹.....
۶۲	نقل از مذاکرات مجلس جلسه ۶۲.....
۶۲	روز یکشنبه دوم مهر ماه ۱۳۲۹.....
۶۲	«۲- بیانات قبل از دستور آقایان دکتر مصدق و مقام ریاست».....
۷۷	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۶۲.....
۷۷	روز سه شنبه ۴ مهر ماه ۱۳۲۹.....
۷۸	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۶۵.....

۷۸	سه شنبه ۱۱ مهر ماه ۱۳۲۹
۷۹	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۷۳
۷۹	پنجشنبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۹
۹۶	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۷۵
۹۶	روز سه شنبه نهم آبان ماه ۱۳۲۹
۹۹	نقل از مذاکرات مجلس جلسه ۸۸
۹۹	روز یکشنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۲۹
۱۰۴	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۱
۱۰۴	روز یکشنبه ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۹
۱۱۵	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۳
۱۱۵	روز یکشنبه، ۲۶ آذر ماه ۱۳۲۹
۱۲۶	ضمیمه شماره (۲) مواد ۲۵ گانه اعتراضیه دولت
۱۲۶	مقایسه درآمد دولت در پنج ساله آخر امتیاز داری
۱۲۶	پنج ساله اول و پنج ساله اخیر امتیاز جدید
۱۳۹	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۵
۱۳۹	روز پنجشنبه ۳۰ آذر ماه ۱۳۲۹
۱۴۲	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۸
۱۴۲	روز سه شنبه ۱۹ دی ماه ۱۳۲۹
۱۴۳	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۹
۱۴۳	۵ شنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۲۹
۱۴۴	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۰۲
۱۴۴	چهارشنبه ۲۷ دی ماه ۱۳۲۹
۱۴۵	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۷
۱۴۵	سه شنبه ۲۲ اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۴۸	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۸
۱۴۸	پنجشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۴۹	(گزارش کمیسیون نفت بشرح زیر قرائت شد)
۱۴۹	گزارش از کمیسیون مخصوص نفت به مجلس شورای ملی
۱۵۱	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۳۰
۱۵۱	۵ شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۳۰
۱۵۴	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۳۲
۱۵۴	سه شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۰
۱۶۱	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۳۶
۱۶۱	سه شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۰
۱۶۶	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۴۰
۱۶۶	پنجشنبه ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰
۱۶۹	نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۴۱
۱۶۹	شنبه هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

مصدق و موازنه منفی

در باره مصدق و اندیشه او، پیش از این نوشته‌ام. حق این بود که آن نوشته سرآغاز مجموعه سخنرانی‌های او بگردد. باوجود این، فرصت را مغتنم می‌شمارم برای خاطر نشان کردن اموری که نه تنها بر نسل امروز است که آنها را تجربه کند، بلکه نسل‌های آینده نیز سزا است چنین کنند هرگاه بخواهند حیات هر شهروند و حیات ملی در استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت اجتماعی، واقعیت بیابد و ادامه بجوید:

۱. به تاریخ اندیشه، در ایران و انیران که مراجعه کنیم، می‌بینیم تنها دو وضعیت شناخته بوده‌اند:

۱،۱. وضعیت مسلط - زیر سلطه؛

۱،۲. وضعیت تعادل قوا که دیر یا زود، به سلطه یکی از دو بر دیگری، می‌انجامد.

بدین‌قرار، استقلال بمثابه وضعیت نه مسلط نه زیرسلطه، شناخته نبود. دو وضعیتی که شناخته بودند، ترجمان دو ثنویت، یکی ثنویت تک محوری (وضعیت اول) و دیگری ثنویت دو محوری (وضعیت دوم) هستند. وضعیت سوم نمی‌توانست به اندیشه‌هایی که ثنویت را اصل راهنما می‌کردند و می‌کنند، راه یابد. چنان‌که هم امروز نیز، استقلال بمثابه وضعیت نه مسلط و نه زیر سلطه، در اندیشه‌های فلسفی و سیاسی و نظریه‌های جامعه‌شناسان که پایه بر ثنویت دارند، یافت نمی‌شود. در این اندیشه‌ها و نظرها، سلطه‌گر مستقل محسوب می‌شود به این «استدلال» که نه تنها خودمختار است بلکه اختیار زیرسلطه نیز با او است.

اما «جهانی شدن» جهان را در برابر نظامی قدرت محور قرارداده‌است که نه خود به اصلاح خویش توانا است و نه حتی می‌تواند از برهم افزودن مسائلی دست بردارد که دائم دارند پیچیده‌تر می‌شوند. انسان سازنده نظام جبار، خود و طبیعت را محکوم به پویایی مرگ کرده‌است. راحل نیز در خود او است: وجدان به حقوق و عمل به حقوق و خویشتن را بمثابه مجموعه‌ای از استعدادها و فضل‌ها بازشناختن و تنظیم رابطه با حقوق. بنابراین، خارج شدن از نظام مسلط - زیرسلطه.

بدین‌سان، جهان امروز نیازمند بازیافتن استقلال است، بمثابه نه مسلط و نه زیر سلطه و آزادی نه تنها بمعنای اختیار گزینش نوع تصمیم و حق بودن نوع تصمیم و میل کردن انتخاب‌ها به بی‌نهایت، بلکه، بمعنای عمل به حق. آزاد صفت فعالیت‌های انسان جامع و حقوقند، است. این آزادی از آن استقلال جدایی‌ناپذیر است. اما شناسایی این وضعیت، بر اصل ثنویت ناشدنی و بر اصل موازنه عدمی یا منفی، شدنی است. از این منظر که بنگریم، موازنه عدمی یا منفی را اصلی می‌بایم که، برآن، تنظیم رابطه‌ها با حقوق ممکن می‌شود و رها شدن انسان‌ها از نظام جبار میسر می‌گردد.

مدرس و مصدق، در شمار معدود اندیشمندان بزرگی هستند که به انسان‌ها می‌گویند تاریخ اندیشه، اندیشه فرآورده ثنویت، می‌تواند و باید پایان بیابد. اینان فضای جدیدی را به روی انسانها گشوده‌اند. هرگاه انسان‌ها به این فضا درآیند، به تاریخی پایان می‌دهند که اگر ادامه یابد، پویایی مرگ بر حیات انسان نقطه پایان می‌نهد.

۲. سخنان مصدق، ترجمان موازنه عدمی و برام‌های واقع مستمر متکی هستند. توضیح این‌که او امرهایی را موضوع سخن و عمل کرده‌است که هم‌اکنون نیز وجود دارند:

۲,۱. زوج استبداد و وابستگی که اگر با زوج استقلال و آزادی جانشین نشود، جامعه را گرفتار جبر پویایی‌های سامانه مسلط زیرسلطه می‌گرداند. زوج استقلال و آزادی محک دقیقی است برای تشخیص میزان استقلال و آزادی شهروندان و جامعه ملی. توضیح این‌که نبود آزادی، درجا، بمعنای نبود استقلال است و بعکس. در حقیقت، این سخن که این و آن رژیم استبدادی استقلال دارند اما مردم تحت استبداد، آزادی ندارند، دروغی بس آشکار است. جداکردن استقلال از آزادی و تقدم دادن به استقلال یا آزادی، نیز دروغ است. اثر ویران‌گر این جداکردن، بر بازسازی شدن دولت، بعد از سقوط رژیم شاه، تجربه‌ای بس تلخ و بس مرگبار و ویران‌گری است که ما ایرانیان همچنان در قید آن هستیم. با این وجود، گروه‌های وابسته، برای توجیه وابستگی خود، استقلال را از آزادی جدا می‌کنند. شماری استقلال را بی‌ارزش و شماری کم‌ارزش می‌انگارند و همه خود را جانبدار آزادی می‌نمایانند. غافل از این‌که پندار و گفتار و کردارشان می‌گویند نه مستقل هستند و نه آزاد؛

۲,۲. باقی ماندن در سامانه مسلط زیرسلطه، سبب صدور نیروهای محرکه از زیرسلطه به مسلط می‌شود. زمان استمرار این امر واقع، درازای تاریخ است. استقلال وقتی متحقق می‌شود که جامعه از سامانه خارج می‌گردد. بدین‌خاطر بود که او پیشنهادهای بانک بین‌المللی و پیشنهادهای مشترک امریکا و انگلستان را نمی‌پذیرفت. «انتقاد»کنندگانی که از نظام مسلط - زیرسلطه و پویایی‌های آن بی‌خبر هستند، بر او خرده می‌گیرند که:

- «مصدق از بازار جهانی نفت بی‌اطلاع بود و گمان می‌کرد نفت ملی شده بدون مانع، روانه بازار می‌شود و زمانی از واقعیت سردرآورد که دیر شده بود». این «نقد» گویای دو جهل است: یکی جهل نقاد از این واقعیت که، ماندن در نظام و بزرگ شدن میزان درآمد، کاری جز بزرگ کردن ابعاد صدور نیروهای محرکه نمی‌کند - امری که ایران از کودتای ۲۸ مرداد بدین‌سو بیشتر بدان گرفتار است و همه کشورهای نفت خیز در بند آنند -؛ دیگری جهل او بر این واقعیت است که نه تنها بعد از صدور رأی دیوان لاهه، انگلستان از توقیف نفتکش‌های حامل نفت ایران، ناتوان می‌شد، بلکه، دو سند از سندهای محرمانه امریکا می‌گویند و به صراحت که امریکا به این نتیجه رسیده بود که مصدق بر اداره اقتصاد کشور توانا گشته و چاره کار حل مسئله نفت با حکومت او است. بدین‌سان، مسئولیت پس

سنگین را نباید از دوش کودتاچیان و دو قدرت امریکا و انگلیس برداشت و بردوش مصدق گذاشت که گویا از وضعیت بازار نفت بی‌اطلاع بود؛

- «مصدق از تناسب و تعادل قوا درست سر در نمی‌آورد؛ از این‌رو، با نپذیرفتن پیشنهاد بانک جهانی و...، موقعیت و فرصت را از دست داد». غافل از این‌که اساس این پیشنهاد و پیشنهادهای مشابه، نگاه داشتن ایران در سامانه مسلط - زیرسلطه، بنابراین محکوم کردن ایرانیان به زندگی در استبداد و وابستگی بود. چنان‌که قرارداد کنسرسیوم بر همین اساس تنظیم و توسط دولت کودتا، تحمیل شد و ایرانیان گرفتار استبداد و وابستگی ماندند.

- «مسئله نفت یک مسئله اقتصادی است و نباید آن را مسئله‌ای سیاسی کرد و ملی‌کردن صنعت نفت نیز سیاسی‌کردن نفت بود!» این مدعی^۱ فرآورده چند جهل است: جهل بر جدایی‌ناپذیری بعدهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از یکدیگر؛ جهل بر پویایی‌های نظام مسلط - زیرسلطه؛ جهل بر تاریخ سیاسی نفت نه تنها ایران، بلکه همه دیگر کشورهای نفت خیز و همه جهان از زمان نقش پیدا کردن نفت در زندگی انسانها؛ جهل بر اقتصاد سیاسی و جهل بر این واقعیت که کارمایه نقش حیاتی در اقتصاد جهان برعهده دارد و نمی‌تواند محور سیاست‌گذاری‌ها در سطح کشورها و جهان نباشد.

بدین‌قرار، درس بزرگی که بیانگر موازنه عدمی است، این است: باید از نظام سلطه خارج شد. این درس راه نجات جامعه جهانی است اگر فرصت را از خود نستاند و به پویایی مرگ نسپارد.

۳. تمرکز قدرت در یک کانون ثابت: مصدق هم استبداد قاجار را دیده، هم در انقلاب مشروطیت شرکت کرده و هم کودتای رضاخانی و زندگی بسیار سخت در استبداد سیاه پهلوی را تجربه کرده بود. از آن‌رو او را تجربه قرن می‌خوانند که، در وضعیت‌ها بس متفاوت زیسته و مبارزه کرده بود. از جمله، دیده بود که «تمرکز قدرت» در یک شخص، در وضعیت زیرسلطه، تا کجا می‌تواند برای حیات ملی، خطرناک باشد. شاهد بود که در دوران قاجار، شاه مستبد، بی‌اطلاع مردم کشور، همه روز، به روس و انگلیس، امتیاز می‌فروخت. او می‌دانست که اگر همه امتیازها به عمل در می‌آمدند، و جب به وجب رو و زیرزمین ایران، در اختیار دو قدرت روس و انگلیس قرار می‌گرفت. شاهد بود که با از میان برخاستن سلطنت تزارها بر روسیه و استقرار دولت بلشویک‌ها در این کشور، انگلیس‌ها کودتا کردند. رضا خان را «مردقوی» گرداندند. کوشش مدرس و مصدق این شد که از پیدایش یک کانون ثابت تمرکز قدرت جلوگیری کنند. کودتا انجام گرفت و استبداد سیاه استقرار جست. زمان بسود این دو شهادت داد، شهادت داد که کانون ثابت جدید، هم امتیاز نفت را بمدت ۶۰ سال تمدید کرد، هم استبداد سراسر جنایت و فساد را برقرار کرد و هم برنامه مصرف محورکردن اقتصاد را بمنزله تضمین سلطه انگلستان بر منابع نفت ایران، به اجرا درآورد.

بدین‌خاطر بود که، در مجلس شانزدهم، مصدق طرح الغای مصوبه مجلس قلابی مؤسسان را به مجلس ارائه کرد و بگناه نخست‌وزیری، بر این اصل عمل کرد که شاه باید سلطنت کند و حکومت نکند. کار به تهیه طرح توسط هیأت ۸

نفری درباره سلب فرماندهی کل قوا از شاه و تحت فرماندهی حکومت حقوقمدار و مسئول و پاسخگو قرار گرفتن ارتش انجامید. دو قدرت امریکا و انگلستان کودتایی را بر ضد حکومت مصدق سازمان دادند که، بنابر سندی از اسناد محرمانه وزارت خارجه امریکا، شاه به امریکا پیشنهاد کرده بود. کودتا روی داد و قدرت در کانون ثابتی که شاه بود، متمرکز شد و ایران بمدت یک ربع قرن، استبداد وابسته را تجربه کرد. انقلاب ایران برای آن روی داد که ولایت جمهور مردم برقرار شود و ایرانیان، در استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت اجتماعی، زندگی کنند. اجرای طرح محرمانه، سبب شد ایران در موضع زیرسلطه بماند و کانون ثابت تمرکز قدرت، زیر عنوان ولایت مطلقه فقیه، بازسازی شود. این بار، استبداد وابسته به مصرف محور نگاهداشتن اقتصاد کشور و جریان نیروهای محرکه به خارج از ایران، بسنده نکرد؛ قدرت خارجی را محور سیاست داخلی و خارجی کشور گرداند و دولت ایران را همدست دولتهای همانند خود گرداند که کارشان جریان دادن نیروهای محرکه، از کشورهای در موضع زیرسلطه به کشورهای در موضع مسلط است. بدین سان بود و هست که ایرانیان اختیارخویش را بر اندیشه‌های راهنما و توان خویش را بر هویت یابی به یمن رشد، از دست دادند؛

۴. **رابطه اندیشه راهنما و ایرانییت:** مصدق در مجلس چهاردهم گفت: «من ایرانی و مسلمانم و برعلیه هرچه ایرانییت و اسلامیت را تهدید کند، تا زنده هستم، مبارزه می‌نمایم». در این جمله که باز ترجمان موازنه منفی است، تأمل بایسته نشده است. زیرا این امر مستمر معلوم همگان نشده است که اندیشه راهنما، هرگاه با قدرت جمع شود، وسیله توجیه قدرت می‌شود و برضد انسان و حقوق و هویت او بکار می‌رود. ویژگی‌های ایرانییت را مصدق برنشموده است، اما دو ویژگی استقلال و آزادی را، دو ویژگی پایه شناخته است. چرا که تمام عمر برای بازیافتن وضعیت نه مسلط و نه زیرسلطه، بنابراین، برخورداری ایرانیان از استقلال و آزادی، مبارزه کرده است. بدین‌قرار، هرگاه اسلامیت، ویژگی‌های ایرانییت، بخصوص دو ویژگی پایه استقلال و آزادی را در خود داشته باشد، سه کارکرد پیدا می‌کند و به یکایک شهروندان، دو اطمینان می‌بخشد:

۱. **کارکرد اول اینست که اسلام بیان استقلال و آزادی و به یمن ویژگی‌های ایرانییت، روش باورمندان در زندگی حقوندی را می‌گردد و نافی قدرت می‌ماند؛**
۲. **کارکرد دوم آن این است که بهیچ‌رو توجیه‌گر قدرت و قدرتمداری نمی‌شود و نهاد دینی را نیز از ساخت قدرت محور یافتن و کارگزار «کانون تمرکز قدرت» گشتن، باز می‌دارد. و**

۳. **باورهای دیگر، از دینی یا غیر دینی را ناگزیر می‌کند بیانگر استقلال و آزادی و دیگر ویژگی‌های ایرانییت بگردند.**

بدین‌سان، قدرت دین و مرامی را نمی‌یابد تا که توجیه‌گر خود کند و ایرانیان باور آنها هرچه باشد، می‌توانند در استقلال و آزادی، مستقل و آزاد، بزیند:

۴. **جمهور شهروندان مطمئن می‌شوند که طرزفکرهاشان در بردارنده حقوق هستند، بنابراین، با اطمینان می‌توانند به جنبش درآیند و خود را از سامانه سلطه، بیرون برند. و**

۴، ۵. با خروج از سامانه سلطه، اندیشه‌های راهنما، راهنمای رشد شهروندان و نو به نو کردن هویت به یمن رشد می‌شوند و با بی‌محل شدن قدرت در تنظیم رابطه‌ها و با محل شدن حقوق در تنظیم رابطه‌ها، جامعه حق‌نودان متحقق می‌گردد.

بدین‌قرار، رابطه اسلام و مرام‌های دیگر با ایرانیت، رابطه دو محور بیرون از یکدیگر نیست، ویژگی‌های ایرانیت را دربرداشتن و یا در برگرفتن است. بدین‌خاطر بود که او در همه عمر، با هیچ مرامی مخالفت نکرد. هیچ‌گاه نگفت سلطه‌گری انگلستان و امریکا تقصیر لیبرالیسم و نئولیبرالیسم و سلطه‌گری روسیه تقصیر مارکسیسم - لنینیسم است و یا واپس رفتن ایران تقصیر اسلام است. در عوض، گفت: تقصیر با قدرت سلطه‌گر (در مورد روس و انگلیس) و قدرت سلطه‌پذیر (در مورد قاجار و پهلوی) است. او از رابطه دین و مرام با قدرت (سیاست) و از خود بیگانه شدن دین و مرام توسط قدرت آگاه بود. چرا که گفت: «از مسلمانی و آداب آن برای برحق بودن اسلام، نه برای میل این و آن، پیروی کنیم و به لوازم آن، فقط از ترس خدا و معاد، نه مقتضیات دنیوی و سیاسی عمل نماییم».

کوشش او در همه عمر این شد که دارندگان مرامها در آنها را به روی استقلال و آزادی بگشایند و در این دو حق اشتراک بجویند. آیا مانعی دیگر جز قدرتمداری و هدف و روش شناختن قدرت بر سر راه اشتراک در این دو حق وجود داشت؟ نه. امروز نیز، بیرون رفتن از نظام سلطه و بازیافتن وضعیت نه مسلط نه زیرسلطه، نیازمند بازشدن درهای مرامها، از دینی و غیر دینی، به روی حقوق پنج‌گانه است. جز قدرت باوری و قدرتمداری و هدف گرداندن قدرت، هیچ عامل دیگری مانع گشودن شدن درها به روی این حقوق وجود ندارد.

۵. فسادستیزی: مصدق در تمام عمر منزله از فساد و فسادستیز باقی ماند. او می‌دانست که «قدرت فساد می‌آورد و قدرت مطلق فساد مطلق بیار می‌آورد». بنابراین، می‌دانست که ریشه سرطان فساد «کانون تمرکز قدرت» است. هراندازه تمرکز قدرت در یک شخص بیشتر، فساد بزرگتر. او شبکه‌بندی روابط شخصی قدرت را نیز می‌شناخت، بنابراین، می‌دانست چسان، این شبکه فساد را در بدنه جامعه، از رأس هرم تا قاعده آن، فراگیر می‌کند.

در حقیقت، اگر جریان قدرت از قاعده هرم اجتماعی آغاز می‌گیرد و در رأس آن متمرکز می‌شود و البته این جریان فساد را نیز به رأس هرم می‌برد، قدرت و فساد متمرکز در رأس هرم، چون سرطان تا قاعده هرم اجتماعی را فرا می‌گیرد. بدین‌خاطر بود که مصدق، بطور مداوم، با استبداد وابسته و فساد، هم‌زمان و توأمان، مبارزه می‌کرد.

بدین‌قرار، در نظام سلطه‌گر - زیرسلطه، نقش دستگاه اداری کشور در موضع زیرسلطه، تنظیم رابطه میان جامعه زیرسلطه با جامعه سلطه‌گر به ترتیبی است که نیروهای محرکه، بطور روزافزون از جامعه زیرسلطه به جامعه مسلط، جریان بیابند. بدین فساد بزرگ، جامعه زیرسلطه از نیروهای حیاتی خویش محروم می‌شود. لاجرم به دفاع از حیات خویش بر می‌خیزد. وظیفه نیروی مسلح بازداشتن

مردم از برخاستن به دفاع از حیات و به جلوگیری از جریان نیروهای محرکه به خارج، به جامعه‌های در موضع مسلط است. بدین‌خاطر، هدف کوشش مصدق برای تغییر ساختار نظام اداری و بخصوص قشون این بود که دستگاه اداری نقش راه‌بردی خویش را در بازیافت استقلال و آزادی و رشد جامعه ملی بازیابد و ایران ارتش ملی پیدا کند، ارتشی حافظ ایران در موضع نه مسلط نه زیرسلطه، مستقل و آزاد. این کوشش او در دوران مرجع انقلاب ایران، از سوی نخستین منتخب مردم ایران در تاریخ بس دراز خود، پی‌گرفته شد؛ پیش از کودتای خرداد ۱۳۶۰، ارتش ایران، به یمن دفاع پیروز از کشور در برابر قوای متجاوز، برای نخستین بار در تاریخ، صفت ارتش ملی یافت.

کاری که مصدق در پیش گرفت این بود که هم‌زمان با تغییر سازمان‌های اداری و نظامی با هدف آماده‌کردن دستگاه اداری و قشون برای ایفای نقش خویش در خدمت ایران مستقل و آزاد و در رشد، ساختار اقتصاد مصرف و به ضرورت رانت محور را با ساختار اقتصاد تولید محور جانشین کند. تا مگر ریشه فساد در ایران بخشکد. از راه اتفاق نبود که در کودتا بر ضد او و حکومتش، فاسدترین‌ها شرکت کردند.

این مدخل به خوانندگانی که بر آن می‌شوند نطق‌های مصدق را بخوانند، امکان می‌دهد با توجه به امرهای واقع‌مستمر، روش او را در هر مورد، شناسایی کنند؛ بسا بر آن شوند که به مبارزه با همان روش که جنبش همگانی با هدف و روش کردن استقلال و آزادی است، به جنبش درآیند و براین امرهای واقع، نقطه پایان بگذارند.

ابوالحسن بنی‌صدر
هفتم فروردین ۱۳۹۹

یادداشت ناشر

قسمت اعظم آنچه را در یادداشت دفتر اول یاد کرده ایم، در خصوص این دفتر نیز به قوت خود باقی است، لاجرم تکرارش در اینجا ضرور نیست. نکته‌ای که یادآوری اش بایسته است، این است که به هنگام تنظیم این دفتر، به متن مذاکرات مجلس شورای ملی دسترسی داشته‌ایم و تا آنجا که مقدور بوده کوشش کرده ایم، متنی که به دست خوانندگان می‌رد بی غلط و موافق با متن مذاکرات باشد.

نظر به اینکه متن مذاکرات مجلس بی غلط چاپی نبود و به نظر ما در چند جا افتادگی هائی داشت این افتادگی‌ها را قیاساً تدارک کرده ایم، اما برای اینکه امانت را تا حد ممکن رعایت کرده باشیم، کلمات از این‌گونه را در داخل [کروشه] گذاشته ایم.

نظیر دفتر اول، خوانندگان اصولاً نطق‌های دکتر مصدق می‌یابند، اما هر جا روشن شدن نکته یا نکته هائی از نطق‌های وی، رجوع به نطق دیگری را ایجاب می‌کرده است، آن نطق را نیز آورده ایم.

هر چند قاعدتاً گزارش کمیسیون مخصوص نفت را باید نتیجه کار جمعی دانست اما نظر به تأثیر بی اندازه‌ای که دکتر مصدق در تنظیم گزارش‌ها داشته است و خصوصاً با توجه به اینکه ریاست کمیسیون نیز با دکتر مصدق بوده است، ما این گزارش‌ها را یادگاری از دکتر مصدق تلقی کرده‌ایم و در نتیجه به نشر آن‌ها در مجموعه نطق‌های وی دست یازده ایم.

در این دفتر نیز، روش تنظیم فهرست بر اساس عناوین سر صفحه‌ها را دنبال کرده ایم.

ترجمه قسمتی از فصل نهم کتاب «امپراطوری آمریکا» نوشته «کلود ژولین» را نیز تقدیم خوانندگان می‌کنیم. نویسنده در این فصل از «خسنت‌اعمالی!! سخن می‌گوید که آریکا در این پهن دشتی که کره زمین نام دارد، با دستیاری «سیا» به انجام رسانده است و در این باب نمونه هائی به دست می‌دهد که در صدر آن‌ها ایران قرار دارد.

انتخاب و ترجمه این قسمت نه برای این است که حتماً از یک فرنگی مطلبی نقل شده باشد، بلکه بدین اعتبار است که این نویسنده اعتراف‌های جنایتکار را از منابع اصلی خود وی نقل کرده است، از این بابت و هم به مناسب تازگی آن (۱۳۴۷/۱۹۶۸) آگاهی از آن بی‌فایده نخواهد بود.

و نیز خواننده عنایت خواهد کرد که اگر چه ممکن است، اینجا و آنجا مغرضان و مأموران در صدد قلب حقایق تاریخی باشند، آنچه واقعیت دارد این است که تاریخ قیام بر ضد استعمار و رو در رو شدن با سلطه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را در زمان ما نمی‌توان به راستی و با صداقت به رشته

تحریر در آورد مگر آنکه از مصدق به عنوان پیشگام این مبارزه یاد کرد. شب پرگان، بخواهند یا نخواهند مصدق سنگ محک عمق و دقت تحقیقات و مطالعات اجتماعی و سیاسی مربوط به قیام بر ضد استعمار در قرن ماست. هر انسان اسیری که بر ضد اسارت به پا خاسته است نام وی را بیاد خواهد داشت و حماسه ای را که وی در عرصه نبر سروده است در پهنهٔ پیکار ویژهٔ خویش باز خواهد خواند.

این دفتر را به نام و به افتخار سربازان بی نام و نشان و گمنام نهضت ملی ایران، شهدای سی ام تیر مُصَدَّر می‌سازیم و کوششی را که در راه انتشارش شده است به روان پاک آنان تقدیم می‌کنیم.

سی ام تیر 1348 - انتشارات مصدق

سیا در خدمت امپراتوری

«چگونه حکومتی را سرنگون می کند»

هم در عبارت دوم نخستین صفحه خاطرات خود، آیزنهاور، رئیس جمهور آمریکا، نگرانی اش را درباره یکی از کشورها اینطور اظهار می کند: «ایران تقریباً داشت به دست کمونیست‌ها می افتاد»^۱ وی سه ماه پس از آنکه در کاخ سفید مستقر شد در خصوص طرح بودجه خود با مخالفت سناتور تافت روبرو شد. از این رو سعی کرد با او به گفت و گو پردازد و تلاش کند تا وی را با نظرهای خود، موافق سازد. در ۳۰ آوریل ۱۹۵۳ ملاقاتی بین آن دو دست داد. «ایک» درباره این ملاقات می نویسد: «من از خطرات موجود در ایران صحبت کردم و خاطرنشان کردم که اروپای غربی و نفت خاورمیانه، به هیچ روی نباید به دست کمونیست‌ها بیفتد»^۲ و سپس در نتیجه‌گیری جلد اول خاطرات خود، در صفحه ماقبل آخر، در آنجا که تراز کارهای خود را به دسته می دهد، به جنگ‌های گره و هندوچین می‌پردازد و می افزاید: «پیشرفت کمونیسم متوق شد و در پاره‌ای نقاط جهان، چون ایران و گواتمالا، آپاندیس‌های قرار و آرام ربای کمونیسم عمل شدند.»

اصرار در صحبت از ایران نباید موجب شگفتی شود زیرا عمل اتازونی در این کشور تصویر است از روشنی، باور نکردنی، از همکاری نزدیک حکومت و سازمان‌های مخفی و سرمایه داران آمریکا در امر تقویت مواضع امپراطوری و خاصه تقویت کنترل وی بر منابع مواد اولیه. خطوط عمده تاریخ مداخله سیا^۳ در ایران شناخته است اما هیچ‌گاه در تمامیت خود بیان نشده است. با اینحال شرحی که از روی موشکافی و دقت تحریر شده است، مبین ففونی است که امپراطوری بکار می‌برد تا مواضع استراتژی و اقتصادی اش را بسط دهد. مورد ایران بیانگر نقشی است که رئیس جمهور آمریکا شخصاً بازی کرده است و نشان دهنده روش‌هایی است که سیا بکار بسته است و هم از فشارهایی پرده برد می‌گیرد که برای سرنگون کردن حکومتی که بطور قانونی برگزیده شده بود بکار رفته است.

و نیز نشان می‌دهد که آمریکا در مبارزه برای «دمکراسی» در صورت لزوم، از اینکه نازی‌ها یا دستیاران نازی‌ها، و در این مورد خاص نظیر زاهدی‌ها، را به خدمت گیرد امتناعی ندارد. سرانجام عملیات موفق شد و شرکت‌های نفتی آمریکائی که هیچ‌گاه نتوانسته بودند در ایران دستی بند کنند، دامن بهره

1 - Dwight Eisenhower: Mandate for chage (1953-1954) Edit, Heinemann-1963

۲ - همان کتاب، ص 130

3 - Centra Intelligence Agency

برداری شان را به این کشور نیز کشانند. بدین اعتبار است که مورد ایران نمونه است.

مصدق و آیزنهاور

در ۱۹۵۱، شاه ایران، چند هفته پس از ازدواج با ثریا، خود را با لاینحل ترین مسئله دوران سلطنت خود رو در رو یافت. به ابتکار مصدق، نخست وزیر^۴ مجلس به ملی شدن صنعت نفت ایران که ۱۳ درصد ذخایر دنیا را دارد رأی داد. این معادن تا آن هنگام وسیله شرکت نفت انگلیس و ایران استخراج می‌شد و ۵۲ درصد سهام در اختیار دولت انگلیس بود. دو سال پیش از آن شرکت با دولت ایران موافقتنامه ای امضاء کرده بود که بنا بر آن ۲۵ تا ۳۰ درصد درآمد به دولت ایران داده می‌شد. مجلس ایران این میزان را کافی ندانست و از تصویب قرارداد^۵ امتناع ورزید دست آخر صنعت نفت ملی شد. در اکتبر ۱۹۵۱ انگلیسیان پالایشگاه آبادان را بستند^۶ ایرانیان برای عرضه نفت خود در بازارهای دنیا، به سوی شرکت های نفتی غربی دیگر، روی آوردند. شرکت نفت که مستظهر به پشتیبانی انگلستان و آمریکا بود، مرتباً مداخله کرد تا مانع سرانجام یافتن اینگونه معاملات نفتی شود که امیدهای وی را در بازپس ستاندن ثروت‌ها به بر باد می‌داد. با وجود تصمیمات دادگاه های ایتالیایی و ژاپنی که مساعد با نظر ایران بودند، هیچ شرکت نفتی نخواست که خطر مقابله با شرکت نفت را بپذیرد. علاوه بر آن «وزارت خارجه آمریکا» از شرکت های نفتی درخواست می‌کرد که از خرید نفت ایران دست بر دارند.^۷

در آمریکا، ژنرال آیزنهاور، رئیس دانشگاه کلمبیا، در نوامبر ۱۹۵۲ به ریاست جمهوری انتخاب شده و هنوز وظایف ریاست جمهوری را بر عهده نگرفته بود که شاه ایران به دیدارش رفت و وی را در جریان مخالفت های خویش با مصدق و ستیزهای خود علیه او، قرار داد. در همین احوال مصدق به «آیک» نوشت: «من امیدوارم که دولت شما مفهوم واقعی مبارزه‌ای حیاتی را که مردم ایران در راه آن قیام کرده اند، درک خواهد کرد. مبارزه‌ای که علیه حرص و آز سودجویی شرکتی است که مورد حمایت دولت انگلیس است» رئیس جمهور منتخب به وی پاسخ داد که هنوز درباره اختلاف، عقیده‌ای بهم نرسانده است. در ژانویه ۱۹۵۳، مجلس ایران اختیارات دکتر مصدق را به مدت یک سال دیگر تمدید کرد. در ۲۸ فوریه، شاه اعلام کرد که به «علل مزاجی» قصد کناره گیری

۴ - به شرحی که در همین دفتر آمده، مصدق با قبول دعوت تتی چند از وکلا به نخست وزیر شدن توطئه حکومت «قوی» را خنثی کرد و شرط نخست وزیر شدن خود را تصویب قانون 9 ماده‌ای طرز اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت قرار داد. و قانون را پیش از آنکه نخست وزیر شود، از تصویب مجلس گذراند. آ. م.»

۵ - مراد قرارداد الحاقی ساعد - گس است. «ا. م.»

۶ - این سخن نیز اشتباه است. در 29 خرداد خلع ید شد و در تاریخ فوق کارکنان انگلیسی شرکت نفت از ایران اخراج شدند. «ا. م.»

7 - Andrew Tully, Centra Intelligence Agency- Stock. 1962

دارد.^۸ این مانور از نتیجه مورد انتظار، جزئی را بیشتر بر نیابرد: «از ناحیه طرفداران شاه، تظاهرات چندی را برانگیخت اما مصدق از آزمایش قدرت، پیروز بدر آمد. در حقیقت مصدق هم از جانب بورژوازی ملی و هم از طرف توده های مردم حمایت می شد. توده های مردم و بورژوازی نیز، همه به اتفاق خواهان بهره یابی بهتر و افزونتر ایران از استخراج منابع نفتی خود، بودند. البته حزب توده نیز از مصدق حمایت می کرد^۹ و واشنگتن این حربه را به بهترین وجه علیه مصدق بکار برد. باری شاه از تصمیم خود عدول کرد.

در ۲۸ فوریه، مصدق بار دیگر به آیزنهاور نامه ای نوشت و از او تقاضای حمایت سیاسی در زمینه رفع موانع فروش نفت ایران و نیز کمک اقتصادی کرد. اما «آیک» به شرحی که در خاطرات خود آورده است «از ریختن پول بیشتر در کشوری که در جوش و غلیان است» معذور بود. وی به مصدق پاسخ داد چنانچه او به کشوری کمک کند «اگر بخواهد می تواند به عواید حاصل از فروش نفت دسترسی داشته باشد» این کار از نظر مالیات دهند آمریکائی قابل فهم و توجیه نخواهد بود^{۱۰} این خود به سادگی زدن «آیک» خود، مایه لو رفتن او است زیرا آیزنهاور خود توضیح می دهد که مقصودش چه بود و نقشه ای را که سفیرش در تهران برای رسیدن به این مقصود، طرح ساخته، کدام بوده است: قصد این بود که جای شرکت نفت انگلیس و ایران را یک کنسرسیوم بین المللی بگیرد. و در این کنسرسیوم، شرکت های نفتی آمریکائی نیز شرکت جویند.

تدارک اسباب برای واژگون کردن حکومت

مأموران سیا وقت خود را تلف نکردند. برای آن ها جای هیچگونه شکی نبود که مصدق بازپچه دست کمونیست هاست و برای به کرسی نشاندن این نظر، از هیچ تلاشی مضایقه نمی کردند. در تهران نیز که خود بسیار آشفته بود، مأموران سیا در تلاش جمع و جور کردن مخالفان مصدق بودند. مصدق در ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۳، با اعلام مراجعه به آراء عمومی در تاریخ ۲ اوت، دست به حمله متقابل برد. آیزنهاور در وصف این ایام می نویسد: «گزارش هائی که از تهران می رسد حاکی است که مصدق به کمونیست ها نزدیک می شود.» و بی آنکه توضیح بیشتری بدهد، می افزاید: «یک گزارش رسیده می گوید که مصدق در

۸ - «کناره گیری» درست نیست. گزارش این بود که به عنوان معالجه به اروپا مسافرت کند. این مسافرت بهانه ای بیش نبود: یا آنکه شاه خود گفته بود بدون اطلاع قبلی سفر خواهد کرد، شبانه توطئه ۹ اسفند را برای کشتن مصدق تدارک دید.» «ا.م.»

۹ - واقع امر این است که حزب توده به شهادت گزارش ها و اسنادی که خود منتشر کرده است، در تمام طول حکومت ملی مصدق، از هیچ «حادثه آفرینی» فروگذار نکرد. اگر آمریکا از حزب توده به مثابه حربه استفاده کرد، علت حمایت این حزب از مصدق نبود، بلکه سیاست کشاندن جبهه ملی و مصدق از این حادثه به آن حادثه بود. «ا.م.»

۱۰ - آیزنهاور، همان کتاب، صفحه ۱۶۱

انتظار «دریافت ۲۰ میلیون دلار از اتحاد شوروی است»^{۱۱} در واقع روسیه در انتظار نتیجه مراجعه به آراء عمومی بود تا نظر خویش را اعلام کند. نتیجه مراجعه به آراء عمومی روشن بود: در دوم اوت، مصدق ۴/۹۹ درصد آراء را به دست آورد ... در هشتم اوت مالنکف، در شورای عالی اتحاد شوروی، اعلان کرد که مذاکرات با ایران آغاز شده است. آندره تالی در این باره می نویسد: «آمریکا هنوز فرصت داشت که اقبال خود را بیازماید» در دهم اوت، آلن دالس رئیس سیا و برادر جان فاستر دالس وزیر امور خارجه آمریکا، به بهانه آنکه با همسر خود که تعطیلاتش را در سوئیس می‌گذراند ملحق شود، سوار هواپیما شد لویی هندرسن نیز رهسپار سوئیس شد اما پیش از سفر، شاهزاده اشرف خواهر شاه را دید. اشرف به نوبه خود، امریه ها را به شاه ابلاغ کرد و روانه سوئیس شد. از این کشور خوشگل بی‌طرف بود که کودتا مرحله به مرحله هدایت می شد. مقارن این ایام، یکی از مأموران مهم سیا، ژنرال شوارتسکف به «سیاحت» پرداخت و «سیاحت»، پس از پاکستان و سوریه و لبنان، وی را به ایران رهنمون شد. هدف شوارتسکف از این سفر چه بود؟ دیدار دوستان قدیمی در تهران! زیرا اگر برای آمریکائیان ژنرال شوارتسکف مردی است که به هنگام ریاست شهربانی نیوجرسی تحقیقات راجع به ربوده شدن کودک لیندنبرگ را به نتیجه رسانده، برای ایرانیان پیش از همه، کارشناسی است که از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸ پلیس شاه را از نو سازمان داده است. شوارتسکف در میان همکاران خود در شهربانی ایران، ژنرال زاهدی را مایه دار یافته بود. به هر حال، چون شتاب بایسته بود، در ۱۳ اوت ۱۱ روز پس از رفراندوم، شاه فرمانی غیر قانونی دایر به عزل مصدق و نصب ژنرال زاهدی به نخست وزیری امضاء کرد^{۱۲} شاه از راه احتیاط، پایتخت را ترک کرد و به عنوان استراحت به کناره های دریای خزر رفت و گوش به زنگ ماند تا اگر جریان بر غیر مردادش چرخید، فرار اختیار کند وی سرهنگ رئیس گارد خود را مأمور ابلاغ فرمان عزل مصدق کرد^{۱۳} اما مصدق فرمان را گرفت و دستور داد سرهنگ را توقیف کردند. شاه و ثریا به ایتالیا پناه بردند.

اما رئیس جمهور آمریکا آنقدر که در اینجا خود را ساده نشان می دهد، نیست زیرا او خود می نویسد: «من هر روز، همراه صاحب مناصبات وزارت امور خارجه و وزارت دفاع و «سیا» اوضاع را بررسی می‌کردم و شخصاً تمامی گزارش هائی را می‌خواندم که مأموران ما می فرستادند. این مأموران فعلاً با هواداران شاه کار می‌کردند «با بودن سفیر آمریکا در سوئیس،

۱۱ بدینسان بر همگان معلوم می‌شود که: (الف) - مصدق برای مقابله با امپریالیسم از شوروی تقاضای کمک کرد. (ب) - روسیه شوروی کار را به تعلل گذراند. و در زمان زاهدی و امروز ... «ا.م.»

۱۲ - در واقع شاه دو ورقه سفید امضاء کرد. در یکی از این دو ورقه فرمان عزل مصدق را و در دیگری فرمان نصب زاهدی را نوشتند. مصدق در دادگاه غیرقانونی نظامی به تقصیل این امر را شرح داده است.

۱۳ - سرهنگ نصیری - رئیس فعلی سازمان امنیت - برای کودتا رفت و وقتی از عهده بر نیامد، فرمان را ابلاغ کرد. «ا. م.»

مأمورانش در محل عمدتاً عوامل سیا بودند» در میان این مأموران، ژنرال نرمان شوارتسکف بود که کارگردانی کودتا را بر عهده داشت. آندره تالی می نویسد: «شوارتسکف برای توفیق دشمنان مصدق پنهانی وجوهی توزیع کرد. برخی از ایرانیان به یکباره خود را ثروتمند یافتند. و تاریخ حکایت می‌کند که شوارتسکف، ظرف چند روز، ده میلیون دلار پول از «کیسه سیا» خرج کرد و مصدق در یک چشم بهم زدن، گروه کثیری از طرفداران خود را از دست داد». ^{۱۴}

این میلیون‌ها دلار به جیب چه کسانی رفت؟ پانزده ماه پس از واقعه، بر اساس اسنادی که به عیان «سیا» در اختیار گذارده بود تا با انتشار آن‌ها قدر و ارزش «سیا» در نظر کنگره آمریکا بالا رود، ساتردی اوپنینگ پست^{۱۵} در مقاله بالا بندی نوشت:

«چهارشنبه ۱۹ اوت، در حالیکه ارتش پایتخت مضطرب را در حلقه مراقبت گرفته بود، از خلال کوچه های تهران دسته‌ای عظیم به قلب شهر راه می‌گشود. این دسته مرکب بود از معرکه گیرهایی که چرخ می‌زدند و پهلوان هائی که کباده می‌کشیدند و کشتی گیرانی که بازو می‌گرفتند در ضمن آنکه بر شمار تماشاچیان افزوده می‌شد، این جمع عجیب معرکه گیران شروع کرد به شعار دادن که به نفع شاه متحد شویم. جمعیت این فریادها را از سر گرفت و پس از لحظه‌ای تردید، موازنه روانشناسی عمومی، علیه مصدق بر هم خورد.»

ساتر دی اوپنینگ پست ادامه می‌دهد:

«علامت که داده شد، فشونی هائی که به شاه وفادار مانده بودند حمله را آغاز کردند. مطابق با استراتژی و حساب‌های خاص اسلوب آمریکائی، قوای مصدق را در طرف خانه نخست وزیر در حاشیه تنگی به محاصره گرفتند. قوای مصدق تسلیم شد و مصدق دستگیر گردید...»

«در رُم، شاه مبهوت از گردش کار آماده بازگشت به ایران شد، تا زاهدی را بر مسند صدارت بنشانند و رژیم طرفدار غرب در ایران ایجاد کند.»

«دسته معرکه گیران و سگ از چنبر گذرانی را که از محلات جنوب شهر آمده بودند، بزن بهادری بزرگ، به اسم شعبان جعفری هدایت می‌کرد.»

به شرح کارهای این شخص باز خواهیم گشت اکنون ببینیم لوموند درباره این دسته چه نوشته است:

«در جنوب تهران، زاغه نشینی است به غایت محروم که نیمی از مردم شهر در بیغوله های تو در تو و عفونت بار آن، در هم می‌لولند. بر این زاغه ها بدبختی، بیماری، مواد مخدره و گناه حکمرانند. از قلب این زاغه ها بود که روز چهارشنبه ۱۹ اوت، جماعتی به سوی مرکز شهر به حرکت در آمد و انقلابی به راه انداخت که به سقوط مصدق انجامید. همین امر یعنی حرکت مردم زاغه ها را، طرفداران رژیم دلیل بر این می‌گیرند که انقلاب کار مردم بوده است! وفاداران به مصدق پاسخ می‌گویند چه اشتباه بزرگی، هموار از میان لومپن پرولتاریای شهر است، که چاقوکشان و بزن بهادرها به کار گرفته شده‌اند و هم

می افزایند که این شورش با پول آمریکاییان تدارک شده است «برخی» ملایان چهار میلیون تومان (چهار صد هزار دلار) میان یک مشت مردمی که به همه کار حاضر بوده‌اند تقسیم کرده اند، روزنامه مخفی حزب توده، مردم، حتی شماره چکی را چاپ کرده است که مأموران آمریکائی برای پرداخت هزینه شورش حواله کرده اند، چک دارای شماره ۷۰۳۳۵۲ و بر عهده بانک ملی است، مبلغ آن ۳۲۶۴۳۰۰۰ ریال، هم ارز ۳۹۰ هزار دلار می‌باشد و به حواله کرد آقای ادوارد. ژ. دونالی است»

درواقع این چک ۳۹۰۰۰۰۰ دلاری تنها جزئی از مبلغی است که ژنرال ه. نورمان شوارتسکف و همکارانش، برای تدارک «قیام خود جوش» خرج کردند. «قیام خودجوشی» که به مدد آن افسران وفادار به شاه، مصدق را سرنگون کردند، زیرا قشون «هوادر شاه» حاضر نبود تن به خطرات اقدام به سود شاهی بدهد که محتاطانه به رُم پناهنده شده بود. قسمت اعظم ده میلیون دلار، هزینه عملیات، به آورد آندره تالی، به استناد اسنادی که متصدیان «سیا» در اختیارش گذاشته‌اند میان نظامیان تقسیم شده بود.

نزدیک به یک میلیارد دلار

اینهمه، مانع از آن نشد که ساتردی اوینینگ پست، در مقاله‌ای که ذکرش رفت، تأکید کند که: «سرنگون کردن مصدق به دست خود ایرانیان انجام گرفت. «سیا» معتقد است «که ما باید لژیون های بومی آزادی را که در میان ملت‌های اسیر، یا مورد تهدید، تشکیل می‌گردند و در راه تحصیل آزادی مردم خویش آماده قبول مخاطرات می شوند، توسعه دهیم و پشتیبانی کنیم.»

دلیل همواره همان دلیل است که بود بدین معنی که ایرانیانی که به هنگام مراجعه به آراء عمومی در دوم اوت، اعتماد خود را به مصدق نشان دادند، «خودشان» در ۱۹ اوت او را سرنگون کردند. هشت سال پس از آدلای استیونسون، از تربیون سازمان ملل با همین تأکید و با وجدانی به همین آرامی گفت که نبردهائی که در «خلیج خوک ها» جریان دارد نزاع «میان خود کوبائیان» است... این نبرد ها «نزاع میان خود کوبائیان» بود، تا روزی که کندی، مسئولیت کامل این عملیات را که از ابتداء تا انتها، وسیله «سیا» رهبری می شد، بر عهده گرفت. مورد ایران هم از همین موارد بوده است.

آیزنهاور، در خاطرات خود می‌آورد «فردای آن روز، مصدق که پیژاما به تن داشت، خود را تسلیم کرد و توقیف شد. قوای زاهدی، رهبران حزب توده را توقیف و زندانی کردند و همه چیز تمام شد»^{۱۶}

اما، واقعیت آن بود که همه چیز تازه شروع می شد. سرکوبی و فشار پلیسی، چون صاعقه بر مخالفان که تنها جزء کوچی از آن ها، کمونیست بودند، فرود آمد. بسیاری از بازاریان که اعضای جبهه ملی مصدق را تشکیل می دادند، قربانی این فشار و اختناق شدند. دامنه فشار، دانشگاهی و شهری و دهاتی و حتی ایل نشینان را هم گرفت. ایل هائی که از تن دادن به حکومت مطلقه شاه یا

مأمورانش سر باز می زدند، قربانی می دادند و از جانب این مأموران، این چپاولگران واقعی، تحت فشار قرار می گرفتند. چپاولگرانی که مقامات حکومتی را به عنوان استاندار داشتند. در ایران باستان، استاندار را ساتراپ می گفته اند. اما فشار و اختناق به تنهایی قادر به استقرار نظم نبود، باید طرفدار خریده می شد و وفادار اجیر می گردید و شریک جرم دست و پا می شد.

آیزنهاور می نویسد:

«آمریکا، در تمامی طول بحران، همه امکانات خود را برای حمایت از شاه و نگاهداریش به کار برد». سقوط مصدق برای پا برجا کردن آمریت شاه کافی نبود. از این دولت آمریکا تصمیم گرفت، کمک مالی را که از مصدق دریغ کرده بود به شاه اعطا کند. آیزنهاور می نویسد «در چهارم سپتامبر، سفیر آمریکا، لوئی هندرسن، و نخست وزیر ایران، ژنرال زاهدی، نامه هائی مبادله کردند بنا بر این نامه ها، ایالات متحده کمک فنی خود را به مبلغ ۲۳/۴ میلیون دلار، برای سال مالی جاری از سر گفت. نیز به خاطر نامه ای که در 25 اوت از ژنرال زاهدی دریافت کرده بودم که در آن وی نیاز خود را به کمک و هم میل خود را به پیوستن به جمع ملت های آزاد بیان کرده بود. عزم را جزم کردم که در چنین اوضاع و احوالی، برنامه پیش بینی شده کمک فنی کافی نیست. در پنجم سپتامبر کمکی اضافی به مبلغ 45 میلیون دلار به عنوان کمک اقتصادی فوری اعلان کردم. در مجموع در آن سال کمک آمریکا به ایران به 75 میلیون دلار رسید.»

اما خود این رقم، رقمی ناچیز بود و عنوان شروع را داشت. در طی سال های ۱۹۵۳-۱۹۶۱ جمع کمک آمریکا به ایران به یک میلیارد دلار بالغ گردید. این کمک آنچنان بد مصرف شد که در واشنگتن مجلس نمایندگان به هیجان آمد. در گزارش سال ۱۹۵۷ مجلس نوشته شده است که «صدها میلیون دلار کمک آمریکا به ایران با چنان غفلتی مصرف شده که امروز تعیین دقیق این مطلب که بر سر این وجوه چه آمده است غیر ممکن است. علاوه بر طرح های دیگر این اعتبارات، باید به مصرف ساختمان یک سد بزرگ می رسیدند، هزینه این سد، چندین میلیون بر آورد شده بود. اما بنا بر آنچه در گزارش آمده است از اجرای این طرح اثری مشهود نشده است جز آنکه «به قیمت سه میلیون دلار، اعطائی آمریکا، در روی کاغذ طرح جاده ای را تا نزدیکی محل پیش بینی شده برای سد، کشیده اند» کمیسیون با اندکی تلخکامی می افزاید که «با وجود این اعتبارات، نود و سه درصد مردم کشور همچنان بیسوادند.»

مرد برگزیده «سیا»

سرلشگر زاهدی که با موافقت مشترک شاه و ژنرال ه. نورمان شواتسکف برگزیده شد تا کودتای ضد مترقی را سازمان بخشد و خود جای او را به عنوان نخست وزیر بگیرد که بود؟

زاهدی تنها به عنوان رئیس سابق شهربانی که شواتسکف بین سال های ۱۹۴۲ و ۱۹۴۸ مأمور تجدید سازمانش شد، معروف نیست. زاهدی در جریان

جنگ بین الملل دوم، قهرمان داستان تاریکی است که فیتز روی مک له آن قهرمان اصلی آن حادثه ماجرای آنرا شرح کرده است، فیتز روی مک له آن، پیش از آنکه صلح برقرار شود و به عنوان نماینده محافظه کار به عضویت مجلس عوام در آید مأموری انگلیسی بود که در مسکو، در سیرنائیک، در ایران مأموریت هایی به انجام رسانده و در پشت خطوط جبهه با چتر در میان چریک های تیتو فرود آمده بود... شرحی را که فیتز روی مک له آن از جریان ملاقات خود با زاهدی نوشته است در خور نقل است زیرا تاریخ نویسان «سیا» کمترین اشاره‌ای به این واقعه نمی‌کنند و بنایشان بر این است که آنرا ندیده بگیرند، یا کتمان‌ش کنند. این نوشته معلوم می‌کند که سرلشگر زاهدی با آلمان ها همکاری داشته است و این همکاری در موقعی جریان داشته که ژنرال هـ. نورمان شوارتسکف، در ایران بوده است. بنا بر این «سیا» خوب می‌دانست که سرو کارش با چه کسی است.

فیتز لوی ملک له آن، در پایان سال ۱۹۴۲ به تهران رسید، و در سفارت انگلیس با ژنرال بایون رئیس ستاد ژنرال ولیسون و نیز سر رید بولارد وزیر مختار انگلیس در ایران دیدار کرد. فیتز مک له آن در این باره می‌نویسند: «آن ها به من گفتند، کاری برایم در نظر دارند. گفتند که از مدتی به این طرف در جنوب ایران، جریانی در حال نضج است، ایل های قشقائی و بختیاری، مأموران آلمانی را پناه می‌دهند و ظاهر امر این است که در هر لحظه ممکن است قیام کنند، همانطور که به سال ۱۹۱۶ چنین کردند و طغیان‌شان برای ما مشکلات عظیم و باورنکردنی به وجود آورد. اگر این احتمال به حقیقت پیوندد ممکن است راه خلیج فارس که از طریق آن ساز و برگ به مقصد روسیه می‌فرستیم، قطع شود. در اصفهان و شهرهای دیگر نیز نارضائی بسیار است، سوء استفاده چی‌هائی که گندم ها را انبار می‌کنند مسئول عمده این نارضائی هستند و در این زمینه کاری از ما ساخته نیست. از این بدتر، اگر اغتشاشات سر بگیرند ممکن است قوای ایران که در جنوب کشور متمرکزند به یاغیان پیوندد.»

قوای جنوب تحت فرماندهی سرلشگر زاهدی قرار داشت که بنا به نوشته فیتز روی ملک له آن «در این ماجرا نقشی مصیبت بار بازی می‌کرد» ملک له آن در دنبال این مطلب چنین می‌گوید:

«می‌دانیم که زاهدی از بدترین سوءاستفاده چی‌های کشور است و مقادیر عظیمی گندم احتکار کرده است و نیز دلایل موجهی حکم می‌کنند که وی با همکاری رؤسای ایل ها عمل می‌کند و بالاخره با مأموران آلمانی که در کوه‌ها پنهان شده‌اند و از طریق آن ها، با فرماندهی عالی آلمان در قفقاز روابطی دارد در حقیقت، گزارش های سری حاکی بودند که وی در تدارک قیامی عمومی علیه قوای متفقین است. در این قیام قوای تحت فرماندهی او و نیز قوای تحت فرماندهی یک ژنرال دیگر ایرانی شرکت خواهند جست که در منطقه شمالی کشور، که تحت آشغال نیروهای روسی است، مستقرند. این قیام همزمان با حمله به ارتش دهم، از ناحیه قوای آلمان، که از راه هوایی جابجا شده اند، و نیز تعرض عمومی آلمان در جبهه قفقاز انجام می‌یابد ماحصل کلام آنکه در تمامی

توطئه‌هایی که در جنوب ایران در شرف ترتیب یافتن هستند دست سرلشکر زاهدی در کار است.»

وضعیتی که ژنرال بایون ئو سر رید بولارد، برای فیتز روی مک له آن ترسیم کرده‌اند این چنین بوده است. آن‌ها تصمیم گرفته بودند «به هر قیمت، قیام را در نطفه خفه کنند» و به نظرشان رسیده بود که بهترین طریقه وصول به این مقصود، این است که دست سرلشکر زاهدی را از این موقعیت زیان رساننده کوتاه کنند این وظیفه‌ای بود که بر عهده من گذاشتند.» فیتز روی مک له آن می‌افزاید: «آن‌ها تدارک وسایل و یافتن اسباب و طرق به انجام رساندن این وظیفه را به طور صحیح به اختیار من گذاشتند، و تنها با من دو شرط کردند: سرلشکر را زنده دستگیر کنم، و نیز او را بی‌آنکه اغتشاشی به پا شود دستگیر کنم.^{۱۷} فیتز روی مک له آن با شرح و بسط جذابی دنباله این عملیات ظریف را شرح می‌دهد. وی به اصفهان می‌رود، در اصفهان قنصل انگلیس در آن شهر، ژون گولت به او می‌گوید که سرلشکر زاهدی «طرار قهاری» است. آن‌ها اقامتگاه زاهدی را به وی نشان می‌دهد. با وجودی که اقامتگاه زاهدی دیوار به دیوار سربازخانه‌ای بوده است که تیپ ارتش ایران در آنجا استقرار داشته است، وی در خانه‌اش، وسیله فیتزروی ملک له آن توقیف می‌شود و فیتز روی وی را جلو چشم گاردش سوار اتومبیل می‌کند و به بیابان می‌برد و سوار هواپیمایش می‌کند.

فیتز روی مک له آن می‌نویسد: «در اتاق سرلشکر، مقداری اسلحه خودکار ساخت آلمان، چند دست لباس زیر ابریشمی و تریاک و آلبومی از عکس فاحشه‌های اصفهان و بسیاری نامه و کاغذ یافتیم که آن‌ها را با خود به کنسولگری بردم (...). یکی از نخستین نامه‌هایی که به نظر من آمد، تازه واصل شده بود و از آقایی بود که خود را قنصل آلمان در جنوب خوانده بود. این قنصل ظاهراً در یکی از کوه‌های جنوب به سر می‌برد. وی در این نامه با عباراتی تأیید آمیز از فعالیت‌های زاهدی سخن رانده و تقاضای مهمات و آذوقه تازه کرده بود. خواندن این نامه هر گونه شک‌های را برطرف می‌کرد. توقیف سرلشکر زاهدی بسیار به موقعیت انجام یافته بود.»^{۱۸}

مردی که «سیا» وی را فراخوانده بود تا به نام دموکراسی (مردم‌سالاری) مصدق را سرنگون کند و تهران حکومتی تشکیل دهد، این چنین است: «من ضمن تلگرامی تبریکات خود را برای سرلشگر زاهدی فرستادم» این جمله از خاطرات آیزنهاور است که از مقاصد و نیات خوبی که نخست وزیر جدید از خود ظاهر می‌سازد، سخت شادمان است. می‌نویسد «گزارشی از ایران وسیله یک آمریکایی که هویتش برای من فاش نشد مرا از نیات خوب نخست وزیر جدید مطمئن کرده است. رئی قوی‌ترین دولت روی زمین با طالب گزارشی قانع می‌شود که تهیه کنند اش را نمی‌شناسد گزارش دهنده، کسی جز مأمور «سیا»

17 - Fitzroy Mac Léon: Diplomate et Franc-Tireur – Edition Gallimard. 1952, P. 245,246 et...

نمی‌تواند باشد. همچنین این مخبر به ایک می‌نویسد: «شاه مرد تازه ای شده است و برای نخستین بار به خودش اعتماد دارد برای اینکه احساس می‌کند شاهی خود را مدیون اراده مردمش است و نه تصمیم تحکمی قدرتی خارجی» آری بدینسان امپراتوری با ایادی خود معامله می‌کند، گیریم که اینان معنون به عنوان «شاهنشاه، شاه شاهان» باشند.

انتخاب آزاد

آیزنهاور در خاطرات خود می‌نویسد، در هشتم اکتبر ۱۹۵۳ در دفتر مخصوص قصد خودم را درباره کمک به ژنرال زاهدی «هم از طریق مالی و هم از راه مشاوره های عاقلانه» یادداشت کردم. همانسان که در ۱۹۱۳ وود رو ویلسن به کارانزای مکزیکی «سلاح اعطا کرد و درباره روش‌های خاص دموکراسی «ساختن کشور رأی زد» بیش از نیم قرن پس از آنهم لیندن جانسون به ژنرال های تی یوکی علاه بر دادن اسلحه، درباره استقرار در ویتنام جنوبی به نصیحت و مشورت می‌پردازد. از آنچه در ویتنام می‌گذرد آگاهیم، و هم دیده ایم که کارانزا چگونه اسلحه‌ها را گرفت و مشورت‌ها را نپذیرفت.

آنچه زاهدی پس از قبول اعتبارات آمریکا در ایران به انجام رساند چنین است:

هفت ماه پس از سقوط مصدق، زاهدی انتخابات را به انجام رساند، ماجرای انتخابات را مجله تایم آمریکائی اینطور شرح می‌دهد.^{۱۹}

«مدت سه روز شهر تهران برای انتخاب دوازده نماینده مجلس شورا رأی داد (...). بنا بر سنت ایران همه ماجرا یک چشم بندی قشنگ بود. دوازده منتخب خوشبخت پیش از آنکه نختسین انتخاب کننده رأی خود را به صندوق بیاندازد، انتخاب شده بودند. همه از جانبداران سرلشکر زاهدی بودند (...). انتخاب کننده ای رأی خود را به صندوق انداخت و سپس سه تعظیم بالا بلند به صندوق کرد و چون فلسفه تعظیم‌ها را از او پرسیدند گفت: این صندوق سحر و جادو می‌کند رأی را به اسم مصدق می‌اندازی و به اسم زاهدی در می‌آید.»

تایم به شرح ماجرا با توجه به نقشی که شعبان جعفری بازی کرده است ادامه می‌دهد. شعبان جعفری همان بزن بهادری است که آن دسته کذائی را در روز ۱۹ اوت براه انداخته بود تا موجبات قیام و سقوط مصدق را فراهم آورد. مجله آمریکایی می‌نویسد:

«مردی غول پیکر و ریشو به اسم شعبان جعفری در رأس شرکای چاقوکش، بی‌آنکه حتی منتظر اشاره حکومت شود، در چند حوزه رأی گیری به رأی دهندگان یورش برد. شعبان چاقوکش، ملقب به «بی‌مخ» را محله های جنوب شهر برخاسته و سابق بر این قهرمان کشتی بوده است. وی در گذشته زورش را

در خدمت مصدق گذاشته بود^{۲۰} و اداره روزنامه های مخالف را غارت می کرد. اکنون «بی مخ» «با اعلام وفاداری به زاهدی، قشون چاقوکشان را در حمله به حوزه های رأی گیری رهبری می کرد» وی مرتب رأی دهندگان را از صف خارج می نمود و جیب هایشان را کاوش می کرد و اگر رأیی یافت می شد که مشتمل بر اسامی مخالفان زاهدی بود، رأی دهنده یا زیر مشت و لگد خرد و خمیر می گشت و یا تن و بدن او کاردی می شد. و اگر پس از این مشت و مال زنده مانده بود، به نزدیکترین پاسبان تحویل داده می شد تا توقیف و روانه زندان گردد! گاه نیز شعبان موی سر قربانیان خود را می کند.

تایم به شرح زیر به نتیجه گیری می پردازد:

«در پایان یک روز سراسر عملیات، شعبان در کافه ای روی یک میبل لمید و دستور بستنی داد. ترازنامه عملیات دو روزه وی، پنجاه بستری «اغلب کمونیست» بود. وی می گفت «اگر هم ارتش و شهربانی را روی هم بگذاری، تازه ما از هر دو تا نشان بهتر کار کرده ایم». اردشیر زاهدی فرزند نخست وزیر می گفت: «من می دانم که شعبان کمی خشن است اما او ... مخالف کمونیست هاست.»

این شرح ماجرا از انتخاب در پایتخت ایران هنگامی بیشتر جلب توجه می کند که بدانیم تمامی رهبران مخالفان در زندان بودند. در واشنگتن لوئی هندرسن در همین سال نشان دیستنگشید سرویس اورد^{۲۱} از وزارت خارجه دریافت کرد. این نشان، پاداشی برای این سیاستمدار بود که نه تنها توانسته بود دموکراسی را در ایران مستقر سازد و راه بر کمونیسم سد کند، بلکه موفق شده بود دامنه حوزه منافع نفتی امپراطوری را به ایران نیز بکشاند.

امپراطوری نفت

یکی از نخستین کارهای حکومتی که جانشین حکومت مصدق شد، همانطور که «ایک» می نویسد، البته این بود که اختلاف نفت را حل کند و با کنسرسیومی که لوئی هندرسن، در فردای ملی کردن نفت پیشنهاد کرده بود^{۲۲} باید جانشین شرکت نفت انگلیس و ایران می شد، قراردادی امضا کند. به عنوان سپاس گذاری از نقش قاطعی که آمریکا در رفعت بحران بازی کرده بود، شرکت های آمریکائی، استاندار اوایل را که در شرکت نفت آرامکو، عربستان سعودی، سهمی

۲۰ - در واقع اینجا این مجله می خواهد به ملت ما توهین کند و بگوید زاهدی مخلوق دلارهای آمریکا و چاقوکشان نیست بلکه وضع در دوره مصدق نیز چنین می بوده است، برخی از محققان ایرانی هم با استناد به این منابع به خیال خود تحقیق و تتبع می کنند! حقیقت آنست که چاقوکشان همواره در اختیار دربار بوده اند و در تمامی دوران حکومت مصدق مأمور و مشغول حادثه آفرینی بوده اند. از جمله این حادثه آفرینی ها، حادثه 14 آذر و نیز توطئه 9 اسفند است. در 9 اسفند همین شعبان جعفری با تنی چند از افسران به خانه مصدق حمله کرد و در آهنی آنرا شکست وی توقیف شد و تا روز 28 مرداد در حبس بود. «ا. م.» قو

21 - Distinguished Service Award

۲۲ و صد البته، این نقشه و پیشنهاد از جانب حکومت ملی مصدق رد شده بود. «ا. م.»

بودند، به عضویت کنسرسیوم پذیرفتند. و سهام کنسرسیوم به این شرح تسهیم شدند:

شرکت نفت ایران و انگلیس	۴۰ %
رویا دوچ شل	۱۴ %
شرکت فرانسوی نفت	۶ %
شرکت های آمریکائی	۴۰ %

کمپانی های آمریکائی صاحب سهم عبارتند از استاندارد اویل اف کالیفرنیا، استاندارد اویل آف نیو جرسی، تکزاکو و سوکونی و اکیوم اویل کمپانی، یا به عبارت دیگر شرکت هائی که شرکت آرامکو را تشکیل داده‌اند.^{۲۳} قرارداد به سود شرکت های آمریکائی است و به سود شرکت نفت انگلیس و ایران هم هست و این به دو دلیل است: دلیل اول آنکه، این شرکت از ایالات متحده ۷۰ میلیون دلار به عنوان غرامت گرفت و دلیل دوم آنکه، هر چند که این شرکت عضوی از اعضای کنسرسیوم است، ولی پس از چند سال تولید نفت 4 برابر شده و درآمد سهام شرکت از این تولید بیشتر از درآمدی گردیده است که وقتی به تنهائی صاحب اختیار بود از نفت ایران می برد.^{۲۴}

در واقع، تولید نفت ایران در سلا ۱۹۴۷، ۱۵۵ میلیون باریل بوده. در سال ۱۹۵۴ به ۲۱/۵ میلیون باریل تنزل کرد و در سال ۱۹۵۸ به ۳۰۱ میلیون صعود کرد سپس در سال ۱۹۵۹ به ۳۵۴ میلیون و در سال ۱۹۶۳ به ۵۳۸ میلیون و در سال ۱۹۶۴ به ۶۱۸ میلیون بالغ گردید. قرارداد به حال دولت ایران هم مفید بود^{۲۵} این دولت ۵۰ درصد از درآمد کنسرسیوم را می بزد و این درآمد به جای ۲۵ تا ۳۰ درصدی بود که شرکت نفت انگلیس و ایران به مصدق پیشنهاد کرده بود^{۲۶} اما با توجه به ترکیب و ساخت قدرت در ایران، دست مردم از این درآمد کوتاه است و پشتیبانی از آن عاید کشور نمی شود.

ایجاد کنسرسیوم، خود مسئله ای ظریف از لحاظ حقوقی برای واشنگتن فراهم آورد. زیرا سهم شدن شرکت های آمریکائی، در یک شرکت مواجه با منع قانونی، قانون ضد تراست گردید. اما عالی ترین مراجع قضائی پا درمیانی کردند، تا این مانع را از سر راه گسترش امپراتوری نفتی آمریکا در دنیا بردارند. آیزنهاور در خاطرات خود می نویسد:

- ۲۳ - ARAMCO - متشکل از: استاندارد اویل اف کالیفرنیا Standard Oil of California سی درصد، استاندارد اویل اف نیوجرسی Standard Oil of New Jersey سی درصد، تکزاکو Texaco سی درصد، سوکونی و اکیوم Socony Vacuum ده درصد
- ۲۴ - این استدلال چندان پایه‌ای ندارد چون شرکت نفت می‌توانست به تنهائی تولید را 4 برابر کند و تمامی سود را هم خود ببرد و شریک (البته دزد!) نیز نداشته باشد. «ا.م.»
- ۲۵ - نویسنده فرنگی است و همه چیز را از دریچه عدد و رقم می‌بیند و در اندیشه استقلال و در نتیجه رهائی از قید سلطه نیست. «ا.م.»
- ۲۶ - این پیشنهاد به مصدق نشده است. مراد نویسنده همانطور که در آغاز همین قسمت گفته است قرارداد الحاقی است. دولت انگلیس مطابق اظهارات معاون پارلمانی اش در صدد عرضه پیشنهاد اصل 50-50 به رزم آراء و علاء بوده است، تا شاید از ملی کردن صنعت نفت جلوگیری شود (رک ص 118)

«بر اساس احتیاج آمریکا به موادی که دسترسی به آن ها، برای امنیت آمریکا ضرور است، وزارت دادگستری تصمیمی ویژه اتخاذ کرد و به موجب آن شرکت های نفتی آمریکائی، بی‌آنکه بیمی از تعقیب به استاد قانون ضد تراست داشته باشند، در کنسرسیوم شرکت کردند.»^{۲۷}

بدین سان همه چیز تحت نظم در آمد. یک رژیم منتخب با یک کودتای «مردمی» سرنگون شد و انتخاباتی «آزاد» نیز بر آن صحنه گذاشت.^{۲۸} کمونیست های ایران زندانی شدند و شکنجه دیدند و اعدام گردیدند و با آن ها، بسیاری از ناسیونالیست ها هم که با کمونیست ها ربطی نداشتند همین راه را طی کردند. شاهی «طرفدار غرب» به تخت باز نشاند. اصل قضیه، جلوگیری از ملی کردن بود زیرا ممکن بود که نمونه ایران، کشورهای دیگر را هم به تقلید برانگیزاند. انگلستان که مصدق می‌خواست دستش را کوتاه کند، موقعیت انحصاری خود را از دست داد، اما بار دیگر به محل پای گشود. شرکت های نفتی آمریکائی از قبل، از قید و بند قانون ضد تراست رها و از بیم تخلف از این قانون آسوده شدند تا بتوانند زمینه بزرگترین ثروت آمریکا «نفت» حوزه فعالیت و نفوذ خود را گسترش دهند. حکومت واشنگتن به جهانیان نشان داد که قادر است «کمونیسم» را در یک منطقه آشفته جهان واپس زند. وقتی پای اصل در میان است، چه باک از اینکه مصدق را بازیچه دست کمونیست ها بخوانند! به این دلیل که اینان از وی حمایت می‌کنند! مصدقی که سیاست مورد تعقیبش، سیاست در جزء و کل ناسیونالیست و ملت گرا بود «سیا» اثر بخشی خود را به ثبوت رساند و برای تبلیغ این ثمر بخشی با توسل به «گریز و طفره» اسناد آنرا در اختیار ساتردی اوپنینگ و نیز آندره تالی به هنگامی قرارداد که آندره تالی مشغول نوشتن کتابی به افتخار دوایر مخفی آمریکا بود.

تمامی عملیات، با موافقت کامل رئیس جمهوری آمریکا و جان فاستر دالس، وزیر خارجه، آلن دالس، رئیس «سیا» و کمپانی های نفتی آمریکائی انجام یافتند. این هم‌رئی و هم آوازی حکومت و دوائر مخفی و شرکت های بزرگ خصوصی، نمونه و طاق و تک است. روش‌های این هم‌رئی و هم آوازی بر همگان معلومند: فساد (ده میلیون دلار)، واژگون ساختن «حکومتی ملی» به دست حمیت ترین عناصر از قماش زاهدی و شعبان جعفری، انتخابات مخدوش. آری امپراطوری، حقاً، در گزینش وسائل و ابزار کار ناگزیر بوده است...*

۲۷ - آیزنهاور، همان کتاب، ص 166

۲۸ - خواندگانی که با نوشته‌های خارجی کمتر آشنائی دارند بد نیست بدانند که نویسندگان فرنگی با نهادن برخی کلمات در داخل « » قصد طعن و طنز خود را ابراز می‌کنند کودتای «مردمی» و انتخابات «آزاد» در این متن از این قبیل اند. «ا. م.»

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۲

روز یکشنبه هشتم مرداد ماه ۱۳۲۹

رئیس- آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق- بنده به نان و قماش اهمیتی نمی‌دهم. آن چیزی را که بنده اهمیت می‌دهم استقلال ایران است. یکی از حقوق مغضوبه ملت ایران که تابحال نتوانسته بدست آورد، استقلال تعرفه گمرکی است. هر وقت که دولت های مقتدر توانسته اند یک کسی را به دست آورند آنچه را از مجلس خواسته اند گرفته اند. بسیار متأسفم که مذاکرات بجا و مهم نمایندگان اقلیت را جناب آقای دکتر نصر وزیر دارائی در جلسه قبل مورد تلقی کردند.

در لایحه تجدید نظر در تعرفه گمرکی که مطرح است، دلیل منحصر بفرد ایشان برای دادن اختیارات به دولت این بود که ممکن است اشخاص محتکر و فاسد از مذاکراتی که در جلسه علنی می‌شود، سوءاستفاده کنند و تا لایحه در مجلس تصویب شود ضررهائی به مردم و دارائی مملکت بزنند. در صوتی که با چند دلیل عرض می‌کنم راهی که برای انجام مقصود در نظر گرفته اند، دفع فاسد پافسد است.

اول اینکه- ما نمایندگان وکیل در توکیل نیستیم که به دولت اجازه دهیم از طرف مجلس قانون وضع کند و اصل ۲۷ متمم قانون اساسی وضع و تصویب قوانین را از حقوق خاص اعلیحضرت همایونی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا قرار داده است. و اصل ۲۸ اینطور می‌گوید که:

«قوای ثلاثه مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود»

یعنی قوه مجریه حق تصویب قانون ندارد چنانچه مجلس شورای ملی این حق را به آن قوه دهد نقض اصول اساسی نموده است.

مجلس شورای ملی که باید حافظ قانون اساسی باشد نباید آن را نقض کند و آقای وزیر دارائی که دکتر در علم حقوقند باید به قانون اساسی احترام کنند و پیشنهادی که ناقض آن بشود.

دویم - دادن یک چنین اختیاراتی بر خلاف قانون بر فرض اینکه دولت مورد اعتماد جامعه بود، سبب خواهد شد که سابقه بدی ایجاد و حکومت ملی را متزلزل کند و دولت های بعد، از این قانون و یا نظایر آن سوء استفاده کنند.

سوم - نظر آقای وزیر دارائی این است که عده‌ای محتکر یا قاچاقچی در مدتی که لایحه مورد بحث و شور می‌شود ممکن است سوء استفاده کنند. در صوتی که عقیده من این است که از کمیسیون در بسته، بعضی از دُول ذی نفوذ استفاده خواهد کرد و این کمیسیون برای همین کار پیشنهاد شده است که تعرفه گمرکی سر بسته به نفع آن‌ها تجدید نظر بشود.

چهارم- بر فرض اینکه عده‌ای از اهل مملکت از جریان لایحه در مجلس سوء استفاده کنند، از دارائی مملکت چیزی کاسته نمی‌شود. ولی اگر تجدید نظر به نفع دیگران تمام شد، استفاده‌ای که آن‌ها می‌کنند از کیسه ملت ایران رفته است.

مجلس که به دو فوریت لایحه رأی داده است دیگر چه اشکالی دارد که چند روز دولت در هر جلسه آنقدر که ممکن است مجلس از عهده بر آید، پیشنهاد دهد و مجلس هم در همان جلسه مواد پیشنهادی را تصویب کند؟

در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین وارد خاک ایران شدند، مجلس ۱۳ تحت نفوذ آن‌ها قرار گرفت و به دکتر میلیسپو اختیار قانون گذاری داد که یکی از خدمات مجلس ۱۴ این بود که او از آن کار برکنار شود، و از آن اختیارات بر ضرر مملکت بیش از آنکه نمود، سوء استفاده نکند.

اکنون که آقای وزیر دارائی حریفان خود را از میدان بدر کرده اند، صلاح نیست که باز مجلس حق قانونگذاری را که از مختصات او است، از خود سلب کند و اینطور گفته شود که آقای وزیر دارائی از پیشنهاد این لایحه و دفاعی که جداً از آن می کنند، نظریات خاصی دارند.

در بعضی از جلسات صحبت بود که وکیل ملت کسی است که اعتبار نامه خود را از دست ملت گرفته باشد و هیچکس هم نیست که بگوید غیر از ملت دیگری به او اعتبار نامه داده است. به عقیده من وکیل ملت آن کسی است که در نفع ملت رأی بدهد و هر کس که بر ضرر ملت رأی داد ولو اینکه نماینده حقیقی مردم باشد، چون خیانت کرده است، از وکالت منعزل است.

و مردم از نمایندگانی که نفع خود را بر نفع جامعه ترجیح می دهند، بیزارند. تعرفه گمرکی که فعلاً اجرا می شود در سال ۱۳۲۰ بوسیله ۵ نفر از کارشناسان گمرک تهیه شده ولی از تصویب مجلس نگذشته است و آنوقت مجلس قانونی تصویب نمود که تعرفه مزبور اجرا شود.

در تعرفه جدید حقوق گمرکی و عوارض را یکجا نوشته اند در صورتی که فعلاً مالیات را به عنوان قانون جداگانه و حقوق گمرکی و سایر عوارض از قبیل حق انحصار قند و شکر و قماش هر یک تفکیکاً گرفته می شود. قانون انجمن های شهر حق مردم را برای مصارف هر شهر و عوارض از کالاهای وارد، مثلاً از واردات قند و شکر اخذ می کند.

چنانچه در شهرها از کالاهایی که عبور می کنند این قبیل عوارض اخذ شود قیمت مال التجاره تاز مانی که به مصرف برسد سر به جهنم می گذارد.

تعرفه جدید بجای اینکه عوارض را کم کند و باری از دوش مردم بردارد بین ۲۵ تا ۳۰ درصد آنرا بالا برده است. در صورتی که دولت مدعی است که می خواهد نرخ زندگی را تنزل دهد و از هزینه مردم بکاهد و این اضافات هم دلیلی ندارد مگر اینکه می خواهند عایدات نفت جنوب به مصرف سوق الجیشی برسد و کسر بودجه بر جامعه تحمیل شود.

کالائی که نفت جنوب از نظر استخراج وارد می کد بر طبق قرارداد از حقوق گمرک معاف است ولی نفت جنوب کالاهای دیگری هم وارد می کند که [در] تعرفه گمرکی این [کالاهای] از قبیل کالاهای مشابه است در صورتی که نفت جنوب می تواند احتیاجات خود را از محصولات داخلی تأمین کند هیچ مورد ندارد که حتی آجر را هم از ممالک دیگر خریداری نماید.

معلوم نیست که نکات معروضه، در تعرفه جدید رعایت شده یا نشده است. و اینکه جناب آقای وزیر دارائی فرمودند استتار سبب خواهد شد که قبل از تصویب

تعرفه وارد کنندگان از تعرفه جدید سوء استفاده نکنند عرض می‌کنم که تعرفه جدید با عضویت نماینده وزارت اقتصاد ملی، اداره بودجه وزارت دارائی و نماینده اتاق بازرگانی، زیر نظر آقای ظلی نماینده وزارت دارائی، تهیه شده و کافی است که عرض کنم یک داغ دل بس است برای قبیله ای. یگانه دلیلی که آقای وزیر دارائی اینجا برای نقض قانون اساسی آوردند این بود که اگر لایحه در مجلس مطرح شود، وارد کنندگان کالا از جریان آن مطلع می‌شوند و سوء استفاده می‌کنند. آقا یک چیزهایی بیشتر از حرف شما برای ما اهمیت دارد. آقا قانون اساسی به هیچیک از نمایندگان حق وکالت در توکیل نداده است. ما امروز اهمیت به قانون اساسی می‌دهیم، قانون اساسی به ما نمایندگان حق وکالت در توکیل نداده است. آقایان نمایندگان شما حق وکالت در توکیل ندارید. خودتان در این مجلس بنشینید قانون تصویب بکنید. حق وکالت در توکیل سبب شده است که دولت های دست نشانده خارجی، استقلال گمرکی ایران را در نظر نگیرند و تعرفه گمرکی ایران را به نفع بیگانگان تغییر بدهند. من وظیفه خود من را انجام می‌دهم، شما هم وظیفه خودتان را انجام بدهید.

رئیس - آقای وزیر دارائی

وزیر دارائی- اولاً می‌خواستم حضور آقایان عرض کنم در جلسه قبل وقتی که کلمه بیمورد ادا شد بنده بلافاصله عرض کردم که کلمه بیمورد در عرائض خودم، مقصود خودم بودم چرا؟ برای اینکه در آن موقع کارهایی که در وزارتخانه داشتم گذاشته بودم و اینجا آمده بودم به تناسب آن کارها و اهمیت شان عمل خودم را بیمورد می‌دانم بنابراین، این مطلب نیابستی مورد تکرر آقایان باشد (صحیح است) اما دو مطلب اساسی جناب آقای دکتر مصدق فرمودند یکی موضوع استقلال کشور و یکی دیگر حفظ قانون اساسی مثل اینکه دولت و سایر نمایندگان اکثریت متوجه به اهمیت استقلال کشور و حافظ قانون اساسی نیستند. اینطور نیست به عقیده من هر کسی که در این اتاق نشسته، در این مجلس شورای ملی نشسته و هر کس مسئولیتی در این دولت دارد اصلاً وظیفه اول او و فلسفه وجودی او فقط استقلال مملکت است (صحیح است) بنده نمی‌دانم چطور می‌شود یک دولتی سر کار بیاید رأی اکثریت مجلس را هم داشته باشد و مقصود این دولت از بین بردن استقلال و از بین بردن قانون اساسی باشد (مکی الان- همین‌طور است) چطور می‌شود یک دولتی برای یک لایحه تعرفه گمرکی که در تمام دنیا جریان از همین قرار است که ما داریم می‌کنیم اگر مشروطه و یا جمهوری و یا هر قسم که باشد (دکتر مصدق- کجا اینطور است اسم ببرید) جریان از همین قرار است که دولت تعرفه گمرکی را اجرا می‌کند و بعد می‌آورد مجلس چند روز است کلمه به کلمه در مقابل هر ایرادی توضیح می‌دهم و هر پیشنهادی را که متناسب با وضع خودمان تشخیص می‌دهم قبول می‌کنیم معذک می‌شود گفت که ما با استقلال کشور و قانون اساسی مخالفت می‌کنیم؟ برای دولت حفظ استقلال کشور و حفظ قانون اساسی بقدری مُسلم است که دیگر این را لازم نمی‌داند هر دقیقه شرح بدهد. بعد از اینکه این استقلال ثابت فرض شد و ثابت هم هست و ثابت هم خواهد بود و بعد از اینکه این قانون اساسی بخون یک عده

پیشروان این کشور ایجاد شد و محفوظ بوده و محفوظ هم خواهد بود و همه آقایان هم قسم خورده اند آنرا حفظ کنند، این امور که مسلم باشد باید وارد مرحله اجرا شویم و ببینیم برای مردم چه می‌کنیم. ولی اگر ما هر قدمی که بخواهیم بر داریم اگر بر بخوریم به این مطلب که قانون اساسی چطور خواهد شد یا استقلال چطور می‌شود، این صحیح نیست برای اینکه استقلال مملکت و قانون اساسی از امور مسلمه است. نباید هر دفعه استقلال مملکت و قانون اساسی را بهانه فرض کرد یا محل تردید قرار داد. تردید در استقلال این مملکت یعنی استدلالی که می‌شود معنی این است که استقلال این مملکت محل تردید است و همچو چیزی نیست. استقلال این مملکت محرز است به دست خود ماست. همکاری ما هم اینرا تثبیت خواهد کرد. سرعت ما در علاج بدبختی‌های کشور، فقط، سبب خواهد شد که خارجی در این کشور کمتر اعمال نفوذ کند (عده ای از نمایندگان- صحیح است) هر چه بیشتر ما حرف بزنیم و هر چه ما دیرتر اقدام کنیم، خودمان وسیله داده ایم برای اینکه خارجی در اینجا مداخله کند. بنابراین استدعا می‌کنم آقایان اقلیت، بخصوص جناب آقای دکتر مصدق که استاد بنده بودند و می‌دانند که عرایضی که می‌کنم در کمال صداقت است، التفات بفرمایند که دولت بهیچ وجه نظری ندارد و نمی‌شود هم داشته باشد که استقلال مملکت یا قانونی را زیر پا بگذارد. اینجا فقط موضوع تعرفه گمرکی است که آیا واردات را در این تعرفه گمرکی چطور انجام بدهیم که بهتر باشد. این چه ربطی به استقلال کشور ما دارد؟ ما اینک فرمودید حالا که پنج نفر راجع به این موضوع تعرفه گمرکی اطلاع دارند، چه مانعی دارد که پنجاه نفر اطلاع داشته باشند البته مانع زیادی ندارد ولی مصلحت نیست یعنی پنج نفر چون مستخدم دولت هستند تا حدودی می‌شود گفت که این حرف از این پنج نفر بیرون نمی‌رود و این تأکید هم شده و اگر برود هم به پنج نفر خواهند گفت ولی اگر آمد در این مجلس در مجلس سنا در کمیسیون‌ها و روزنامه، پشت سر هم صحبت شود عیناً ما تأثیرش را می‌بینیم یک ماده واحده اینجا مطرح شده و ما تأثیرش را در بازار می‌بینیم وای به آن روزی که خود تعرفه را بیاوریم این همان استقلالی است که جنابعالی می‌فرمائید به اینکه قبلاً از نظر ما اطلاع پیدا نکنند و اعمال نظر و مداخله نکنند مستلزم این است که این امر زود تر تصویب بشود ولی اینکه فرمودند که مجلس شورای ملی و وکیل در توکیل نیست این امر تعرفه سابقه دارد. مجلس شورای ملی ابداً حقوقی را از خودش سلب نمی‌کند و فقط اجازه می‌دهد که دولت این را در مدت شش ماه یا هشت ماه اجرا بکند و بعد هم بیاد به تصویب مجلس شورای ملی برساند (دکتر مصدق - همیشه همین حرفه را زده اند) ما با اجازه مجلس شورای ملی این کار را می‌کنیم و تصویب مجلس شورای ملی ضامن اجرای این تعرفه گمرکی خواهد بود و امروز هم این تصویب مجلس شورای ملی به ما اجازه می‌دهد که این تعرفه را اجرا بکنیم بدون اجازه ولت هم نخواستہ تعرفه را تغییر بدهد ما آمدیم مطابق قانون اجازه بگیریم تعرفه را عضو کنیم اگر آقایان اجازه بدهند خواهیم کرد و اگر بفرمائید نکند نخواهیم کرد و این چه تناقض با قانون اساسی دارد؟

رئیس - آقای جمال امامی بفرمائید.

جمال امامی- این لوابح وقتی که مطرح می شود، چون همه افراد این کشور چنانچه باید وظیفه شناس نیستند و از طرف دیگر چون دولت چنانکه باید و شاید مسلط بر اوضاع نیست، بدیختانه همیشه مورد سوء استفاده قرار می گیرد. از این نظر، بنده هم با آقای وزیر دارائی موافقم که این قبیل لوابح وقتی مطرح شد، فوراً یا باید تصویب شود یا نشود. و چون هر چه طول بکشد و کشدار بشود، مورد سوء استفاده یک عده‌ای قرار می‌گیرد و شما می‌آئید به یک ماده عوارض می‌بندید. زردچوبه قیمتش بالا می‌رود. و به اتومبیل عوارض می‌بندید، زردآلو قیمتش بالا می‌رود به ورق بازی عوارض می‌بندید، مَهر و تسبیح جلوی مسجد شاه قیمتش بالا می‌رود. این آقا مناسب نیست چون مردم سوء استفاده می‌کنند. و بنا بر این قبیل لوابح را باید در اطرافش کمتر صحبت کرد و فوراً در دسترس مردم گذاشت که مورد سوء استفاده قرار نگیرد. و گذشته از این دولت از شما تقاضا کرده است که به او اجازه بدهید یک عوارضی را با مطالعه خودش تهیه بکند. ما که نباید عوارض ببندیم. این را اجازه بدهید دولت خودش مطالعه بکند (دکتر بقائی - پس مالیات را دولت خودش ببندد) و از جناب آقای دکتر مصدق مختصر گله ای دارم. بنده ممکن است به صلاحیت یا نسبت به فرد فرد آقایان وزیران شبیه ای یا ایرادی داشته باشم ولی خدای نکرده به وطن‌پرستی این‌ها ایرادی ندارم. و هیچ جای شبیه ای ندارم، جناب آقای دکتر مصدق اجل و اعلی از این هستند ه بیایند در مجلس بگویند که فلانی دست نشانده اجنبی است. (دکتر بقائی - این عین روزنامه آمریکائی است که نوشته است دولت آمریکائی رزم آرا) غلط کرده (دکتر بقائی - این متن آنست که گراور کرده‌ایم چرا خودمان را گول بزنیم، این هم مقاله اکونومیست لندن) است. 8ده ای زانمایندگان- بیخود کرده) (دکتر بقائی- آقا مقاله را بگیرید بخوانید. نوشته‌اند و کرده اند این وضعیت در مملکت هست اسنادش را من در روزنامه چاپ کرده ام) به روزنامه استناد نکنید آقا.

رئیس- آقای دکتر بقائی، استناد کردن به روزنامه های چه شمال چه جنوب، چه آمریکا و حیثیت ملی را متزلزل کردن و این‌ها را گفتن، خوب نیست. غرور ملی ایران را از بین می‌برد. باید ملت غرور ملی داشته باشد. مگر با گفته‌های شما و نوشته‌های روزنامه های خارجی می‌شود.

دکتر بقائی- به چه صورت مثل این است که مردم نمی‌فهمند. آقا آمریکا به ما تحمیل کرده. به زور انگلستان کرده چه می‌گوئید آقا؟ این وضع در مملکت هست این اخبار رسمی است. تلگراف هم شده آقا.

جمال امامی- بنده فرمایشات جناب آقای رئیس را تأیید می‌کنم. یعنی تمام مجلس تأیید می‌کنند (عده از نمایندگان- صحیح است) و از آقای دکتر بقائی هم تقاضا می‌کنم این حرف‌ها را نزنند. اگر روزنامه نوشته فلان کس جاسوس است آیا جاسوس خواهد شد؟ از آقایان توقع داریم که چیزهایی را که در روزنامه نوشته‌های خارجی می‌نویسند، بر علیه خودمان مستمسک قرار ندهند.

گاهی ما می‌آئیم اینجا صحبت هائی می‌کنیم و شب آن‌ها را از رادیوهای بیگانه می‌شنویم. ما نباید مستمسک به دست دولت های بیگانه بدهیم. ما اگر امروز می‌گوئیم با دولت آمریکا دوست هستیم، برای این نیست که فرض می‌کنیم

دولت آمریکا و یا انگلستان حافظ منافع ما هستند. و اگر نباشند، ما هم دشمن آن‌ها هستیم. (مکی- آمریکا و انگلیس خودمانی اند) ما همان دشمنی را با آن‌ها داریم که با یک دشمن داریم (رئیس- این موضوع از بحث خارج است. مسئله تعرفه گمرکی مطرح است) آقای دکتر مصدق در اینجا فرمودند که این‌ها خیانت می‌کنند. بنده عرض می‌کنم نفرمایند خیانت. ممکن است بفرمایند این لایحه یا قرارداد را بیاورند و در کمیسیون خاص مطرح کنند، چون نسبت خیانت به افراد این مملکت شایسته نیست. در هر صورت بنده از مجلس شورای ملی تقاضا دارم بیش از این راجع به این لایحه بحث نفرمایند چونکه مورد نگرانی خود شما است، بیشتر می‌شود.

نورالدین امامی - احسنت، احسنت. بارک‌الله داداش

رئیس- پیشنهادی رسیده است که به پیشنهاد آقای دکتر مصدق با ورقه رأی گرفته می‌شود. (پیشنهاد به شرح زیر قرائت شد):
«پیشنهاد می‌کنیم به این پیشنهاد با ورقه رأی گرفته شود.» دکتر بقائی- آزاد- ملک - اللهیار صالح دکتر شایگان

رئیس- به پیشنهاد رأی گرفته می‌شود، با ورقه. آقایانی که موافقت، ورقه سفید و آقایانی که مخالفند، ورقه کبود می‌دهند
شمارش آراء بعمل آمد. نتیجه به قرار زیر بود:
ورقه سفید ۱۰ ورقه کبود ۲۱ ممتنع ۲۷ ورقه

اسامی موافقین: دکتر مصدق- آشتیانی زاده- حسین مکی- نریمان- کشاورز صدر- دکتر بقائی- اللهیار صالح- آزاد- دکتر شایگان- حائری زاده
اسامی مخالفین: دکتر علوی- گنجه‌ای- صدری، اقبال- برومند- دکتر طاهری- وهاب زاده- دکتر کیان- موقر- بزرگ‌نیا- حبیب‌پناهی- مهدی پیراسته- قبادیان- احمد حمیدیه- زنگنه- ظفری- معدل- فرشی- دولتشاهی- دکتر علی جلالی- گیو
ورقه بی اسم ۲۷ برگ

رئیس- پیشنهاد آقای دکتر مصدق، ده رأی موافق بود بنابراین تصویب نشد.

رئیس- آقای نخست وزیر

نخست وزیر- بنده خیلی متأسفم که یک موضوع مربوط به لایحه گمرکی که بحث اش در همه جای دنیا معمول است و ساده صورت می‌گیرد، منجر به بیاناتی در مجلس می‌شود که اهانت به اشخاص و مردانی است که برای این مملکت خدمت می‌کنند. جناب آقای دکتر مصدق در ضمن بیاناتشان که مربوط به لایحه گمرکی بود، منجر به این شد که اظهار بفرمایند که دولت یا وزرائی که امروز اینجا هستند و متصدی کار هستند، خارجی پرست یا با کمک خارجی روی کار آمده‌اند. یا استناداتی بدهند. در همه جای دنیا اقلیت و اکثریت وجود دارد و شاید لازمه زندگی هر کشوری هم وجود این دو باشد. ولی نیابستی وجود اقلیت یا اکثریت باعث از بین رفتن حیثیت اشخاص بشود. خوب است توجه کرد اشخاصی که امروز در مقابل شما نشسته‌اند، از روزی که متصدی کار بوده‌اند، کجا خیانت کرده‌اند؟ و کجا بر خلاف مصالح مملکت مان قدم برداشته‌اند؟ خوب است خدمات خودتان را با خدمات آن‌ها مقایسه کنید و در یک ترازو بگذارید. شما بلند شوید بگویند چه کاری، چه خدمتی در این مملکت کرده‌اید که اشخاصی که برای

مملکت خدمت کرده‌اند، خائن می‌خوانید؟ خدمت به حرف نیست. خدمت این است که بروید وظیفه شناسی خودتان را انجام بدهید. شما نگاه نکنید اشخاصی که خودشان را با هزاران مخاطره مواجه می‌کنند، نشسته‌اند و خدمت می‌کنند. آن اشخاصی که حاضر شده‌اند فداکاری برای این مملکت بکنند چه مراحل خطرناکی را طی کرده‌اند و چه مواقع خطرناکی متصدی امور بوده‌اند آیا آن‌ها حرف زده‌اند، گریه کرده‌اند؟ امروز مذاکره در لایحه گمرکی موجب این نیست که بیایند در اینجا نسبت به دولت و نسبت به اشخاصی که برای خدمتگزاری به میهن و مردم حاضر شده‌اند، اهانت بشود. نوشتن یک روزنامه خارجی در دست من و شما و نسبت همین مطالبی که شما اینجا اظهار می‌کنید فردا هم یک رادیوی خارجی به آن استناد خواهد کرد و آنرا مدرک خودش قرار خواهد داد. بنده تقاضا دارم از جناب آقای دکتر مصدق که خوب است اگر مطالبی دارند برای حیثیت و شرافت مملکت و بهبود وضع به طرزی بیان کنند که موجب اهانت نشود و نسبت به شخصیت و خدمت اشخاص حمله‌ای نشود.

موضوع دوم بیاناتی است که جناب آقای فرامرزی ...

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - تزکیه المرلنفسه قبیحه هر کس بگوید که خدمتی کرده‌ام لزوم ندارد. ما ایرانی هستیم اگر باید خدمت بکنیم نباید خودستایی بکنیم. خدماتی که هر یک از افراد حاضر به این مملکت کرده‌اند همه می‌دانند. بنده سی سال است با معلوماتی که داشته‌ام، یک پول از بودجه حقوق نگرفته‌ام و یک عده‌ای بودند که این‌ها همیشه روی کرسی وکالت بودند و یا روی کرسی وزارت و از کرسی وکالت به نخست وزیری رسیده‌اند. همه می‌دانند که چرا من همیشه خانه نشین بوده‌ام و آن‌ها همیشه در کار بوده‌اند. البته من خواسته‌ام به این مملکت خدمت بکنم، شرایط خدمت موجود نبوده است. آن‌هایی که خواسته‌اند خدمت بکنند، داخل در کار شده‌اند. و از مزایای استخدام دولتی استفاده کرده‌اند. من یک چیز به شما می‌گویم آقای سپهبد رزم آرا، چند روز قبل در اینجا من به شما پیشنهاد کردم^۱ که تمام مردم می‌گویند در وزارتخانه‌ها در تمام دوائر دولتی، دیانت نیست، صحت نیست، درستی نیست. این قولی است که جملگی بر آنند. من دیروز به ده رفته بودم این برنامه کاری که [کرد] این بود که گفت من گرد د.د.ت دارم و آنرا زده‌ام و من در ده پشه بسیار دیدم. معلوم شد که د.د.ت را فروخته و آب به دیوارها زده‌اند. شما بدانید که مملکت امروز محتاج به اصلاحات است و همه مردم می‌گویند و کسی نیست که در روزنامه نخواند و نشنود که ادارات ما کار صحیح نمی‌کنند. من پیشنهاد کردم به شما گفتم شما که می‌خواهید اصلاحات بکنید اول از وزارت جنگ شروع کنید. کی بود از این نمایندگان که حاضر بشود برود به این وزارتخانه‌ها و تفتیش کند؟ ما نمایندگان اقلیت حاضر شدیم که در این گرمای تابستان برویم آن وزارتخانه جنگی که شما آنقدر رجز خوانی و تشویق می‌کنید، تفتیش بکنیم. از دو حال خارج نبود یا می‌رفتیم و می‌گفتیم که چیزهایی هست و شما که طالب اصلاح بودید به مقصود می‌رسیدید. اگر چیزی

غیر از این بود بنده عرض می‌کردم. ولی قسم می‌خورم به تمام مقدسات عالم که هیچیک از این آقایان که اینجا نشسته‌اند حاضر به این خدمت نبودند (جمال امامی- آقا چرا قسم دروغ می‌خورید) می‌خواستید بروید چرا نکردید؟ من در آن مجلس خصوصی گفتم که یک کمیسیون پنج نفری تشکیل بشود و برود ادارات دولتی و وزارتخانه‌ها را تفتیش بکند این حرف من در کمیسیون سینا مؤثر واقع شد ولی در این مجلس شورای ملی مورد توجه واقع نشد. در هر حال اگر شما این امر را توجه کرده بودید، اگر ادوار تقنینیه به وظایف خود عمل کرده بودند، هرگز این جریان در مملکت پیدا نمی‌شد. جناب سپهبد شما می‌بایست این لایحه را فوراً امضاء بکنید و بگوئید دکتر مصدق از تو ممنونم که با نیت من همراهی می‌کنی، از تو ممنونم که با نظریات من موافقت می‌کنی و مفت و مجانی با خیال من مساعدت می‌کنی، بیانیید در وزارت جنگ به موجب این پیشنهادی که کرده بودید تفتیش بکنید آنوقت از دو حال خارج نبود یا می‌آمدیم و می‌گفتیم آنجا چیزی نیست فرمایش شما صحیح است افکار مردم تسکین پیدا می‌کرد، و یا می‌آمدیم می‌گفتیم اشخاصی در اینجا اختلاس کرده‌اند، شما آن‌ها را تعقیب می‌کردید. جواب من این نبود که به من وزیر جنگ در این مجلس بگوید که شما دزد را به دست من بدهید تا من مجازات بکنم من برای سربازان چای تهیه کرده‌ام، من برای آن‌ها نانی تهیه کرده‌ام که شما هم نمی‌خورید و عمرتان ندیده‌اید. این‌ها یک حرف‌هایی است که برای مردم عوام بسیار خوب است ولی برای آن مردمانی که به باطن نگاه می‌کنند و حقایق را می‌بینند این حرف‌ها دو پول ارزش ندارد.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۶

روز پنجشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۲۹

«بیانات قبل از دستور آقای دکتر مصدق»

رئیس- آقای دکتر مصدق بفرمائید

دکتر مصدق- در دو موضوع می‌خواهم عرایضی بکنم: یکی راجع به زندانیان سیاسی است و دیگری راجع به اجرا قانون تصفیه کارمندان دولت، مصوب اول تیر ماه ۱۳۲۸

راجع به زندانیان سیاسی قریب دو ماه است که نمایندگان جبهه ملی از همین دولت سئوالی کرده تا کنون، بر خلاف ماده ۱۶۹ آیین‌نامه داخلی که باید در ظرف یک هفته جواب داده شود، برای جواب حاضر نشده و جناب آقای سپهبد، رئیس دولت، به این فتاعت کرده‌اند که در تاریخ ۱۹ تیر ماه ۱۳۲۹ به این‌جانب مرقوم فرمایند: «از زندانیان سیاسی قبلاً هم نامه‌هایی رسیده و نسبت به مطالب آن در موقع خود اقدام شده است. و بطوریکه مقامات مربوطه اطلاع می‌دهند، شاکیان که از سران حزب منحل توده می‌باشند، از طرف دادگاه نظامی محکومیت یافته‌اند و چون رفتارشان در زندان رضایت‌بخش نبوده و از طرفی

زندانی مرکز گنجایش آن عده را نداشته است از اینرو به زندان های ولایات منتقل گردیده اند که عذر بدتر از گناه است. زیرا گذشته از اینکه عمل تبعید دولت بر طبق ماده ۸ مجازات عمومی یک مجازات مستقل و خاصی است که باید بر طبق حکم محکمه صالحه آن نسبت به اشخاص اجرا شود، وضعیت آن ها در زندان طوری است که گویی دولت آن ها را محکوم به مرگ نموده است. چون که زندانیان سیاسی یزد در ۱۸ مرداد به این جانب اینطور نوشته اند: پاسخ نامه اداره شهربانی، نامه اخیر اداره کل شهربانی بیشتر از هر موقعی، ماهیت ریاکار پلیس را آشکار می سازد و پرده از روی عملیات گُبلز منشان بر می دارد.

در این نامه، شهربانی کل ادعا می کند: «محل مناسبی که وسعت کافی داشته باشد» برای ما در نظر گرفته شده است. در صورتی که ما در همان زندان ۶ در ۷ متری بسر می بریم که طی نامه های عدیده خود، از وضع بد آن به مناسبت تنگی و عفونت و گرمای طاقت فرسا، یاد نمودیم و منتظر زمستان شدید به لحاظ دیوارهای بلند، در دخمه های بی آفتاب آن می باشیم.

این زندان همان زندان قلعه کهنه است که گزارش بازرس اعزامی شهربانی کل (بطوریکه نامه شهربانی کل حاکی است) درباره آن، دستگاه مذکور را که پایه ظلم و عدوان و قتل امثال دکتر ارانی ها و مدرس ها و فرخی هاست، و ادار به تصدیق وضع غیر قابل تحمل ما نموده.

بدیهی است که شهربانی پس از اقرار به قسمتی از جنایات ارتكابی، بجای آنکه اقدام کوچکی مبذول دارد و زندان ناسالم ما را تغییر دهد، وقت را به نامه پرانی های ساختگی و مزورانه می گذراند. در حینی که شهربانی کل کشور، در نامه یاد شده صریحاً به دروغ از تغییر محل ما «به جای مناسب» یاد می کند و به مکاتبات تصنعی با شهربانی یزد می پردازد، عده کثیری از ما بر اثر گرمای شدید، به شهادت دفتر صحنی زندان، مبتلا به اسهال مزمن گردیده ایم. جوانترین ما آقای غریبان ۱۷ ساله به علت عوارض گرما، مبتلا به خفقان قلبی و حملات عصبی شده و اکنون در وضع خطرناکی قرار گرفته. گواهی دکتر شهربانی که کتباً علناً از «عوارض قلبی از قبیل گرفتگی و طپش که بطور حمله مشاهده می شود» یاد می کند و ابراز می دارد که «حالت عمومی مشارالیه خوب نیست» و انتقال وی را به بیمارستان می خواهد، همه تدلیس های شهربانی کل کشور یعنی اداره های که شما نامه ما را عیناً به آنجا ارسال می فرمائید، خنثی می کند.»

و من تصور نمی کنم این دولت کذانی و مدعی اصلاحات آنقدر عاجز باشد که نتواند بقدر یک زندان یزد جا و محل در زندان پر عرض و طول تهران برای آن ها تهیه کند و زندان تهران هم آنقدر بی انضباط باشد که از سوء رفتار چند نفر زندانی جلوگیری نماید.

بنابراین تمنا دارم که جناب سپهبد جواب این سؤال را بفرمایند.

۱- که در زندان یزد چه محلی را برای آن ها تهیه کرده که در تهران از تهیه

آن محل عاجز بوده اند

۲- و در آنجا چه انضباطی بکار رفته که در زندان مرکز نتوانسته اند آنرا برقرار نمایند.

عرض دیگر بنده راجع به اجرای قانون تصفیه کارمندان دولت است مستور نیست که یکی از جهات تصویب این قانون یاسی است که مردم از دادگستری دارند و همه می‌دانند که قسمت مهمی از اوقات مجلس ۱۴ صرف ارجاع پرونده دو وزیر به دیوان کشور شد. و آن دیوان با آنهمه تلگرافاتی که در پرونده بود و حکایت از دخالت دولت در انتخابات و حتی تهدید مأمورین محل می‌نمود آن دو وزیر را از مجازات رها کرد و علت آن هم بر هر کس که اندک اطلاعی از جریان سیاست دارد معلوم و این است که اگر آن دو وزیر در دیوان کشور محکوم می‌شدند دیگر وزیری قادر نبود که در انتخابات دخالت نماید.

بنابراین وضعیت مملکت ایجاب نمود که دست عده‌ای اشخاص خائن و فاسد و غارتگر را بدون محاکمه از دخالت در امور دولت کوتاه نمایند.

و قانون مزبور متصدیان امور دولت را به سه و یا باصطلاح امروز به سه بند تقسیم نمود که من با بند الف مخالفم زیرا اصل این است که کلیه مستخدمین مورد اعتمادند مگر اینکه خلاف آن به ثبوت رسد. بنابراین ضرورت نداشت که اکثریت قریب باتفاق مستخدمین را هم در یک بندی بگذارند و برای آن‌ها امتیازی قائل شوند که اکثریت آن‌ها این استحقاق را ندارند و یک عده از آن‌ها هم می‌بایست در بند ج گذارده شده باشند که من نمی‌خواهم در این جلسه اسمی از آن‌ها ببرم. بنابراین از بند الف صحبت نمی‌کنم و نظریات خود را در خصوص بن ب و ج به عرض می‌رسانم. بند ج از این قرار است:

«تعیین کارمندانی که برای دولت مفید نبوده و شایستگی برای خدمات دولتی ندارند و مشمول قانون بازنشستگی هم نیستند.»

بر طبق این قسمت از ماده اول از قانون هیئت تصفیه مجاز بوده که عده ای از کارمندان دولت اعم از قضات و نمایندگان مجلسین را که قبل از انتخابشان به سمت نمایندگی کارمند رسمی دولت بوده و بعد از خاتمه دوره وکالت باز می‌توانند کارمند دولت باشند وارد بند جیم و آن‌ها را از حق کارمندی محروم نماید و بر طبق قسمت دیگر از ماده اول قانون که عیناً نقل می‌شود: «تعیین کارمندانی که وجود آن‌ها فعلاً در خدمات دولت لازم نیست ولی ممکن است بعد در کارهای تولیدی و انتفاعی و فرهنگی از آن‌ها استفاده شود.»

باز به هیئت تصفیه اجازه داده شده آن عده از کارمندان که وجودشان در خدمات دولتی فعلاً لازم نیست در بند ب بگذارد.

بطور خلاصه قانون به هیئت تصفیه این حق را داده و دولت بهیچ وجه حق اظهار نظر ندارد و بر طبق ماده 5 قانون دولت مکلف بوده، پس از ابلاغ، آنرا اجرا نماید.

و نظر به اینکه در تاریخ دوم مرداد ماه ۱۳۲۹ هیئت تصفیه قانون را ابلاغ نموده ولی دولت آنرا به‌موقع اجرا نگذاشته، دولت مشمول مقررات قانون مجازات عمومی است و هر یک از نمایندگان حق دارند بر علیه دولت اعلام جرم نمایند.

و جای بسی تعجب است از این دولت که خود را به جامعه مقدم برای اصلاحات معرفی نمود ولی از بدو تشکیل تا کنون کوچکترین کاری نکرده است و اوقات گرانمایه‌های مملکت را صرف در اموری نموده که اساسی نیست و اگر هست مملکت را دچار خاطر می‌نماید.

کارهای اصولی تجدید نظر در قانون انتخابات و مطبوعات و حکومت نظامی و امثال آنها است که مرام اصلی و عمومی کلیه دستجات و فرق سیاست است که دولت کمترین تمایلی به این امور نشان نداده و بر عکس شهرت دارد لایحه قانون مطبوعات را که دولت سابق روی اصرار و ابرام نمایندگان جبهه ملی به مجلس داد و در کمیسیون مجلس سنا تصویب شده بود آقای رزم آرا استرداد نموده است. هیچکس منکر نیست که امور محلی تحت نظر اهالی انجام شود ولی مادامی که مردم نتوانند نمایندگان انجمن‌های شهر خود را انتخاب کنند، آیا تشکیل انجمن‌های ایالتی سبب نخواهد شد که یک دستگاه فاسد دیگری هم در ده نقطه مملکت به نفع بیگانگان بکار افتد و تمامیت و استقلال مملکت را دچار خطر نماید؟

تصمیمات هیأت تصفیه هر قدر مستحق انتقاد باشد، ۹۰ درصد آن مورد توجه افکار عمومی است و برای ده نفر که معلوم نیست هیئت تصفیه روی چه اصلی آنها را در بند ب و ج قرار داده یکچنین عملی را نمی‌بایست لغو نماید. هیچکس منکر نیست اگر عده‌ای مظلوم واقع شده در کار آن تجدید نظر نشود ولی ملت ایران مخالف است که آقای سپهبد رزم آرا اشخاصی را که استحقاق داشته‌اند از بد ب و ج رها نمایند.

باید نظر هیئت را محترم شمرد تا دیگران هم بتوانند در نفع مملکت اظهار عقیده نمایند. و چنانچه تصمیمات این هیئت اجرا نشود دیگر کسی قادر خواهد بود که خود را دچار خطر و در معرض بی‌احترامی و دشنام دسته‌ای مستحق مجازات نماید.

نتیجه فرمایشات اعلیحضرت همایونی در آمریکا راجع به تحول فقط این شد که دست عده‌ای خائن و غارتگر و ناشایسته از امور دولت کوتاه شود. و من از آقای نخست وزیر سؤال می‌کنم آیا عدم اجرای تصمیمات هیئت تصفیه سبب نخواهد شد که کوس رسوائی ما را نه تنها در این کشور بلکه در بازارهای دنیا بزنند و کار اقتصادی ما بجائی منجر شود که هیچ دولتی نتواند با ما کمترین مساعدتی بنماید؟

جهات معروضه سبب شد که نمایندگان جبهه ملی تصمیم بگیرند تا زمانی که این دولت تصمیمات هیئت تصفیه را اجرا نکند با آن قویاً مخالف و کار به هر کجا که رسد هراسی نکنند و تا آخر درجه امکان مبارزه مقاومت نمایند. چنانچه از طرف نمایندگان پاک و خیرخواه مجلس تقویت نشوند، از مجلس کناره‌گیری کنند و مسئولیت انحلال این مجلس را که کاملاً مفترض خواهد شد، به گردن آن نمایندگان بگذارند که در تشخیص موقع و صلاح مملکت یا عاجزند و یا بواسطه سوء استفاده از این دستگاه، گوش خود را به حرف حساب مقروض نمی‌دانند و چشم‌های خود را به روی مملکت و هموطنان بسته و جز نفع شخصی چیزی در نظر ندارند.

آقایان محترم در خاتمه به یک کلمه قناعت می‌کنم و آن این است که نتیجه عدم اجرای تصمیمات هیئت تصفیه انقلاب است.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۷

روز یکشنبه، نوزدهم شهریور ماه ۱۳۲۹

«بیانات قبل از دستور آقای دکتر مصدق»

دکتر مصدق - لازم است که باستحضار آقایان نمایندگان برسانم که دیشب در منزل جناب آقای صالح بین بنده و آقای سپهبد رزم‌آرا ملاقاتی دست داد و مذاکراتی شد که لازم است به اطلاع آقایان نمایندگان برسانم. و اگر از حدود مقررات تجاوز بکند، اجازه بدهند که بنده عرایض خود را تمام بکنم. اگر اجازه می‌دهید شروع بکنم و اگر اجازه نمی‌دهید که هیچ ...

نورالدین امامی - حالا از یک ربع استفاده بفرمائید تا بعد ببینم چه می‌شود.

عده‌ای از نمایندگان - بفرمائید.

رئیس - بفرمائید مانعی ندارد.

پس اگر ما تشکیلاتی در ولایات بدهیم، با اوضاع کنونی که نمایندگان آن ها را اهل مملکت انتخاب نمی‌کنند وضعیت بعضی از ولایات از کار بحرین بهتر نمی‌شود. و تشکیلات انجمن های ایالتی که آقای سپهبد رزم آرا تا این درجه اصرار و پافشاری می‌کنند، نه در نفع اهالی است و نه در نفع مملکت. در نفع مردم نیست برای اینکه اشخاص قوی و صاحب نفوذ در انجمن های ایالتی وارد می‌شوند و تلقینات خارجی سبب می‌شود که فکر استقلال را در مغز خود پرورش دهند در صورتی که اکنون مردم ولایات فقط آرزو دارند که انجمن های شهر را خود انتخاب کنند و کارهای راجع به نظافت و روشنایی شهرها بر طبق انتظار آنان عملی شود.

آقایان نمایندگان [که از] هر کسی بیشتر استفاده حیثیاتی می‌کنند، راضی نخواهند شد که به این لطایف الحیل، مملکت باستانی ایران را تفکیک و تجزیه بکنند. ما هیچوقت نگفتیم که کار مردم تا آنجا که سکت به استقلال و تمامیت مملکت نخورده، دست مردم داده نشود. ما می‌گوئیم دولت ایران در انتخابات شهرداری اقدام کند اگر توانست اهالی را به آرزوی خود نائل کند، آنوقت در تشکیل انجمن‌ها، پس از تجدید نظر در قانون، اقدام کند. مردم نه کورند، نه کر. و همه می‌دانند وقتی که جناب سپهبد با این دلایل منطقی باز از تشکیل انجمن‌ها دل نمی‌کنند و صرفنظر نمی‌کنند، نظریات ایشان از چه منبعی آب می‌خورد و از چه مقامی کسب فیض می‌کند

اینها مطالبی بود که نفع آنها عاید مملکت و اهالی محل می‌شد اکنون لازم است مطالبی عرض کنم که نفع آن ها مستقیماً عاید مأمورین دولت است امروز در این عالم اختلاف بین دو دسته است که یکی دُول دموکرات است و دیگری کمونیست و هر مملکتی که تحت نفوذ یکی از این دو دسته اداره می‌شود یا دموکرات یا کمونیست است ولو این که عقیده اکثریت مردم با رژیمی که این ها را اداره می‌کند مطابقت نکند تا سی سال قبل اصول کمونیسم یک تئوری بیش نبود ولی سوء سیاست دُول دموکرات سبب شد که آن تئوری تدریجاً پا به دایره عمل نهد بطوری که اکنون قریب نصف نفوس عالم تحت رژیم کمونیسم اداره می‌شود دُول سرمایه داری می‌خواهند با همان اسلوب کهنه دنیا را اداره کنند یعنی با مردم نفع پرست، خائن و جاه طلب و بی شخصیت بسازند و آن ها را بر اوضاع مملکت خود مسلط کنند.

تا اینکه بتوانند مقاصد نامشروع و نا مطلوب خود را عملی نمایند در صورتیکه حق این بود که تمام ممالک از همان رویه ای که دولت انگلیس بعد از جنگ دوم بین المللی پیروی نمود پیروی کنند همه می‌دانند که بعد از جنگ مزبور ملت انگلیس جناب چرچیل فاتح جنگ را کنار گذاشت و کار را به دست حکومت کارگر داد. و حکومت مزبور توانست تا درجه‌ای در این مملکت عدالت اجتماعی برقرار کند و حربه را از دست مخالفین دُول دموکرات بگیرد در صورتی که در ممالک شرقی دُول دموکرات امثال رزم آرا را که مصدر کار نبوده‌اند و کمترین اطلاعی از سیاست ندارند و بوئی از آزادی به مشام مبارکشان نرسیده است مصدر کار می‌کنند و کار این مملکت را بجائی می‌رسانند که حقیقتاً موجب بسی تأسف است همانطوری که به تجربه ثابت نمود دولت انگلیس در این

عمل موفق شد و بدون انقلاب اوضاع اجتماعی خود را تغییر داد سایر ممالک هم باید همین رویه را تعقیب کنند تا بیچارگی مردم و بدبختی آن‌ها تخفیف پیدا کند و از عده ناراضی که علت اصلی انقلاب است کاسته شود و اصلاح امور هر محل تنها در نفع اهالی نیست بلکه بیشتر در نفع دُول دموکرات است او برای اجرای این مقصود فقط و فقط لازم است، که آن‌ها چهار روز جنگ را ندیده بگیرند و طمع خود را در این ممالک کمتر کنند آن دُولی که می‌خواهند از تشکیلات انجمن‌های ایالتی جنوب استفاده کنند باید بدانند که مخالفین آن‌ها هم می‌توانند از همان تشکیلات در شمال استفاده کنند و این کار سبب خواهد شد که ایران گرفتار همان سرنوشتی بشود که دولت گُره اکنون گرفتار آن شده است وضعیت جغرافیای ایران ایجاب می‌کند که دُول دنیا از مجاور و غیر مجاور در امور ما دخالت نکنند و ما را به حال خود بگذارند و ما را تقویت کنند تا ما بتوانیم با فراغت خاطر فکری برای خود بکنیم و اوضاع اقتصادی خود را به صورتی در آوریم که از بدبختی و بیچارگی مردم کاسته شود من یقین دارم که هرگونه دخالتی از طرف دُول بزرگ دنیا در این مملکت سبب خواهد شد که آتش جنگ بین‌المللی سوم از این کشور زبانه کشد تشکیلات انجمن‌های ایالتی که معلوم نیست دولت به امر کدام دسته در این کار پافشاری می‌کند و گوش خود را مدیون به حرف حساب نمی‌داند، یگانه راه اصلاح این نیست که نمایندگان جبهه ملی چشم بسته با نظریات دولت موافقت کنند و در مجلس از دولت احترام نمایند بلکه برای اصلاحات کارهای دیگری هست که تشکیل انجمن‌ها اگر اغراض نباشد در مرتبه دهم واقع است از قبیل تجدید نظر در قانون انتخابات و مطبوعات و حکومت نظامی و اجرای تصمیمات هیئت تصفیه و غیره. چون سؤال از آقایان نمایندگان محترم ممنوع است لذا من از خود سؤال می‌کنم که اگر مردم نتوانند انجمن‌های شهر خود را انتخاب کنند و در انجمن‌های شهر کسانی وارد شوند که مسلط بر جان و مال و عرض و آبروی مردم شوند از تشکیل انجمن‌های ایالتی اهالی غیر از ضرر چه استفاده‌ای می‌توانند بکنند.

و اما راجع به قانون تصفیه کارمندان دولت همه می‌دانند که یکی از اصلاحات اساسی کوتاه کردن دست یک عده مردم دزد و خائن و جاه طلب از ادارات دولتی و بیت المال است. در مجلس پانزدهم که نمی‌خواهم از علت آن چیزی عرض کنم قانونی گذشت که وضعیت این دسته از مردم را تشخیص دهد و اشخاصی حاضر شدند که نهایت فداکاری را بکنند و جان و آبروی خود را در معرض خطر و توهین اشخاص بد کردار قرار دهند و به اقرار خود آقای رزم آرا در شب قبل که فرمودند 85 درصد تصمیمات آن هیئت صحیح و فقط در 15 درصد آن بی‌عدالتی شده است که محتاج به تجدید نظر است در این صورت آیا سزاوار است در این مملکت که اصولاً مردم رویه محافظه کاری پیش گرفته‌اند 85 از بند رها شوند و علت را هم اینطور آقای رزم آرا ذکر کنند که قضات و وزراء مشمول قوانین خاصی می‌باشند. تصمیم هیئت تصفیه مربوط به ایامی است که آن‌ها وزیر نبوده‌اند و بعد می‌خواهند در ادارات دولتی باز وارد شوند منتظر کردن یک عده و یا باز نشسته نمودن آن‌ها فقط از این نظر است که آقای رزم آراء خواسته‌اند دزدان و غارتگران را بر خلاف مقررات قانون، از بندهای

(ج) و (ب) خلاص کنند. و این کار از وظایف دولت نیست. بر طبق ماده 5، می بایست بلادرنگ تصمیمات هیئت تصفیه را اجرا کند و بعد برای اشخاصی که به قول خودشان، عمداً یا به قول اشخاص دیگر، سهواً در بند (ب) و (ج) وارد شده باشند، محکمه تجدید نظر و قضاوت کند. و چنانچه دولت قانون را اجرا ننمود و دست سارقین بیت المال را از کار کودتا نکرد هیچکس نیست که نگوید این دولت با آن‌ها موافق است و نتیجه این می‌شود که دُول عالم برای ملت ایران ارزشی قائل نشوند و کوچکترین مساعدتی با دستگاه فاسد ما نکنند در خاتمه این چند کلام را جناب آقای رزم آرا خطاب عرض می‌کنم دولت هر قدر به قانون و افکار عمومی احترام کند همانقدر می‌تواند به مملکت خدمت نماید. شما که به افکار عمومی اهمیت نمی‌دهید کوچکترین خدمتی به این مردم نخواهید کرد و باز بطور اختصار از سئوالی که در جلسه قبل راجع به خدمات من در عمر به مملکت فرموده اند عرض می‌کنم جناب آقای تیمسار من در مدت عمرم خدمتی جز اینکه با اشخاص دزد خائن و جاه طب مبارزه کردم، ننموده ام این هم اعلان جرمی است که بر علیه جنابعالی و آقای بوذری که خودشان مشمول بند (ب) هستند تقدیم مجلس می‌شود در خاتمه عرض می‌کنم که ما نمایندگان جبهه ملی شدیداً به اصلاحات این مملکت علاقمند هستیم. هر دولتی که بخواهد شانه از این کار خالی کند با آن وزیر و آن دولت در این مجلس قویاً مبارزه می‌کنیم و این بیانات جنابعالی را که فرمودید من حرفی ندارم که اعلام جرم هم بدهید ولی حرف‌های خارج از نزاکت ننزید، در نزد ما مقبول نیست. ما با آن دولتی که به افکار عمومی توجه نکند، آن دولتی که بخواهد پرده پوشی در کار سارقین اموال اجتماعی بکند، شدیداً مبارزه می‌کنیم و از هیچکس باک نداریم و هر صورتی در این مجلس پیدا می‌شود بشود. ما از این مجلس اگر رفتیم افتخار ابدی در دفتر خدمت ما نوشته می‌شود.

رئیس- هر چند وارد دستور نشده بودیم، ولی اعلام جرم به کمیسیون عرایض رجوع می‌شود که موافق آیین‌نامه عمل بکنند.

«بیانات آقای فولادوند به عنوان اخطار نظامنامه ای»

رئیس- وارد دستور می‌شویم. آقای فولادوند به موجب ماده ۱۱۰ تذکری دارند. بفرمائید.

غلامرضا فولادوند- جناب آقای فرامرزی ضمن اظهاراتشان، اینطور که بنده متوجه شدم، تصور می‌کنم یک موضوعی را فرمودند ...

(در این موقع عده‌ای از آقایان وزراء وارد تالار شدند)

مکی - بوذری بند (ب) را حق ندارند بیاورند به مجلس. (زنگ رئیس)
یک نفر از نمایندگان- کی را بیاورند؟

مکی- وزراء دزد حق ندارند بیایند مجلس. (همهمه نمایندگان)

دکتر مصدق- آقا، ما می‌خواهیم قانون اجرا شود (زنگ رئیس)

کشاورز صدر - آقا بنده طبق ماده صد اخطار دارم
آزاد- بوذری حق ندارد بیاید (زنگ رئیس)
دکتر مصدق- قانون گذشته، نمی‌تواند بیاید (همهمه نمایندگان)
مکی - وزیر یی که تحت استیضاح است از مدتش هم گذشته حق ندارد بیاید
(زنگ رئیس)
فولادوند- آقای مکی من استدعا می‌کنم عرایضم را بپذیرید بعد هر چه می‌خواهید
بفرمائید.

مکی - تمام جنایات مملکت را بوذری کرده او حق ندارد بیاید به مجلس. باید بلند
شود برود بیرون و من ثابت می‌کنم.
دکتر مصدق- قانون باید اجرا شود.

مکی - بوذری حق ندارد بیاید در مجلس باید برود بیرون (زنگ رئیس)
فولادوند- بعد از اظهار بنده هر ایرادی دارید هر اعتراضی دارید بفرمائید حرف
من این است که آقای فرامرزی ...

کشاورز صدر- آقای رئیس بنده طبق ماده ۱۰۰ اخطار دارم.

مکی - آقای بوذری باید بروند بیرون.

تیمورتاش- حق ندارید این حرف‌ها بزنید.

فولادوند- شما هر ایرادی داشته باشید بنده هم با شما شرکت می‌کنم من استدعا
کردم از جناب آقای دکتر مصدق که به عنوان حق اظهار، حق نطق به من اجازه
بفرمائید، حرف من این است که آقای فرامرزی ضمن اظهاراتشان ...

آزاد- آقای فولادوند ایشان حق ندارند بیایند در مجلس

فولادوند- من راجع به خودم حرف می‌زنم راجع به دیگر صحبتی ندارم ...

«معرفی آقایان وزرای امور خارجه - کار - راه - پست و تلگراف بوسیله آقای
نخست وزیر و

بیانات ایشان در جواب مطالب قبل از دستور»

رئیس - آقای نخست وزیر بفرمائید.

نخست وزیر- بنده بدو می‌خواستم از مجلس شورای ملی اجازه بگیرم و آقایان
وزرائی که تا بحال معرفی نشده بودند، معرفی بکنم. جناب آقای رئیس به سمت
وزارت امور خارجه منصوب شده‌اند معرفی می‌کنم. (مبارک است) جناب آقای
فروهر به سمت وزارت کار (مبارک است) جناب آقای مهندس شریف امامی به
سمت وزارت راه (مبارک است) جناب آقای مهندس اشراقی به سمت وزارت
پست و تلگراف و تلفن (مبارک است) (اسلامی- وزارت کشور هم اوضاعش
خیلی بد است. فکری بفرمائید) (کشاورز صدر- قریباً معرفی می‌شود) ضمناً چند
کلمه‌ای نسبت به مطالبی که نمایندگان محترم صحبت فرمودند، به عرض خواهم
رسانید:

در شب گذشته ساعت ۹ جناب آقای صالح به من تلفن فرمودند و من هم روی
دوستی و رفاقت قدیمی که داشتم خدمتشان رفتم. وقتی رفتم خدمت ایشان در آنجا
جناب آقای دکتر مصدق را هم ملاقات کردم. وظیفه و سمت بنده ایجاب می‌کند که

تمام رؤسای فراکسیون ها را در هر موقعی که مایل باشند با کمال میل ملاقات بکنم (صحیح است). برای اینکه دولت کمال خوشوقتی و مسرت را دارد که در هر کاری بتواند سوء تفاهمات موجود را مرتفع بکند (صحیح است) و با حسن نظر و حسن تفاهم انجام وظیفه بکند. در آنجا که ایشان را ملاقات کردم مطلبی را به ایشان عرض کردم در اینجا عرض می‌کنم. برای اینکه جنبه عمومی دارد و توجه عموم آقایان و کلاً نسبت به این موضوع بسیار ضرورت دارد. به ایشان عرض کردم که هیچ مانعی ندارد که در فراکسیون های مختلف نظریات مختلف نسبت به دولت حاصل بکنند. برای اینکه ضمن عمل و کار، گاهی اتفاق می‌افتد که فراکسیون ها یا وکلای محترم دارای نظریاتی هستند که با نظریات دولت اختلافاتی هست. ولی هیچ وقت این شایسته نیست که در مجلس شورای ملی و در محلی که مورد توجه ملت ایران است، مذاکرات و بیانات و طرز برخورد وزرای دولت با وکلاً به یک طرز نامطلوبی صورت بگیرد (صحیح است) خاصه وقتی که یک فراکسیونی که از اشخاص فهمیده و تحصیل کرده تشکیل شده باشد وکلاً وقتی به یک دولتی عدم اعتماد دارند، نسبت به دولت ورقه کبود خواهند داد کسی مانع از این نیست که ورقه کبود خودشان را ندهند. ولی اهانت و اظهار کلمات ناشایست اینجا از مقام یک نفر وکیل ملت شایسته نیست (صحیح است) و در خور این نیست که چنین کلماتی در میان بیاید و حتی شایسته مقام مجلس نیست که در اینجا شنیده شود. ایشان مخصوصاً گفتند که من با شما اختلاف عقیده فوق العاده و صد در صد اختلاف عقیده دارم. گفتم من عقیده شما را صد در صد می‌دانم که یک عقیده خاصی دارید و نمی‌توانم این عقیده شما را انجام دهم. شما هم می‌توانید اعلام جرم کنید و ورقه کبود بدهید هر کاری که دلتان می‌خواهد بکنید ولی چیزی که هست هیچ وقت از صراط مستقیم و از راه ادب و نزاکت نبایستی خارج شد. این موضوعی است که به عرض آقایان می‌رسانم و این عقیده بنده است که از لحاظ نزاکت و ادب باید همه ما مراعات بکنیم چه دولت در بیان گفتارش و چه آقایان وکلاً در موقعی که اظهارات و بیاناتی می‌فرمایند (صحیح است) در اینجا در ضمن صحبت بیاناتی فرمودند نسبت به انجمن‌های ایالتی و ولایتی این بحث بسیار مطول است و کراراً اینجا، در این مجلس نسبت به این موضوع بحث شده. باز بنده ناگزیر هستم که یک مختصری نسبت به این موضوع به عرض برسانم و اگر چنانچه باز سوء تفاهماتی هست مرتفع بکنم. دولت همیشه در هر کشوری به منزله یک طبیبی است که بر سر یک بیماری بیاید. دولت وظیفه دار است که وقتی که به خدمت طلبیده می‌شود و وظیفه و کاری به او مراجعه می‌شود، باید دقت بکند و ببیند که بیماری این کشور و یا از هم گسیختگی اوضاع او بواسطه چه مساعی و پیش آمدهائی صورت گرفته و چه تصمیماتی از برای بهبود این وضع می‌تواند پیش بگیرد. بنده از روز اولی که افتخار این خدمت را حاصل کردم چه در مجلس چه در موارد مختلف به عرض رساندم که بنده تشخیص این است که باید یک سازمانی بوجود بیاید که در این سازمان کارهای مردم به خودشان واگذار شود. روی همین موضوع هر پیشنهادی که شد در برنامه دولت گذارده شد. حالا هم به این عقیده خود باقی هستم. موضوع دیگر که در اینجا صحبت شد جناب آقای فرامرزی ضمن صحبت‌هایی که فرمودند یکی راجع به

عشایر بود بنده راجع به عشایر اگر در جلسه گذشته هم به عرض رساندم یک ششم می‌باشد باید عرض کنم که یک قدری هم کم عرض کردم زیرا که ایران دارای جغرافیائی است و دارای احصائیه کاملی است هر موقعی که آقای فرامرزی خواستند تشریف می‌آورند و بنده اوراق و اسناد کامل آن‌ها را به عرض می‌رسانم یا ایشان مجاب خواهند شد یا ایشان بنده را مجاب خواهند کرد (فرامرزی - یا بنده معنی عشایر را نمی‌فهمم یا جنابعالی) اینکه لار را فرمودند موضوع لار چیز دیگری است. لار منطقه ای است که اصلاً آنجا عشایر نیست ولی وقتی که منطقه بختیاری را ملاحظه بفرمائید یا کردستان را ملاحظه بفرمائید یا بعضی نقاط دیگری را ملاحظه نمائید عکس این موضوع به نظرتان خواهد رسید همیشه مسائل را طوری باید قضاوت کرد که وجود دارد و ما یک چیزی را که وجود دارد نمی‌توانیم منکرش بشویم الآن یک مردمی وجود دارند به یک طرز بسیار بدی زندگی می‌کنند ما نمی‌توانیم منکر وجود آن‌ها بشویم باید آن‌ها را برای زندگی عادی هدایت بکنیم به آن زندگی که الآن در دهات و قصبات و قراء شما هست آن‌ها را هدایت بکنند بایستی راهی را بگیرند که به این مقصود نائل شوند. اساساً نباید یک قضاوت‌های بیجائی بشود و یک مطالبی را بر زبان بیاوریم که شاید درست نباشد. در جلسه گذشته یک مطالبی به عرض رساندم راجع به عشایر دولت سابقاً یک رویه ای داشت و یک مشی و طریقه ای داشت که بعداً به نظر رسید این مشی و طریقه ای که در این موقع دارد، دارای نتایجی که مورد نظر است نیست

.....

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۸

روز سه شنبه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۲۹

نایب رئیس - آقای جمال امامی بفرمائید

جمال امامی - بنده قبل از ورود در مانحن فیه تذکری را لازم می‌دانم به حضور آقایان عرض کنم، هر روز وقتی که ما وارد مجلس می‌شویم آقایان هم البته ملاحظه فرموده‌اند اوراقی بدست ما می‌دهند البته اوراق مختلف، بنده آدمم در مجلس شورای ملی قرائت کردم یکی از این اوراق راجع به آقای دکتر مصدق بود صرف نظر از احترام و شخصیت جناب آقای دکتر مصدق به عنوان نمایندگان ملت به این عمل اعتراض می‌کنم، چون نماینده مصونیت پارلمانی دارد آقا اگر بنا بشود حیثیت نماینده‌ای مورد تعرض واقع شود، از مصونیت خود نمی‌تواند استفاده کند (شوشتری - همان دستگاه مرموز است) آتش به جان شمع فند کاین بنا نهاد. جناب آقای دکتر مصدق چرا تشریف ندارند که به ایشان عرض کنم. و رفقای ایشان هم همان را ادامه دادند و این جنگ و برادرکشی را در

مجلس شورای ملی ایجاد کردند. بنده سابقاً هم عرض کرده‌ام که حاکم اکثریت است. جز این هم نمی‌شود. بنده می‌خواهم توضیح بدهم خدمت آقایان همه تان از من بهتر می‌دانید که حاکم اکثریت است. وقتی که پا شوند و بگویند که دولت از اینجا برود و وزیر دزد است راه باز می‌شود او هم به من می‌گوید و من هم به او می‌گویم دزد شما هم به من می‌گویند دزد این عاقبتش وخیم است. به اینجا می‌رسد که رسیده‌ایم. عرض کنم من نمی‌دانم چرا ما راه قانونی را ول نکنیم و از راه غیر قانونی وارد بشویم. قانون برای مجلس شورای ملی و نمایندگان راه‌هایی باز کرده که اگر با دولت‌ها مخالف هستند استیضاح می‌کنند، سؤال می‌کنند، ورقه کبود می‌دهند این راه معمولی است نه، حتماً باید قانون در این ملک اجرا نشود، بنده ادعا می‌کنم که از اول مشروطیت تاکنون یک ماده از تمام مواد قانون اساسی ما اجرا نشده‌است و اینجا هم در مجلس می‌خواهیم تظاهر کنیم که یک ماده از این قانون را اجرا نکنیم و خلاف آنرا اجرا کنیم. آخر وزیری که آمده معرفی شده چطور می‌شود گفت دزد آقا، این مجرم است که یک وکیلی نباید مجرم شناخته شود اگر مجرم نیست دست از قوانین خودتان بردارید مسخره می‌کنید خودتان را؟ و اما راجع به موضوع ما نحن فیه چون یک عده‌ای از خارج و داخل از آقایانی که مشمول تصفیه شده‌اند و به همه شماها مراجعه کرده‌اند و به من هم گفته‌اند که بنده نظریات خودم را عرض می‌کنم بنده هم چون نوبت نداشتم از آقای گرگانی هم تشکر می‌کنم که نوبتشان را به بنده داده‌اند عرض کنم که من هم توقع از عناصری که نا بی پر نسیمی و وقاحت را می‌خورند ندارم از دوران بدبختی و انحطاط و پریشانی ملل همیشه خیانت و پستی و رذالت و دنانت خریدار پیدا می‌کند آنوقت یک عناصری مثل قارچ مسموم کننده در اجتماع را مسموم می‌کنند این طبیعی است در دوران انحطاط ملل خیلی روشن است و از این مظاهر فراوان هست ولی من از آقای دکتر مصدق با سابقه اش با تجربیاتش تعجب می‌کنم که چرا به کنه مطالب توجهی نمی‌فرمایند چرا نمی‌روند بگردند که این مطالب از کجا آب می‌خورد و چرا آمده‌اند ما را بهم ریخته‌اند به عنوان بند ج و الف و ب. از دو سال پیش که صحبت مساعدت آمریکا به ایران شروع شد آقا اصطلاحات جدیدی در این مملکت پیدا شد: کومین تانک، هزار فامیل، تصفیه. ببینید آقا این‌ها از کجا منتشر شد این اصطلاحات از کجا آمد از دو سیاحت شمال و جنوب همه این‌ها را آقایان باید بهتر از من متوجه باشید که چه بود، کومین تانک، شما را به خدا انصاف بدهید قبل از سوم شهریور ما در این مملکت دزد داشتیم؟ این القاب را خودشان برای ما آوردند با فقر فلاکت و بدبختی (آزاد - دزد بود کسی جرأت حرف زدن نداشت) جز اینکه خودشان آوردند؟! هزار فامیل، یعنی از فامیل‌های قدیمی ولی بدبختانه ما می‌بینیم از فامیل‌های سابق کسی نمانده یکی فامیل دکتر مصدق است که سر پا مانده ثروتی هم دارند زندگی هم می‌کنند دیگر هیچ فامیل قدیمی در این مملکت باقی نمانده است و این فامیل‌های جدید را هم خودشان ایجاد کردند (شوشتری - یوکه - سی سی) آن ایرانی‌های قدیم کجا هستند، حالا شما این پنج تا فامیل را کنار بگذارید و آن وقت مجموع ثروت آنها را با یکی از این فامیل‌های جدید مقایسه کنید، آقا منظور این است که آمریکا به ما مساعدت نکند (فقیهزاده - نمی‌خواهیم مساعدت کند) این دو سیاست است دست

بدست هم داده‌اند و این اوضاع را ایجاد کرده‌اند. آن‌ها هم ساده و ساده لوح به این حرف‌ها گوش می‌دهند. ممکن است ملاحظه بفرمائید، دو سال است کشمکش داریم که ۱۰۰ میلیون دلار به ما کمک کنند در حالی که در گِره تاکنون ۱۰ میلیارد دلار خرج کرده‌اند و ممکن است ۳۰ میلیارد دیگر هم خرج کنند و خدای ناکرده اگر ایران هم به وضع گِره گرفتار بشود شاید حاضر باشند به ما مساعدتی بکنند که این مملکت به آن صورت در نیاید آقا، آقایانی که تحصیلات قضائی کرده‌اند یا حقوقی، می‌دانند قوانین خلاف طبیعت غیر مجری است قانونی که بر خلاف سنت طبیعت باشد مجری نیست شما در مجلس می‌توانید قانون بگذارید که سلب مالکیت از افراد بکند ولی نمی‌توانید قانون بگذارید که سلب شرافت از افراد بکند این کار را قوانین آسمانی هم نتوانسته است بکند (شوشتری- یعنی نمی‌کند) نه یعنی ۴۰۰۰ سال است که دیده نشده در دنیا چطور می‌شود که بدون دادن حق دفاع به اشخاص سبب شرافت از آن‌ها بکنند این که مسخره می‌شود بنده نمی‌دانم چطور می‌شود بنده وارد نقص قانون نمی‌شوم. بنده از نظر اینکه همان قانون ناقص هم اجرا نشده است عرض می‌کنم که آقایان قضاوت بفرمائید. آقا، آقای فرامرزی اگر امروز قاضی رأی بدهد که ما یک قانون نظام وظیفه داریم که از ۲۱ سال تا سی سال بروند خدمت کنند، یک قاضی رأی بدهد که نه، از ۶۰ سال تا ۹۰ سال خدمت کنند. دولت مکلف است با اجرای این قانون، یقیناً اجرا نمی‌کند، یا شما قانون ارث دارید قانون می‌گوید در درجه اول اولاد ارث می‌برد، قاضی باید بیاید بگوید مادر شوهر اول ارث می‌برد (فرامرزی - یا شوهر مادر) بله یا شوهر مادر ارث می‌برد. مگر دولت می‌تواند این قانون را اجرا بکند؟ اگر بکنند خانها با انگشتشان چشم شوهر را در می‌آورند. خودشان هم دلیل دارند مدرک و سند و امضا کردند که ما تخلف از قانون کردیم، تبعیض کردیم، تبنانی کردیم. قانون گذشته آقا بیایند شاغلین دولت را مستخدمینی که شاغل هستند تصفیه کنند این هم به چه منظور گذشته‌است. مجلس را که خودش آگاه است که شاغلین را کم کنند و تقلیل بدهند دیگر اولاً اینان به شاغل نپرداختند، غیر شاغلش کردند، بعد گفتند که اول از درجه ۱ شروع کنیم نه از درجه پائین بعد از بالا شروع کنیم ۷۰٪ را از پایین شروع کردند وقتی اگر دزد می‌خواهی بگیری عقبش برو مدیر کل را بگیر، به بایگان چه کار داری؟ بایگان اگر دزد باشد پنج تومان و ۱۰ تومان دزدی می‌کند. (صحیح است) بعد این‌ها که مشمول تصفیه نیستند گوش کنید شما را به خدا قسم! ۱۸۶ نفر اسم برده این‌ها مشمول تصفیه نیستند منجمله: آقای سید ضیاء الدین. مرتضی قلی بیات. آقای تقی‌زاده. آقای دشتی و غیره. بنده ورقه خدمت ندارم. چون بنده ورقه خدمت نرفتم بگیرم صحیح است این‌ها را مشمول ندانسته‌اند آیا اینها سفیر بوده‌اند، وزیر بوده‌اند. حالا اینکه مشمول هست از خزانه دولت حقوق گرفته یا نه، آنرا بحث نمی‌کنم، آخرش چه می‌شود؟ ... عرض کنم آقای دکتر شنیدم (خطاب به دکتر مصدق)

رئیس- با هم صحبت نفرمائید.
جمال امامی- شنیدم در موقع تنظیم صورت، یکی از افراد هیأت تصفیه پیشنهاد کرده بود که دکتر مصدق را هم مشمول بند (ج) کنند. مدارکی هم تهیه کرده بودند. مثل سایرین. لکن نکردند. تعجب است که نکرده‌اند. دلیلش هم این است که

گفته اند: نه دکتر مصدق سابقه خدمت ندارد بعد از مجلسین به یمن تقاعد می رسد. می دانید که چرا رأی ندادند به دکتر مصدق؟ برای اینکه هنوز به دکتر مصدق احتیاج دارند که این باقی مانده را هم جارو بکند. آنروز که رفع احتیاجشان شد، می گذارند در فلاخن و چنان پرتش می کنند که برود آنجا که عرب نی می اندازد.

این فلاخن را به دست مهندس فریور می دهند. روزی به دست دیگر. آقای صالح درست است خودت گفتی همینطور است؟ حالا هم گولت می زنند (اللهیار صالح- اینطور نیست از خودت اختراع می کنی) در هر صورت، ما باید توجه داشته باشیم که امروز، در مملکت ما سیاست هائی است و کوشش این دو جبهه بالا و پائین، برای این است که یک ملت نسبتاً بی طرف، یعنی آمریکا نیاید و به ما کمک بکند. (تیمورتاش- چه کمک و مساعدتی به ما کرده اند؟) نمی گذارند آقا، وقتی که شما آمدید رأی دادید که هیأت حاکمه شما فاسد است نمی کنند. (شوشتری- روی این حساب از 185 هزار نفر، 10 هزار نفر فاسد است) اصلاً این یعنی چه؟ ما باید روشن بشویم. و آقای دکتر مصدق هم باید به کنه مطالب توجه بفرمایند که این جهت مخالفت با دولت نیست. اگر با دولت مخالفید، بیانید پیش ما شاید ما هم با شما موافقت کنیم ...

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۹

روز پنجشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۲۹

رئیس- وارد دستور می شویم آقای دکتر مصدق.

دکتر مصدق - در جلسه یکشنبه نوزدهم شهریور ماه، جناب آقای سپهبد رزم‌آرا بیاناتی در مجلس فرمودند که بنده غایب بودم و امروز در صورت مجلس دیدم و ناچارم که بیانات ایشان را تکذیب بکنم. ایشان فرمودند جناب آقای صالح به من تلفن فرمودند و من هم روی دوستی رفتم. وقتی رفتم خدمت ایشان در آنجا دکتر مصدق راهم ملاقات کردم. وظیفه و سمت بنده ایجاب می‌کند که تمام رؤسای فراکسیون‌ها را، در هر موقعی که مایل باشند، با کمال میل ملاقات کنم. شرح قضیه این است که روز شنبه من در شهر نبودم ۴ بعدازظهر به شهر آمدم آقای صالح تلفن فرمودند که آقای سپهبد رزم‌آرا می‌خواهند با شما ملاقاتی بکنند من تلفن کردم شما نبودید، ایشان فرمودند که من شب تا ساعت ۹ و نیم در جلسه هیئت وزراء هستم و بعد منزل، قرار ملاقات را هم در منزل خودتان یا امشب یا روز یکشنبه ساعت شش بعدازظهر بدهید که می‌خواهم با آقای دکتر مصدق ملاقات کنم. بیانات آقای صالح مرا وادار کرد که موضوع ملاقات ایشان را در جبهه ملی مطرح کنم و هر چه می‌شود با نظریات جبهه بشود. موضوع در جبهه ملی مطرح شد یک عده از نمایندگان جبهه عقیده نداشتند که من ملاقات بکنم ولی رأی گرفتند اکثریت رأی داد که من با ایشان ملاقات بکنم. بعد تلفنی به آقای سپهبد رزم‌آرا در هیئت وزیران شد ایشان وقت دادند که ساعت ۹ همان شب این ملاقات بشود. ساعت ۹ من منزل جناب آقای صالح رفتم و آقای سپهبد رزم‌آرا در آنجا بودند از ایشان سؤال کردم که این ملاقات را برای چه می‌خواهید بکنید؟ ایشان گفتند که ملاقات من فقط این جنبه را دارد که اگر در مجلس با دولت مخالفتی می‌کنید فقط سؤال، اعلام جرم و استیضاح باشد و غیر از این صحبتی نکنید. گفتم این وظیفه شما نبود که به ما دستور بدهید ما صلاح مملکت را هر چه بدانیم می‌کنیم. نظریات ما این است که شما راجع به تشکیلات انجمن‌های ایالتی که مسبب تجزیه و تفکیک ایران خواهد شد اقدام نکنید. ایشان گفتند من نمی‌توانم بپذیرم. من هم بعد از اینکه وارد شدم سپهبد رزم‌آرا گفت اتومبیل مرا ببرند من پیاده می‌روم به منزل من گفتم که اتومبیل دارم و شما را می‌رسانم ولی بعد از اینکه در مذاکرات نتیجه نگرفتم حتی حاضر نشدم که ایشان را به منزلشان برسانم. ولی باز به آقای صالح گفتم که شما با آقای سپهبد رزم‌آرا مذاکره بکنید بلکه ایشان متقاعد شوند. ایشان تا نصف شب مذاکره کردند بطوری که اظهار کردند متقاعد نشدند. این شرح واقعه است بهیچوجه من الوجوه از طرف من تقاضای ملاقاتی نشده بود که ایشان آمدند در مجلس و این بیانات را فرمودند. اما راجع به بیاناتی که در جلسه قبل یکی از نمایندگان گویا آقای جمال امامی باشند

فرمودند اگرچه صورت مذاکرات منتشر نشده ولی بطوری که در اطلاعات من خواندم ایشان اینطور اظهار کردند:

« بنده شنیدم در هیئت تصفیه می‌خواستند آقای دکتر مصدق را جزو بند جیم بگذارند و مدارک ایشان را هم حاضر کرده بودند ولی بعد گفتند که اولاً مستخدم رسمی نیست و بعد هم چون دوره مجلس به پایان برسد به سن تقاعد می‌رسند ولی آیا همینطور است خیر، برای این است که هنوز به دکتر مصدق احتیاج است و بدست ایشان باید باقیمانده رجال ایران جاروب شوند. آنروزی که رفع احتیاج از دکتر مصدق شد ایشان را در فلاخن گذاشته و پرتاب می‌کنند و این فلاخن را بدست مهندسی قرار می‌دهند و امروز بدست دیگران. آقایان ما باید طوری خودمان را اصلاح کنیم که بتوانیم مشمول کمک یک ملت بیطرفی مثل امریکا بشویم»

من ۳۴ سال است بعد از مراجعت از اروپا بعد از خاتمه تحصیلاتم در این مملکت با هر کسی که بد عمل بوده، با هر کسی که خیانت به مملکت کرده مبارزه کرده‌ام و هیچ هراسی نداشتم. به من هر قدر فحش دادند بر عظمت من و شأن من افزوده است (صحیح است) زیرا من تصور می‌کنم که وزن اشخاص در جامعه بقدر مصائب و زحماتی است که برای جامعه تحمل می‌کنند آن کسی که برای خدمت به جامعه کمر ببندد از کشته شدن، از ضرب و شتم هراسی نمی‌کند چطور می‌شود از دشنام و ناسزا بترسد؟ من هر وقت که به من دشنام می‌دهند خدا را به شهادت می‌طلبم که خوشوقت می‌شوم می‌گویم این دشنامی که در راه خدمت و حق بوده بر عظمت و شأن من افزوده می‌شود از فحش و ناسزا بهیچوجه باک ندارم ولی از چیزی که یک مختصر تهمتی به من باشد بسیار هراسانم. ایشان فرمودند که در هیئت تصفیه می‌خواستند به موجب مدارک مرا در بند جیم بگذارند (جمال امامی - نظر توهین نداشتم نظر دفاعی بود) (مهدوی - ایشان دفاع کردند) (مکی - مگر ایشان قیم می‌خواستند) من احتیاج به دفاع ندارم هیئت تصفیه عملیاتش یا روی شایستگی اشخاص بوده و یا روی عملیات خلاف قانون اشخاص. در شایستگی بنده گمان نمی‌کنم که هیئت تصفیه بعد از آنکه سه دوره، مجلس شورای ملی دفعه اول و مجلس شورای ملی دفعه دوم بنده را در این مملکت نماینده اول خودشان قرار بدهند (صحیح است) (مکی - همچو چیزی نبوده) (جمال امامی - چرا بوده) پس هیئت تصفیه باید مدرکی داشته باشد. البته باز این مسئله را تکرار می‌کنم که من از فحش و ناسزا بهیچوجه باکی ندارم و نسبت به دولت هم هر دولت یا این دولت یا دولت های دیگر اگر اظهاراتی بشود یا مخالفت هایی بشود این دولت برای تضعیف کردن وکلاء حرفه‌ایی در مجلس می‌زند. منجمله آقای سپهد رزم‌آرا گفته که بنده میلیون ها تمول دارم و در یکی از اوراقی که به دستور چه عرض کنم کدامیک از وزرای ایشان دم در مجلس منتشر شده بود، نوشته بود ملک خودم را بیک میلیون و سیصد هزار ریال اجاره داده‌ام. این حرف گفته شد در این مجلس. چرا گفته می‌شود، این حرف؟ برای این گفته می‌شود که بنده طرف بغض یک عده مردمان بیچاره و بدبختی بشوم که در نتیجه فساد این دستگاه آن‌ها بدبخت شده اند. بنده از آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی تقاضا می‌کنم یک ساعت وقت خودشان را صرف بکنند ببینند بنده از

این ملک چه مقدار استفاده برده‌ام و چه می‌برم (کشاورز صدر - جناب آقای دکتر در آنجا ناهار بدهید) چه فرمودید (شوشتری - استدعا می‌کنم که در آنجا اطعام مساکین بفرمایید) بنده خدا را به شهادت می‌طلبم که تا سال گذشته از این ملک (شوشتری - اجازه بفرمایید بیانم اطعام مساکین بفرمایید) (خنده نمایندگان) بنده خدا را به شهادت می‌گیرم که تا سال گذشته از این ملک هیچ نبردم غیر از این که یک مقداری آرد برای مصرف خود و دوستانم آورده‌ام (شوشتری - عیبی که ندارد) عرض کردم عیبی ندارد که اگر کسی از ملک خودش چیزی ببرد اما اینکه عرض می‌کنم این ملک بنده آنچه در اینجا عمل نموده‌ام از حیث دبستان از حیث درمانگاه از حیث راه از حیث وام فلاحی از حیث چیزهای دیگر که باید به رعایا داده شود پرداخته‌ام. من فقط پارسال که قیمت جنس ترقی داشت از عایدات این ملک که مال خودم هم نیست نصف آن مال عیال من است که ارث پدری اوست و نصفش مال خودم که به بچه‌هایم هبه کرده‌ام، بقدر خرید یک تراکتور استفاده کردم و دفاترش تمام حاضر است و هر وقت آقایان بفرمایند ارائه می‌دهم و یک اشخاصی دیده‌اند منجمله آقای ضیاءالملک فرمند که در آنجا آمده‌اند تمام حساب‌های بنده را رسیدگی کرده‌اند و کارهای بنده را دیده‌اند. البته رزم‌آرا وقتی یک همچو صحبتی می‌کند، می‌خواهد بغض مردم را به یک نفر بسیار متمول بی انصافی توجه بدهد که این شخص یا بدست آن مردمی که نسبت به او بغض کرده‌اند گشته می‌شود یا با همین کارهایی که ایشان ذکر رکن دوم کرده‌اند، یک عده‌ای را از میان برده‌اند. بنده از این مسائل بهیچوجه ترس ندارم کسی که کمر خدمت مردم را می‌بندد از کشته شدن از فحش و ناسزا نباید ترسید ولی از چیزی که بنده می‌ترسم این است که به من یک نسبتی بدهند که کوچکترین اتهامی باشد. من در عرض مدتی که داخل در خدمت دولت شده‌ام یک پول نگرفته‌ام و گفته‌ام کار می‌کنم زحمت می‌کشم و به خدمت دولت قدم بر می‌دارم و خود را بار بودجه مملکت نمی‌کنم. من یک تومان از این دولت در این مدت در دوره ای که همه استفاده کرده‌اند با دولت معامله نکرده‌ام من یک جایی را به دولت اجاره نداده‌ام که سوءتفاهمی بشود که من از این اجازه از این معامله خواسته‌ام اعمال نفوذ بکنم و یک فایده‌ای ببرم. بنده از آقای جمال امامی خواهشمندم که آن شخصی که به ایشان این حرف را زده‌اند بگویند. زیرا من به این مجلس که می‌آیم برای حفظ حیثیت می‌آیم برای خدمت به مملکت می‌آیم اگر حیثیتی نداشته باشم کوچکترین خدمتی به این مملکت نمی‌توانم بکنم. بنده خواهشمندم سؤالی از هیئت تصفیه بشود ببینم هیئت تصفیه چنین کاری می‌خواست بکند یا نه. یا اینکه به بنده بی‌رحمتی فرموده‌اید در مجلس، این بیانات را فرموده‌اید؟ هیچ نظری هم به ایشان ندارم.

نقل از مذاکرات مجلس جلسه ۶۰

روز یکشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۲۹

گزارش از کمیسیون با حضور آقای وزیر دادگستری، لایحه دولت مربوط به اصلاح قانون تصفیه را در چند جلسه مورد دقت و رسیدگی قرار داده با توجه به این که عمل تصفیه در تعیین تکلیف کارمندان دولت بسیار ناقص و از یکصد و پنجاه و هشت هزار نفر از کارمندان فقط نسبت به نهصد و چند نفر از آنها اظهار نظر نموده است که علاوه بر این که عمل مزبور ناقص و تبعیضی است نسبت به سایر کارمندان در بین این عده هم چند نفر از نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی و عده‌ای از قضات دادگستری را نیز داخل در مستخدمین نموده که این عمل نه فقط خارج از حدود اختیارات و صلاحیت هیئت تصفیه بوده بلکه مخالف با اصول و موازین قضائی و مخالف صریح با قانون اساسی ایران می‌باشد. بعلاوه این که قانون تصفیه بازنشستگان را صراحتاً خارج از موضوع تصفیه قرار داده و نظر به شاغلین از مستخدمین داشته‌است هیئت مزبور برخلاف قانون تعدادی از بازنشستگان و عده‌ای از غیر شاغلین را نیز مشمول شناخته‌است که نسبت به این قسمت‌ها نیز از حدود وظایف قانونی خود خارج شده‌است بنابراین کمیسیون با توجه به لزوم اصلاح قانون تصفیه سابق لایحه پیشنهادی دولت را با اصلاحات کافی در ضمن سه ماده تصویب و اینک برای شور اول تقدیم مجلس شورای ملی می‌نماید.

قانون اصلاح قانون تصفیه کارمندان

ماده اول - برای رسیدگی به وضع کارمندان دولت و تعیین تکلیف آنها به طریق زیر رفتار خواهد شد:

۱- از هر وزارتخانه هیئتی مرکب از هشت نفر تعیین می‌شود به این ترتیب که وزیر مربوطه ۱۶ نفر از کارمندان عالی‌رتبه آن وزارتخانه را که بصیر و با تقوی و مورد اعتماد و دارای حسن سابقه باشد به هیئت دولت معرفی و هیئت دولت در جلسه رسمی خود پنج نفر را بسمت کارمند اصلی و ۳ نفر را به سمت عضو علی‌البدل انتخاب می‌نماید.

۲ - هیئت‌های مزبور مکلفند بدو در سازمان وزارت خانه‌ها و ادارات و شهرداری‌ها و بنگاه‌هایی که با سرمایه دولت تشکیل می‌شود تجدید نظر نموده ادارات و دوایر مزبور را به حداقل ممکن تقلیل داده و سپس به وضع کارمندان

رسمی دولت اعم از شاغلین و منتظرین خدمت رسیدگی و تکلیف آنها را به طریق زیر معین نماید:

اول - تعیین کارمندان شایسته و صالحی که وجود آن ها برای حسن جریان امور لازم و ضروری است و ادارات و سازمان های جدید باید از آن ها تشکیل شود.
دوم - کارمندان زاید که به دو قسمت تقسیم می شوند:

قسمت اول - کارمندی که وجود آن ها فعلاً در نتیجه حذف یا محدود شدن تشکیلات لازم نیست و ممکن است در آتیه از آن ها استفاده گردد.

قسمت دوم - کارمندی که برای دولت مفید نبوده و شایستگی خدمت دولت را ندارند و مشمول قانون بازنشستگی هم نیستند

نسبت به کارمندان قسمت اول تا وقتی که به آنها کاری رجوع نشده است حقوق ثابت آنها داده خواهد شد و به خدمت کارمندان قسمت دوم با تأدیه کسور بازنشستگی که پرداخته اند خاتمه داده می شود و به این طبقه از کارمندان در آتیه شغل دولتی رجوع نخواهد شد. مدت رسیدگی هیئت های بدوی یک سال از تاریخ تصویب این قانون خواهد بود.

ماده ۲ - کارمندی که به تشخیص هیئت بدوی تسلیم نیستند می توانند در ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی هیئت تصفیه به دیوان عالی کشور شکایت نمایند، تشخیص دیوان کشور قاطع است همین وزیر مربوطه می تواند در صورتی که به تشخیص هیئت بدوی در مورد کارمندی که شایسته و صالح شناخته شده اند معترض باشد شکایت خود را در ظرف یک ماه از تاریخ صدور رأی با مدارک لازم به وسیله دادستان کل به دیوان مزبور مراجعه نماید. هیئت تصفیه نخستین قضات، دادگستری دادگاه انتظامی و مرجع تجدید نظر از تشخیص دادگاه مزبور، دادگاه تجدید نظر انتظامی، می باشد.

هر وزارتخانه مکلف است تصمیمات هیئت تصفیه سابق را به مستخدمین خود ابلاغ نمایند تا در صورتی که تسلیم بر رأی هیئت نباشند در ظرف یک ماه به دیوان کشور شکایت کنند. رأی دیوان کشور در این خصوص قطعی است.

ماده سوم - تشخیصات هیئت تصفیه سابق در مورد نمایندگان مجلسین از لحاظ حفظ اصول و تفکیک قوای سه گانه و نسبت به صاحبان رتبه قضائی با ملاحظه اصل ۸۱ تا ۸۵ متمم قانون اساسی و نسبت به مستخدمین غیر شاغل و مشمولین بازنشستگی طبق قانون تصفیه مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ چون مخالف با قانون مذکور و خارج از حدود صلاحیت و اختیارات هیئت تصفیه بوده است لغو خواهد بود.

نقل از مذاکرات مجلس جلسه ۶۱

روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۲۹

نایب رئیس - بسیار خوب اصلاح می‌شود آقای دکتر مصدق نسبت به صورت جلسه اعتراضی دارید؟
(دکتر مصدق - بلی)
- بفرمائید.

دکتر مصدق - در دو جلسه قبل که بنده یک عرایضی در مجلس کردم، یک شرحی در اینجا نوشته شده که با آنچه بنده عرض کردم مطابقت نمی‌کند. اینجا نوشته‌است که «او می‌خواهد بَغض مردم را به یک نفر بسیار متمول بی انصافی توجه بدهد که این شخص یا بدست آن مردمی که نسبت به او بَغض کرده‌اند کشته می‌شود یا با همین کارهایی که ایشان در رکن دوم کرده‌اند.» این ایشان یک ضمیری است که مربوط به آقای سپهبد رزم‌آرا می‌شود و بنده همچو عرضی نکردم، بنده عرض کردم که رکن دوم کرده‌است و این را خواهش می‌کنم که اصلاح بشود.

نایب رئیس - پیشنهادی آقای امامی کرده‌اند که وارد دستور شویم. قرائت می‌شود (بشرح زیر قرائت شد)

«پیشنهاد می‌کنم بعد از بیانات آقای صدر زاده دستور شروع شود.»

دکتر مصدق - آقا نمی‌شود با ورود در دستور مخالف کی این پیشنهاد را کرده‌است؟
امامی - بنده.

مکی - با ورود در دستور مخالفم.

نایب رئیس - آقای امامی بفرمائید.

صدری - صحبت بنده تمام نشده‌است.

نورالدین امامی - عرض کنم جناب آقای دکتر مصدق توجه بفرمائید، جلسه گذشته بواسطه آن پیش آمد.

دکتر مصدق - مطالب حیاتی هست که باید بنده بگویم و به این حرف‌های شما هم نرّه‌ای اهمیت نمی‌دهم.

نایب رئیس - آقای دکتر جناب‌عالی به عنوان مخالف اسم نوشته‌اید.

صدری - نطق قبل از دستور شروع شده.

نورالدین امامی - بنده پیشنهاد کردم که وارد دستور شویم (دکتر مصدق - در دستور هیچ چیزی نیست) (زنگ رئیس) آقا فرمایشات خودتان را بفرمائید - من هم حاضر نیستم که نسبت به آقا اسائه ادبی بکنم.

نایب رئیس - آزادی نطق را آقای امامی برای سرکار، بنده موظف هستم فراهم نمایم آقای دکتر گوش کنید جناب‌عالی به عنوان مخالف اسم نوشته‌اید (دکتر مصدق - مخالف یعنی چه بنده دو جلسه است باید صحبت بکنم حرف‌های حیاتی مملکت

می‌ماند شما می‌خواهید چی چی می‌خواهید بگوئید) - بنده موظفم به پیشنهاد آقای امامی رأی بگیرم.

نورالدین امامی - عرض کنم جلسه گذشته مجلس شورای ملی تشکیل نشد و این جلسه هم از ساعت مقرر خیلی دیرتر تشکیل شد، یک ساعت و نیم به ظهر داریم، در صورتی که مطابق مقررات باید ساعت ۹ جلسه تشکیل شود، این است که پیشنهاد کردم که مجلس شورای ملی وارد دستور شود، و اگر وقت باقی ماند آقایان که قبل از دستور قرار است مذاکراتی بفرمایند، اگر وقت نماند نوبه آقایان برای جلسه روز یکشنبه محفوظ بماند (فرامرزی - آن صحیح نیست) این وظیفه اش با آقای رئیس است و تصور می‌کنم این پیشنهاد تولید نگرانی، من هم نمی‌دانم دستور چیست باید وارد دستور شویم و خدمت برای مملکت بکنیم، هی، بنشینیم اینجا حرف بزنیم و برویم با این طرز مملکت به طرف بحران خطرناکی خواهد رفت.

دکتر مصدق - سه نفر آمدیم برای نطق قبل از دستور اسم نویسی کردیم، بنده این جلسه با نهایت بی حالی با نهایت ضعف و ناتوانی آمده‌ام اینجا برای اینکه قبل از دستور صحبت بکنم اسم نویسی کرده‌ام یک نفر هم صحبت کرده‌است و دلیلی که شما به آن یک نفر اجازه می‌دهید و به من، که می‌خواهم یک قضایای حیاتی را بگویم، یک قضایایی که اگر عرض کنم تصدیق می‌کنید برای مملکت در درجه اول حیاتی است اجازه نمی‌دهید چیست؟ اینها فقط پرده پوشی یک کارهایی است که می‌خواهید در این مملکت بکنید و ما نمایندگان اقلیت که هیچ نظری نداریم هرگز زیر بار این حرف ها نمی‌رویم ما نماینده اکثریت ملت ایران هستیم (کشاورز صدر - همه هستیم) (همه نمایندگان) (عده از نمایندگان - همه هستند این حرف ها چیست) (فرامرزی - هر کس وکیل ملت است.)

نایب رئیس - رأی می‌گیریم.

نمایندگان اقلیت - نمی‌گذاریم رأی بگیرید این قابل رأی نیست. (زنگ رئیس)

مکی - قابل رأی نیست، یک نفر صحبت کرده‌است (دکتر مصدق - رأی ندارد)

نایب رئیس - (خطاب به مکی) به شما اخطار می‌کنم.

مکی - نمی‌توانید بکنید یک نفر صحبت کرده.

نایب رئیس - برای مرتبه دوم اخطار می‌کنم.

مکی - اخطار بکنید، با زور و قلدری که نمی‌شود اخطار کرد یک نفر نطق قبل از دستور را شروع کرده.

نریمان - به خودتان باید کرد (تیمورتاش - رأی با مجلس است) نطق قبل از دستور شروع شده نمی‌توانید رأی بگیرید (مکی - آقای مکی برای مرتبه سوم به شما اخطار می‌کنم) (مکی - برای مرتبه هزارم بکنید) رأی می‌گیریم پیشنهاد آقای امامی، آقایانی که موافقت قیام فرمایند (دکتر - مصدق این رأی بر خلاف است) تصویب نشد (مکی - رأی لازم نیست) گفتم تصویب نشد دو اخطار به آقای نریمان و سه اخطار به آقای مکی (مکی - ۵۰ اخطار کنید) (نریمان - به جهنم که اخطار کردید.)

مکی - هی می‌گوید اخطار می‌کنم بیخود می‌کنی اخطار می‌کنی.

نایب رئیس - من شما را توییح می‌کنم طبق ماده نظامنامه برای این که به رئیس مجلس توهین کردید (صحیح است) آقای صدری بفرمائید.

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - اگر عرض بکنم که من دروغ خیلی کم گفته‌ام قبول کنید، ولی امروز برای مصالح مملکت یک دروغ گفتم، زیرا اگر یک چیزی واجب شد مقدمات آن هم واجب می‌شود، اگر لازم بود که من دروغی روی مصالح مملکت، روی منافع مملکت عرض کنم و اگر لازم بود یک وقتی تحصیل بکنم که عرایضم را تکمیل بکنم، من تصور می‌کردم که لازم بود یک دروغی هم بگویم (فرامرزی - انشاءالله این یکی اش راست است که از مصالح مملکت است) دیشب در جلسه جبهه ملی قرار شد که دو نفر از ما بیائیم و صبح اینجا اسم نویسی بکنیم یکی از آنها جناب آقای مکی بود دیگری خود من، من بر حسب قرارداد ساعت شش آمدم ولی آقای مکی که غالباً دیر تشریف می‌آورند به موقع تشریف نیاوردند (مثل امروز) دو نفر از آقایان جناب آقای شوشتری و جناب آقای صدرزاده آنجا بودند و می‌خواستند اسم بنویسند، فرمودند کی آمده عرض کردم مکی هم آمده پانین است حالا می‌آید (خنده نمایندگان) ایشان هم از نظر حسن ظنی که به من داشتند قبول کردند فرمودند که خیلی خوب بسیار خوب تأمل می‌کنیم وقتی آقای مکی آمدند. روی همین عرضی که بنده خدمت آقایان محترم کردم و کمال تشکر را دارم که به من حسن ظن کرده‌اند آمدند و اسم نویسی کردند حالا آقای مکی اسم نویسی کرده‌اند بنده اول اسم نویسی کرده‌ام بعد آقای صدر آمدند گفتند فلانی شما می‌خواهید صحبت‌هایی بکنید طول می‌کشد بیائید حق خودتان را در اول به من بدهید گفتم با کمال میل حق خودم را دادم و بعد اسم نویسی کردم و بعد از بنده هم آقای مکی است، بنده امروز دو عرض دارم یکی اساساً مربوط به قضایای حیاتی مملکت، راجع به شمال ایران است و دیگری مربوط به قضایای مجلس شورای ملی است.

عرایض من خیلی مفصل است اگر آقایان اجازه بدهید که قضایای شمال ایران جزء این نطق قبل دستور نباشد، بنده می‌توانم عرایض خود را اصلاً راجع به قضایای شمال ایران عرض بکنم و بعد راجع به جریان داخلی از این دو اجازه استفاده بکنم، نیم ساعت بنده حق دارم و اگر کسر آمد یک چند دقیقه‌ای هم از آقای مکی فرض می‌کنم حالا آقایان اگر اجازه می‌فرمایند (نایب رئیس - بفرمائید این که جزء مقررات است ایشان می‌توانند نوبت خودشان را به جنابعالی بدهند)، قضایای شمال ایران جزء حساب نیاید، چون قضایای حیاتی است (نایب رئیس - نخیر ایشان نوبتشان را باید به جنابعالی بدهند) - (شوشتری - شروع بفرمائید درست می‌شود) در سال ۱۳۰۱ که عهد نامه مودت بین دولت ایران و شوروی در مجلس بسته شد و تصویب شد یک محبوبیت فوق‌العاده برای دولت شوروی در این مملکت ایجاد شد (صحیح است) شوروی آنچه لازم بود آنچه می‌توانست با ایران مساعدت کرد، شوروی از بانک استقراضی و از مطالباتی که از ملت ایران داشت از حق کاپیتولاسیون به کلی صرف‌نظر کرد من اینجا لازم است که این قسمت را تذکر بدهم اگر سایر دول آمدند و از کاپیتولاسیون صرف‌نظر کردند، این ها نه برای مساعدتی بود که با ایران کردند بلکه می‌ترسیدند اگر دولت

شوروی موافقت نکند و بگوید وقتی که سایر دُول در این مملکت کاپیتولاسیون دارند، من هم می‌بایست روی این اصل کلی یعنی ملت کامله الوداد از این مملکت استفاده بکنم آنوقت این مسئله برای سایر دُول بسیار بد می‌شد، حاضر شدند برای این که دولت شوروی چنین حرفی نزنند از کاپیتولاسیون صرفنظر کنند اگر منتهی به ایران گذاشته‌اند بکلی بیمورد بوده‌است ما مرهون دولت شوروی هستیم که اول دولتی بود از حق کاپیتولاسیون، از مطالباتی که داشت، از امتیازاتی که افراد دولت شوروی در ایران داشتند، صرفنظر کردند (صحیح است) دولت شوروی به ملاحظه یک چنین قراردادی که با ملت ایران بست محبوبیت فوق‌العاده‌ای در ایران تحصیل کرد (صحیح است) حقیقتاً آنچه را که دولت تزاری روسیه کرده بود دولت اتحاد جماهیر شوروی جبران کرد این محبوبیت دوام پیدا کرد تا سال ۱۳۲۳ که دولت شوروی از این مملکت تقاضای امتیاز نفت کرد. خاطر دارم که وقتی شاه فقید از این مملکت نرفته بود و وقتی که در این شهر بمباران هائی شد و یک عده از مردمان این شهر فرار کردند و رفتند در آن کویری که پهلوی من ملک من بود قايم شدند، مخفی شدند، روزی یک کامیونی آمد آنجا در منزل من قبل از این جریان زار عین ملک من نوشتند به من که اجازه بدهید ما هم برویم در این کویر مخفی بشویم گفتم چرا؟ گفتند برای این که بلشویک می‌آید گفتم آقایان بلشویک اگر بیايد با مالک کار دارد با اشخاصی که هیچ ندارند کاری ندارند (آشتیانی زاده- بعداً هم برایشان مفید است) با اشخاصی که پنج نفر در زیر یک لحاف می‌خوابند چکار دارند هر وقت من از اینجا رفتم به آن کویر شما هم بروید و در اینجا شما بمانید تا ببینید بلشویک چه می‌کند تا آنروزی که کامیونی آمد در منزل من و در را زدند یکی از آدم های من آمد گفت آقا بلشویک آمده گفتم کجاست؟ گفت پشت در ضمناً گفت به من که در اینجا یک برجی است سوراخی هست اطرافش یونجه هست بیابید و شما بروید در آن سوراخ قايم بشوید گفتم برای چه گفت برای این که بلشویک آمده گفتم من از بلشویک باکی ندارم مگر بلشویک بیايد چه می‌گوید، رفت در را باز کرد دیدم کامیونی آمده ۳ نفر صاحب منصب بلشویک دو نفر اهل اوکراین یک نفر اهل قفقاز آنجا داخل شدند من رفتم با آنها صحبت کردم چون مأمور شهربانی در آنوقت ناظر حال من بود و من را از زندان بیرجند آورده بودند و تحت نظر کارآگاهی گذاشته بودند، گفتم مأمور شهربانی را بیاورید که من با آن ها صحبت کنم که بعد گزارشی به شاه فقید ندهند که من کمونیست را در این ده دعوت کرده‌ام، در هر صورت گفتم آن ها را پذیرایی کنند و ضمناً هم گفتم که چه می‌خواهید؟ گفتند ما مقداری یونجه می‌خواهیم، گفتم بسیار خوب یک خروار یونجه در کامیون آنها ریختند بعد مقداری پول درآوردند روی میز گذاشتند و گفتند پول یونجه را خواهش می‌کنیم بردارید گفتم آقایان یونجه من فروشی نیست و من یونجه فروش نیستم شما مهمان من هستید من این یونجه را به شما از صمیم قلب و از رضای قلب تقدیم می‌کنم، از من اصرار و از آن ها انکار بالاخره آنها قبول کردند و یونجه را مجانی بردند این مطلب که به گوش زار عین آن ملک رسید چون تبلیغات بسیار زیادی در تمام دوره دیکتاتوری از کمونیسم شده بود و آن ها ترسیده بودند و تصور می‌کردند که اگر کمونیسم بیايد آدم می‌خورد؛ آدم می‌کشد؛ معامله نمی‌کند

ولی وقتی آن ها پول یونجه را دادند زارعین من آمدند گفتند آقا خوب بود به این ها می‌گفتید ببینند با ما معامله کنند اشخاصی که به این خوبی پول می‌دهند چرا با ما طرف حساب نشوند؟ این رفتار دولت شوروی بود که همه آقایان اطلاع دارید در موقع جنگ بین المللی رفتار نظامیان شوروی از رفتار نظامیان سایر ملل در این مملکت بهتر بود تا سال ۱۳۲۳ ملت شوروی دولت شوروی در این مملکت بسیار محبوبیت داشت ولی این محبوبیت را از نظر اینکه تجربه سیاسی نداشت از دست داد، دولت شوروی تصور کرد اگر بعضی از دُول در این مملکت امتیاز نفت گرفته‌اند بدون مقدمه، بدون وسایل؛ بدون اسباب چینی توانسته‌اند موفق شوند در صورتی که آن دُول سال ها زحمت کشیده اشخاصی تربیت کرده‌اند (شوشتری - خر کریم را نعل کرده‌اند) و وضعیاتی درست کرده‌اند که توانستند موفق شوند من در این مجلس روزی گفتم که هشت با شصت گر چه قریب المخرج است ولی مساوی نیست، در این مجلس گفتم دولت شوروی تصور می‌کرد که می‌تواند فقط با یک تقاضا از این مملکت استخراج نفت بخواهد و تحصیل امتیاز بکند این تا آن زمان.

روزی در چهارم آبان ماه ۱۳۰۴ مرحوم مستوفی الممالک به من تلفن کرد، گفت شما می‌دانید که امروز باید مجلس بروید؟ گفتم نه امروز شنبه است روز مجلس نیست گفت نه قضایائی هست که باید به مجلس بروید گفتم چیست فرمودند ماده واحده‌ای نوشته‌ام امروز می‌خواهیم در مجلس مطرح کنید شما چه صلاح می‌دانید گفتم آقا به توپچی ده سال موجب می‌دهند که یک روز از مملکت دفاع کند به وکیل دو سال موجب می‌دهند که روزی از قانون اساسی دفاع کند من با شما حاضریم و افتخار می‌کنم که باتفاق به مجلس برویم آن روز ما آمدیم در مجلس و نظریات خود را به آن ماده واحده اظهار کردیم روز دیگر یعنی شب دیگری مرحوم مستوفی الممالک آمدند منزل من و فرمودند به من که از من دعوت کرده‌اند، دولت را تشکیل بدهم [شما باید شرکت کنید]. به ایشان عرض کردم آن روزی که شما اظهار کردید مطلب چیست من با کمال افتخار در آن مجلس که هیچکس انتظار نداشت ما بیائیم و سلامت به خانه مراجعه بکنیم من آمدم ولی در این بهشتی که شما مرا دعوت می‌کنید نخواهم آمد گفتم چرا؟ گفتم هر کسی در هر خطی هست باید سعی بکند در درجه اول آن خط باشد شما می‌گویند؛ آزادخواه هستیم اگر شما آمدید از این قسمت صرفنظر کردید، درجه چهارم بعد از داور را دارا خواهید شد؟ چرا؟ برای اینکه الفضل المتقدم، آن هائی که زودتر این راه را رفته‌اند مقدم اند نرفتم.

حال از این مذاکراتی که کردیم می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که آیا دولت شوروی که خود را معرفی می‌کند به حمایت ملل ضعیفه؛ به حمایت آن اشخاصی که در تمام دنیا گرفتار فقر و بیچارگی هستند اگر از رَی خود خارج شده، حدیث نبوی است یا نمی‌دانم، در هر حال حدیث است «من حَرَجَ عَن رَیِّهِ فَدَمَهُ هُنَّ» باید هر کس در هر خطی که هست و هر کسی هر چه گفت به آن عمل کند اگر از آن خط خارج شد در خط دیگر درجه اول را دارا نیست.

در دوره چهاردهم کمیسیونی قرار بود در این مملکت بنام کمیسیون سه جانبی تشکیل شود، که این کمیسیون کارهایی نسبت به بعضی از نقاط مملکت و نظریاتی نسبت به قوانینی که مجلس شورای ملی باید تصویب بکند اظهار بکند مخصوصاً یکی از مواد این کمیسیون این بود که هر پیشنهادی که آن کمیسیون می‌کند مجلس شورای ملی تصویب کند این کمیسیون غرضی غیر از اینکه ایران را تجزیه و تفکیک بکند نداشت (صحیح است) من نمی‌دانم بچه ملاحظه دولت شوروی با اینکه در مسکو موافقت کرده بود در وهله اولی بعد نادم شد، پشیمان شد و در این کمیسیون شرکت نکرد و من در این مجلس از طرف ملت ایران تشکرات خود را به دولت شوروی تقدیم کرده‌ام، اکنون تصور می‌کنم که آن نقشه می‌خواهد به صورت دیگری عملی شود و خاطر دارم که روزی در دوره چهاردهم یکی از وکلای فارس تعهد کرده بود با همکاران خود که گول یکی از وزراء را نخورد، ولی بعد اتفاق افتاد که باز اغفال شد به او گفتند که چرا شما اغفال شدید؟ گفت برای اینکه این هر روز به یک لباس می‌آید، این مرتبه به لباس دیگری آمده بود و من اغفال شدم. حالا اگر کمیسیون سه جانبی در این مملکت پیشرفت نکرد من به رأی العین می‌بینم که وضعیت دیگری در این مملکت ایجاد شده است که نتیجه همان نتیجه است که می‌خواستند از کمیسیون سه جانبی تحصیل کنند من و رفقا و بعضی و شاید عده زیادی از نمایندگان اکثریت در تشکیل انجمن‌های ولایتی در این مجلس مخالفت کردیم من تصور نمی‌کنم که وقتی قضایای حیاتی در این مجلس مطرح شود بین نمایندگان اقلیت و نمایندگان اکثریت کوچکترین اختلافی باشد (صحیح است) من یقین دارم که تمام نمایندگان استقلال این مملکت را خواهانند (صحیح است) من یقین دارم که شما آقایان هیچوقت نمی‌خواهید لطمه‌ای به تمامیت این مملکت وارد شود (صحیح است) من نمی‌دانم چه سیاستی در کار است و چه نظریاتی را تعقیب می‌کنند که می‌خواهند انجمن‌های ایالتی را به عنوان اینکه کار مردم بدست مردم داده شود تشکیل دهند در صورتی که اگر کار مردم می‌بایست بدست مردم داده شود ما قانون انجمن‌های بلدی را داریم که مردم از تشکیل انجمن‌های بلدی بیشتر منتفع می‌شوند زیرا کار انجمن‌های بلدی مربوط به نظافت و روشنایی است که هر روز و هر ساعت مردم گرفتار کثافت این شهرها هستند و اگر انجمن‌های بلدی طوری تشکیل شود که نمایندگان حقیقی مردم در آنها وارد شوند قهراً کار نظافت و روشنایی بطوری مرتب خواهد شد که آسایش عموم فراهم گردد من نمی‌دانم دولت با اینکه انجمن‌های بلدی قانون دارد و در دوره پانزدهم قانونش به تصویب رسیده‌است در این کار کوچکترین اقدامی نمی‌کند، این کار را که امروز آرزویم از امور است بدست خود مردم نمی‌دهد ولی می‌خواهد انجمن‌های ایالتی را که قانون ۴۵ سال قبل است و با امروز تطبیق نمی‌کند بوسیله آئین نامه‌هایی که بهیچوجه صلاحیت تنظیم آنها را ندارد و بوسیله تطبیع یک عده‌ای از قضات بی‌پرنسیپ دادگستری [که] به آن‌ها روزی مبالغه می‌دهد، و من ناچارم از آقای شهبهانی که به او پیشنهادهای کرده‌اند وعده‌هایی دادند قبول نکرد و ایستادگی کرد تشکر بکنم

انجمن‌های ایالتی را می‌خواهند تشکیل بدهند آیا شما نمایندگان مجلس شورای ملی که حافظ استقلال و تمامیت این مملکت نمی‌بایست به این مطلب توجه کنید که این دولت با این همه اختلافاتی که نسبت به این هاست و با اینهمه مخالفت‌هایی که هست آقایان نظر دارند که روزی عرض کردم رزم‌آراء در منزل به من گفت این پیشنهاد را که بردم با اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارائه دادم، اعلیحضرت فرمودند با این وضعیت که برای مملکت اختیاری باقی نمی‌ماند، آقایان شما باید بدانید توجه بفرمائید که شاه که با این مسئله موافق نیست من یقین دارم که شاه نمی‌خواهد مملکت ایران تجزیه شود (صحیح است) شاه از هر کس از این مملکت بیشتر استفاده می‌کند و هرگز نمی‌خواهد خود را از اینهمه منافی که از این مملکت می‌برد محروم کند. شاه که با رزم‌آراء موافق نیست نمایندگان اقلیت که موافق نیستند اکثریت نمایندگان وطن پرست خیرخواه مجلس شورای ملی هم که نمی‌خواهند به یک چنین کاری کسی دست بزنند پس رزم‌آراء از روی چه نظر و با چه پشتیبانی می‌آید در این مجلس خود را حکیم حاذق قلمداد می‌کند و می‌گوید وقتی که حکیم حاذق برای مریضی دوائی را در نظر گرفت سلامت آن مریض اقتضاء می‌کند که آن دوا را نوش جان کند آقایان توجه بفرمایید که مملکت در یک وضعی است که امروز کوچکترین بی‌احتیاطی ممکن است ما را بکلی فانی کند من از آقایان سؤال می‌کنم که در این کار چه دلیلی هست که رزم‌آراء این اندازه تسریع می‌کنند؟ مطلب دیگری که می‌خواستم به عرض آقایان محترم برسانم مطلب عهدنامه تجارتي است که من تا دیشب ابدأ اطلاع نداشتم.

نایب رئیس- جناب آقای دکتر اجازه بفرمایید یک رأی بگیریم. جناب آقای دکتر درخواست کرده‌اند که بیشتر صحبت کنند، آقایانی که موافقت قیام کنند (اغلب برخاستند) تصویب شد

دکتر مصدق- ... من تا دیشب اطلاع نداشتم که این عهدنامه تجارتي روی چه نظریاتی تنظیم شده است، دیشب اطلاع پیدا کردم که این عهدنامه یک امتیازاتی به دولت شوروی در شمال می‌دهد که آن امتیازات در جنوب به دولت شوروی داده نشده‌است قهراً نتیجه این عمل این خواهد شد که به دولت انگلیس هم یک امتیازاتی در جنوب داده شود که این امتیازات در شمال به دولت شوروی داده نشود آقایان من از شما سؤال می‌کنم اگر چنین عهدنامه‌ای [که] می‌خواهند بدون تصویب مجلس تصویب کنند و روی یک عهدنامه تجارتي بکلی منقضی شده، آن را امضا کنند آیا این تسجیل منطقه نفوذ ایران نیست ایران یک مملکتی است مستقل که باید به دولت شوروی از جنوب استفاده کند و دولت انگلیس از شمال مملکت ایران بهیچوجه تخصیص بیک دولتی داده نمی‌شود اگر ما آمدیم برای دولت شوروی یک امتیازات خاصی در شمال قبول کردیم اگر آمدیم برای معامله‌ای چنین امتیازاتی بدهیم در واقع نتیجه این خواهد شد که اگر دولت جنوب هم بگوید همان معاملاتی همان امتیازاتی که شما در شمال برای دولت شوروی قائل شده‌اید باید از من مضایقه نکنید ما بهیچوجه قادر نیستیم که از چنین تقاضایی امتناع کنیم آنوقت در آن صورت ما ناچاریم هر چه را که برای دولت شوروی در شمال تصویب می‌کنیم و بالنتیجه منطقه نفوذ و سیاست را در این مملکت برقرار کنیم آن‌ها خوب فهمیده‌اند که قرارداد ۱۹۰۷ با روحیه دنیا امروز

مطابقت نمی‌کند، اگر بخواهند یک چنین قراردادی به بندند برخلاف مقررات منشور ملل متفق برخلاف افکار عمومی دنیا، برخلاف آمال و آرزوی اهل ایران است (صحیح است) بنابراین ممکن است بنده این هائی که عرض می‌کنم شنیده‌ام امیدوارم که همچو چیزی نباشد ولی من مکلفم که آنچه را که می‌شنویم آنچه را که تصور می‌کنم نمایندگان اقلیت تذکر بدهند تا اینکه شما بفهمید تا اینکه شما مواظب و مراقب اوضاع باشید و یک روزی انگشت ندامت را در دهان خود نجوید. امروز وظیفه شما اینست که در این مسئله تحقیق کنید در این مسئله تحقیق کنید در این مسائل غور کنید رسیدگی کنید اگر واقعاً چنین چیزهائی هست جلوگیری کنید. مثلاً آنچه را که می‌بینید انجمن‌های ایالتی الان در ساری و بعضی از نقاط دیگر دارد تشکیل می‌شود (دکتر طاهری - انجام نمی‌گیرد) و من این انجمن‌ها را بهیچوجه تا قانونی که مطابق با احتیاج امروز باشد تا قانونی که حقیقتاً مصالح مردم را تأمین نکند صحیح نمی‌دانم باید شما نمایندگان که تصمیم گرفتید قانون از مجلس بگذرد قانون را تصویب نکنید و یک قطعنامه‌ای یا شاید امروز یک اظهاراتی بکنید که رزم‌آراء نتواند انجمن هائی را که می‌خواهید تشکیل بدهد منتظر باشد تا این قانونی که شما در نظر دارید از مجلس بگذرد بنده این عرایض را خدای متعال شاهد است، برای خیر مملکت، برای اینکه در این دوره ۱۶ ننگی به دامن شما نماند عرض می‌کنم شما می‌خواهید قبول کنید می‌خواهید نکنید من امیدوارم انتظار دارم از آن نمایندگان وطن پرست مجلس از آن نمایندگانی که می‌خواهند بعد از دوره ۱۶ از این مجلس با نهایت سر بلندی و افتخار خارج شوند در عرایض من دقت کنند آنچه را که خود لازم می‌دانند عمل کنند غیر از این من هیچ عرضی ندارم و فقط چند کلمه عرض می‌کنم که من خواهان خوبی خواهان همه چیز ملت شوروی هستم، این عرایضی که من می‌کنم نباید یک اشخاص فاسدی، یک اشخاص بد عملی به صورت دیگری در اینجا جلوه دهند، نظر من این است که دولت شوروی روی همان اصلی که می‌رود همیشه برود همیشه برود و محبوبیت خود را در این مملکت و همه جا حفظ کند دولت شوروی بهیچوجه حق ندارد و صلاح نیست که کارهائی که دولت استعماری می‌کند او هم بکند این قبیل کارها تاکنون یک کارهائی بوده است که همیشه دولت استعماری می‌کرد دولت شوروی اگر آمد چنین کارهائی کرد همان حرفی است که عرض کردم و همان حدیث نبوی را تکرار می‌کنم *مَنْ حَرَجَ عَنِ زِيَةِ قَدْمِهِ هَدَرَ بِيَسْرَفٍ* دولت شوروی در اینست که بگوید بنی آدم اعضای یکدیگرند و همه اش باید روی اصل صلح و سلم زندگی بکند و کاری بکند که جنگ در دنیا بکلی از بین برود چه نتیجه‌ای برای دولت کره از این حمایتی که امروز دولت امریکا از این دولت می‌کند یا آن وضعیاتی که کره شمالی پیش آورد که کار به اینجا برسد، ما باید کاری بکنیم که مملکت خودمان در این بدبختی در این وضعیت دنیا از تمام مصائب و بلیات بکلی مصون شود من بیش از این عرضی ندارم و می‌پردازم به عرایض دیگر (شوشتری - استدعا می‌کنم که این قرارداد تهاتری را از ما تا جلسه دیگر بگذرانند) می‌خواهند نیاورند (شوشتری - حق ندارند نیاورند) باید هر قراردادی که تصویب می‌شود به مجلس شورای ملی بیاورند و نظریات ملت را رویش بخواهند و می‌خواهند نیاورند. نطق قبل از دستور بنده عرض کنم اگر

زیاده روی کردم و از نیم ساعت تجاوز کرد از آن حقی که جناب آقای مکی دارند اجازه دارم استفاده کنم.

نایب رئیس - مال آنهم تمام شد

تیمورتاش - سه ربع شده

دکتر مصدق - بنده عرض کنم که قضایای حیاتی مملکت است بنده عرض کردم که اجازه بدهید.

نایب رئیس - از مجلس رأی گرفتیم اجازه داد مجلس که جنابعالی ادامه بدهید، بفرمائید.

دکتر مصدق - یأس جامعه از دستگاه دادگستری و بی اعتنائی هیئت حاکمه به مصالح عمومی سبب شد که در اول تیرماه ۱۳۲۸ مجلس شورای ملی قانونی وضع کند و هیئتی بنام هیئت تصفیه کارمندان دولت تشکیل دهد که کارمندان دولت را به هر یک از بندهای الف و ب و ج که مقتضی می‌داند بگذارد و این کار سبب شد که یک تحول کوچکی در امور دولتی پدیدار گردد. راجع به بندهای مزبور دستور ماده اول قانون از این قرار است:

الف - «تعیین عده لازم و ضروری کارمندانی که با رعایت احتیاجات واقعی سازمان های دولتی باید در خدمت باقی بمانند»

ب - تعیین کارمندانی که وجود آنها فعلاً در خدمات دولت لازم نیست ولی ممکن است بعداً در کارهای تولیدی و انتفاعی و فرهنگی از آنها استفاده شود

ج - تعیین کارمندانی که برای دولت مفید نبوده و شایستگی برای خدمات دولتی ندارند و مشمول قانون بازنشستگی هم نیستند.

بر طبق ماده ۲ قانون وزیر هر وزارتخانه باید سه نفر از کارمندان بصیر و با تقوا و مورد اعتماد را تعیین کند که صورت جامعی از اعضاء وزارتخانه و بنگاه ها و شهرداری ها تهیه کنند و نظریات خود را نسبت به هر یک صریحاً اظهار و به هیئت تصفیه ارسال کنند.

وظیفه هیئت هم بر طبق ماده سوم این است که از وزارتخانه‌ها و شهرداری ها و بنگاه ها تحقیقات کند و تکلیف کارمندان را روی تکلیف کارمندان را روی تحقیقاتی که نموده‌است تعیین نماید.

محتاج به تذکار نیست که مقصود قانونگذار این نبوده که اعمال کارمندان دولت با مواد و مقررات قانون مجازات عمومی تطبیق شود و پس از صدور ادعا نامه و محاکمه و محکومیت آنها را از کار بر کنار نماید. بلکه نظر این بوده است که یک تحول کوچکی در اوضاع اداری مملکت پیدا شود و دست آن عده کارمندانی که شایستگی ندارند و عدم شایستگی هم به هر جهتی از جهات که باشد از کار بر کنار شوند و عده دیگری هم به اموری گمارده شوند که فقط برای انجام آن امور صلاحیت دارند هیئت مزبور شروع به کار نمود و در مدت یک سال که قانون اختیار داده بود تصمیماتی اتخاذ کرد که عموم معتقدند در حدود ۸۵٪ تصمیمات مزبور به جا و به مورد بوده و فقط ۱۵٪ آن را می‌توان مردود دانست یعنی بعضی اشخاصی در بندهائی که استحقاق داشته‌اند وارد نشده و برعکس آنها را در بندهائی گذارده‌اند که استحقاق آن را نداشته‌اند.

آیا این اشتباه و یا به قول بعضی این اعمال غرض باید سبب شود که ۸۵٪ اشخاص ناشایسته هم از بند رها شوند؟

در صورتیکه این کار بشود آیا دیگر کسی جرأت خواهد نموده کوچکترین عقیده یا نظری در خیر مملکت اظهار کند؟

بر طبق ماده سوم گزارش کمیسیون دادگستری که بدین قرار تنظیم شده و اکنون در مجلس مطرح است «تشخیصات هیئت تصفیه سابق در مورد نمایندگان مجلسین از لحاظ حفظ اصول و اصل تفکیک قوای سه گانه و نسبت به صاحبان رتبه قضائی با ملاحظه اصل ۸۱ تا ۸۵ متمم قانون اساسی و نسبت به مستخدمین غیر شاغل و مشمولین بازنشستگی طبق قانون تصفیه مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ چون مخالف با قانون مذکور و خارج از حدود صلاحیت و اختیارات هیئت تصفیه بوده است لغو و کان لم یکن خواهد بود»

نتیجه عملی شدن ماده مزبور این خواهد شد که آن عده مردمی که موجب بدبختی و بیچارگی ما شده و اوضاع و احوال ما را به این جا رسانیده اند از بندهای ب و ج رها شوند و عده زیادی از کارمندان دیگر را که عشری از عشایر فساد این دستگاه متوجه آنها نبوده و بعضی از آنها حتی به نان شب محتاج اند از کار برکنار کنند.

در صورتی که هیئت تصفیه شامل نمایندگان نیست و مشمول تصمیم آن کسانی هستند که قبل از انتخابات مجلس سنا و مجلس شورای ملی کارمند رسمی دولت بوده و بعد از خاتمه کار نمایندگی باز حق دارند در دستگاه دولت وارد شوند و از نمای مزایای قانون استخدام استفاده نمایند. و همچنین تصمیم هیئت تصفیه راجع به قضات بر خلاف اصل ۸۱ و اصول دیگری قانون اساسی نیست زیرا اصل مزبور چنین گوید: «هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمی توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد» و هیئت تصفیه برای همین کار تشکیل شده و کاری برخلاف قانون مرتکب نشده است.

اگر قانون اول تیرماه ۱۳۲۸ شامل قضات نبود چرا قبل از اجرای قانون وزارت دادگستری به آن اعتراض ننمود و حتی حاضر شد که سه نفر از اعضای خود را برای تهیه صورت و اظهار نظر نسبت به هر یک از قضات تعیین کند و پرونده قضات و نظریات هیئت ۳ نفری در زمان معاونت آقای بوذری به هیئت تصفیه ارسال شود.

مگر اینکه بگوئیم هیئت تصفیه قبل از اتخاذ تصمیم درباره آقای بوذری صلاحیت داشت که بکار قضات هم رسیدگی بکند ولی پس از اینکه ایشان را در بند نامطلوب گذاشت صلاحیت خود را از دست داد، بطوری که آقای بوذری را مجبور نمود ماده سوم لایحه دولت را تنظیم و به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند. تصمیم هیئت تصفیه شامل کارمندان است که مشمول قانون بازنشستگی نباشد خواه اینکه در موقع اتخاذ تصمیم شاغل مقامی باشند یا نباشند در این صورت آیا می توان قبول نمود که قانون کارمندانی را که در موقع اتخاذ تصمیم شاغل کار نبوده اند معاف کرده است؟ این قسم تفسیر از قانون غیر از اینکه مردم هوشیار را نسبت به اعضای کمیسیون بدبین و دوره ۱۶ را لکه دار کند نتیجه دیگری ندارد.

امروز دنیا ناظر اعمال ما است و هر تصمیمی که مجلس برخلاف افکار عمومی گرفت یا عملی نمی‌شود و یا منجر به انحلال مجلس و انقلاب می‌گردد. و اما راجع به جناب آقای رضا حکمت (سردار فاخر) لازم می‌دانم جوایی که در مقابل سؤال من یکی از اعضاء هیئت تصفیه راجع به زندگی اجتماعی ایشان داد بعرض آقایان محترم برسد.

عضو مزبور پس از بیانات جناب آقای حکمت در جلسه یکشنبه ۲۶ شهریور از من دیدن کرد و اظهار نمود که بین ایشان و اعضاء هیئت کوچکترین سابقه بد نیست و تصمیم هیئت فقط از نظر اجرای قانون بوده است و بس. تصمیم هیئت شامل وکیل یا رئیس مجلس نبود بلکه مشمول تصمیم کسانی هستند که قبل از ورود به مجلسین کارمند دولت بوده‌اند و بعد از خاتمه کار نمایندگی حق دارند باز جزو کارمندان وارد کار شوند وقتی که قانون می‌گوید: «کارمندی که برای دولت مفید نبوده و شایستگی برای دولت مفید نبوده و شایستگی برای خدمات دولتی ندارند» باید در بند ج گذارده شوند و خود آقای حکمت در مجلس اینطور اظهار فرمودند: «راجع به زندگانی خود باید عرض کنم، تمام مردم فارس و شاید بیشتر اهالی ایران می‌دانند که از آغاز جوانی دارای متجاوز از چهل پارچه ید و مزرعه موروثی بودم بتدریج در طول سنوات زندگانی املاک مزبور را به ضمیمه خانه‌های شیراز و خانه‌های تهران برای حفظ حیثیت خود فروخته شرافتمندانه امرار معاش نموده‌ام و کار ایشان با آن همه تمول و مال اکنون بجائی رسیده است که چک بی محل (بعضی از نمایندگان - اینطور نیست (زنگ نایب رئیس) به رئیس مجلس توهین نکنید مجلس را متشنج نکنید)

«3- ختم جلسه»

دکتر مصدق - نمره دارد

در این موقع عده‌ای از نمایندگان به عنوان تعرض از جلسه خارج شدند. نایب رئیس - آقای دکتر مصدق عده برای مذاکره کافی نیست قدری تأمل فرمائید (چون دیگر اکثریت حاصل نشد و مهمه و غوغا ادامه داشت هیئت رئیسه جلسه را ترک نمودند)

نقل از مذاکرات مجلس جلسه ۶۲

روز یکشنبه دوم مهر ماه ۱۳۲۹

«۲- بیانات قبل از دستور آقایان دکتر مصدق و مقام ریاست»

دکتر مصدق- در جلسه قبل راجع به قراردادی که با دولت اتحاد جماهیر شوروی می‌خواهند منعقد بکنند نظریاتی عرض کردم ولی اطلاع کامل نداشتم زیرا

بطوریکه می‌گویند دولت با دولت اتحاد جماهیر شوروی می‌خواهد قراردادی منعقد بکند، بطوریکه می‌گویند طرف مذاکره با اولیای دولت شوروی فقط آقای نخست وزیر بوده‌اند و بس. ولی دیشب یکی از آقایان نمایندگان محترم به بنده توضیح دادند و معلوم شد که قرارداد تجارتي دولت شوروی مدتش منقضی نشده و می‌خواهند روی همان قرارداد کنترات هائی تعیین کنند.

اگر واقعاً قراردادی هست و نمی‌خواهند قرارداد جدیدی بنویسند نظر بنده همان است که عرض کردم، باید هر قراردادی به موجب اصل ۲۴ قانون اساسی در مجلس شورای ملی بیاید و تصویب شود و اگر در مجلس شورا تصویب نشود آن قرارداد به هیچ وجه معتبر نیست (صحیح است) ولی اگر بخواهند کنترات هائی برقرار کنند، چون باز یکی دیگر از نمایندگان محترم به من تذکر داد و فرمود که جمعی گفتند چه شده است که دکتر مصدق با قرارداد، با این کنترتزان (چون واقعاً من نمی‌دانستم که کنترتزان معین می‌کنند، یا قرارداد می‌نویسند) مخالفت می‌کند؟ این است که من لازم می‌دانم عرض کنم که من شخصاً و همکاران عزیز نمایندگان جبهه ملی بسیار مشتاق هستیم که قرارداد جدیدی با دولت شوروی منعقد و در مجلس تصویب بشود و اگر چنین قراردادی بیآورند ما از صمیم قلب به این قرارداد رأی می‌دهیم و به هیچ وجه مخالفتی با قرارداد نخواهیم کرد و البته شاید اشخاصی که بخواهند فتنه و فساد بکنند و مرا در نزد اولیاء شوروی مخالف صریح قلمداد کنند، خدا را به شهادت می‌گیرم که من با هیچ یک از دُول بزرگ مجاور نظر مخالفی ندارم و در آن دوره ۱۴ تقنینیه که من آن ماده واحد را پیشنهاد کردم و نظرم فقط صلاح مملکت ایران بود و صلاح شوروی، زیرا انتظار نداشتم که دولت شوروی تقاضائی از دولت و ملت ایران بکند که یک دولت استعماری می‌کند، چونکه تقاضای امتیاز معمولاً کار دولت های استعماری است. در همان ماده واحد ای که بنده پیشنهاد کردم تحریم کردم امتیازها را، در ماده دوم نوشتم هر دولتی که بخواهد از ایران برای احتیاجات خودش نفت خریداری بکند دولت ایران باید با این کار موافقت بکند و به اطلاع مجلس برساند و مجلس شورا خواهان معاملات و تجارت با دُول مجاور است و حالا پس از چهار سال می‌بینیم به همان مطالبی که من در آنجا راجع به نفت و فروش آن پیشنهاد کردم متوجه شده‌اند، شاید امیدواریم که انشاءالله ملت ایران بتواند معدن نفت خودش را خود استخراج بکند و به تمام ملل مجاور به اندازه‌ای که احتیاج دارند بفروشد، معامله بکند و به نظر من بحثی در این نیست و هیچ‌وقت در این مجلس غیر از مسائلی که خیر مملکت باشد عرض نمی‌کنم و امیدوارم که بعد هم عرض نکنم. این راجع به مسائلی بود که در جلسه قبل عرض کردم و این را هم تذکر بدهم که اگر بخواهند کنترتزان معین بکنند نظر به اینکه تجار ایرانی تا امروز و تا آخر سال سهمیه خودشان را گرفته‌اند و مال التجاره هائی را دستور داده‌اند و آن‌ها هم همان مال التجاره ها را صادر بکنند و دولت از همان کالاها کنترتزان هائی برای امسال بدهد قهراً یک ضررهای بزرگی به تجاری که سهمیه گرفته‌اند وارد خواهد شد.

بنده به دولت تذکر می‌دهم که این کنترتزان ها را به یک ترتیبی به دولت شوروی بدهند که با آن معاملاتی که تجار نسبت به سهمیه خودشان دارند ضرر

وارد نشود. اگر معاملاتی با این کننتزان انجام می‌گیرد این ضرر به این تجار ایرانی وارد می‌شود، صدمه ای متوجه معاملات تجار داخلی می‌شود چون وقتی که برای یک سال به دو نفر یک کننتزان هائی دادند یک عده می‌روند از آنجا می‌خرند، باید دولت این را در نظر بگیرد و کاری نکند که اسباب ضرر تجار بشود و قرارداد دولت جماهیر شوروی به طوریکه روابط ما با همسایه شمالی ما محفوظ باشد.

این نظریه من بود راجع به قرارداد با شوروی که باید در مجلس بیاورند و یا اگر کننتزان هائی مطابق قراردادی که در ۱۵ فروردین ۱۳۱۹ گذشته بدهند کسی مخالف نیست و قوانین و قراردادهائی که از مجلس شورا گذشته تا زمانی که نقض نشده برای همه محترم است و باید اجراء شود.

اما راجع به جناب آقای سردار فاخر، من به هیچ وجه نمی‌خواستم به ایشان عرضی بکنم و به ایشان در اینجا اعتراضی بکنم، متأسفانه بعد از افتتاح مجلس، یعنی بعد از تعطیل، به مجلس آمدم شهرت پیدا کرده بود که بعضی از رفقا و همکاران من می‌خواهند یک اعتراضی به ایشان به عنوان تصمیمی که هیئت تصفیه اتخاذ کرده بود، بکنند در صورتی که تصمیم هیئت تصفیه به هیچ وجه مربوط به مجلس شورای ملی و نمایندگان مجلس نیست. ایشان از طرف مردم این مملکت انتخاب شده اند، در این مجلس به سمت ریاست آمده‌اند و ما حق نداشتیم که به این کار اعتراضی بکنیم. ایشان از استمزاج کردند و گفتند شما چه نظر دارید راجع به این مذاکراتی که می‌کنند؟ من هم همین جواب را دادم، عرض کردم شما تشریف بیاورید ریاست خودتان، کار خودتان را اداره کنید، از ما به شما غیر از احترام چیزی نخواهد شد و همین‌طور هم در چند جلسه گذشته بود. در دو جلسه قبل یکی از همکاران من به من اظهار کرد و گفت جناب آقای سردار فاخر می‌خواهند از خودشان دفاع بکنند. بنده عرض کردم به ایشان بگوئید که من اولاً نمی‌خواهم مجلس تشنج پیدا بکند و این دفاعی که شما می‌خواهید در مجلس بکنید اسباب تشنج در مجلس است ما که عرضی نمی‌کنیم، نمایندگان دیگر هم صحبتی نمی‌کنند کار تصفیه هم هر طوری که مجلس شورای ملی در نظر بگیرد خواهد گذشت، خواهش می‌کنم شما در مجلس بیاناتی نفرمائید.

آن نماینده محترم به من فرمودند، بنده مذاکره کردم و ایشان قبول فرمودند و فرمودند من حتماً باید از خودم دفاع بکنم و حقایقی را که مردم نمی‌دانند و مطلع نیستند به عرض جامعه برسانم! در مجلس باز هم به توسط آن نماینده محترم عرض کردم، استدعا کردم که فرمایشی نفرمائید، صحبتی نفرمائید و مجلس را متشنج نفرمائید. ایشان استدعای ما نمایندگان جبهه ملی را قبول فرمودند و به ایراد بیاناتی که در مجلس شد مبادرت فرمودند البته دفاع از طرف ایشان نتیجه این بود که بنده هم در مجلس عریضی بکنم به جهت اینکه ما نمایندگان تهران و شما نمایندگان ولایات که از طرف مردم در این مجلس آمده‌ایم مکلفیم و موظفیم اگر یک حرفی، یک مطلبی بر خلاف حقیقت گفته شود آنرا تکذیب کنیم و ثابت کنیم که آن مطالب عین حقیقت نیست، یا اشتباه است یا عمد است، یا در حقیقت آنچه گفته شده بیان حقیقت نیست به این جهت بنده عرائضی نسبت به ایشان کردم، قسمت اول مربوط به هیئت تصفیه بود که روزی بعد از ایراد نطق جناب ایشان

یکی از نمایندگان هیئت تصفیه به منزل من آمدند در مقابل سؤال ن جواب هائی داد و اظهاراتی کرد که اگر من عین اظهارات او را در اینجا عرض کم انشاء نبود، و یک جمله اخباری بود. عین اظهارات آن شخص بود که من در مجلس گفتم. اما خود من نسبت به جناب ایشان خاطراتی دارم که باید آن خاطرات را عرض بکنم. آقایان محترم آن هائی که در دوره ۱۴ در مجلس تشریف داشتند و آن هائی که در خارج بودند اطلاع دارند که در مجلس یک اقلیت ۳۲ نفری تشکیل شد این اقلیت ۳۲ نفری دو ماه در خود مجلس اوبستروکسیون کردند و چون ما دیدیم که آخر هر ماه ما را به عنوان اینکه باید یک دوازدهم را تصویب بکنید و اگر تصویب نکنید مستخدمین دولت به مجلس می آیند، هجوم می آورند و امنیت را مختل می کنند به مجلس می آمیم و یک دوازدهم را تصویب می کردیم. بعد دیدیم اوبستروکسیون به این ترتیب فایده ای ندارد، البته آقایان تصدیق می فرمائید که اوبستروکسیون حق اقلیت است که یک عده قلیلی است، اکثریت اگر اوبستروکسیون بکند پسندیده نیست به جهت اینکه اکثریت یک عده ای هستند که نصف بعلاوه یک نمایندگان هستند و باید بنشینند مطالب اقلیت را با کمال خونسردی، با کمال متانت اصصاً بکنند، اگر جوابی دارند بدهند و بعد البته رأی اکثریت قاطع است، آن کسی که حق دارد اوبستروکسیون بکند آن اقلیت است که یک عده قلیلی هستند که وقتی می بینند که اوضاع مملکت مطابق صلاح عمومی یا اگر مغرض باشند مطابق میل خودشان نیست و یا اگر مصلح باشند در صلاح مملکت نیست این ها اوبستروکسیون می کنند، جلسه را از اکثریت می اندازند هر کاری که لازم باشد می کنند برای اینکه اکثریت نتواند به مقصودی که دارد نائل بشود و قضاوت این امر را هم به افکار عمومی واگذار می کنند زیرا اگر افکار عمومی با عملیات اقلیت موافقت نکند، اقلیت محکوم به افکار عمومی است. اقلیت نمی تواند در جامعه سر بلند کند آن اقلیتی که بتواند در مقابل مردم صحبت کند آن مردمی که هواخواه اقلیت باشند و طالب شنیدن حرف های اقلیت هستند قهراً قضاوت می کنند و تصدیق می کنند که حرف های اقلیت در مصالح خود مردم است. ما چهار ماه به مجلس نیامدیم بعد از چهار ماه یک روزی در منزل بنده که جناب آقای قائم مقام الملک، جناب آقای اسکندری، نمایندگان اقلیت ۳۲ نفری تشریف داشتند، حاضر بودند، ۵ نفر از نمایندگان مجلس آمدند و گفتند دولتی که شما با آن مخالفت می کنید، حاضر نیست، نمی خواهد که شما از جلسه خارج شوید بی اعتنائی بکنید، دولت مایل است که بیاید در جلسه و برنامه دولت مطرح شود، اگر به برنامه دولت اکثریت رأی ندادند، دولت می رود، حالا ما پنج نفر اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف ۱۵ نفر از نمایندگان دیگر که ۱۶ نفر می شویم با شما اقلیت که ۳۲ هستید موافقت می کنیم بیائید در مجلس شورای ملی، برنامه دولت مطرح شد، رأی ندهیم و دولت برود. آقا غیر از این است؟ (قائم مقام الملک- صحیح است) ما آمدم در مجلس و از آن اشخاصی که آمدند و حرف هائی زدند، ما سند خواستیم گفتیم که به ما اطمینان بدهید که اگر ما آمیم با ما همکاری بکنید قبول بکنید، آن ها قبول نکردند و گفتند ما سند نمی دهیم، گفتند حرف ما حرف است سند نمی دهیم و در مجلس که آمیم، بعد به برنامه دولت رأی دادند و دو نفرشان مخالفت کردند و به برنامه رأی موافق دادند. بالاخره ما آمیم.

خود جناب آقای سردار فاخر یکی از آن اشخاصی بودند که در اقلیت بودند. حالا چرا ما را آوردند به مجلس؟ چون برای اکثریت فایده‌ای نداشت که ما بیائیم در مجلس. اکثریت فضول می‌خواست؟ اگر یک عده قلیلی بیایند در مجلس هر کاری که اکثریت می‌کند، تنقید بکنند و بگویند: رفتند قند گرفتند، چکار کردند، چکار کردند... موضوع را وقتی به مجلس آمدیم، فهمیدیم و اگر به مجلس نمی‌آمدیم اصلاً نمی‌فهمیدیم که چه خبر است، برای چه آمدند ما را آوردند به مجلس؟ مجلس اصلاً تشکیل نمی‌شد. جلسه دوم و سوم بود که بودجه یک دوازدهم را آوردند و یک دوازدهم تصویب شد. در جلسه سوم، دعوتی از طرف نمایندگان اکثریت شد که نمایندگان اکثریت از اقلیت دعوت می‌کنند که بیایند برای لایحه تحریم انتخابات صحبت کنند. توضیحاً عرض می‌کنم که قشون خارجی در این مملکت چون یک دسته‌ای مدتی قبل از انقضای قرارداد مملکت ما را تخلیه کردند و رفتند و یک دسته‌ای باقی ماندند، نمایندگان اکثریت نگران بودند و متوحش بودند برای اینکه توقف آن‌ها در ایران سبب خواهد شد که در انتخابات دخالت بکنند. این بود که کمیسیون اکثریت که عبارت بود از جناب آقای دکتر طاهری حاضر. آقا همین‌طور است (دکتر طاهری - بلی) آقای دشتی، آقای نبوی و آقای عباس مسعودی، تشکیل شد. من فهمیدم که دعوت ما برای آمدن به مجلس فقط از نظر تحریم قانون انتخابات بود و الا با ما کار نداشتند. می‌خواستند ما بیائیم در مجلس و این قانون را به مجلس بیاورند و قانون تحریم انتخابات را تصویب بکنند. البته اینجا خواستیم ریش بگیریم زیرا آن دُولی که نمی‌خواهد قانون انتخابات تصویب بشود آن دُولی که نمی‌خواهند ملت ایران به آزادی، به عظمت و سیادت خود برسد، با تجدید نظر در قانون انتخابات مخالفت می‌کنند. آن‌ها میل دارند که این قانون انتخابات همین‌طور که هست باقی باشد تا ملت ایران به هیچ وجه توجهی به مصالح خود نکند. کمیسیون تشکیل شد نمایندگان اقلیت که در جلسه اقلیت انتخاب شدند یکی جناب آقای حکمت بود، آقای مهندس فریور، آقای حادقی و چهارمی بنده بودم. در آن جلسه نظر من این بود که تنها توقف قشون خارجی در انتخابات مؤثر نیست. زیرا از بدو مشروطیت تا آنوقت که چهارده دوره تقنینیه گذشته بود فقط دوره اول و نسبتاً دوره دوم و سوم مردم توانسته بودند نمایندگان خود را به مجلس روانه کنند پس چیزهای دیگری هم هست که در انتخابات ما مؤثر است و مهمتر از این، اصلاح قانون انتخابات است که با این قانون نتوانند با آراء مجعول و مشکوک عوض کنند. اگر ما طالب آزادی انتخابات هستیم و اگر ما می‌خواهیم سیاست‌های خارجی در انتخابات دخالت نکنند باید قانون انتخابات را تجدید نظر و اصلاح کنیم. با قانون فعلی لازم نیست که سیاست‌های خارجی با زور و نیرو و تهدید به مقصود خود برسند، بلکه کافی است دولتی روی کار بیاورند و منویات خود را به دست آن دولت اجرا کنند. ولی اکثریت و بلکه قریب باتفاق نمایندگان حاضر نمی‌شدند که صحبت از اصلاح قانون بکنند و امضاء کنندگان طرح اصرار داشتند که آنرا پیشنهاد کنند و مجلس تصویب کند و در آخر دوره هم برای جلوگیری از فترت مجلس را تمدید نمایند. از این نظر سه روز قبل از طرح پیشنهاد به دعوت نمایندگان اکثریت کمیسیونی مرکب از آقایان دشتی، دکتر طاهری، عباس مسعودی، نمایندگان اکثریت و جناب آقای رضا حکمت،

آقای حادقی، آقای مهندس فریور و اینجانب نمایندگان اقلیت در مجلس تشکیل شد. نمایندگان اکثریت اظهار می‌کردند چند روز بیشتر به صدور فرمان انتخابات باقی نیست چنانچه طرح تنظیمی ما مطرح و تصویب بشود قشون خارجی که مقصودش از توقف در ایران مداخله در انتخابات است می‌رود و اگر نرفت دوره چهاردهم را تمدید می‌کنیم تا برود. در صورتی که نمایندگان اقلیت بالاتفاق می‌گفتند تصویب این طرح ممکن است موجب عصبانیت بعضی از خارجی‌ها بشود و تمدید مجلس به جهات ذیل مؤثر و عملی نیست. اول اینکه انتخابات دوره چهاردهم بر طبق آمال مردم نبود که تمدید مجلس با افکار آن‌ها موافقت کند. دوم تمدید دوره تقنینیه بر خلاف اصل پنجم قانون اساسی است که مدت نمایندگی را دو سال تعیین کرده است. سوم بر فرض اینکه اکثریت موفق به تمدید شود، چه مانعی است که در انقضای دوره، دولت مجلس را منحل کند و این کار در دوره دوم سابقه دارد. پس بهتر آنست طرحی تهیه کنیم که به عنوان تجدید نظر در قانون انتخابات در صدور فرمان شاهانه راجع به انتخابات دوره پانزدهم دو ماه تأخیر و در ظرف این مدت قانون انتخابات را تجدید نظر کنند چنانچه قانون اصلاح شد و قشون خارجی نرفت آنوقت قبل از انقضای دوره ۱۴ طرح تعویق انتخابات تصویب شود پس از مذاکرات زیاد بین نمایندگان اکثریت و اقلیت در کمیسیون توافق حاصل شد و علت هم این بود که سیاست شخصی نمایندگان با قانون فعلی بدون معارضی در دهات و بلوکات انتخاب شوند و ۷۴ نفر در شهرها افراد باسواد انتخاب کنند که در مجلس یک اکثریت بیطرفی تشکیل شود ولی بعد بین نمایندگان اکثریت موافقت حاصل نشد و طرحی که به مضمون ذیل تهیه شده بود در جلسه ۱۹ مهر ماه ۱۳۲۴ تقدیم مجلس شورای ملی نمودند.

ماده واحده - «انتخابات پانزدهمین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی یک ماه بعد از تخلیه خاک ایران از قوای بیگانه بعمل خواهد آمد.» این طرح به امضای ۸۰ نفر رسید. ناگفته نماند که قبل از تشکیل جلسه علنی و تقدیم طرح فوق الاشعار، نمایندگان اقلیت ۳۲ نفری در مجلس و در اتاق مخصوص بخود حاضر بودند و نسبت به جریان روز تبادل نظر و تبادل افکار می‌نمودند. برای اینکه طرح مزبور در صلاح مملکت اصلاح بشود و در جلسه علنی مجلس بین نمایندگان اکثریت و نمایندگان اقلیت اختلافی حاصل نشود به موجب پیشنهاد این جانب آقای حکمت با نمایندگان اکثریت داخل مذاکره شدند ولی نتیجه‌ای نگرفتند و بلافاصله زنگ مجلس به صدا درآمد و نمایندگان اکثریت یکی بعد از دیگری وارد جلسه علنی شدند و عده‌ای از نمایندگان اقلیت هم برای اینکه در جلسه نظریات خود را تعقیب کنند، پیشنهادی در دو نسخه بشرح ذیل تهیه نمودند «برای تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات در صدور فرمان انتخابات سه ماه تأخیر بشود» امضاء کنندگان: دکتر محمد مصدق، تیمورتاش، مهندس فریور، بهادری، مهدی عدل، فرمانفرمایان، رضا حکمت، افخمی، رفیع. که یکی از نسخ اکنون .. (تیمورتاش- صحیح است مورد قبول است) مورد قبول است که بعدش مورد قبول باشد. بنده همیشه پیشنهادهای جمعی را دو نسخه می‌نوشتم یکی را نگه می‌داشتم و یکی را هم به مجلس می‌دادم. برای اینکه اگر خدای نخواستہ بخواد از بین برود باز از آن پیشنهاد دیگر حاضر باشد.

رئیس- یکدفعه دیگر قرانت بفرمائید.
دکتر مصدق- این عین پیشنهاد است با امضای ایشان. «پیشنهاد می‌نمائیم ماده واحده به طریق ذیل اصلاح شود:
«برای تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات، در صدور فرمان انتخابات سه ماه تأخیر شود.»

دکتر مصدق، تیمورتاش، فریور، بهادری، دکتر فلسفی، عدل، فرمانفرمایان، رضا حکمت، دکتر زنگنه، جناب آقای رفیع. امضاءشان هست. این طرح را ما آنجا دو نسخه امضاء کردیم آوردیم در مجلس. که یکی از نسخ اکنون در دست است و یکی از امضاء کنندگان، خود جناب آقای حکمت می‌باشند چون در موقع امضای پیشنهاد، آقای حکمت راجع به پیشنهاد دیگری هم که قبلاً داده بودند به هیچوجه اظهاری نکردند. وقتی که بنده پیشنهاد را به ایشان دادم امضاء کردند، به هیچ وجه اظهاری نکردند که قبلاً یک طرحی هم داده‌اند. لذا نمایندگان اقلیت با نهایت اطمینان به پیشرفت کار، وارد جلسه شدند و یک نسخه از پیشنهاد را این‌جانب - که همین پیشنهاد باشد- تسلیم آقای نایب رئیس نمودم که به ترتیبی که داده شده بود، قرانت شد و بدون آنکه توضیحاتی بدهند و در آن بحث شود [که] مخالفین مانع شوند، مورد رأی واقع شد و تصویب گردید. صورت جلسه را ملاحظه بفرمائید. وقتی که ما آمدیم در مجلس، بنده این پیشنهاد را دادم به آقای ملک مدنی که مجلس را اداره می‌کرد. یک دفعه دیدم که یک پیشنهاد دیگری از طرف آقای سردار فاخر داده شده. آقای ملک مدنی گفتند که آقای سردار فاخر توضیحاتی دارید؟ گفتند خیر. بدون بحث، بدون مذاکره، رأی گرفتند. تا ما بخواهیم بفهمیم که موضوع چه بوده، تصویب شد. اکنون همین پیشنهاد، پیشنهاد آقای سردار فاخر، چه بود؟ «پیشنهاد می‌کنم به محض اینکه تمام خاک ایران، بر طبق پیمان سه گانه، از نیروی متفقین تخلیه شد بلافاصله فرمان انتخابات صادر و انتخابات دوره پانزدهم شروع بشود. سردار فاخر حکمت» این پیشنهاد با طرح نمایندگان اکثریت یکی است و فقط اختلافش این است که آقای حکمت پیشنهاد کردند به محض اینکه خاک ایران از قوای متفقین تخلیه شود، در صورتیکه پیشنهاد اکثریت این است که یک ماه پس از تخلیه ایران انتخابات شروع شود البته همکاری صمیمانه ایجاب می‌کرد که این پیشنهاد را که بر خلاف عقیده و اظهارات خود او بود ندهد و یا اینکه لااقل همکاران خود را از آن مستحضر کرده باشند. نه اینکه هیچ اظهاری نکنند و پیشنهاد دوم را هم که مخالف با پیشنهاد اول است، امضاء نمایند. مورد تردید نیست اگر همکاران از پیشنهاد اولی ایشان مطلع شده بودند و اقلیت در جلسه سبب می‌شد که حد نصاب برای اخذ رأی حاصل نشود و پیشنهاد اکثریت تصویب نگردد و اکثریت مجبور شود که راجع به تجدید نظر در قانون انتخابات، با نظر اقلیت موافقت کند. پیشنهاد آقای حکمت با نمایندگان اکثریت به این نتیجه رسید که موقع مهم و مفیدی از دست مملکت رفت بعد در دوره پانزدهم نیز، آقای سردار فاخر حکمت... ۳۲

۳۲ - دنباله سخن را می‌کند و دوباره به شرح خطاکاری های سردار فاخر در دوره 14 باز می‌گردد

مطلب دیگر ایشان که در دوره ۱۴ واقع شده است: در سال ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ که با دوره ۱۴ تقنینیه تصادف می کرد، قیمت یک کیلو قند به نرخ دولتی بیست ریال و به قیمت آزاد، ۱۵۰ ریال بود و یک حلقه لاستیک اتومبیل سواری که به نرخ دولت ۷ هزار ریال و در بازار آزاد ۳۰ هزار ریال و به همین تناسب سایر اجناس انحصاری داد و ستد می شد. بعضی از وکلا از مقام نمایندگی سوء استفاده نموده و منافع سرشاری برده بودند و اقتضای عملیات آن‌ها همه روز در جراید منعکس و یا رسوائی آن‌ها زبانه زد خاص و عام شده بود (شوشتر- اسامی آن‌ها را ببرید) خود آقای حکمت اسامی آن‌ها را می‌گویند لذا مجلس شورای ملی تصمیم قانونی ذیل را در جلسه ۲۷ تیر ماه ۱۳۲۳ اتخاذ نمود:

«نظر به اینکه شایعاتی دائر به مداخله بعضی از نمایندگان مجلس در بعضی از معاملات راجع به کالاهای انحصاری و اقدام برای تحصیل جواز ورود پاره‌ای اجناس و غیره، سوء استفاده از مقام خود به منظور انتفاع مادی، در جراید انتشار می‌یابد و نظر به لزوم تحقیقات در اطراف شایعات و اتخاذ تصمیم شایسته نسبت به کسانی که در صورت ثبوت شایعات مزبور، مشمول و مستحق تعقیب خواهند بود، مجلس طبق اصل ۳۲ از متمم قانون اساسی، کمیسیونی از پنج نفر نمایندگان به انتخاب مجلس، مأمور می‌کند که تحقیقات جامع الاطرافی بعمل آورده گزارش لازم را از تاریخ اتخاذ تصمیم، در ظرف یک ماه به مجلس تقدیم کند...»

این کمیسیون از طرف مجلس برای تحقیقات درباره اشخاص و وکلای بد عمل، مأمور شد. کمیسیون انتخاب شد. یکی از اعضای کمیسیون جناب آقای سردار فاخر بودند و همچنین رئیس کمیسیون... بلی؛

«دولت مکلف است کلیه اعضاء و اطلاعات و وسائل تحقیق را در اختیار کمیسیون بگذارد.

«تبصره - اتهام منحصر به اجناس انحصاری نبوده لازم است به هر اتهام که مبنی بر استفاده مادی است، رسیدگی شود.»^{۳۳}

بعد از تصویب این قانون، جناب آقای حکمت به عضویت و ریاست کمیسیون مزبور انتخاب شدند و مدارکی از عملیات نمایندگان خلاف کار به ایشان رسید. مدارک را نادیده گرفتند و در ظرف یک ماه حتی کوچک‌ترین گزارشی به مجلس ندادند تا یک ماه منقضی شد. اینهم آن کار کمیسیون. حالا می‌خواهید که اسم آن اشخاص را بفهمید، مدارک خدمت ایشان است از ایشان بگیرید. (شوشتری - حرف‌ها عکس‌العمل دارند در خارج)

در دوره پانزدهم نیز آقای سردار فاخر، با احراز کرسی ریاست مجلس شورای ملی، هیچ وقت خود را موظف ندیدند از آزادی و قانون اساسی دفاع کنند. در ایامی که طبقات زیادی از افراد ملت، طبق سنن پارلمانی و دموکراسی، علیه حکومت هژیر، با کمال نظم و آزادی و زیر حمایت قرآن کریم، مقابل عمارت مجلس به تظاهرات پرداختند، به دستور آقای رئیس، قوای نظامی با سرنیزه و اسلحه گرم مردم را متفرق و مجروح و مقتول نمودند. با نهایت تأسف

۳۳ - جمله و تبصره از تصمیم قانونی فوق است. ناطق آنرا فرو گذاشته و پس از ادای جملاتی بدان بازگشته.

باید عرض کنم که فردای آنروز آقای سردار فاخر با کمال صراحت اذعان و اعتراف کردند که زدن و کشتن مردم بی سلاح به دستور ایشان بوده است. و باز لازم است عرض کنم کسی که مدعی است قسمت مهم اموال خود را در راه آزادی و استقلال کشور و احیای مملکت و مخالفت با بیگانگان خرج و مصرف کرده است (در جلسه یکشنبه ۲۶ شهریور ماه) آیا شایسته بود که وارد مجلس مؤسسان بشود؟ و آرائی بر علیه قانون اساسی و مشروطیت بدهد؟ باز شایسته بود که در همین دوره به اصول مشروطیت احترام نکند و رأی تمایل را که از سنن پارلمانی است، زیر پا بگذارد؟

در خاتمه خاطر آقایان محترم را به این معنی متوجه می‌کنم که دنیای امروز این موضوع را چگونه تلقی خواهد کرد که قانونی به امضای رئیس مجلس برای اجرا به دولت ابلاغ شود و پس از اینکه شخص ایشان مشمول آن قانون قرار گرفتند، ببینند در پشت این تریبون مجلس و آن قانون را غلط و ظالمانه معرفی کنند. آیا مصلحت مملکت از منفعت اشخاص بزرگتر و عالی نیست؟ هرگز شما نمایندگان ملت نباید بخاطر صلاح اشخاص، با مصلحت عمومی مملکت مخالفت فرمائید.

اینجا بعضی از آقایان نمایندگان به من اظهار کردند که آیا ممکن است رئیس مجلس را کسی این‌طور عمل کند؟ عرض کردم آقا بله، بله. (کشاورز صدر - پس چرا در خانه خودتان گفتید نه؟) اجازه فرمائید. در ممالکی که حقایق گفته نمی‌شود، انتقاد نمی‌شود. این را حمل به چه چیز می‌کنند؟ یا حمل بر خیریت می‌کنند، می‌گویند این ممالک رشد ملی ندارند، به جهت اینکه ...

این حقایق را به شما عرض کنم: بنده چکاره هستم؟ جناب آقای تقی زاده چکاره است؟ جناب آقای شوشتری چکاره هستند؟ همه ما ها را مردم کاملاً از حال مان اطلاع دارند. همه را می‌شناسد. هر کس را به جای خودش می‌شناسد. اگر ما گفتیم که کسی نسبت به رئیس مجلس حق ندارد بی احترامی کند این حمل بر چه خواهد شد؟ حمل بر این خواهند کرد که جامعه ایرانی یا رشد ملی ندارد، یا شریک عملیات دستگاه فاسد است. به جهت اینکه آن ممالکی که امروز ترقی کرده اند، در سایه انتقاد بوده.

هیچ چیز، غیر از انتقاد، مردم را به راه راست هدایت نمی‌کند. اگر یک کسی کار غلط کرد، افراط و تفریط کرد، و مورد انتقاد قرار نگرفت، ضرری نمی‌بیند که از خط خودش منحرف شود. پس عرایضی که عرض می‌کنم، در جامعه‌ای که واقعاً رشد ملی داشته باشد، در جامعه‌ای که بتواند نیک را از بد تشخیص بدهد باید مورد انتقاد واقع شود. باید نسبت به عملیات او انتقاد بکند تا او متوجه بشود امثال او دقت بکنند و آن کار را نکنند. و الا، اگر شما آمدید گفتید نسبت به رئیس مجلس، هیچ‌کس حق انتقاد ندارد آن وقت جناب آقای امامی اهری خواهند فرمود: بیله دیگ بیله چغندر

فرامرزی- دستور، دستور، دستور

شوشتری- اجازه بدهید من جواب بدهم

رئیس- من خودم حق دفاع دارم. یک جریاناتی که فرمودند باید جواب بدهم.

رئیس- آقای دکتر مصدق یک جریانی از دوره ۱۴ که بنده و یک عده زیادی از رفقای دیگرمان با ایشان به عنوان اقلیت همکاری می‌کردیم (در کابینه آقای صدر) بیان فرمودند. اغلب آن هم صحیح بود. حالا بنده توضیحات بیشتری می‌دهم. آقای صدر که به کمک اکثریت آن روز به نخست وزیری رسیدند، به عنوان اعتراض به ایشان - که به عقیده آقای دکتر مصدق و این ها، شایستگی نداشتند- قرار شد که دو جلسه اقلیت ابستروکسیون بکند و به جلسه حاضر نشود. این دو جلسه ابستروکسیون رسید به چند ماه (جمال امامی - ۴ ماه) و بنده همیشه مخالف با ادامه این رویه بودم. ولی نظر به اینکه کاری را که قبول کرده بودم نمی‌خواستم رها کنم و به سست عنصری معروف بشوم همه در خانه‌های خودمان جمع می‌شدیم و در مجلس حاضر نمی‌شدیم. بنده همیشه مکرر می‌گفتم که عده ما زیاد است، ۳۲ نفر هستیم (بعضی از نمایندگان - ۴۱ نفر) با این عده که تشکیل اقلیت را می‌دادیم اسلحه اقلیت و نمایندگان مجلس تریبون مجلس شورای ملی است سؤال، انتقاد و استیضاح است این حربه از دست ما خارج شد. این اسلحه را ما خودمان ترک کرده‌ایم و در خانه‌ها جمع می‌شویم و دولت هم مشغول کار خود است و از ترس، اعمال نامناسبی به میل بعضی از اکثریت انجام می‌دهد کما اینکه اینطور هم می‌شد تا اینکه شاید آقایان در نظرشان باشد، در یک جلسه خصوصی بین بنده و آقای دکتر مصدق یک مشاجره ای پیش آمد چون بنده می‌گفتم که برویم به مجلس و ایشان می‌گفتند که نرویم و کار ما این بود آخر ماه می‌آمدیم به مجلس برای یک دوازدهم به عنوان اینکه حقوق مردم را باید داد حقوق مستخدمین را می‌دادیم و دست دولتی را که با او مخالف بودیم باز می‌گذاشتیم و می‌رفتیم خانه‌هایمان بنده آن روز با ایشان یک قدری مشاجره کردم ایشان فرمودند هر کس با نظر من موافق است بیاید این طرف اتاق تشریف بردند آن طرف اتاق، خوب در نظر دارم که عده کمی رفتند، بنده خودم عرض کردم آقا خود بنده هم می‌آیم ما که اختلافی نداریم، ما می‌خواهیم یک کاری بر خلاف اصول مشروطیت نکرده باشیم مردم به ما اعتراض می‌کنند که شما مشروطیت را تعطیل کرده‌اید چرا شما چهل نفر یا سی و هفت هشت نفر به پارلمان نمی‌آئید بنده گفتم آخر چرا نرویم در صورتی که در حدود چهل نفر هستیم، بالاخره به پارلمان آمدیم و متأسفانه بنده باید بگویم که در آن چهار ماه ابستروکسیون خدا می‌داند روح معذب بود، برای اینکه در مازندران و آذربایجان سر و صداهایی بلند شد که ما اگر در مجلس بودیم از این سر و صداها و این قبیل تحریکات جلوگیری می‌کردیم و نیامدیم بعد که به مجلس آمدیم یک سرو صداهائی در آذربایجان پیدا شد تنها کسی که آمد در اینجا نطق کرد بنده بودم و بنده می‌خواهم نطقی را که در آنروز کردم حالا آقایان استماع بفرمایند ...

آمدیم سر پیشنهادی که کردم، همه آقایان می‌دانند که مملکت ما در دست اجنبی گرفتار شده بود آن‌ها هم من غیر حق به ما حمله کرده بوده (آشتیانی زاده - حالا هم حمله می‌کنند) (آزاد-الآن هم می‌کنند) و اگر در آن موقع انتخابات عملی می‌شد معلوم نبود که کار انتخابات شمال و جنوب به کجا می‌رسید و چه وکلای می‌آمدند به مجلس این پیشنهادی است که بنده دادم چون بعضی‌ها عقیده داشتند که باید با بدون قوای بیگانه انتخابات انجام بگیرد و بعضی‌ها هم معتقد بودند که بعد از چند

ماه، بنده عقیده ام این بود که تا قوای بیگانه خاک ما را تخلیه نکند بهیچ قسم انتخابات عملی نشود این بود که پیشنهاد کردم و خود ایشان هم آنرا قرائت فرمودند.

«به محض اینکه تمام خاک ایران از قوای بیگانه تخلیه بشود دولت مکلف است بلافاصله انتخابات را در سرتاسر مملکت شروع کند.» آیا این خیانتی بود که بنده کرده ام؟ (بعضی از نمایندگان- بهیچ وجه) این بود عمل بنده در دوره قبل، در آن دوره که صحبت از تمدید هم می‌شد بنده مخالف بودم برای اینکه اصل پنجم قانون اساسی اجازه نمی‌دهد و اگر بنا بشود هر کسی مجلس را بتواند تمدید کند پس یک دوره ای که انتخاب می‌شود همینطور تجدید می‌شود به این جهت بنده مخالف بودم که بعد از یک دوره انتخابات تمدید شود این موضوع را هم اقدام کردم، اما مطلب دیگر، اینجا باید عرض کنم که بنده سرشماری تهران را که کردم انجام را به دست یکی از باشرف ترین کارمندان این کشور که آقای سیف اله نواب است، محول کردم (صحیح است) که ایشان رئیس اداره آمار بود. و خدا را شاهد می‌گیرم، اگر این آدم یا خدای خواسته بنده، می‌خواستم میلیون‌ها سوء استفاده بکنم، به سهولت می‌توانستم. ولی برای خانه مردم هم کوپن نگرفتم. اما لاستیک را می‌فرمائید، بنده آن وقت یک اتومبیل داشتم و هر کس می‌توانست چهار عدد لاستیک از دولت خریداری کند. بنده دو لاستیک بیشتر نگرفتم. با همان لاستیک کهنه خود و پرداخت بهاء دو لاستیک دیگر را هم نگرفتم. چون در بازار آزاد پیدا کردم و خریداری کردم (یکی از نمایندگان - ایشان هم نگفتند که گرفتید) (فرامرزی - بفرمائید آقا، بفرمائید) ملت ایران باید بداند. چون اسمی برده شد. بنده باید بگویم که قضاوت درباره بنده را افکار عمومی کرده و بنده هم الحمدالله در محکمه عدل الهی و در محکمه افکار عمومی و در محکمه ای که از صلحا باشد، حاضر جواب اعمال خود را بدهم.

اما کمیسیونی در آن دوره، به موجب رأی مجلس، تشکیل شد برای رسیدگی به کار وکلای که نسبت هائی به آن‌ها داده شده بود. بنده خودم رئیس آن کمیسیون بودم و یاد دارم که آقای ملک مدنی هم عضو آن کمیسیون بودند. و چند نفر دیگر از آقایان نهم در آن کمیسیون بودند. و بعضی از موارد را هم رسیدگی کردیم. حتی دوستی آقای فطن السلطنه مجد با بنده به خصومت مبدل شد. برای اینکه بنده معتقد بودم ایشان عوض یا معوض یکی را باید قبول کنند. قسمتی راجع به آقای آقا سید ضیاءالدین بود که می‌گفتند ایشان به عنوان زلزله زدگان گرگان، شکر و قندی گرفته‌اند ولی به آنجا فرستاده اند. تحقیق کردم، معلوم شد به وسیله آقای دکتر امین الملک مرزبان فرستاده بودند. آن روز هم نظر ارادتی نسبت به ایشان نداشتم و خیلی هم مایل بودم یک چیزی پیدا بکنم ولی به واسطه اینکه توسط آقای امین الملک به گرگان فرستاده بودند و خود ایشان هم رفته بود تقسیم شده بود، خدا را به شهادت می‌طلبم که قسمت هائی که فعلاً نظرم هست با کمال بی‌طرفی رسیدگی کردم.

اما حکومت هژیر. بنده بعد از اینکه تحریکاتی از خارج بر علیه مجلس شروع شد، کما اینکه آخر دوره ۱۴ به واسطه ضعف مجلس، به اینجا ریختند و نسبت به آقای امیر تیمور که از شریف ترین نمایندگان است (صحیح است) اهانت

کردند. بنده باید اینجا بگویم که به روی او تُف انداختند و او را از اتومبیل پایین کشیدند و به دیگران هم اهانت کردند. و بعد هم روزی به مجلس ریختند- در آن دوره - تمام تابلوهای مجلس، تابلوهای کمال الملک و دیگران را به غارت بردند. بنده برای حفظ حیثیت مجلس، برای اینکه هر روز یک دسته نتواند یا از طرفداران دولت یا از طرف مردم به اینجا بریزند و آقایان نمایندگان مورد تهدید قرار بگیرند، دستور دادم در روزی که مجلس تشکیل است هر کس خواست میتینگ بدهد یک قدری دورتر از مجلس در حدود آخر نرده ها میتینگ بدهند که اهانت به مجلس نشود. به همین ترتیب هم تا حالا حفظ حیثیت مجلس را کرده‌ام (صحیح است) و حتی این چند روز بیش از پانصد ششصد نفر از همین مشمولین بند «ب» و «ا» و «ح» که با نوکرانشان جمعیت کثیری می‌شدند می‌خواستند بیایند در مجلس متحصن شوند بنده به آن‌ها گفتم اگر چنین کاری بکنید، می‌گویم با قوه مجریه متفرقتان بکنند، بنده در تمام این مدت اگر یک ترک اولی هم کرده‌ام به قضاوت آقایان هر چه بگویند حاضرم بنده چون نطق تهیه نکرده‌ام همینطور از حفظ می‌گویم، یک چیزهایی شاید یادم برود در جلسه پیش که بنده می‌خواستم یک مطالبی به عرض نمایندگان محترم برسانم، ایشان پیغام داده بودند من عرض نکنم تصدیق می‌شد این یک حق دفاع شخصی بود به آقای دکتر مصدق ارتباطی نداشت من که رئیس مجلس هستم به حکم آزادی نطق و بیان چگونه نتوانم یک اظهاری که باعث مخالفت ایشان است بکنم، بنابراین نپذیرفتم و بیانات خودم را عرض کردم، بعد در غیبت بنده فرموده اند سوء استفاده از مقام خود کرده‌ام. می‌خواهم عرض کنم که آقای دکتر مصدق بکرات در اینجا راجع به مذاکرات خودشان با آقای منصور رفتن به منزل منصور، راجع به ملاقات با آقای رزم آراء و رفتن آقای رزم آراء به خانه ایشان یا منزل آقای اللهیار صالح صحبت هائی کردند و وقت مجلس را گرفتند آیا بنده گناهی کردم که یک مطالبی به عرض آقایان رسانیدم و قضاوت خواستم؟ (مکی - شما باید اسم بنویسید و بیایید پایین صحبت بکنید) ایشان وقتی که صحبت می‌کردند همه را جلوگیری کردم و تمنا نمودم مجلس سکوت کرد بگذارید جوابم را بدهم، اما ایشان در آن جلسه که بنده نبودم فرمودند یک دروغ مصلحت آمیزی گفته‌اند دروغ مصلحت آمیز شاید خوب است (شوشتری- نه خیر نیست) اما بنده دروغ مصلحت آمیز را هم نمی‌گویم در صورتیکه دروغ مصلحت آمیز ایشان از یک نماینده ای که شب را برای اسم نویسی بی‌خوابی کشیده بود سلب حق کرده است و این خوب نبود. دیگر فرمودند که در احمد آباد (بحال گریه فرمودند) وقتی که رعایای ایشان آمدند، بنده رعایا نمی‌گویم می‌گویم زار عین، زار عین آمدند، گفتند از بلشویک وحشت دارند، گفتند از بلشویک وحشت دارند ایشان به آن‌ها گفته‌اند شما که پنج نفر زیر یک لحاف می‌خوابید چه ترسی دارید بعد هم چند افسر روسی از ایشان خواستند یک کامیون یونجه خریداری کنند، ایشان دادند و پول هم نگرفتند. به این عمل هم اعتراض دارم، از قشون خارجی که مملکت ما را بر خلاف حق اشغال کرده، خوب بود و پول یونجه را می‌گرفتند و به آن بیچارگی هائی می‌دادند که زیر یک لحاف پنج نفر می‌خوابیدند (صحیح است) بنده در مدت عمرم با گلوله در مقابل خارجی ایستاده‌ام و اسناد و مدارک هم دارم ممکن است به کتاب فارس و جنگ

بین الملل مراجعه بکنید، جلو نفوذ خارجی را گرفتم با پول خودم اما بنده خوشوقتم شدم که گناه بنده پیش هیئت تصفیه معلوم شد. دو رقم چک ایشان ذکر کردند که افتراء و تهمت است و وجود خارجی ندارد و نسبت نارواست مدعی بنده کیست (مکی- حسابداری خود مجلس پنجاه هزار تومان بود بیست هزار تومانش را داده‌اید سی هزار تومانش مانده) بکلی دروغ است اما علت خشم آقای دکتر مصدق از بنده چیست؟ وقتی که این دولت فعلی که می‌خواست به مجلس معرفی شود پیغام دادند که شما اگر غوغائی شد باید مجلس را تعطیل کنید جواب دادم چشم اگر غوغائی شد که نظامنامه به من اجازه داد مجلس را ترک می‌کنم ولی وقتی که بنده دیدم ۹۰ نفر، ۸۰ نفر از نمایندگان ساکت نشسته‌اند و هیچ خلاف نظم نمی‌کند و پنج، شش نفر اینطور تظاهرات بر خلاف نظم می‌خواهند بکنند، این را غوغا نمی‌شود تلقی کرد. چون هر روز یک دولت خواست معرفی بشود، و پنج نفر غوغا کند و مجلس تعطیل شود بر خلاف اصول مشروطیت است. ما باید رشد اجتماعی داشته باشیم، از ملل دیگر یاد بگیریم، دیروز سیصد نفر نماینده حزب محافظه کار که مهمترین حزب انگلستان است، تسلیم ۳۰۶ رأی حزب کارگر شده محافظه کاران چرا چوب و چماق بر نمی‌دارند سر و دست حزب مخالف با بشکنند آخر مجلس شورای ملی جای بحث و استدلال است به آن‌ها گفتم، که ممکن است فردا خود آقای دکتر رئیس دولت بشوند ممکن است خدای نخواستہ آقای جمال امامی هم با شما بد باشند دوستان زیادی هم دارند که ممکن است اسباب زحمت شما بشوند باید مجلس را تعطیل بکنم. اگر غوغائی شد در مجلس که من نتوانستم اداره کنم و یا در هم ریخته شد، بنده تعطیل می‌کنم. بعد گفتند آقا حالشان بهم خورد. گفتم بنده هم ممکن است حالم بهم بخورد نایب رئیس، مجلس را اداره می‌کند. نماینده دیگر هم حالش بهم خورد، باید خودش برود بیرون. چون در کار مجلس تأثیری نباشد داشته باشد. همه وکیل هستند.

اما چون فرمودند اشخاصی که کارهای بدی کرده‌اند، باید گفته بشود، لهذا می‌گویم گناه من این است که رعایای کامشکان چندین مرتبه آمدند در منزل بنده شکایت. خواسته‌اند که در مجلس متحصن بشوند باز من نگذاشته‌ام. آن‌ها می‌گویند املاک خرده مالکین که با آقا شریک بودند، ایشان بدون سند و با اِعمال نفوذ، به مجاهد فروخته‌اند و آمده‌اند الآن در تهران و می‌خواهند متحصن بشوند. بنده در عمرم این کارها را نکرده‌ام و من تمنا می‌کنم که از مجلس چند نفر معین بشوند و بروند کتابچه خالصجات خراسان را ببینند، در موقعی که ایشان مستوفی خراسان بودند، رسیدگی بکنند آن دو ملک خالصه را که در خرقان واقع است، چگونه به دست آقای دکتر مصدق رسیده است. و ایشان چگونه آن دو ملک را به دست آورده‌اند و فروخته‌اند؟ در صورتی که بنده خدا شاهد است ملکی که از پدرم به ارث به من رسید حدس زدم که حق رعیت خرده مالک است. به همان قیمت که پدرم خریده بود، به اقساط طویل المدت به آن‌ها فروختم (صحیح است) من اینطور زندگی و رفتار کرده‌ام، الآن هم بلوک آباده خشک که موجود است، و یک بلوک مهمی است که من سهم خودم را به خواهرانم فروختم، با آنکه ورقه مالکیت هم صادر شده بود من رسیدگی کردم که حق زارعین تضییع نشود حق آن‌ها را به خودشان رد کردم من در این مملکت این‌طور عمر گذرانیده‌ام نه ملک

و مال کسی را خورده‌ام نه عمل بدی را کرده‌ام و الحمدالله در ظل عنایت خداوند و حضور نمایندگان محترم و ملت ایران روسفید و سربلند هستم (احسنت - صحیح است)

مکی - از عیسی بن مریم هم شما پاکترید
دکتر مصدق - بنده یک توضیحی دارم.
عده‌ای از نمایندگان- دستور آقای رئیس، دستور
رئیس - پیشنهاد یک ربع تنفس است

.....

دکتر مصدق- بنده طبق ماده ۹۰، اعتراض دارم

....

بعضی از نمایندگان دستور، دستور
دکتر مصدق - بنده مطابق ماده ۹۰، اخطار دارم.
مکی - بنده مخالفم که وارد دستور بشوید
رئیس- باید رأی بگیرم.

....

دکتر مصدق - بنده اخطار دارم.
مکی - آقای سردار فاخر [رئیس] بی‌طرف مجلس، اخطار دارند
رئیس- راجع به چه موضوع؟
مکی - در جواب بیانات جنابعالی. توهین کردید شما
رئیس - آقای دکتر مصدق بفرمائید.

دکتر مصدق- جناب آقای سردار فاخر حکمت به بنده دو نسبت دادند یعنی نقل قول کردند: یکی راجع به معامله ای که بنده در خرقان نسبت به ملک (کامشکان) کرده‌ام، دیگری راجع به خالصجاتی که در دوره استبداد یعنی در 55 سال پیش از این دولت خریده‌ام، و حالا می‌خواهم جواب بدهم:

راجع به معامله کامشکان بنده در آن جنگ بین‌المللی املاک موروثی داشتم در کنار شهر قلعه مرعی خانی آباد، اسفندیاری، محمد آباد، تمام را فروختم به ۵۰ هزار تومان و در چهار سال قبل از این هم بیلان دارائی خود را در روزنامه‌ها منتشر کردم. در روزنامه کیهان هم که جناب آقای فرامرزی اطلاع دارند منتشر شد و باز هم ممکن است آن بیلان را منتشر کنم که آن ارث پدری را نه یک پول زیاد کردم و نه کم کردم. کم نکردم برای اینکه لایق بودم، زیاد نکردم برای اینکه دزدی نکردم. و آن پولی که به من رسیده بود مبالغی را صرف تحصیلات خود در اروپا و مبلغی هم که باقی‌مانده بود که املاکی در خرقان از ورثه مرحوم عزیزالدوله تاج‌الدین میرزا و شعاع‌الدین میرزا خریدم. و مدت 25 سال که مالک بودم هیچ اختلافی نبود مگر وقتی که کار ثبت اسناد پیش آمد و بنده هم مطابق مقررات قانونی املاک خود را به ثبت دادم. کامشکان که کوهپایه است باغات خرده مالکی دارد که من حیث المجموع از جریبانه و خانه و هر چیزی که حساب کنید بیش از صد تومان عایدی به مالکش نمی‌رسد. زارعین باغات که مالک اعیانی بودند و مالک عرصه نبودند، مثل تمام اختلافاتی که در تمام ایران در زمان ثبت اسناد پیدا شد، آمدند به بنده اعتراض کردند گفتند که ما نه فقط

مالک اعیانی بلکه مالک عرصه هم هستیم. و چند نفر که اسنادی از مالک سابق داشتند که رویهمرفته هزار نرغ زمین نمی‌شد آوردند نزد من و بنده به ثبت اسناد نوشتیم که چون مالک قدیم این عرصه را به آن‌ها بخشیده به خودشان بدهید. آقای امیر جاهد در حبس بودند وقتی که بنده خواستم آن ملک را بفروشم گفتند من غیر از فلانی با کس دیگری معامله نمی‌کنم. و در موقع معامله یک سند در محضر آقای شریف العلماء خراسانی تنظیم کردم، نظر به اینکه مالکین اعیانی باغات اختلافی راجع به عرصه دارند و منافعی که از حق الارض به مالک می‌رسد بیش از صد تومان نبود. چنانچه صاحبان اعیانی باغات دعوی خود را به علت مراجعه ثابت کردند، در حدود هزار تومان به آقای امیر مجاهد بدهم. عرض کنم این سند تنظیم شده را بنده فردا در سه چهار روزنامه درج می‌کنم تا مطلب معلوم شود که من با هر کسی که مبارزه کردم، با هر کسی که کشتی گرفتم چون چیزی نداشتم این قبیل نسبت‌ها را به من داده‌اند. بنده اسناد را فردا در چند روزنامه منتشر می‌کنم و آقایان ملاحظه خواهند فرمود که در موقع تنظیم سند و معامله تمام این‌ها قید شده است. آقایان شما را به وجدانان قسم تصور می‌کنید که بنده برای هزار تومان ملک یک رعیت بیچاره‌ای را به زور بگیرم؟ اگر قبول می‌کنید چه عرض کنم.

اما راجع به خالصجات - ایامی که تازه از اروپا آمده بودم اگر کسی به من تو می‌گفت به من بر می‌خورد واقعاً بدم می‌آمد. در همین مجلس که مرحوم حاجی آقا شیرازی وکیل دوره سوم را حزب اعتدال می‌خواست رد بکنند. بنده با ایشان نه آشنا بودم نه ارتباط داشتم. از یکی از کارمندان مجلس که در شعبه بود سؤال کرده بودند در لیست حاجی آقا، چه اشخاصی نوشته شده بود؟ گفته بود در جزو لیست ایشان دکتر مصدق هم بوده. و روزنامه شورا در آن روز چاپ کرده بود و من آنرا خواندم. گفتم ای آقا! من رفتم اروپا چندین سال زحمت کشیدم آمدم، حالا حاجی آقای را می‌خواهند به عنوان تطمیع در انتخابات، رد بکنند، بنده را نسبت می‌دهند که در لیست حاجی آقا بوده‌ام. برای این مطلب دو شب تب کردم، مادرم گفت اگر تو اینقدر حساسی که از هر چیز متأثر می‌شود، پس چرا تحصیل حقوق کردی؟ می‌خواستی تحصیل طب بکنی. هر کسی که تحصیل حقوق می‌کند، باید کشتی بگیرد، زمین بزند، زمین بخورد، بد بگوید، بد بشنود. فحش بدهد و فحش بخورد. این است که من عادت کردم به بد شنیدن. حالا اگر یک کسی به من بد بگوید و یک نسبتی به من بدهد که حقیقتاً برای استقلال مملکت و سیاست مملکت مضر باشد خیلی از این متأثر می‌شوم (فرامرزی - پس بعدها، اگر خواستیم بدتان بیاید، همین‌ها را بگوئیم) بلی بفرمائید. شما آقای فرامرزی! یک فردی را که هیچ تقصیری ندارد، شما بخواهید اینطور متأثرش بکنید خیلی آدم بی انصافی هستید (فرامرزی - بنده خودم را عرض نکردم. عرض کردم ممکن است کسی بکند) شما اگر این بی انصافی را قبول می‌کنید، عرضی ندارم.

در این مجلس، گفته شد که هیأت تصفیه یک مدارکی تهیه کرده بود که بنده را جز بند «ج» بگذارد که هیأت تصفیه این مطلب را تکذیب کرد. حالا از جناب آقای حکمت، سردار فاخر، تعجب می‌کنم که بنده هر چه به ایشان عرض کردم، از روی دلیل و اسناد بود ولی معلوم است ایشان به چه دلیل مطالبی را بدون دلیل

می فرمایند؟ بنده ده سال در دوره استبداد و قبل از مشروطیت، محاسبه یک قسمت از این مملکت را که خراسان بود، اداره می‌کردم. می‌خواهم به آقایان عرض کنم و خدا را گواه می‌گیرم که در دوره استبداد در تمام مملکت، ۵۰ هزار تومان دزدی نمی‌شد. و امروز شما می‌بینید که یک نفر آدم سه میلیون یک دفعه از مال این مملکت می‌برد و هیچ کسی هم چیزی به او نمی‌گوید. علت این بود که در آن زمان، شاه مملکت می‌گفت مملکت مال من است. نوکر شاه هم می‌گفت نمک شاه را می‌خورم و به شاه خیانت نمی‌کنم. و همین ایمان بود که مملکت بخوبی و به درستی اداره می‌شد. اکنون از جناب آقای سردار فاخر استدعا می‌کنم، مطلب بی اصلی را که در دوره چهاردهم شخصی در موقع اعتراض به اعتبارنامه خود گفته، حرام است در مجلس اظهار کنید. من تمام مطالبی که نسبت به ایشان عرض کردم، با مدرک است. گفتم این پیشنهاد را کرد. حالا غلط است. من گفتم این قانون گذشته. این غلط است، غلط است. اما ایشان، این بیاناتی که کردند چه مدرکی دارند؟ باید ایشان با مدرک بفرمایند.

بنده با پدر ایشان مرحوم مسیح الملک حکیم شیرازی که بعد مشارالدوله شد، با جلساتی داشتیم در آن دوره استبداد. به ایشان واقعاً ارادت داشتم. رئیس - به بنده هم مرحمت داشتید. به مشارالدوله هم لطف داشتید. به عموی بنده هم التفات داشتید.

دکتر مصدق- همین املاکی که آقای سردار فاخر فرمودند که مالک بودند، این‌ها خالصه بود. چون مرحوم مشارالدوله ملکی نداشت. من در مجلس تقریباً قباله کهنه هستم. مشارالدوله تمولی نداشت. عرض کنم، این املاک خالصه بود ایشان خریدند. آن موقع، خالصه خریدن هم عیبی نداشت. شاه می‌گفت این خالصه را هزار تومان می‌گیرم می‌فروشم. همه مردم می‌خریدند. امروز هم وقتی که مجلس شورای ملی اجازه بدهد خالصه را بخرند، عیبی ندارد. خوب، آن خالصه را می‌خرند. اما استدعا می‌کنم آن خالصه ای که آقا اطلاع دارند، بفرمایند تا من بفهمم و جواب عرض کنم.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۶۲

روز سه شنبه ۴ مهر ماه ۱۳۲۹

4- نطق بعد از دستور چند نفر از آقایان نمایندگان

رئیس- پیشنهادات به کمیسیون ارسال می‌شود سه نفر از آقایان (مکی -گزارش نفت را نخواندید) گزارشی است راجع به نفت و سه نفر هم از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده‌اند. آقای فقیه زاده هم تذکری دارند. آقای فقیه زاده اجازه بفرمائید این گزارش قرائت شود.
گزارش کمیسیون نفت بشرح زیر قرائت شد:

پیرو گزارش مورخ ۲۹/۵/۴ مجدداً کمیسیون مخصوص نفت با حضور آقای دکتر پیرنیا، معاون وزارت دارائی در تاریخ دوشنبه ۱۳۲۹/۶/۲۷ تشکیل گردید و مذاکراتی بعمل آمد بالاخره کمیسیون باتفاق آراء تصمیم گرفته که موضوع را جداً تعقیب و به دولت صریحاً اعلام شود که چنانچه در ارسال پرونده های مربوط به نفت ملاحظه شود و یا دولت صریحاً نظریه خود را در ظرف مدت ده روز اعلام ننماید آقایان حاضرین اعضا کمیسیون که عبارت از ۱۳ نفر بودند دولت را استیضاح نمایند. اینک رونوشت نامه‌ای هم به عنوان آقای نخست وزیر نوشته شده برای استحضار مجلس شورای ملی ذیلاً به عرض می‌رساند. مخبر کمیسیون مخصوص نفت - حسین مکی

جناب آقای نخست وزیر- کمیسیون منتخب مجلس شورای ملی، مأمور مطالعه پرونده نفت و اظهار نظر راجع به لایحه تقدیمی دولت، تا کنون سه جلسه منعقد نموده و کتباً و شفاهاً طی نامه‌های شماره ۱۶۳- ۲۹/۴/۵- و ۳- ۲۹/۵/۲۳۶ از وزارت دارائی خواسته است که برای روشن شدن موضوع پرونده های مربوط به نفت را به کمیسیون بفرستد. متأسفانه تا کنون دولت پرونده های مربوطه را نفرستاده است. اینکه کمیسیون از دولت تقاضا دارد که دستور فرمایند تا مدت سه روز از این تاریخ پرونده های مربوط به کمیسیون ارسال شود. و نیز دولت باید تا ده روز دیگر از این تاریخ، نظریه خود را در باب لایحه تقدیمی به کمیسیون اطلاع دهد. چنانچه پس از گذشتن این تاریخ ها پرونده و نظریات دولت به کمیسیون نرسید اعضا کمیسیون تصمیم گرفته‌اند که دولت را در موضوع نفت استیضاح کنند.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق
رئیس- گزارش در روزنامه رسمی مطابق ماده ۳۶ آئین نامه چاپ می‌شود

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۶۵

سه شنبه ۱۱ مهر ماه ۱۳۲۹

رئیس-... استیضاح قرائت می‌شود.
استیضاح به شرح زیر قرائت شد:

ریاست محترم مجلس شورای ملی - طبق تصمیمی که در جلسه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۹ کمیسیون نفت اتخاذ گردید، مقرر بود هر گاه دولت در ظرف ده روز نظر خود را درباره لایحه الحاقی ابراز نکند، اعضا کمیسیون مزبور دولت را برای عدم استیفای حقوق ملت ایران، استیضاح نمایند. چون دولت تا این تاریخ از انجام وظیفه خودداری و نظر خود را نسبت به لایحه مزبور، نفیاً و اثباتاً، اظهار نکرده اند، لذا امضاء کنندگان این ورقه، دولت آقای رزم آرا را برای تعلل در اجرای قانون ۲۹ مهر ۱۳۲۶ به عدم استیفای حقوق ملت ایران راجع به نفت جنوب، استیضاح می‌نمائیم.

حائری زاده، حسین مکی، دکتر مصدق، اللهیار صالح، دکتر محمدعلی هدایتی،
دکتر علوی

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۷۳

پنجشنبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۹

رئیس - چون قبل از تعطیل است و استیضاح مطرح است، اجازه بفرمائید نماند
برای بعد. آقای دکتر مصدق
دکتر مصدق - قبل از شروع به بیاناتم، از آقای سپهبد رزم‌آرا یک سؤالی
می‌خواستم بکنم و آن این بود که اگر شما با قرارداد ساعد - گس موافق بودید،
چرا به مجلس آمدید و روز استیضاح معین کردید؟ چرا وقت مجلس و وقت ما
را خراب کردید؟ همان روزی که شما را استیضاح کردند، می‌بایست بگویند که
من با این قرارداد موافقم. چون استیضاح برای این بود که شما قانون ۱۳۲۶ در
خصوص استیفای حقوق ملت ایران اجرا نکردید. ولی وقتی که شما با قرارداد
موافق باشید، قهراً عقیده دارید که از این قرارداد ضرری بهیچوجه برای ملت
ایران نیست و ملت ایران ضرری ندارد که شما بخواهید حقوق ملت ایران را
استیفا کنید. اگر شما جواب این سؤال بنده را بفرمایید، کار من را یک قدری
سبکتر می‌کنید. و اگر هم نمی‌فرمائید، اشکالی ندارد عرایض را عرض می‌کنم.

۳۴ - در حقیقت، در ۲۶ مهر ۱۳۲۹، رزم‌آرا ضمن نطق خود در مجلس سنا، با قرارداد موافقت
کرده بود.

قبلا شرح مختصری از اوضاع دوره دیکتاتوری که قرار داد داری تمدید شد، عرض می‌کنم و بعد ضروری که از تمدید امتیاز عاید ملت ایران شده است. بعد از شکست جمهوری روزی مرحوم حاج رحیم آقا قزوینی نزد من آمد و گفت دیروز در سعدآباد بودم حضرت اشرف فرمودند حاجی من می‌خواهم کمیسیونی از مستوفی‌الممالک - مشیرالدوله - تقی‌زاده و دکتر مصدق تشکیل دهم و با آنها در مسائل مهم مملکت شور کنم. من گفتم چرا حاج مخبرالسلطنه نباشد فرمود او هم باشد ضروری ندارد شما اول بروید دکتر مصدق را ببینید اگر موافقت نمود سایرین را هم ملاقات کنید و بعد از نتیجه مرا مطلع نمایید این است که اول با شما داخل مذاکره می‌شوم.

به حاجی گفتم برای ما کمال افتخار است که طرف شور حضرت اشرف واقع شویم با دیگران هم مذاکره نموده و جلسه در یکی از شب‌های بعد در منزل حضرت اشرف منعقد گشت.

بدیهی است که در جلسه اول صحبت زیادی نشد و تشکیل جلسه بعد را حضرت اشرف به منزل من محول کرد در آن جلسه هم مقصود خود را اظهار نمود ولی در جلسه سیم که منزل مرحوم مشیرالدوله تشکیل گردید فرمود من می‌خواهم به مملکت خدماتی بکنم و شما می‌دانید که با این اوضاع از بقای خود اطمینان ندارم شما باید به من تأمین بدهید تا من بتوانم خدمت خود را به مملکت ادامه دهم.

فردای آنروز مرحوم داور به مجلس آمد اشاره به مذاکرات شب قبل کرد و تقاضا نمود کمیسیونی برای تأمین نظریات رئیس دولت تشکیل شود. این کار شد مرحوم مستوفی و من به عضویت کمیسیون انتخاب شدیم. مرحوم داور قانون اساسی را ورق می‌زد و بسیار فکر می‌کرد وقتی که به اصل پنجاهم رسید گفت چطور است که مجلس شورای ملی حضرت اشرف را فرمانده کل قوا بکند تا مقامشان ثابت و نظریاتشان تأمین شود.

چون من گفتم که فرمانده کل قوا حق پادشاه است و می‌دانست به آنچه گفتم عمل می‌کنم جلسه را بر هم زد.

در همان جلسه دعوتی از مرحوم محمد حسن میرزا ولیعهد رسید که ما را برای عصر آن روز در قصر بلور دعوت کرد موقع شرفیابی گفت بسیار خوشوقتم که شما اشخاص بی غرض طرف شور رئیس‌الوزراء واقع شده‌اید و من گله‌ای دارم که می‌خواهم به وسیله شما آن را رفع کنم. و آن گله این بود که: یکی از روزنامه‌ها که اگر اشتباه نکنم (نجات ایران) به ولیعهد بد نوشته بود. ولیعهد می‌گفت اگر روزنامه آزاد است چرا تکذیب مرا درج نمی‌کند، اگر سانسور است چرا می‌گذارند به ولیعهد مملکت توهین کند؟

از آنجا خارج شدیم و مرحوم مستوفی در همان راهرو عالی قاپو جلسه را ایستاده تشکیل داد و از من خواست نمود که در این کار وارد شوم و نظر ولیعهد را تأمین کنم.

از رئیس دولت وقت خواستم فردا آن روز که جمعه بود مرا پذیرفت و به محض ورود گفت دیروز کجا بودید عرض کردم همانجا که خودتان می‌دانید.

فرمود می‌دانم کجا بودید ولی چه خبر بود. عرض کردم بسیار خوشوقتیم که بین ما کسی جاسوس نبود.

پس از شرح واقعه گفتند به این آقایان بگویید که این هیئت شورا از این ساعت منحل است و من خندیدم فرمود چرا می‌خندید؟ عرض کردم برای اینکه حضرت اشرف نظامی بودید و نظامی یا آمر است یا مأمور و حد وسط ندارد. اگر به آقای محمد قلی خان رئیس توپخانه بفرمائید شلیک کن او حق ندارد داخل در مذاکره شود و نظریاتی راجع به نیک و بد امر اظهار کند. من می‌دانستم که این جلسه دوام نمی‌کند و اکنون خوشوقتیم که آنچه پیش‌بینی می‌کردم تحقق پیدا کرد.

و باز وقتی که مرحوم مستوفی‌الممالک می‌خواست رئیس‌الوزراء بشود به منزل من آمد و هر قدر اصرار کرد وزارت خارجه را قبول کنم ننمودم. ایشان وارد کار شدند و پس از مدتی که اخلاقشان با دیکتاتور نگرفت، از کار کناره گیری کردند. چون که نظر شاه فقید این نبود که با مستوفی‌الممالک و امثال او همکاری کنند بلکه مقصودش این بود که به جامعه بفهماند، من آن کسی هستم که مستوفی‌الممالک و امثال او به من تعظیم می‌کنند.

مرحوم مستوفی‌الممالک قبول کار نمود و طولی نکشید که استعفا کرد. و من که در سعدآباد، باغ خانم همدم‌السلطنه خواهرشان، رفتم، می‌دانید به من چه گفت؟ فرمود به حاج مخبرالسلطنه (رئیس‌الوزراء بعد) گفتم: من تا چانه‌ام به گل فرو رفت، شما مواظب باشید که تا فرق تان در لجن فرو نرود.»

از این عرایض و اطاله کلام، مقصود این است آنهایی که سنشان وفا نمی‌کند، بدانند که در دوره دیکتاتوری، وزراء، نمایندگان مجلس، نه تنها از شخص شاه بلکه از رئیس‌شهربانی هم ملاحظه داشتند و آنچه شهربانی دستور می‌داد، بدون تخلف اجرا می‌کردند.

خوب به خاطر دارم که در دوره پنجم و ششم تقنینیه هر وقت که دولت لایحه‌ای پیشنهاد می‌کرد و نمایندگان نمی‌خواستند به آن رأی بدهند، موقع طرح آن، سرتیپ محمدخان درگاهی رئیس‌نظمیه، در مجلس حاضر و حضور او سبب می‌شد که نمایندگان بدون شور و بحث زیاد، لایحه را تصویب کنند.

و همچنین شرفیابی نمایندگان در روزهای دوشنبه به پیشگاه شاهنشاه، از این جهت مقرر شده بود که در آن روزها شاهنشاه فقط اشاره‌ای بکند و آنها در مجلس لایحه دولت را تصویب کنند.

با این حال وزراء و وکلا نمی‌توانند به عنوان نبودن آزادی، خود را تیرئه کنند. چونکه آن‌ها مجبور نبودند کار قبول کنند تا اینکه نسبت به مملکت خیانت کنند:

«الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار»^{۳۵}

۳۵ - از روی اختیار امتناع کردن، با اختیار منافی نیست.

«قرارداد ۱۹۳۳ و تمدید مدت»

وقتی که دولت امتیاز داری را الغاء نمود، شهر تهران برای موفقیتی که نصیب دولت شده بود چراغانی کرد. روزی مرحوم مشیرالدوله به دیدن من آمد و فرمود چقدر تقی‌زاده مرتکب خبط و خطا شده‌است. الغای امتیاز بدون زمینه صلاح نبود. اگر شرکت نفت به مراجع بین‌المللی مراجعه کند چون قضات بین‌المللی بیشتر جنبه سیاسی دارند تا جنبه قضایی، ممکن است در آنها اعمال نفوذ کنند و دولت محکوم شود.

دولت انگلیس از کمپانی حمایت نمود و به ایران مهلت داد اگر تا یک هفته مراسله‌ای که به کمپانی نوشته بود مسترد نکند، موضوع را در دیوان داوری بین‌المللی لاهه مطرح کند. و نظر به این که بر طبق ماده ۳۶ اساسنامه صلاحیت دیوان مزبور در مسائلی است که طرفین به آن رجوع کنند و دولت ایران که مراجعه نکرده بود دیوان مزبور نمی‌توانست دخالت کند، لذا به استناد ماده ۱۵ اساسنامه جامعه ملل که هر وقت اختلافی بین اعضای جامعه روی دهد و اختلاف بعدی برسد که به قطع روابط منجر شود شورا باید دخالت کند. دولت انگلیس به شورای جامعه ملل مراجعه کرد و در ۱۸ دسامبر ۱۹۳۲ رئیس شورای جامعه ملل تلگرافی به دولتین نمود و آنها را به احتراز از هر عملی که موجب تشدید اختلاف شود دعوت کرد.

با اینکه کار به قطع روابط نرسیده بود دولت ایران هم دعوت شورای جامعه ملل را قبول نمود و مرحوم داور وزیر عدلیه و آقای حسین علاء رئیس بانک ملی از طرف ایران و آقای سر سایمن وزیر خارجه انگلیس از طرف آن دولت معرفی شدند.

شورای جامعه پس از اصغای اظهارات نمایندگان دولتین مذاکرات را به وقت دیگر محول نمود تا آقای بنش وزیر خارجه وقت و رئیس جمهوری چکسلواکی که می‌خواهم عرض کنم دلال معامله بود مطالعات کافی‌تر کند و گزارش خود را به شورا تقدیم نماید.

آقای بنش هم صلاح این طور دانست که طرفین با مواد ذیل موافقت کنند و پس از موافقت به تصویب شورا برسد.

(۱) طرفین موافقت نمودند که موضوع را تا جلسه مه ۱۹۳۳ در شورا مسکوت بگذارند و در صورت لزوم در تمدید موافقت نمایند.

(۲) طرفین موافقت نمودند که کمپانی فوراً با دولت ایران داخل مذاکره شود و این موافقت خللی بادل و براهین آنها نمی‌رساند.

(۳) طرفین موافقت نمودند که بادل و براهینی که به شورا کتباً و شفهاً اظهار نموده‌اند خللی نمی‌رسد و چنانچه مذاکرات راجع به امتیاز جدید بلا نتیجه ماند مطلب دوباره در شورا طرح شود و هر یک از طرفین آزاد است که از نظریات خود دفاع کند.

(۴) یقین است بر طبق قول هائی که در ۱۹ دسامبر ۱۹۳۲ به رئیس شورای جامعه داده شده تا مدتی که مذاکرات در جریان است و نیز تا خاتمه عمل کارها و عملیات کمپانی در ایران مثل قبل از ۲۷ دسامبر ۱۹۳۲ در جریان خواهد بود و

بین طرفین محرز شد که نه تنها راجع به امور گذشته بلکه نسبت به امتیاز جدید هم باید مذاکرات لازمه به عمل آید.

مؤلف کتاب سیاست موازنه منفی آقای حسین کی استوان در صفحه ۱۷۳ راجع به این دادخواهی این طور می‌نویسد «دولت ایران و کمپانی هر دو خوشوقت و غالب از شورای جامعه ملل خارج شدند. کمپانی خوشوقت بود که می‌تواند ۳۲ سال دیگر مدت امتیاز را تمدید کند. دولت ایران هم خوشوقت بود که به طرف فایق شده و امتیاز را الغاء نموده‌است.»

امتیاز داری تمدید شد و پس از تصویب مجلس ملاقات دیگری بین من و مرحوم مشیرالدوله روی داد که در این ملاقات فرمود تصور نمی‌شد آقای تقی‌زاده تا این درجه به افکار ما که سال‌ها همکاری کرده‌ایم بی احترامی کند.

بنده عرض می‌کنم که تقی‌زاده و امثال او می‌توانستند در مقابل شاهنشاه مقتدری مثل اعلیحضرت رضاشاه، مقاومت کنند. ولی می‌خواهم فقط این را عرض کنم که تقی‌زاده و امثال او اگر دارای اصل ثابتی بودند باید از قبول کار، آن هم کار مؤثری مثل وزارت دارایی که در آن وقت می‌بایست قرارداد نفت بگنرد، خودداری کنند.

«و اما راجع به خسارتی که از قرارداد ۱۹۳۳ به ملت ایران رسیده‌است»

بر طبق فقره پنجم از ماده واحده مصوب جلسه ۲۹ مهر ماه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی، که بدین قرار تصویب شده:

«دولت مکلف است در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منابع ثروت کشور اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده‌است به خصوص راجع به نفت جنوب به منظور استیفای حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه را به عمل آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد»

آقای گلشائیان، وزیر دارایی وقت، با کمپانی وارد مذاکره و نتیجه این شد که قرارداد ساعد و گس به مجلس ۱۵ پیشنهاد شود که همین قرارداد الحاقیه‌است که اکنون دولت با آن تلویحاً موافقت نموده‌است. بنده این را دیروز صبح نوشته بودم حالا باید بگویم تصریحاً و من نمی‌دانم که جناب آقای نخست‌وزیر از ماده ۱۰ آن که می‌گوید:

« با رعایت مقررات این قرارداد مقررات قرارداد اصلی در کمال قوت و اعتبار باقی خواهد ماند.» اطلاع دارند یا نه؟ زیرا ماده مزبور قرارداد باطل دوره دیکتاتوری را تنفیذ می‌کند.

توضیحاً عرض می‌کنم که امتیاز نفت جنوب در سال ۱۹۰۱ میلادی برای مدت ۶۰ سال به داری داده شد و در سال ۱۹۶۲ یعنی ۱۲ سال دیگر موعد آن منقضی است بر طبق فصل پانزده امتیازنامه داری که این طور تنظیم شده:

«بعد از انقضای مدت معینه این امتیاز، تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجوده شرکت به جهت استخراج و انتفاع معادن متعلق به دولت علیه خواهد بود و شرکت حق هیچ‌گونه غرامت از این بابت نخواهد داشت.»

ملت ایران ذیحق است که پس از ۱۲ سال از کلیه محصولات نفتی در حوزه امتیاز بهره‌مند شود. یعنی آنچه امروز دولت انگلیس و صاحبان سهام می‌برند، نصیب ملت ایران خواهد شد.

بنابراین تنفیذ قرارداد دوره دیکتاتوری سبب خواهد شد که ملت ایران تا سال ۱۹۹۳ میلادی، یعنی مدت ۴۳ سال دیگر، در تحت مقررات ظالمانه آن قرارداد قرار بگیرد و از منافع هنگفت معادن تحت‌الارضی خود، محروم شود.

قرارداد مزبور باطل است برای اینکه طرفین هر قرارداد باید اول صلاحیت انعقاد آن را داشته و بعد هم آزاد باشند. و در امضاء و تصویب آن اجباری نداشته باشند. و شما خوب می‌دانید که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان دوره دیکتاتوری، نمایندگان حقیقی ملت نبوده و وزراء هم برای انجام وظایف خود، آزادی عمل نداشتند. و آقای تقی‌زاده وزیر دارایی وقت و امضاء کننده آن قرارداد در مجلس پانزدهم این طور اظهار کرده‌اند: « من شخصاً راضی به تمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده، تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد. او خود هم راضی به تمدید مدت نبود و در اظهار این مطلب از طرف حضرات روبروی آنها به فحاشی و وحشت گفت: عجب! این کارکه به هیچ وجه شدنی نیست. می‌خواهید که ما ۳۰ سال بر گذشتگان، برای این کار لعنت کردیم ۵۰ سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم؟ ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد.»

چه بسیار از اموری که در مجالس دوره دیکتاتوری تصویب شده چون به نفع مملکت بوده ملت ایران با آن مخالفت نکرده‌است. ولی نسبت به این قرارداد که همه می‌دانند یکی از علل تشکیل دیکتاتوری و سلب آزادی از مردم و مجلس شورای ملی برای تنظیم و تصویب این قرارداد بوده، البته ملت ایران با آن مخالف است و شرکت نفت هم از تنظیم و امضای قرارداد ساعد و گس مخصوصاً درج ماده دهم آن، مقصودی نداشته جز این که مجلس شورای ملی قرارداد باطل دوره دیکتاتوری را تلویحاً تصویب و ملت ایران را اغفال کند(صحیح است)

چنانچه حساب سال ۱۹۴۸ میلادی را که شرکت نفت به شرح ذیل منتشر نموده‌است:

- مالیات بر درآمد انگلیس ۲۸ میلیون لیره،
- سود صاحبان سهام ۷ میلیون لیره،
- حق الامتیاز دولت ایران ۱۰ میلیون لیره،
- وجه ذخیره ۱۷ میلیون لیره،
- مخارج بهره برداری ۱۷ میلیون لیره،
- که جمعاً می‌شود ۷۹ میلیون لیره.

۷۹ میلیون لیره عایدات شرکت نفت است در سال ۱۹۴۸ - ۲۸ میلیون مالیات بر درآمد گرفته شود سهام ۷ میلیون و ۱۰ میلیون حق‌الامتیاز می‌دهند، ۱۷ میلیون وجه ذخیره ۱۷ میلیون هم مخارج بهره‌برداری وجه ذخیره، هم چیزی نیست که از بین برود و این تنخواه‌گردانی است که بر می‌دارند و باز استهلاک می‌نمایند سر جایش می‌گذارند پس بالاخره ۱۷ میلیون مخارج شرکت نفت است و ۱۷

میلیون را که از ۷۹ میلیون کسر کنیم، ۶۲ میلیون عایدی خالص شرکت نفت می‌شود که اگر شما این قرارداد گلشانیان - گس را موافقت کنید تا ۴۲ سال دیگر ملت ایران را از سالی ۶۲ میلیون لیره محروم کرده‌اید به علاوه، اگر نفتی که دولت انگلیس برای بحریه خودش به ثمن بخش می‌خرد به قیمت حقیقی معامله کند، متجاوز از صد میلیون در سال ضرر ملت ایران است.

نتیجه این می‌شود که بعد از ۱۲ سال دیگر، مبلغ مزبور غیر از آنچه خرج بهره‌برداری بشود، به ملت ایران تعلق خواهد گرفت. و چنانچه نفتی را هم که اکنون بحریه انگلیس از شرکت به ثمن بخش می‌خرد با بحریه دولت انگلیس یا با شرکت‌های حمل و نقل به قیمت حقیقی نفت معامله کند شاید عایدات دولت ایران در سال از ۱۰۰ میلیون تجاوز کند که مبلغ مزبور ده برابر مبلغی است که اکنون در این حساب برای حق الامتیاز دولت ایران تعیین شده‌است.

در سال ۱۳۲۳ وقتی تحریم امتیاز نفت به تصویب رسید بعضی از اعضای حزب توده و اشخاص هواخواه سیاست شوروی به من اعتراض کردند و وارد مذاکره و بحث شدند نظرشان این بود که موازنه سیاسی وقتی درست می‌شود که اول موازنه را برقرار کنید و بعد مراقبت و نظارت نمایید که بر هم نخورد و می‌خواستند که یک قراردادی هم نظیر قرارداد شرکت نفت برای دولت شوروی تصویب شود گفتم دیگر برای ایران چه می‌ماند که موازنه را حفظ کند ما می‌خواهیم که مجلس چهاردهم به هیچ دولتی امتیاز ندهد و هر وقت هم که مقتضی شد آن را که داده‌است الغاء کند.

دولت انگلیس وضعیتی ایجاد کرد تا بتواند به مقصود برسد دولت دیکتاتوری تشکیل داد و ایران را دچار اختناق نمود تا قرارداد سال ۱۹۳۳ به تصویب رسید بر فرض این که من با شما موافقت بکنم آیا تصور می‌کنید که این مجلس برای دولت شوروی که بیش از هشت رأی ندارد امتیاز تصویب کند؟

اکنون سؤال می‌کنم آیا صلح بین‌المللی اقتضا می‌کند که ما سیاست موازنه منفی را تعقیب کنیم و دولت انگلیس هم از حمایت کمپانی دست بکشد تا ایران بتواند معادن نفت خود را استخراج کنند و با هر دولتی که احتیاج به نفت دارد معامله نماید یا این که دولت شوروی شرکتی مختلط تشکیل دهد و معادن نفت شمال را هم آن دولت استخراج نماید؟

اگر وثیقه صلح بین‌المللی طریقه اول است دولت انگلیس از منفعت نامشروعی که در حکم ثمن بخش است باید صرف نظر کند ۱۰۰ میلیون لیره در آن جنگ خرج چهار روز دولت انگلیس بود و در جنگ آینده شاید خرج دو روز هم نشود.

و چنانچه نیست، استیضاح ما بی‌مورد است. و از مذاکرات دیروز آقای رزم‌آرا در مجلس سنا اینطور بر می‌آید که او را برای اجرای قرارداد ساعد و گس آورده‌اند.

امیدوارم که نمایندگان حساس و وطن پرست به سینه این نامحرم دست رد بزنند و با دادن یک ورقه کبود، ثابت کنند که ایرانی به تسلیم وطن خود تن در نمی‌دهد.

در هر کجا، افسران برای دفاع از حقوق مملکت جنگ می‌کنند و کشته می‌شوند ولی در این مملکت سپهبد می‌خواهد دست و کلا را ببندد و تسلیم شرکت نفت کند. ای مرگ بر آن کسانی که به جای خدمت، خیانت به وطن را پیشه خود قرار می‌دهند.

در خاتمه لازم می‌دانم از آقایان رحیمیان، امیر تیمور، عباس اسکندری، مسعود ثابتی، مهندس رضوی نمایندگان دوره ۱۵ تقنینیه که در این مجلس نیستند و از منافع ملت ایران راجع به نفت در آن دوره دفاع کرده‌اند و دفاع آقای اسکندری به قدری مؤثر واقع شد که آقای تقی‌زاده مجبور شدند حقایق را در مجلس اظهار کنند و همچنین از آقای مهندس حسینی که از نمایندگان آن دوره نبودند ولی برای دفاع از منافع ملت، دست کم از هیچ مدافعی نداشتند، تشکر کنم. امیدوارم که ما نمایندگان این دوره هم منافع وطن عزیز خود را با هیچ چیز عوض نکنیم و همگی در رد لایحه ساعد و گس که تصویب آن برای مجلس ایران و هر ایرانی ننگ بزرگی است، متفق باشیم. اوضاع امروز دنیا چنین اقتضا می‌کند که ما از نظریات شخصی صرف نظر کنیم و متفق‌القول از منافع مملکت دفاع نماییم.

شما هنوز بیانی نکردید آقای رزم‌آرا من به شما عرض کنم سبب این که یک بیان در یک مجلسی آن هم در مجلس شورای ملی عاقبت شما و یک ملتی را به خطر می‌اندازد به شما عرض می‌کنم و از شما استدعا می‌کنم پس از این عرایض من فکر کنید، توجه کنید ببینید صلاح هست که شما بگویید من با قرارداد ساعد و گس موافقم آیا صلاح هست که بعد از ۱۲ سال دیگر صد میلیون عایدات این ملت فقیر بدبخت را کمپانی نفت ببرد و شما در تاریخ نام تان لکه‌دار بشود خدا می‌داند که من خیرخواه شما هستم هر که به این مملکت خدمت بکند خیرخواهش هستم هرگز نمی‌خواهم یک رزم‌آرا از این مملکت برود بنده دلم می‌خواهد رزم‌آرا باشد ولی به مملکت خدمت کند ولی اگر شما با قرارداد ساعد و گس موافقت کنید شما یک ننگی برای خودتان باقی گذاشته‌اید که هیچوقت نمی‌توانید آنرا از بین ببرید. این عرایض را من در خیر شخص خودتان عرض می‌کنم حالا فکر کنید و به قول فرانسوی‌ها کاری «آلا لژر» بکنید اگر شرکت نفت جنوب از شما تشکر کند، اما آن گریه و زاری و ضجه ملت ایران شما را نیست و نابود خواهد کرد فکر بکنید جوابی که به من می‌دهید از روی فکر باشد.

رئیس - آقای دکتر علوی.

دکتر علوی - نده نمی‌خواهم وقت گرانبهای مجلس را که باید به رفع دردهای مردم صرف شود زیاده از آنچه که لازم است اشغال نمایم و از این لحاظ لزومی نمی‌بینم بیش از چند دقیقه صحبت کنم.

آقایان محترم همه مسبوق هستند که در جلسه ۲۸ شهریور ماه ۱۳ نفر از اعضای کمیسیون نفت تصمیم گرفتند اگر دولت تا ده روز درباره لایحه نفت نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر نکند استیضاح نمایند، آقایان نمایندگان محترم اقلیت که قبل از بنده استیضاح فرمودند همه می‌دانیم از افراد وطن پرست این مملکتند و احساسات و عواطف خیر خواهانه آقایان محترم بر کمتر کسی پوشیده‌است و یقین دارم آقایان فرمایشات شان را با خلوص نیت بیان داشته‌ان، گر چه به نظر بنده در

چنین موقع حساس که وقت مجلس و نمایندگان محترم باید صرف رفع مشکلات مردم شود طرح این مباحث طویل و عریض از دو جهت مورد ایراد است یکی این که مسائلی که این جا بیان شد خارج از موضوع استیضاح بود که منظور از آن الزام دولت به تعیین یک روش صریح در مورد نفت بود دیگری این که بیانات آقایان به نظر بنده از لحاظ مبنای حساب و اطلاعات ایرادهائی داشت که باید دولت برای روشن شدن افکار و اذهان مبادرت به پاسخ صریح و قانع کننده بنماید.

آنچه را که دیروز آقای نخست‌وزیر در مجلس سنا راجع به موضوع نفت بیان کردند روش دولت را نسبت به لایحه روشن کرد و چون آقای نخست‌وزیر نظر خودشان را دیروز در مجلس سنا اظهار داشتند اصل موضوع استیضاح این جانب منتفی می‌شود^۱ (دکتر بقائی - از اول هم منتفی بود) و استیضاح خود را مسترد می‌دارم و اطمینان دارم که آقایان نمایندگان محترم اقلیت هم مثل بنده از این اظهار عقیده آقای نخست‌وزیر که اصل موضوع استیضاح بود و از این امیدواری که دیگر جریان امور و قضایای نفت روشن می‌شود خوشوقت خواهند شد (مکی - ابدأً به هیچ وجه ما که از شرکت نفت حقوق نمی‌گیریم) مسلم است وقتی مردم دسترسی به اخبار و اطلاعات صحیح و دقیق پیدا نمودند از گرداب تردید و بلا تکلیفی و تاریکی خارج می‌شوند. اساساً امتیاز نفت یک موضوع محاسباتی و اقتصادی است و باید در روی آن با رقم و محاسبه تصمیم گرفت و اغراض سیاسی را کنار گذارد (مکی - در لندن تحصیل کرده‌اید) این نوع امور به سهولت غالباً بین دولت ها و شرکت ها انجام می‌شود و متأسفانه معلوم نیست به چه جهت در کشور ما این موضوع عادی و اقتصادی به صورت غرض سیاسی تجلی کرده و توأم شده‌است و حال آن که وظیفه دولت این است که در روابط خود با شرکت نفت قلم را در دست گرفته با محاسبه دقیق و روی حساب های اقتصادی و تجارتي حقوق عادلانه و منصفانه و حقه ملت ایران را تعیین نموده وصول کند و نتیجه این بررسی و محاسبه فنی و اقتصادی را به اطلاع عموم برساند. کمیسیون نفت با حرارت و جدیت قابل تقدیری ساعات متمادی در هفته مشغول بررسی سوابق و مدارک مربوطه می‌باشد و پس از مطالعه و بررسی کامل نظریه خود را به خیر و صلاح مملکت گزارش خواهد داد.

مکی - از یک نماینده شرکت نفت بیش از این نباید توقع داشت، چشم جوان‌های مملکت روشن.

رئیس - آقا اینجا اظهار عقیده می‌کنند، این عقیده شان است.

رئیس - آقای نخست‌وزیر.

نخست‌وزیر - آقایان محترم در مدت ۳ ماه و نیم که این جانب افتخار ریاست دولت را دارا هستم، دو مرتبه کابینه این جانب مورد استیضاح قرار گرفته و این جانب و همکارانم جلسات عدیده را برای شنیدن فرمایشات و کلا و عرض جواب آن صرف نموده‌ایم در صورتیکه اگر به ماهیت این استیضاحات توجه فرمایید

ملاحظه خواهند فرمود در مقابل کارهای مهم و حساس کشور کوچکترین لزوم و وجوبی را نداشته و جز اتلاف وقت نتیجه دیگری ندارد.

آقایان امروز که خاتمه ماه ۷ سال است هنوز بودجه سال ۲۹ در مجلس مطرح نشده و در نتیجه کلیه سازمان های کشور به واسطه معین نبودن بودجه خود بلا تکلیف و مخارجی را که بایستی برای احتیاجات خود مصرف نمایند معلوم نیست در نتیجه همین عدم توجه و با وجود مصرف اعتبارات بیشتر کلیه احتیاجات با قیمت گرانتر و در غیر موقع خود تهیه نشده و با دقت آماده نشود در وسط زمستان بایستی با عجله پارچه آن را با قیمت گزاف تهیه و در انتظار جز نتایج غیر مطلوب اثر دیگری نخواهد داشت.

تمام لوايح مهمه دولت تاکنون در مجلس راكد و همه کشور به انتظار تصویب آنها بوده و اوقات عزیز و گرانبهای مجلس بایستی صرف مطالبی شود که کوچکترین تأثیری را ندارد.

آقایان در دو استیضاحی که شده اولی ۱۵ روز پس از تشکیل کابینه شد که ماهیت آن را توجه فرمودند.

دومی راجع به امری است که اصولاً خلاف جریان مجلس و خلاف رویه و مشی دائمی مجلس شورای ملی بوده است.

با این وضع و طبق و با این رویه و اصولی که پیش گرفته شده، دولت‌ها کوچکترین قدم مؤثر و مفیدی را ممکن نیست بتوانند برای پیشرفت امور بردارند چه بایستی تمام اوقات خود را صرف شنیدن استیضاحات و جواب آن نمایند، من صمیمانه از پیشگاه مجلس و وکلای محترم تقاضا دارم نسبت به این وضع توجه کرده و به انتظارات ملت ایران عطف توجهی فرمایند.

در وضع کنونی کشور و انتظاراتی که عموم برای بهبود وضع و رفع نواقص خود دارا می‌باشند خیلی بهتر است اگر این قسم اوقات عزیز و گرانبها را تلف نکرده و این قسم کلیه افراد کشور را به انتظار نگذاریم چه امروز هر دولتی بایستی برخوردار از حداکثر کمک نمایندگان محترم بوده و به اتکای آنها بتواند بدون اتلاف وقت شب و روز خود را صرف بهبود وضع بنماید والا دولتی که شب و روز خود را بخواهد صرف استیضاح کند دیگر نمی‌تواند قدم مؤثری برداشته و یا پیشرفت حساسی در امور بنماید.

ولی موضوع استیضاح آقایان و جواب این جانب استیضاح آقایان شامل دو قسمت مجزا است مطالبی که راجع به مسائل مختلف بحث شده و یک مطالبی که راجع به نفت مطرح گردیده.

ضمن استیضاح نمایندگان محترم مطالبی قابل توجهی ملاحظه شد، از جمله یکی از نمایندگان محترم ضمن بیانات مشروح خود و بررسی نفت از لحاظ اجتماعی این قسم نتیجه گرفته‌اند که علل اصلی و واقعی عدم پیشرفت ملت ایران و دلیل عقب‌ماندگی ما از کاروان تمدن امروزه شرکت نفت می‌باشد حتی برای اثبات مدعای خود توضیحاتی فرمودند. در این قسمت بایستی به عرض برسانم که برای یک ملت زنده‌ای چون ملت ایران که قرن‌های متمادی حیثیت و استقلال خود را حفظ کرده بسیار زنده و غیر قابل قبول است اگر عدم پیشرفت خود را به این قبیل مسائل مربوط دانسته وقتی چنین مطالبی اظهار شد در ذهن کلیه جوانان

کشور و مقامات مؤثر این فکر رسوخ یابد خود قبول چنین فکری است که باعث عقب ماندگی و یأس خواهد شد.

اگر چنین افکاری در سوابق امر شنیده می‌شد جای تعجبی نبود چه گاه گاهی در گذشته اگر ابری در آسمان پدیدار می‌شد برخی اشخاص سست عنصر آن را نظر خارجی و یا اگر باد مخالفی می‌وزید آن را توجه و تصمیم دیگران می‌دانستند اگر ما بخواهیم مثل کلیه ملل زنده مرتباً پیشرفت کرده راه تمدن و ترقی طی کنیم بایستی این قبیل افکار در ما رسوخ ننماید چه آن روزی که افراد کشور بخواهند ترقی نموده مثل ملل زنده در تمدن کنونی پیشرفت نمایند مداخله و نظر هیچ خارجی یا هیچ قدرتی ممکن نیست کوچکترین تأثیری را دارا باشد من که یک ایرانی هستم، از پشت این تریبون با صدای رسا می‌گویم آقایان چرا ما خود را آن قدر ضعیف و نحیف نشان داده این قسم خود را تابع نظر و نیت خارجی نشان دهیم که بگوییم جریان امور در کشور ما و با زنجیر جهل و نادانی دست و پای ما به وسیله آن هاست، اگر چنین است با یک حرکت این زنجیرها را گسسته و از آن رهائی یابید ولی متأسفانه چنین نیست! سر عدم موفقیت:

- حس بدبینی

- عدم اعتماد و ایمان

- عدم وجود یگانگی و وحدت

- عدم قبول مسئولیت

- عدم وجود حس فداکاری و از خود گذشتگی [است].

پس بایستی این فکر را از نظر دور کرده به رفع معایب و نواقص برای پیشرفت حقیقی پرداخت.

۲ - راجع به لوله‌کشی آب. در آبان ماه ۱۳۲۵ به موجب تصویب نامه شماره ۲۹۹۰۴ - ۸-۱۱-۲۵ دولت وقت بین شهرداری تهران و مؤسسه مشاوره فنی الگرندرگیب و شرکای قراردادی منعقد گردیده که بر طبق آن مؤسسه نام برده متعهد شده‌است طرح لوله‌کشی و فاضلاب تهران را تهیه و ساختمان شبکه لوله‌کشی و منضومات را نظارت کند و برنامه کار را از حیث خرید مصالح و اجرای ساختمان ها طوری تنظیم نماید که پس از ۳ سال از تاریخ شروع ساختمان شبکه لوله‌کشی تمام شهر آماده برای بهره‌برداری شود و در مقابل حق‌عملی معادل ۷ درصد کل هزینه دریافت دارد و چنانچه هزینه کل لوله‌کشی و فاضلاب از ساختمانی و خرید مصالح و حق‌العمل و غیره از ۳۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال تجاوز نماید نسبت به مازاد مبلغ فوق حق‌العملی تعلق نگیرد. بنابراین جمع مبلغ حق‌العمل مقطوع بالغ بر ۲۶۶۶۰۰۰۰ ریال بوده و این حق‌العمل مهندسین مشاور هم بر طبق قرارداد مذکور در آخر هر ماه به نسبت هزینه‌ها قابل پرداخت بوده‌است.

چون در مدت دوره این قرارداد به واسطه پاره مشکلات که از ذکر آنها فعلا خودداری می‌شود انجام منظور عملی نگردیده و کارهای ساختمانی قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفته‌است لذا از این بابت مبلغ مهمی هم عاید مهندسین مشاور نشده‌است و چون از طرفی بنابر اظهار مهندسین نگاهداری دستگاه نظارت از طرف مهندسین مشاور بدون دریافت وجوه مرتبی مقدر نبوده‌است در

آذر ماه ۱۳۲۷ شریک ارشد مؤسسه الگزنندر گیب به تهران آمده و با مراجعه به وزارت کشور و شهرداری تهران تقاضای تجدید نظر نسبت به مدت قرارداد و میزان حق العمل خود نمودند و با اهمیت حیاتی که امر لوله‌کشی آب برای شهر تهران در بر دارد لازم بود که در رفع مشکلات تسریع و وسایل ادامه کار فراهم گردد بنابراین تقاضاهای جدید مهندسین مشاور در هیئت دولت مطرح و به موجب تصویب نامه شماره ۱۲۴۷۲-۲۲-۱۰-۱۳۲۸ بدین ترتیب موافقت گردید که مدت قرارداد تا آخر اردیبهشت ۱۳۳۲ تمدید یابد و کارهای اضافی که در قرارداد اصلی پیش‌بینی نشده‌است به همین مهندسین مشاور واگذار گردد و میزان حق‌عملی که نسبت به کارهای اضافی تعلق می‌گیرد از قرار ۷ درصد بهای کارهای اضافی با مهندسین مشاور محسوب شود.

در این مدت چند نفر از آقایان نمایندگان مجلس سنا و مجلس شورای ملی در موضوع تمدید و یا تجدید قرارداد با مؤسسه الگزنندر گیب در مجلسین بیاناتی ایراد و از دولت وقت در این مورد سئوالاتی نموده‌اند که منجر به تشکیل کمیسیون مختلطی از نمایندگان مجلسین گردید که به موضوع لوله‌کشی آب تهران رسیدگی و با مطالعه سوابق امر نظر مشورتی خود را به دولت اعلام و نتیجه را به مجلسین گزارش داده‌اند.

جلسات کمیسیون در خرداد ماه ۲۹ با شرکت جنابان آقایان:
از مجلس سنا و جنابان آقایان: ملک مدنی - اللهیار صالح - دکتر نبوی -
عرب شیبانی
- ابتهاج

از مجلس شورای ملی، تشکیل گردید و در این جلسات قرارداد منعقد بین شهرداری تهران و الگزنندر گیب مورد دقت مخصوص قرار گرفت و پرونده‌های امر رسیدگی دقیق به عمل آمد. تذکرات کمیسیون برای راهنمایی دولت بسیار مؤثر بوده و مورد استفاده قرار گرفت و بر اساس همان نظریات و تا حدی که مورد قبول مهندسین مشاور بوده طرح قرارداد متمم تنظیم گردید و شهرداری تهران آن را امضاء نموده و برای اجراء به سازمان لوله کسی ارسال داشته‌است. این متمم قرارداد مبتنی بر دو اصل است یکی تمدید مدت قرارداد قبلی الگزنندر گیب برای مدت ۳ سال و نیم که به موجب تصویب نامه شماره ۱۲۴۷۲ مورد موافقت دولت قرار گرفت و دیگر پرداخت حق‌العمل مهندسین مشاور بر اساس مخارج واقعی آنها از ابتدای کار تا تحویل لوله‌کشی آب تهران مشروط به این اختیار که صورت حساب‌های آنها به وسیله محاسبین خبره رسیدگی و بازرسی بشود. و هرگاه جمع مخارج مهندسین مشاور در تمام طول مدت قرارداد قبلی و این متمم قرارداد از ۵۱۰۰۰۰۰۰ ریال تجاوز نماید شهرداری تهران تعهد پرداخت مازاد بر مبلغ فوق را نداشته باشد.

بنابر آنچه توضیح داده شد تمدید قرارداد اصلی شهرداری با سرالگزنندر گیب و شرکاء مبتنی بر تصویب نامه مورخه ۱۳۲۸/۱۰/۲۲ مقدار حق‌العمل مهندسین مشاور بر حسب مخارج واقعی ایشان می‌باشد و دولت همواره تذکرات نمایندگان محترم و راهنمایی‌های کمیسیون مختلطی را که برای رسیدگی به پرونده لوله‌کشی تشکیل گردیده‌است.

یکی از نمایندگان محترم ضمن بیانات خود جملات و مطالبی نسبت به کمپانی و کارمندان آن فرمودند تصور می‌کنم فحاشی و بدگویی در مقابل وجود حق مسلم موردی نداشته اگر ما حق مسلم و واقعی داریم بایستی با استدلال و بیان به جا بخواهیم والا با بدگویی و ناسزا موفق نشده و حتی این رویه به حق مسلم ما ممکن است. مجلس مؤسسان طبق قانون و مقررات کشور از خود شخصیت‌های برجسته شما نمایندگان تشکیل گردید و طرز تشکیل مجلس مؤسسان شاید بی سر و صداترین و با نظم‌ترین عمل دولت‌های وقت بوده است آقایان که در مقابل هر عمل و کاری هزاران تظاهر می‌فرمایند، در آن موقع دیده نشد کوچکترین تظاهر و عکس‌العملی در مقابل تشکیل مجلس مؤسسان بنمایند وانگهی مگر مجلس مؤسسان چه کرده چه عمل خلافی انجام داده چرا ما بایستی بدون قضاوت و توجه مطالبی را ذکر و نکاتی را بر زبان آوریم.

موضوع و تو چیست؟ شما اگر به اختیار شاهنشاه ایران و سایر سلاطین فعلی جهان توجه کنید خواهید دید اصولاً حدود اختیارات ایشان نسبت به سایر پادشاهان بسیار ناچیز است پس نه تشکیل مؤسسان و نه تصمیمات آنها و نه جریان کار و عمل آن هیچ یک موضوع و مطلبی نبوده که مورد توجه خاص قرار گیرد و یا حملاتی نمایم.

ولی بیانات آقای دکتر هدایتی به من ...

.....
.....
آقایان- استیضاح وکلای محترم راجع به نفت از این‌جانب امری بی سابقه می‌باشد چه تا کنون رسم و رویه و مقرراتی در مجلس شورای ملی جود داشته که امروز متأسفانه مشاهده می‌شود که بر خلاف این سنن و رویه عمل شده زیرا هر لایحه که دولت به مجلس شورای ملی تقدیم نموده برای رسیدگی و بررسی به کمیسیون‌های مربوطه مراجعه و پس از بررسی و اظهار نظر در مجلس طرح و تکلیف آن تعیین گردیده است. لایحه نفت نیز در تاریخ ۲۶/۴/۲۸ توسط جناب آقای ساعد تسلیم مجلس شده و مجلس حاضر قبل از تصدی این‌جانب در اواخر خرداد ماه ۲۹ طبق پیشنهاد جناب آقای دکتر علوی^۷ یکی از نمایندگان محترم که خود شان استیضاح فرموده اند به کمیسیون خاصی احاله نموده.

این‌جانب در تاریخ 5 مهر ماه به ریاست دولت منصوب و چون وزیر دارائی چند روز بعد به تهران آمد بلافاصله پس از ورود شروع به بررسی پرونده نفت نموده، چه اقدامی بدون بررسی قبلی ممکن نبود در همان موقع نیز مراتب به کمیسیون نوشته شد.

بعد هم مجلس تعطیل و کمیسیونی وجود نداشت که سوابق خواسته شده تقدیم شود پس از خاتمه تعطیل بلافاصله پس از تقاضای کمیسیون کلیه سوابق مربوطه تسلیم کمیسیون شده نماینده دولت آقای دکتر پیرنیا نیز به کمیسیون معرفی و مرتباً در جلسات شرکت نموده است و حتی مراتب به عرض کمیسیون رسیده.

۳۷ - نگاه کنید به مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه 38، 30 خرداد 29 جلد اول، دفتر 1، ص

اگر توجهی به جریان امر فرمایند به خوبی درک خواهند نمود که وقتی دولتی پرونده امر را تسلیم کمیسیون و نماینده خود را معرفی کرده قطعاً موافق بوده چه اگر موافق با لایحه نبوده نه پرونده تسلیم و نه نماینده معرفی می‌شد. به طوری که ملاحظه می‌فرمایند دولت وظائف قانونی خود را انجام داده و به انتظار گزارش کمیسیون و مجلس می‌باشد.

رئیس- فقط استیضاح کنندگان می‌توانند مطابق ماده ۱۷۷ به طور اختصار جواب بدهند آقایان هم طوری تشریف ببرند بیرون که مجلس از اکثریت نیفتد، آقای صالح.

صالح - دیگر راجع به لوله‌کشی تهران وارد بحث شدند یک اطلاعاتی که واقعاً ناقص بود به اطلاع مجلس شورای ملی رساندند ولی آن نتیجه موضوع را که باعث اصرار و ابرام و تذکرات بود و در مجلس سنا و در جراید علاوه از بنده در خود مجلس شورای ملی مکرر تذکر داده شده بود موضوع را کاملاً به سکوت گذراندند و رد شدند و آن این است که یک قراردادی مدت‌ش منقضی شده مطابق قانون باید برای تعیین قرارداد جدید اعلان مناقصه داده شود و هر کس در مناقصه برنده شد با او قرارداد را ببندد و ایراد بنده این بود که شهردار تهران بدون رعایت مناقصه این کار را کرده منتهی جناب آقای رزم‌آرا آنچه به نظر بنده می‌آید دلیل عمل خودشان را فقط این قرار داده‌اند که یک کابینه دیگری عمل غلطی کرد ایشان هم که خودشان را یک مصلح بزرگ اجتماعی می‌دانند نباید عین آن را تکرار کنند. اما در موضوع مضرات اجتماعی این امتیاز نفت و این که به عقیده جناب آقای رزم‌آرا نباید این فکر در ملت ایران رسوخ یابد که شرکت نفت و یا یک موسسه دیگر لیاقت و قابلیت این را دارد که مانع ترقیات یک کشور بشود و اظهار کردند که اصلاً ذکر این مطلب هم زنده است، بنده نمی‌خواهم به جناب ایشان تذکر بدهم که برای نخست‌وزیر چنین صلاحیتی پیش‌بینی نشده‌است که به وکلای ملت نصیحت بکند ولی برای توضیح نظر خودم ناچارم یک جملاتی را به عرض برسانم موضوع نیک‌بینی و بدبینی اتفاقاً یکی از مسائلی است که در دوره حیات اجتماعی بنده همیشه مورد توجه خودم و تمام دوستانم بوده‌است عده زیادی همیشه به ایراد می‌گرفته‌اند که شما بیش از اندازه خوش‌بین هستید حقیقت امر این بوده‌است که من همیشه عقیده داشته‌ام و دارم که باید به ظاهر امور با نظر خوش بینی نگاه کرد و در هر امری بدبین نبود برای این که اگر چنانچه انسان با سوءظن و بد بینی هر امری را تلقی کند ممکن نیست موفقیت پیدا کند که در زندگانی خود یک قدم مثبت بردارد باید با نظر نیک بینی اقدام نمود اما اگر یک نفر یا افرادی پیدا شوند که بر بخوردند به این که نیک بینی آنها صحیح نبوده‌است و در تجربه به آنها ثابت شود که اشخاصی و مقاماتی که نسبت به این ها نیک بین بودند در واقع استحقاق این نیک بینی را نداشته‌اند و باز هم جنبه نیک بینی و امیدواری به خود بگیرند تصور می‌کنم حکم آن سفاهت خواهد بود

.....

آقایان عجله نکنید تصور نفرمائید که از قبول این لایحه الحاقی یک عایداتی به ملت ایران می‌رسد که اگر شما آن را رد نمایید و یا تعویق در تصویب آن بکنید

ضرری به ملت ایران خواهد رسید، این عایدات را اگر مقابل هم بکنید برای ملت ایران به کار برده نمی‌شود.....

مکی - نمایندگان محترم توجه فرمودند که تمام بیانات آقای نخست‌وزیر در اطراف دو روز عرایض که بنده به سمع ملت ایران و به سمع مردمان آزاد دنیا رساندم. از لوله‌کشی صحبت کردند و از حوزه انتخابیه شهر ری بحث کردند و خلاصه از اینور و آنور صحبت کردند و نگفتند که جواب آن‌ها مطالب صحیح و دقیقی که عالی‌ترین مهندسین این مملکت نشستند و رویش حساب کردند و در دسترس بنده گذاشتند چه بوده است..... بدانید که جنایات تاریخ مشمول مرور زمان نمی‌شود ما امروز می‌توانیم بگوئیم چون یزید مرده است اذکروا موتیکم بالخیر جنایات تاریخ مشمول مرور زمان نیست هر کس در این مورد یا دانسته یا ندانسته بر علیه منافع ملت ایران رأی بدهد، عملی بکند جنایاتش مشمول مرور زمان و قابل بخشایش نیست..... آقا گفتند که من نماینده به کمیسیون فرستادم، خیر آقایان ما خودمان که عضو کمیسیون بودیم نماینده خواستیم، لایحه مدافع لازم دارد، کیست مدافع این لایحه؟..... با حضور آقایان بعد از ناهار خواستیم دکتر پیرنیا را و پرونده‌ها را با زور گرفتیم..... اما راجع به مجلس مؤسسان توضیحی دادند، دنیای امروز دیگر زیر بار این مطلب نمی‌رود، و در این موضوع صرفنظر از تمام اختلافات مسلکی و مرامی با تمام دستجات همکاری خواهیم کرد و زیر بار حق و تو نمی‌رویم..... بلی اگر یک روزی هم مجلس مؤسسان تشکیل می‌شود با خواست ملت ایران باید تشکیل شود، نه برای زنجیر کردن ملت ایران و اگر آن مجلس مؤسسان تشکیل شد، آنوقت به شما خواهیم گفت که اختیاراتی که گرفته‌اند چگونه لغو می‌کنند و در سایر اصول قانون اساسی هم چگونه دست خواهند برد (صحیح است).....

رئیس - آقای حائری زاده بفرمائید.

حائری زاده - ...

رئیس - آقای دکتر مصدق توضیحی دارید؟

دکتر مصدق - مختصر عرضی داشتم نمایندگان اقلیت هیچ نظر مخالفی، یعنی از یک جهت معینی نه با دولت رزم‌آرا و نه با سایر دولت‌ها ندارند، تمام نمایندگان اقلیت اگر دولت‌ها کار خوب کردند ساکت بوده‌اند به جهت این که وظیفه خود را انجام داده‌اند و اگر کار بدی هم کرده‌اند انتقاد کرده‌اند، چون که وظیفه اقلیت در تمام پارلمان‌های دنیا همین بوده من تعجب می‌کنم که بعضی از اشخاص می‌گویند که این نمایندگان اقلیت چه می‌خواهند این‌ها هیچ وقت موافق نیستند، این‌ها باید بدانند که اقلیت در هر پارلمانی ضرورت دارد اگر در هر پارلمانی اقلیت نباشد ترقی و تکامل در آن پارلمان وجود ندارد باید اقلیت در مجلس باشد و از نظریات دولت‌ها انتقاد بکند، برای این که دولت‌ها خط مستقیم را رها نکنند و از خط صلاح و فلاح منحرف نشوند، ما با دولت جناب آقای رزم‌آرا از اول یک اختلاف داشتیم، در کارهای کوچک ما با ایشان اصلاً مخالفت نداشتیم حالا ایشان کار خوبی کرده‌اند می‌فرمایند من آن کسی هستم که بوق اتموبیل‌ها را قدغن کرده‌ام (خنده نمایندگان) ما هم ممنون ایشان هستیم به جهت این که از وقتی که این بوق قدغن شده، گوش ما هم کمی راحت شده‌است اما راجع به انجمن‌های ایالتی و

ولایتی ما با ایشان مخالف بودیم و مخالفت ما شدیدتر شد، مخصوصاً از آن روزی که آقای رزم‌آرا در این باب خیلی اسرار کردند چون من به هوش و ذکاوت آقای رزم‌آرا بی عقیده نیستم همین طور که آقایان فرمودند یعنی نسبت به هوش و ذکاوت ایشان عقیده دارم و اگر ایشان خودشان را باهوش می‌دانند یک آدم باهوش هیچ وقت نمی‌آید خود را سر یک چیزی که به هیچ وجه برای مملکت مفید نیست و عجالتاً مورد احتیاج نیست با مردم طرف کند از آن روزی که ایشان خیلی اصرار کردند ما حقیقتاً به سوءظن مان اضافه شد چون که سیاست های خارجی نه حالا بلکه سال هاست که می‌خواهد مملکت را تجزیه کند در این کار ما با ایشان مخالفیم و مخالفت ما با ایشان تا روزی است که ایشان از این عقیده منصرف بشوند (جمال امامی - روز اول به عنوان دیکتاتوری مخالف بودید) (دندان زهریش را کشیدیم پشم هایش ریخت) یک چیز دیگر هم سبب شد که ما مخالف بشویم و آن قضیه نفت بود، راجع به نفت همان طور که جناب آقای جمال امامی توضیحات دادند نظر ما این بود که ایشان قانون مهر ماه ۱۳۲۶ را اجرا نکردند و وظیفه هر دولتی این بوده‌است که استیفای حقوق ملت ایران را بکند و من تصور می‌کنم که بیانات جناب آقای رزم‌آرا دیروز در مجلس سنا بی مطالعه بوده است حقیقتاً همین طور است، برای این که وقتی که یک نفر ایرانی درست بفهمد که ملت ایران چطور از این قرارداد ۱۹۳۳ متنفر و متضرر است هرگز راضی نمی‌شود که بگوید من با این قرارداد موافقم من یقین دارم که ایشان مطالعاتی نداشته‌اند و اگر مطالعه کرده‌اند روی جزئیات بوده‌است در این قرارداد موادی هست که همیشه روی آن مذاکره می‌کرده‌اند مثلاً کارگر یا کارمندان چرا تبعه ایران نیستند یا چرا فلان وزیر آمده‌است تصاعد را به پورسانتاز تغییر داده، آقا این ها به عقیده من جزئیات است که همیشه هم توجه به جزئیات داشته‌اند و این اشخاص متخصص هم که آمده‌اند این جا مطالعه کرده‌اند به خدا قسم ما نیاوریم ما اصلاً نمی‌شناختیم که ژیدل کیست، اصلاً این ها آمده‌اند اظهار نظر کرده‌اند در یک موادی که اصلاً اهمیت ندارد، ولی اصل را ول کرده‌اند، راجع به آن ماده اساسی که ۳۳ سال مدت را تمدید کرده‌است، به کلی سکوت اختیار کرده‌اند و ضرر ملت ایران را به آن ماده که تهدید می‌کند، تمدید قرارداد است، قرارداد کمپانی نفت جنوب اول حق داشته ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار متر مربع مساحتی را استخراج بکند و فعلاً ۵۵۰ هزار متر مربع شده‌است از یک میلیون را هم استخراج بکند دولت ایران حق خودش را مطابق قرارداد داری خواهد گرفت چیزی که بسیار مهم است مسئله مدت است و از این که جناب آقای رزم‌آرا توجه فرمودند به عرایض بنده و دیگران و بیاناتی که در مجلس سنا فرمودند تایید نکردند^۱ بنده کمال تشکر را دارم. اما راجع به مسئله مجلس مؤسسان گر چه نمی‌خواستیم در این باب حرف بزنم ولی آقایان صحبت کردند و چون شهرت داشت که در این چند روز اخیر بعضی از آقایان در مجلس نشسته و صحبت کرده‌اند که مجلس مؤسسان جدید را بسازند و از بیاناتی که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی فرمودند استنباط می‌شود همه مردم می‌دانند و هیچ کس نیست که نداند

آن مجلس مؤسسان اول نماینده ملت ایران نبوده (عده‌ای از نمایندگان- صحیح است) شما را به وجدانتان قسم می‌دهم (اشاره به نخست‌وزیر) شما آن مجلس مؤسسان اول را نماینده حقیقی مردم ایران می‌دانید؟ بگویید، بگوئید، اگر یک نظامی این قدر جرأت نداشته باشد که یک سوال را جواب بدهد آن وقت این مملکت حق ترقی و بقاء ندارد (نخست‌وزیر - همه همین آقایان بودند که این جا نشسته‌اند) بنده از شخص شما می‌پرسم که شما مجلس مؤسسان را نماینده حقیقی ملت ایران می‌دانید؟ مجلس مؤسسان یک مجلس به تمام معنی قلابی بود که اگر می‌خواستند یک مجلس قلابی درست بکنند از این بهتر نمی‌شد (مکی - آقا خیمه شب بازی بود) (آشتیانی‌زاده - بنده خودم شاهد زنده دارم و این جا عرض خواهم کرد) حالا فرض می‌کنیم که همین مجلس مؤسسان هم ملی بود فرض است می‌کنیم. این اصل الحاقی خود مجلس مؤسسان است اصل الحاق می‌گوید که در مورد اصول ۴-۶-۷ قانون اساسی و تفسیر اصل ۷ و اصل ۸ قانون اساسی و اصل ۴۹ آن با توجه به سابقه و قوانین که نسبت به بعضی از این اصول وضع شده است یک بار در مجلس شورای ملی و سنا که پس از تصویب این اصل افتتاح خواهد شد بلافاصله پس از رسمیت یافتن مجلسین در اصول تجدید نظر خواهند نمود و برای این منظور مجلس واحدی تحت ریاست رئیس مجلس سنا تشکیل داده، اصلاحات لازم را به اکثریت ۲ سوم آراء مجلسین به عمل خواهند آورد، همین اصل الحاقی به قانون اساسی این مجلس مؤسسانی که هیچ کس آن را قبول ندارد، بر فرض این که ما هم قبول کنیم بلافاصله پس از رسمیت یافتن مجلسین این مسئله یک بحث حقوقی است که آیا موعد در قوانین و قراردادهای به نفع طلبکار است یا به نفع مدیون تمام علما متفق‌العقیده‌اند که موعد به نفع مدیون است یعنی اگر طلبکار در مدت معینی طلب خودش را از مدیون نگرفت حَقِّش ساقط است این جا مدیون کیست؟ ملت ایران. طلبکار کیست؟ شاه. شاه می‌خواهد وقتی یک قانونی از مجلسین گذشت بفرماید که من با این قانون مخالفم و با حق وتو باید تجدید نظر شود البته این جا طلبکار شاه است و مدیون ملت ایران است وقتی که شاه در موعد خودش حَقِّش را مطالبه نکرد به موجب این قانون حَقِّش ساقط است به این جهت خواهش می‌کنم به هیچ وجه دنبال مجلس مؤسسان نروید و این کار را که به هیچ وجه در صلاح شخص شاهنشاه نیست اقدام نکنید بنده واقعاً نمی‌دانم که اعلیحضرت همایونی از این حق چه استفاده‌ای می‌خواهد بکنند بنده وقتی که در حضور اعلی حضرت بودم عرض کردم اعلیحضرت هر قدر کمتر اختیارات برای خودتان قائل بشوید سلطنت شما محفوظ تر است اگر اختیارات شما زیاد شد در این مملکت که شرکت نفت یا امثال او در کارها می‌توانند نفوذ بکنند می‌توانند یک کارهایی بکنند که شخص پادشاه را در محذور بگذارند ولی وقتی که حَقِّی برای خودش قائل نشود و نتواند قوانینی که می‌گذرد وتو بکند از شاه هیچ کس انتظار نخواهد داشت به عقیده من مجلس مؤسسان و این حق وتو یک اصلی است که برای شخص شاه ضررش از هر کس بیشتر است هر کس که خیرخواه شاه است باید به ایشان عرض کند که این اصل برای اعلیحضرت همایونی صلاح نیست این عرض بنده است.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۷۵

روز سه شنبه نهم آبان ماه ۱۳۲۹

«۳- بیانات آقای دکتر مصدق»

رئیس- آقای دکتر مصدق بفرمائید.

دکتر مصدق- بنده دو سؤال از دولت دارم و خیلی خوشوقتیم که جناب آقای وزیر جنگ تشریف دارند و بعد از اینکه عرایضم را عرض کردم چون وزراء مسئولیت مشترک دارند در هیئت دولت مذاکره فرمایند.

لایحه الحاقیه نفت بواسطه مبارزه نمایندگان شجاع اقلیت و مقاومت منفی عده زیادی از نمایندگان خیرخواه اکثریت از مجلس ۱۵ نگذشت و در مجلس ۱۶ دولت ساعد جای خود را به جناب آقای منصور داد و چون دولت منصور نه شجاعت داشت که قرارداد را رد کند و نه آنقدر تابع شرکت نفت شد که با آن موافقت و آن را به مجلس پیشنهاد نماید، از کار برکنار شد و آقای رزم آراء برای دو کار مهم که یکی پیشنهاد قرارداد الحاقی نفت و دیگری تشکیل انجمن‌های ایالتی است، مأمور تشکیل دولت شدند و مدت سه ماه یعنی از ۵ تیر ماه تا ۶ مهر ماه ۱۳۲۹ که یکی از نمایندگان اکثریت ورقه استیضاحیه خود را داد، کوچکترین اقدامی نمودند.

آن عده از نمایندگان اقلیت هم که در کمیسیون نفت عضویت دارند، در نهم مهر ماه ورقه استیضاحیه خود را نوشتند و فقط از نمایندگان اکثریت که در کمیسیون رأی به استیضاح داده بودند، دو نفر آن را امضاء کردند و به مجلس داده شد.^{۳۹}

آقای رزم آرا روز ۲۰ مهر ماه را برای جواب استیضاح تعیین نمودند و تعیین روز استیضاح از طرف دولت حاکی از این بود که با قرارداد الحاقی مخالف است، چه اگر دولت با آن موافق بود استیضاح مورد پیدا نمی کرد، یعنی از ملت ایران حقی سلب نشده بود که دولت مکلف باشد آن را استیضاح کند. ولی هنوز استیضاح تمام نشده رویه جناب آقای نخست وزیر بواسطه نطق ایشان در جلسه ۲۶ مهر ماه در مجلس سنا تغییر نمود، یعنی با قرارداد الحاقی موافقت کردند.

روز بعد یعنی پنجشنبه ۲۷ مهر ماه که نوبت استیضاح در مجلس شورای ملی به من رسید و صلاح مملکت مرا واداشت که از ایشان تقاضا کنم موقعی که به استیضاح نمایندگان جواب می‌دهند بیانات خود را در مجلس سنا راجع به موافقت با قرارداد تأیید کنند، چون با تقاضای من موافقت شد تشکرات خود را در همان جلسه به ایشان تقدیم نمودم، ولی بعد معلوم شد که نطق کتبی خود را که قبل

۳۹ - نگاه کنید به مذاکرات جلسه ۶۵، همین دفتر، ص ۴۹

از حضور در جلسه تنظیم شده بود بدون اینکه اصلاح شود به اداره تندنویسی داده‌اند که در مجله مذاکرات مجلس به این قرار منتشر شده است:

«اگر توجهی به جریان امر فرمائید به خوبی درک خواهید کرد که وقتی دولتی پرونده امر را تسلیم کمیسیون و نماینده خود را معرفی کرد قطعاً موافق بوده چه اگر موافق لایحه نبوده نه پرونده ای تسلیم و نه نماینده معرفی می شد»^{۴۰}

نتیجه این شد که در مجلس شورای ملی اظهارات ایشان به نفع ملت ایران ولی در مجله مذاکرات مجلس و بعضی جراید به نفع شرکت نفت تمام شود.

اکنون به خود اجازه می‌دهم که اول سؤال کنم چه چیز باعث شد که آقای نخست وزیر از روز تعیین استیضاح که ۲۰ روز نمی گذشت دو عقیده مختلف اظهار کنند، یعنی اول با قرارداد مخالفت کنند و برای جواب حاضر شوند، پس از آن در مجلس سنا با آن موافقت نمایند.

و باز این سؤال را بکنم که دولت رزم آرا که از اشخاص مُفَصَّلَةُ الْأَسَامِی ذیسل تشکیل شده:

آقایان: محسن رئیس، وزیر خارجه - فروهر، وزیر دارائی - سرلشگر هدایت، وزیر جنگ -

دکتر جهانشاه صالح، وزیر بهداری - بوذری، وزیر دادگستری - مهدوی، وزیر کشاورزی -

دکتر عبدالله دفتری، وزیر اقتصاد ملی، و همگی مسئولیت مشترکه دارند، آیا با ماده ۱۰ قرارداد الحاقی هم که امتیاز را برای مدت 32 سال تمدید می‌کند موافقت یا نه؟

همچنین می‌خواهم بیاناتی را که جناب آقای صالح در موقع استیضاح نموده اند تأیید و عرض کنم که کمپانی نفت حتی در جزئیات امور ما هم بی دخالت نیست و جناب آقای رزم آرا که در جلسه ۲۷ مهر ماه در مجلس شورای ملی این‌طور اظهار کرده‌اند:

«من که یک ایرانی هستم از پشت این تریبون با صدای رسا می‌گویم آقایان چرا ما خود را آنقدر ضعیف و نحیف ارائه داده، این قسم خود را تابع نظر و نیت خارجی نشان دهیم که بگوئیم جریان امور در کشور ما و یا زنجیر جهل و نادانی دست و پای ما بوسیله آن هاست، اگر چنین است باید با یک حرکت این زنجیرها را گسست.»^{۴۱}

اگر گفته‌های ایشان صحیح است چرا خود ایشان لایحه الغای امتیاز نفت جنوب را پیشنهاد نمی‌کنند که بیش از این وقت مملکت صرف مناقشات نشود.

چونکه در هیچ مملکتی قرارداد امتیاز تابع مقررات حقوق خصوصی نیست که تا طرفین موافقت نکنند نتوان آن را الغا کرد. بلکه مشمول مقررات عمومی است که اگر هیچ تخلفی هم کمپانی از مواد قرارداد نکرده بود، دولت می‌توانست روی مصالح عمومی و اصل حاکمیت آنرا الغا کند.

۴۰ - نگاه کنید به همین دفتر، ص 62

۴۱ - نگاه کنید به همین دفتر، ص 58

آقایان وایز لند و پروفیسور ژیدل اگر این عقیده را اظهار نکرده اند، علت این بوده که کسی در این باب سؤال نکرده است. کما اینکه در همین مملکت هم این کار بی سابقه نیست و امتیاز رژی (انحصار دخانیات) که به ماژور تالیوت انگلیسی و امتیاز شیلات که به لیانازف تبعه روسیه تزاری داده شده بود روی مصالح ایران و اصل حاکمیت دولت الغا شده است.

ولی چون نه بیانات جناب آقای سپهبد مقرون به حقیقت است و نه ما می‌خواهیم با دولتی مثل دولت انگلیس که مجاور و دوست ماست در اختلاف و مناقشه باشیم، لازم می‌دانیم برای استقرار صلح بین‌المللی - زیرا که هر دولتی از صلح می‌تواند استفاده کند و هر جنگی که پیش آید موجب اضمحلال دُول است - عرض کنم که اوضاع و احوال دیگر اجازه نمی‌دهد که ملل بزرگ در ممالکی مثل ایران، با یک دسته فاسد که در هر مملکتی بقدر کافی هست و تنها به ایران اختصاص ندارد، سازش کنند و مللم کوچک را از حق آزادی و اداره کردم امور خود محروم نمایند. اگر دُول بزرگ توانستند مملکت چین را که اهمیت سیاسی و اقتصادی آن با ایران قابل مقایسه نیست، با رویه ای که در آنجا اتخاذ کرده بودند، آن را حفظ کنند در کشور ایران هم می‌توانند به مقصود خود برسند.

هر کس اینطور فکر بکند که بعضی از دُول بزرگ رضایت می‌دهند که کمپانی نفت ملت ایران را تسخیر کند و مدت ۳۲ سال، هر ساله ۱۰۰ میلیون لیره، از معادن این ملت بیچاره و بدبخت ببرد یا خائن است یا احمق و هر سازش یا تفاهمی هم که بین آن‌ها حاصل شود موقت خواهد بود.

چون دولت‌های دست‌نشانده ما قادر نیستند که اختلافات بین دولت و کمپانی را حل کنند و هر قدر هم ما به انتظار دولت بنشینیم بیشتر موجب تضییع وقت و مزید خسارت است، بنابراین اگر نمایندگان مجلس شورای ملی از چند نفر از نمایندگان مجلس ملی انگلیس دعوتی بکنند که آن‌ها به ایران آمده و اوضاع و احوال را از نزدیک مشاهده کنند و فجایی که شرکت نفت در این کشور مرتکب می‌شود در اینجا بشنوند بدیهی است که وجدانشان اجازه نخواهد داد که ملت ایران باز دچار ظلم و ستم واقع شود. و از این دعوت ممکن است این نتیجه گرفته شود که حسن تفاهمی بین دولت و کمپانی ایجاد شده و اختلافاتی که هست بکلی مرتفع شود.

بعد از مراجعت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از لندن، مطلعین به اوضاع می‌گفتند که هژیر در مقابل تشکیل مؤسسان متعهد شده است که قرارداد نفت در مجلس شورای ملی تصویب شود. و من هیچ وقت نمی‌خواستم این حرف را تا عملی نشود قبول کنم. تا اینکه روز قبل در جراید خواندم که به پاس خدمات صادقانه و لیاقتی که طی زمامداری اخیر آقای رزم آرا از خود نشان داده اند، روز تولد ملوکانه مورد تفقد شاهنشاه واقع و به دریافت نشان درجه اول تاج با حمایل مفتخر گردیده اند.

این خبر مرا به تردید انداخت که اعطای این نشان بزرگ برای این است که از بوق اتومبیل‌ها جلوگیری شده یا در یک امر حیاتی خدمتی به مملکت نموده اند؟

اگر این نشان برای موافقتی است که جناب رزم آرا در مجلس سنا با قرارداد الحاقی نموده است باید گفت که خداوند اینطور خواسته است که ملت ایران از هستی ساقط شود. ولی اگر برای این است که در مجلس شورای ملی بیانات مجلس سنا را تأیید نکرده است، امیدواریم که به توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی کارهای سابق جبران شود و آتیه معلوم خواهد نمود که این تفقد ملوکانه بر ضرر ایران تمام می‌شود یا نمی‌شود.

نقل از مذاکرات مجلس جلسه ۸۸

روز یکشنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۲۹

«بیانات قبل از دستور آقای دکتر مصدق»
آزاد- جناب آقای رئیس چون آقای دکتر می‌خواهند صحبت کنند یک قسمت از وقت بنده را به ایشان لطف فرمائید.
رئیس- بسیار خوب آقای دکتر مصدق بفرمائید.

دکتر مصدق- اگر عریض من قدری طول بکشد امیدوارم که جناب آقای آزاد راضی بشوند که از وقت ایشان استفاده کنم و اگر از وقت ایشان گذشت امیدوارم که نمایندگان محترم اکثریت موافقت بفرمائید عریض خودم را عرض کنم. إذا بیس الإنسان طال لسانه

دیشب جبهه ملی تشکیل و مذاکره در این باب شد که دولت انگلیس از رد قرارداد الحاقی راضی نیست و چون ممکن است یا تصمیم گرفته شود که تمدید قرارداد مخالف اصلاح ملت ایران است و یا صنایع نفت ملی شود لذا بین سفارت انگلیس و مقامات عالییه اینطور مذاکره شده که مجلس شورای ملی منحل گردد و این شائبه بنظر من قابل قبول آمد زیرا شرکت نفت می‌خواست نمایندگان حقیقی ملت در تنفیذ قرارداد ۱۹۳۳ شرکت کنند تا عیب اساسی قرارداد مزبور که در زمان دولت دیکتاتوری منعقد شده و شرایط قانونی انعقاد هر قرارداد را فاقد است مرتفع شود چونکه شرط اصلی هر قرارداد این است که امضاء کننده و تصویب کنندگان آن صلاحیت انعقاد آنرا داشته باشند و برای امضاء و تصویب آنهم آزاد و در معرض گره و اجبار نباشند.

یک نظری به محیط مجلس نهم که قرارداد را تصویب نمود و اقرار آقای تقی زاده که هیچکس در امضاء قرارداد آزاد نبوده است، بطلان آن را ثابت می‌کند و باز باید این نکته را خاطر نشان کنیم که مع التأسف مساعی شرکت نفت برای اینکه در تنفیذ قرارداد الحاقی که قرارداد 1933 را تنفیذ می‌کند به جایی نرسید و نتیجه معکوس داد چونکه مجلس شورای ملی قبل از اینکه اعتبارنامه های نمایندگان جبهه ملی از انجمن نظارت انتخابات صادر شود تشکیل گردید و انتخابات کمیسیون های مجلس قبل از ورود نمایندگان تهران بعمل آمد لذا هیچیک از نمایندگان جبهه ملی در هیچیک از کمیسیون های مجلس عضویت حاصل

نموندند و به محض اینکه قرارداد الحاقی در کمیسیون مجلس مطرح شود به موجب پیشنهاد آقای دکتر علوی و عده‌ای دیگر از نمایندگان برای این کار کمیسیون خاصی تشکیل گردید.

و با اینکه بعد از ورود نمایندگان جبهه ملی در مجلس شورای ملی هر کمیسیونی که تشکیل شده هیچ یک از نمایندگان جبهه ملی در آن انتخاب نشده‌اند و همین دیروز بود که برای نظارت در برنامه سال ۱۳۲۹ که ۲۰۰ میلیون تومان سرمایه این مملکت را در سال ۱۳۲۸ به باد داد کمیسیونی مرکب از ۱۸ نفر از نمایندگان مجلس انتخاب گردید در آن کمیسیون غیر از آقای آزاد که آنهم نمی‌دانم چطور شد انتخاب شده‌اند از افراد جبهه ملی دیگری انتخاب نگردید مقصود من این نیست که تمام نمایندگان با ما مخالف بوده‌اند بلکه عده‌ای از آقایان نمایندگان هم با ما موافق بوده‌اند.

در صورتی که وقتی انتخاب کمیسیون نفت بعمل آمد ۵ نفر از اعضاء جبهه ملی به سمت عضویت در کمیسیون نفت انتخاب گردیدند و چون آن طوریکه مقصود کمپانی بود نمایندگان جبهه ملی نخواستند عمل کنند و بالطبع نمایندگان دیگر عضو جبهه ملی هم با نمایندگان جبهه ملی در رد قرارداد الحاقیه هم صدا شدند لذا شرکت نفت نگران است که اگر مجلس شانزده و این کمیسیون به همین‌طور باقی بمانند، قهراً نمایندگان جبهه ملی در ملی نمودن صنایع نفت موفق می‌شوند این است که در این دو سه روز زرمزه انحلال مجلس شنیده می‌شود.

خدا را به شهادت می‌طلبم که نمایندگان جبهه ملی غیر از خیر مملکت و صلح بین‌المللی مطلقاً منظور و مقصودی ندارند منتهی این است که مفاد حب الئینی و یصم استفاده چند میلیون که بقدر خرج یک روز جنگ انگلیس نیست شرکت را آنقدر کور و کر نموده است که نفع قلیل خود را به حیات یک ملت و صلح بین‌المللی ترجیح می‌دهد در صورتی که شرکت باید در نظر بگیرد که اگر جنگ در گرفت دُول کمونیست فاتح شدند برای آن نه فقط در این مملکت بلکه برای دولت حامی آنهم که دولت انگلیس است در دنیا چیزی باقی نخواهد ماند و چنانچه دُول سرمایه داری غلبه کند آتوقت دُول مزبور نه تنها در ایران بلکه در دنیا و به تمام دُول مسلط می‌شوند پس در این وقت که هر دولتی باید از هرگونه تحریکاتی که سبب تسریع جنگ بشود خودداری کند، شایسته و سزاوار نیست که کاری کنند جنگ بین‌المللی تسریع شود.

مگر نبود که در دوره پانزدهم قرار شرکت مختلط که قریب نصف منافع به ایران تعلق می‌گرفت، در مجلس رد شد و قانون ۲۹ مهر ماه ۱۳۲۶ از این نظر تصویب گردید که دولت استیفای حق ملت ایران را از شرکت بکند و عدم رضایتی که از رد قرارداد مختلط ایران و شوروی پیش آمده بود، مرتفع شود. چه شد که قرار شرکت مختلط که دولت شوروی یک زمین بایری را می‌خواست دایر کند و از محصول آن نصف عایدات را برای حق الارض ایران که صاحب اصلی معادن نفت است بدهد، تصویب نشد؟ و اکنون شرکت می‌خواهد یک زمین دایری را که طبق ترازنامه خود قریب دویست میلیون لیره ابنیه و اثاثیه در آن خوابیده است و نفع این سرمایه به تنهایی، در سال، به ده میلیون لیره بالغ می‌شود، عواید آنرا مدت ۳۲ سال ببرد و از آن به طبق صورتی که این‌جانب بر اساس عایدات

سال ۱۹۴۸ قلمداد کرده ام و وزارت دارائی آنرا بر خلاف، ۲۵ میلیون لیره قلمداد کرده بود، در حدود ۱۹ میلیون لیره به شرح زیر به ما بدهد:

1- طبق قرارداد ۱۹۳۳ و قلمدادی خود کمپانی

۱۰ میلیون لیره

2- بابت حق دولت ایران از ذخایر، بر طبق قرارداد ۱۹۳۳ و تفسیر شرکت ۵/۸ میلیون لیره

3- بابت اضافه مالیات و اضافه حق الامتیاز بر طبق قرارداد الحاقی

۹/۲ میلیون لیره

جمع

۱۸/۷ میلیون لیره

تعیین عایدات دولت ایران بر اساس عایدات ۱۹۴۸ مستلزم این نیست که در مدت 32 سال هر ساله این مبلغ عاید دولت ایران شود. چه هر قدر نفت ایران استخراج شود و قیمت آن ترقی داشته باشد، عایدات شرکت افزوده می‌شود. و نتیجه این است که بر عایدات دولت هم اضافه خواهد شد. بنابراین چنانچه شرکت نفت عایدات زیادتری از این مبلغ به دولت بدهد، مستلزم خوبی قرارداد نیست بلکه روی آن دو اصلی است که فوقاً به آن اشاره شده است.

از وقتی که کمیسون نفت تشکیل شده، با اینکه قریب یک سال است من حال خوشی ندارم و چند ماه قبل دکتر معالج امر کرد دو یا سه ماه بکلی استراحت کنم، غیر از یک روز سایر ایام مدتی قبل از ساعت قراردادی حاضر شده و مدتی هم بعد از آن ساعت از کمیسونی خارج شدم. و از این زحمت فوق‌العاده‌ای که در مقابل زندگی و جان خود تحمل کرده ام، هیچ مقصودی غیر از اینکه استیفای حق ملت ایران بشود، نداشتم. چون که دولت های ما یا دست نشانده و بی‌شخصیت و یا اشخاصی هستند که اگر سوء استفاده هم نکنند، به این قناعت می نمایند که چند روز بیشتر در سر کار باشند و از خزانه دولت بیشتر حقوق دریافت کنند.

در روزهای اخیر که نمی‌دانم شهربانی یا شرکت نفت که در این دولت دولتی تشکیل داده است، دو نفر مأمور در خانه من گذاشته که تا روز قبل هم به وظیفه خود عمل و مأموریت داشتند اسم هر کس را به خانه می‌آمد بنویسند و شماره هر اتومبیلی را در جلو خانه من توقف می‌کند بردارند.

این‌ها به این هم قناعت نکرده و یکی از این روزها که قریب دو ساعت بعد از ظهر بود و من به اتفاق آقای صالح از کمیسون خارج شدیم، دو نفر اشخاص مشکوک الهویه که در آن ساعت معهود نبود مدتی در انتظار بمانند، در اطراف اتومبیل من دیده شده‌اند که آقای صالح به من گفتند آمده‌اند شما را بشناسند تا بعد وظیفه‌ای را که دارند، انجام دهند. و از آن روز من دستور دادم که اتومبیل من در منزل بماند و هر وقت کارم در مجلس تمام شد، به وسیله تلفن خبر کنم و در هر روز در مقابل یکی از درهای مجلس حاضر شود تا کسی از حضور آن مطلع نشده و من از مجلس بروم.

شرکت نفت به این کار قناعت نکرد و اکنون دو روز است که چون روزنامه شاهد اعلان کرده است بعضی از مراسلات سفارت انگلیس را که بر خلاف مقررات بین‌المللی به دولت نوشته شده منتشر کند، از انتشار روزنامه شاهد به

وسيله مأمورين شهريانى جلوگيرى مى‌کنند. بطوریکه روز قبل بعضى از نمايندگان جبهه ملي در مجلس، مثل آقایان مکى و حائرى زاده و دکتر بقائى، خودشان حاضر شدند که روزنامه را در شهر توزیع کنند. و من به صدای بلند مى‌گویم چنانچه باز شهريانى بخواد مانع انتشار روزنامه مزبور شود، به نمايندگان جبهه ملي دستور مى‌دهم همگى مُورَّعين روزنامه شاهد شوند. و چنانچه آن‌ها نتوانند از عهده توزيع برآیند، از مردمان حساس مملکت، از آن مردمى که ايمان خود را در مقابل پول و چند ماه حقوق نمى‌فروشند، استعانت کنند.

دولت ايران امتیازی به يکى از اتباع دولت انگلیس داد و من نمى‌دانم روى چه اصل دولت انگلیس در کارى که فقط جنبه اقتصادى دارد و مربوط به سياست بين‌المللى نیست، مداخله مى‌کند؟ بعد از ملاحظه پرونده هاى نفت در کميسيون و دخالت هاى دولت انگلیس در اين کار، جبهه ملي تصميم گرفت ملي بودن صنعت نفت را اعلام کند. و خدا را در اين عقیده به شهادت مى‌طلبم که تا صنعت نفت ملي نشود ملت ايران هيچ وقت روى خوشى و آسائش نخواهد دید و فساد اخلاق در اين مملکت به درجۀى خواهد رسيد که بسر بدر را و بدر بسر خود را در نفع شرکت مقتول کند.

اکنون يکى از صورت‌هاى مجلس دولت ساعد را قرآنيت مى‌کنم تا دنيا قضاوت کند که اهالى ايران به چه ترتيب زندگى مى‌کنند و من چيزى بر خلاف حقيقت نگفته‌ام.

«جلسه فوق‌العاده روز سه شنبه ۲۱ تير ماه ۱۳۲۸ تحت رياست جناب آقای ساعد تشکيل گرديد. وزير امور خارجه اظهار داشتند که آقای سفير کبير انگلیس ايشان را ملاقات و اظهار داشته‌اند که ترديد در امضاء و طرح عمومى تأثيرى در حسن مناسبات بين دولتین خواهد داشت. براى اينکه وقتى دولت پيشنهاده قطعى خود را داد کمپانى يقين داشت که با قبول اين پيشنهاده ديگر هيچگونه ابهامى باقى نمانده و در تمام مواد موافقت حاصل است و کمپانى حاضر براى پيشنهاده دولت نبوده در نتيجه اقدامات دولت انگلستان کمپانى حاضر شده که چهار ميليون ليره را تضمين کند، حالا اگر باز اشکال شود نتيجه خوبى نخواهد داشت.

مذاکرات مفصلی در اطراف ماده ۱۶ و طرح عمومى بعمل آمد عقیده آقایان وزرا بر اين شد که طرح تنظيمى توسط کمپانى بر خلاف تبصره ۳ ماده ۱۶ است براى اينکه در تبصره ۳ ماده ۱۶ صراحت دارد که کمپانى با موافقت دولت طرحى در نظر خواهد گرفت که همه ساله بطور تصاعدى عده کارمندان خارجى تقليل پيدا خواهد کرد و در ماده اشاره‌اى به تناسب کارمندان فنى خارجى و ايرانى نیست ضمناً جناب آقای نخست وزير بيان فرمودند که مستر گس ايشان را ملاقات و اظهار نموده اگر دولت در امضای طرح عمومى ترديد کند آن‌ها نيز از پيشنهادهائى که نسبت به ماده ۱۰ و ماده ۱۱ کردند عدول خواهند نمود و ضمناً اظهار کرده‌اند که به اين ترتيب ناچار به مراجعت لندن خواهند بود. بعد از مذاکرات قرار شد جلسه‌اى تشکيل شود با حضور سفير کبير انگلستان و مستر گس در روز چهار شنبه ساعت پنج در خدمت آقای نخست وزير با مشارکت آقای وزير امور خارجه و وزير دارائى و آقای عدل تا يک مرتبه با آقایان اشکال

قانونی امر تذکر شود شاید بتوان راه حلی پیدا کرد. در روز چهارشنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۲۸ جلسه‌ای با حضور تمام آقایان وزرا تحت ریاست جناب آقای ساعد تشکیل و نتیجه مذاکرات کمیسیون که با حضور آقایان سفیر کبیر انگلیس و مستر گس و آقایان وزیر امور خارجه و دارائی و جناب آقای عدل تشکیل شده بود به اطلاع دولت رسید.

وزیر دارائی اظهار داشتند که از مذاکره با آقایان نتیجه‌ای بدست نیامد و آقایان به هیچوجه حاضر برای صرفنظر کردن از طرح عمومی نشده و باز سفیر کبیر انگلیس مطالب گذشته را تجدید کرد: اگر این طرح امضاء نشد، تأثیر سوئی هم در مناسبات بین دولتین خواهد داشت. و حتی آقای وزیر امور خارجه پیشنهاد کردند که ممکن است این طرح عمومی را کنار گذارده و در ظرف دو ماه یک موافقت علیحده ای بین طرفین برقرار شود. این پیشنهاد را هم قبول نکردند. و نظر آقایان این است که اصلاً این طرح عمومی برخلاف ماده ۱۶ فقره سه نیست چون متخصصین ما عقیده دارند که طرح برخلاف اعتبارنامه خواهد بود. چون دولت فقط نظر به تبصره سه ماده ۱۶ دارد، در صورتی که با تلفیق با قسمت ۲ رفع اشکال قانونی خواهد شد.

بعد، مذاکرات نسبت به طرح عمومی شروع و در نتیجه باز نظر آقایان وزرا بر این شد که قبول این طرح بر خلاف ماده ۱۶ است. و باز قرار شد در جلسه دیگری آقای نخست وزیر و وزیر امور خارجه، سفیر کبیر انگلیس را ملاقات بلکه بشود راه حل جدیدی پیدا گردد. روز پنجشنبه ۲۳ تیر ماه، جلسه فوق‌العاده هیأت، تحت ریاست جناب آقای ساعد نخست وزیر، تشکیل و آقای وزیر امور خارجه اظهار داشتند جلسه که قرار بود، امروز صبح تشکیل و مذاکره شد نامه‌ای از طرف وزارت دارائی به کمپانی نوشته شود که اصولاً طرح تنظیم شده مورد قبول ما است و دولت موافقت می‌کند که مطالعات خود را تکمیل و در ظرف دو ماه به تصویب هیأت وزیران برساند. بعد مذاکره شد عبارتی که باید به نماینده کمپانی نوشته شود، به این شرح تنظیم و موافقت گردید: « وزارت دارائی قبول می‌نماید که در ظرف دو ماه طرح عمومی را که باید بر طبق بند ۳ ماده ۱۶ مطالعه و تهیه شود، با موافقت نظر طرفین تنظیم کرده و در ظرف مدت مزبور، آنرا برای تصویب هیأت وزیران پیشنهاد نماید.

قرار شد وزیر دارائی این طرح را به اطلاع مستر گس برساند، بعد نسبت به قرارداد متمم مجدداً مذاکره و ترجمه آن قرائت و آقایان هر کدام به شرح زیر اظهار نظر نمودند.

در قسمت مواد متمم قرارداد تمام آقایان در تمام قسمت‌ها موافق بودند چون مکرر در جلسات گذشته مذاکره شده و موافقت شده بود.

در قسمت پاراگراف ۱۰ عقیده آقایان این شد که چون کمپانی حاضر برای قبول فرمول دولت نشدند فرمول زیر را که عبارت است از این شرح «با پرداخت مبالغ فوق توسط کمپانی دولت و کمپانی تصدیق می‌نمایند که فقط تعهداتی که در مورد فقرات آ و - و ب قسمت یک ماده ۱۰ و ماده ۱۱ امتیاز نامه و همچنین نسبت به رزرو عمومی دانسته اند تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ کاملاً انجام شده است» به این طریق اظهار نظر نمودند.

آقای سپهبد امیر احمدی وزیر جنگ - آقای فهیمی وزیر مشاور - آقای حکمت وزیر امور خارجه - آقای دکتر اقبال وزیر کشور - آقای عدل وزیر مشاور - آقای سیاح وزیر راه - آقای اشتری وزیر اقتصاد ملی - آقای دکتر زنگنه وزیر معارف - آقای دکتر طاهری وزیر مشاور - آقای دکتر اعلم الملک وزیر بهداری - آقای گلشائیان وزیر دارائی با فرمول پاراگراف ۱۰ موافق بودند. آقای دکتر مقبل وزیر کشاورزی و آقای دکتر سجادی وزیر دادگستری نظر خود را کتباً مرقوم داشتند.

جناب آقای ساعد هم با نظر اکثریت موافق بودند و قرار شد موضوع در جلسه سری مجلس به اطلاع نمایندگان برسد.

محل امضاهای وزرا و نخست وزیر

اینجانب با تصویب طرح قسمت مالی فقط به شرح قطعی تسلیم طرح در اولین جلسه مجلس شورای ملی برای تصویب موافقت دارم.

دکتر محمد سجادی ۲۸/۴/۲۳

با عبارت پاراگراف ماده 10 موافق نیستم مگر اینکه نوشته شود اختلافات بین دولت شاهنشاهی و کمپانی مسلماً و به طریق دوستانه خاتمه یافته است یا آنکه تصریح شود که تعهدات کمپانی تا کنون انجام یافته است. دکتر احمد مقبل»

در خاتمه از عموم طبقات و اشخاص حساس و وطن پرست که در موقعیت رد لایحه الحاقی از نمایندگان جبهه در کمیسیون نفت نوازش و خدمت آن‌ها را مورد تقدیر قرار داده‌اند تشکر می‌کنم و چنانچه نتوانستم به تمام مراسلات جواب بدهم و از تمام هموطنان سپاسگزاری کنم علت غیر از اینکه نا توان بودم چیز دیگر نبوده است و با متذکر می‌شوم که رد لایحه الحاقی چیزی نیست که منافع ملت ایران را تأمین کند بلکه منافع ملت ایران وقتی تأمین خواهد شد که صنعت نفت در تمام مملکت ملی اعلان شود والا در آخر این دوره که نمایندگان راجع به انتخابات خود برای دوره ۱۷ گرفتار می‌شوند و یا بعد از انحلال این مجلس دولت لایحه در دوره ۱۷ خواهد آورد که چند میلیون اضافه بر آنچه در قرارداد الحاقی شرط شده بود از کمپانی گرفته‌اند و چون نمایندگان جبهه ملی هم در آن مجلس نخواهند بود، لایحه مزبور بدون تأخیر تصویب می‌شود.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۱

روز یکشنبه ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۹

«تقدیم گزارش کمیسیون مخصوص نفت به وسیله آقای مکی مخبر کمیسیون نفت»
رئیس - آقای مکی بفرمائید.

مکی- بنده مطالب زیادی که وقت آقایان را قبل از دستور گرفته باشم ندارم. فقط گزارش نفت را می‌خواستم به مجلس شورای ملی تقدیم کرده باشم. و ضمن تقدیم گزارش، یک نکته‌ای را هم می‌خواستم به عرض مجلس شورای ملی برسانم که مذاکرات کمیسیون مخصوص نفت که در سه جلد تنظیم شده و بیان همه آقایان اعضاء کمیسیون مخصوص نفت در این مذاکرات هست، که در کمیسیون مطالب اساسی و یک موضوعات بسیار مهمی مذاکره شده، که من می‌خواستم از مجلس شورای ملی تقاضا کنم اجازه بفرمایند این به تعداد آقایان نمایندگان محترم چاپ بشود و در دسترس همه آقایان نمایندگان گذاشته بشود. (صحیح است) زیرا هر قدر گزارش کمیسیون را بنده می‌خواستم مفصل بنویسم، باز خیلی از مطالب ناگفته تقدیم مجلس می‌شد. با اینکه گزارش تقدیمی بنده در حدود سی صفحه است، ولی تصدیق می‌کنید که بسیاری از مطالب و بسیاری از مسائل مهمه، باز هم از نظر دور شده است. زیرا حوصله مجلس به این اندازه که بنده بخواهم تمام مطلب را به عرض برسانم نیست و بهتر است که خود آن گزارش کمیسیون یا آن صورت مذاکرات کمیسیون که در سه جلد تنظیم شده و در حدود ۲۶۰ صفحه است، با داشتن چاپخانه مجلس، این را دستور بفرمائید چاپ بشود و یکی یک نسخه به همه آقایان داده شود. (صحیح است)

اکنون گزارش خودم را تقدیم جناب آقای رئیس می‌کنم که برای اطلاع آقایان طبع و توزیع بشود.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۲
روز پنجشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۳۲۹

«طرح گزارش کمیسیون مخصوص نفت»

رئیس - گزارش کمیسیون مخصوص نفت مطرح است قرائت می‌شود.

گزارش از کمیسیون مخصوص نفت به مجلس شورای ملی

کمیسیون مخصوص نفت که برحسب تصمیم قانونی مجلس، در تاریخ دوشنبه پنجم تیر ماه ۱۳۲۹ تشکیل شده‌است، گزارش خود را ضمن مقدمه‌ای، به عرض مجلس مقدس شورای ملی می‌رساند:

در ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶، مجلس شورای ملی، ضمن ماده واحده‌ای دولت را مکلف نموده که نسبت به استیفای حقوق ایران از نفت جنوب، اقدامات لازم نموده نتیجه را به عرض مجلس شورای ملی برساند.

بعد از یک ماه پس از این تاریخ، آقای گس نماینده شرکت، برای مذاکره در باب اجرای ماده ۱۶ امتیاز نامه، یعنی تقلیل مستخدمین خارجی شرکت، که دعوت شده بود، وارد تهران می‌شود و نسبت به موضوع فوق الذکر چنانچه از پرونده‌ها مستفاد می‌شود، به وسیله وزیر دارایی وقت مرحوم هژیر، مذاکرات با نامبرده آغاز می‌گردد. ضمناً چون در آن موقع مطالعات وزارت دارایی در موضوعات

دیگری مانند قراردادهای فروش نفت و طرز تعیین بهای محصولات نفتی و حق دولت از ذخائر شرکت نفت و حق دولت نسبت به رسیدگی به دفاتر و محاسبات شرکت تکمیل شده بود و بواسطه خاتمه جنگ اطلاعاتی از درآمد سایر شرکت‌ها واصل گردیده بود وزیر دارایی وقت راجع به اصول کلی امتیاز نامه و اشکالات متعددی که در اجرای آن بوجود آمده بود و همچنین تحولی که در وضع اقتصادی نفت ایجاد گردیده و عدم رضایتی که تجدید امتیاز و تمدید مدت آن باقی گذارده‌است، با آقای گس مذاکرات مفصلی بعمل می‌آورد. در نتیجه چون مذاکرات در باب اجرای ماده ۱۶ به نتیجه نرسید و ضمناً مشاهده شد که مسائل مهمتر و اساسی‌تری نیز مورد توجه دولت ایران می‌باشد، آقای گس به لندن مراجعت می‌کند و قرار شد همین که دولت ایران نظریات خود را نسبت به این مسائل مشخص نمود نام برده مجدداً به ایران مراجعت نماید.

پس از سقوط کابینه آقای قوام و تشکیل کابینه آقای حکیمی، به دستور آقای نجم وزیر دارایی وقت کمیسیونی برای موضوع تقلیل کارمندان خارجی به مراکز عملیات شرکت نفت اعزام می‌شود. ضمناً مذاکراتی با نماینده شرکت در تهران برای آمدن آقای گس با سر ویلیام فریزر بعمل می‌آید. و در کابینه نامبرده جز راجع به ماده ۱۶ عمل دیگری انجام نشده‌است. پس از سقوط کابینه آقای حکیمی و تشکیل کابینه مرحوم هژیر، از شرکت خواسته می‌شود نمایندگی برای تعقیب مذاکرات مربوط به استیفای حقوق دولت ایران به تهران اعزام دارد. در نتیجه هیئتی به ریاست آقای گس به تهران وارد می‌شود و از طرف دولت نیز هیئتی مرکب از آقای وارسته وزیر دارایی و آقای دکتر شادمان وزیر کشاورزی و آقای دکتر پیرنیا مدیر کل وزارت دارایی وقت تعیین می‌شوند این هیئت نظریات دولت را به صورت یک یادداشت مقدماتی متضمن ۲۵ ماده به شرکت نفت تسلیم نمودند بطوری که در مقدمه این یادداشت بیان شده‌است منظور از آن این بوده‌است که اولاً نشان دهد در طی ۱۰ سال گذشته مقررات امتیاز نامه به ترتیبی که منظور عاقدین آن بوده است اجراء نشده و حتی در بعضی موارد اصولاً مقررات امتیاز نامه از طرف شرکت اجراء نگردیده است و جبران خسارت هائی که از این بابت به دولت ایران وارد شده تقاضا شده‌است. ثانیاً در این یادداشت ۲۵ ماده‌ای متذکر شده که حتی اگر این امتیاز نامه به ترتیبی که در ۱۵ سال پیش منظور عاقدین آن بوده‌است اجرا شود و با وضع فعلی و با تحولاتی که در این ۱۵ سال بعمل آمده‌است به هیچ‌وجه کافی برای تامین حقوق ایران نیست.

راجع به این یادداشت قریب سه هفته از تاریخ ۲۷/۷/۸ تا تاریخ ۲۷/۷/۲۱ مذاکراتی بین نمایندگان دولت و نماینده شرکت نفت بعمل می‌آید و توضیحات کافی درباره نظریات دولت به شرکت نفت داده می‌شود.

آقای گس تقاضا می‌کند که به ایشان سه ماه فرصت داده بشود که با هیئت مدیره شرکت در لندن در باب نظریات دولت مذاکره نماید.

پس از سقوط کابینه و تشکیل کابینه آقای ساعد ۲۵ ماده یادداشت دولت سابق مورد مطالعه قرار می‌گیرد و قرار می‌شود که با مشورت متخصصین نظریه دولت سابق و از طرف دولت وقت پروژه قطعی تنظیم گردد به آقای گلشانیان

اختیار داده می‌شود که با مشورت آقایان دکتر پیرنیا و جهانگیر و نظام الدین امامی کمیسر ایران در لندن با نمایندگان شرکت وارد مذاکره شوند. در گزارشی که آقای گلشائیان وزیر دارایی به آقای ساعد نخست وزیر داده نتیجه مذاکرات خود را چنین گزارش می‌دهد:

« برای این منظور اقدامات لازم بعمل آمده نظریات آقایان کورتیس - گولبنگیان و تورنبرک متخصص معروف وقت خواسته شد که بجه ترتیب نسبت به امتیازنامه فعلی تقاضای تجدید نظر شود و نیز آقایان پروفیسور ژیدل متخصص حقوق بین المللی و روسو متخصص حسابداری که به موجب قانون مصوب مجلس شورای ملی حق اجازه استخدام داشتیم دعوت شدند که به ایران بیایند بعد از اینکه نظریات آقایان متخصصین جلب شد نماینده تام الاختیار شرکت (آقای گس) به تهران آمد و تقاضا کرد از طرف دولت نماینده تام الاختیاری تعیین شود.

به موجب نامه ۴/۲۴۲۱ دولت اینجانب را به سمت نماینده تام الاختیار تعیین و به معیت هیئتی که تعیین شده بود مذاکرات را در تاریخ ۱۳۲۷/۱۱/۲۰ با نمایندگان شرکت نفت آغاز نمودم و در جلسه اول مذاکرات به استحضار نمایندگان شرکت رسانیدم که علاوه بر کلیه نکاتی که در دولت سابق با نمایندگان آن شرکت مذاکره شده است اصولاً نظر من بطور کلی تجدید نظر در مواد قرارداد است و موادی که مورد نظر بود به نماینده شرکت ابلاغ کردم بدو نمایندگان شرکت آماده برای شنیدن این اظهار نشده و حتی تهدید به ترک مذاکره را کردند. بعد که برای مذاکره شدند به آنها تذکر دادم که دو نکته از همه مهمتر که باید قبلاً در باب آنها تصمیم اتخاذ شود و بعداً به سایر نکات بپردازیم عبارتند از:

۱- مبلغ حق الامتیاز مالیات

۲- مدت امتیاز

در مورد نکته اول یعنی مبلغ حق الامتیاز نظر دولت ایران آنست که حقوق ایران از شرکت نفت طبق اصل متداول در کشور و نوزئلا که در سایر کشورها نیز بتدریج مورد قبول قرار می‌گیرد، براساس نصف سود نا ویژه شرکت تعیین شود منتها برای اینکه دولت از افزایش بهای نفت خام بهره مند گردد، و حداقلی نیز برای حق الامتیاز موجود باشد که حداقل منافع سالیانه دولت تأمین شود خواسته شد که شرکت حقوق دولت ایران را براساس زیر بپردازد:

اولاً - یک ششم بهای نفت خام استخراج شده.

ثانیاً - شش شلینگ و نیم طلا برای هر تن نفت استخراج شده.

ثالثاً - 22 درصد سود نا ویژه.

محسّنات این فرمول که با نظر متخصصین نفت تهیه شده بود اینست که اولاً درآمد دولت از سه ممرّ تأمین می‌شود:

۱ - حق الامتیاز به طلا که تنزل لیره کاغذ تأثیری در آن ندارد. بعلاوه، از استخراج گرفته می‌شود نه فروش و این هم برای این است که اگر موقعی بازار فروش برای شرکت نباشد یا راه های تجارت مثل زمان جنگ بسته شود درآمد ما به مقدار فروش محدود نشده و از استخراج گرفته شود. بعلاوه همه ساله مقداری که استخراج می‌شود، بیش از مقدار فروش است و با فرمول فعلی، آن چه که در دستگاه های عملیات شرکت مصرف می‌شود، حق الامتیاز نمی‌دهد. در صورتیکه

حق الامتیاز از روی استخراج گرفته شود، آنچه مصرف خود کمپانی است نیز مشمول حق الامتیاز شده و آنچه هم در سال استخراج ولی فروخته نمی‌شود نیز حق الامتیاز خواهد پرداخت.

۲ - دولت در تمام عملیات کمپانی چه در ایران و چه در خارج شریک است منتها بجای بیست در صد سودی که فعلاً به صاحبان سهام تقسیم می‌شود بیست در صد سود نا ویژه خواسته شده که دیگر مالیات بر درآمد دولت انگلستان و مبالغی بی تناسبی که بر رزروهای مختلفه شرکت می‌گذارد سود ما کسر نمی‌شود.

۳ - مقداری نفت خام یا بهاء آن خواسته شده که از ترقی بهای نفت در سال های خوب استفاده شده باشد.

طبق این محاسبه حق الامتیاز دولت برای سال ۱۹۴۷ به طوری که در بالا به عرض رسید همان بیست میلیون لیره و برای سال ۱۹۴۸ به علت این که قیمت نفت افزایش مهمی حاصل نموده و مقدار استخراج نیز به ۲۵ میلیون تن افزایش یافته و اگر چه هنوز حساب سود و زیان شرکت منتشر نشده است ولی حق دولت ایران را بر اساس نصف سود نا ویژه به ۳۹ میلیون لیره تخمین نموده و به اطلاع شرکت رسانید البته مبلغ قطعی این حق دولت پس از تنظیم حساب سود و زیان شرکت معین خواهد شد در مورد نکته دوم یعنی مدت امتیاز به استحضار نمایندگان شرکت رسانیدیم که تقاضای دولت آنست که هر ۱۵ سال یک مرتبه بر اساس اوضاع و احوال روز در مقدرات امتیاز نامه تجدید نظر بعمل آید.

چندین جلسه راجع به فرمول دولت بین اینجانب و نمایندگان شرکت مذاکره مفصل شد و مخصوصاً در قسمت بیست درصد سود نا ویژه و تأثیری که در ظرف این چند سال اخیر مالیات بر درآمد دولت انگلستان و محدود کردن سود قابل تقسیم به صاحبان سهام از طرف دولت انگلستان در درآمد ما نموده بود توضیحات مفصل داده شد و حساب هائی که از بیلان های شرکت از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۸ توسط آقای روسو استخراج شده بود به اطلاع نمایندگان شرکت رسید و ثابت نمودم که اقدامات شرکت در قسمت رزروها و مالیات بر درآمد برخلاف مدلول ماده ۱۰ قسمت سوم و همچنین برخلاف روح ماده ۲۱ امتیاز نامه است بعد از چندین جلسه مذاکره و اصرار نمایندگان شرکت به حفظ فرمول فعلی و اظهار این که مقصود از فرمول تأمین عایدات بیشتری است و ما حاضریم با فرمول فعلی درآمد بیشتری را برای دولت تأمین کنیم نسبت به ماده ۱۰ و ۱۱ پیشنهاد زیر را نمودند:

۱ - بر مبلغ حق الامتیاز که فعلاً ۴ شیلینگ است از اول سال ۱۹۴۸ دو شیلینگ اضافه شود.

۲ - بر مبلغ مالیات که فعلاً تقریباً ۱۰ پنس است از اول سال ۱۹۴۸ دو پنس اضافه شود.

۳ - حق دولت از ذخیره عمومی که در موقع توزیع بین صاحبان سهام یا در موقع انقضاء امتیاز که بایستی به دولت پرداخت گردد مرتباً سالیانه پرداخت شود.»

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که اولاً شرکت برای سال های ۱۹۴۷ و قبلاً از آن جز پرداخت سهم دولت ذخیره عمومی چیز دیگری پیشنهاد نموده - ثانیاً از سال ۱۹۴۸ بعد پیشنهاد نموده است که دو شیلینگ و دو پنس بر مجموع حق الامتیاز و مالیات دولت که فعلاً چهار شیلینگ و ده پنس است اضافه شود و این مبلغ به هفت

شلینگ برسد که اگر تفاوت بهای طلا را طبق محاسبه شرکت یعنی تفاوت ۱۷۲ شلینگ و سه پنس و ۱۲۰ شلینگ را به آن اضافه کنیم حق الامتیاز دولت برای هر تن نفت فروخته و صادر شده به دو شلینگ و نیم پنس بالغ می‌گردد.

آقای گلشانیان پس از وصول این پیشنهادات فوری ناچیز بودن آن را به نمایندگان شرکت اعلام و خاطر نشان می‌سازد که اگر همین ۴ شلینگ و ده پنس که در امتیازنامه موجود است و آن را شرکت از قرار نرخ رسمی و مصنوعی ۱۷۲ شلینگ و ۳ پنس محاسبه و پرداخت می‌کنند، از قرار نرخ حقیقی و حتی نرخی که شرکت نفت امریکا در عربستان سعودی حقوق دولت نامبرده را می‌پردازد یعنی ۲۵۵ شلینگ هر انس محاسبه کند حقوق ایران در هر تن بالغ بر ۱۰ شلینگ و سه پنس می‌گردد که دو پنس و نیم از مبلغی که شرکت پیشنهاد نموده است بیشتر است. یعنی پیشنهاد شرکت حتی کافی برای تأمین حقوق ایران طبق امتیازنامه قبلی نیست چه رسد به این که نسبت به امتیازنامه فعلی حقوق بیشتری را نیز برای ایران تأمین نمایند. راجع به نکته دوم یعنی مدت امتیاز چون نمایندگان شرکت از تجدید نظر ۱۵ ساله در کلیه مواد استیحا ش داشتند آقای گلشانیان موافقت می‌نماید که لافل تجدید نظر مزبور منحصر به مواد مالی باشد.

بالاخره مذاکرات به مرحله بن بست می‌رسد ضمناً چون تعطیلات نوروز در پیش بوده موافقت می‌شود که آقای گس به لندن مراجعت و با هیئت مدیره راجع به نظریات دولت مذاکره و بعد از سه هفته مجدداً مذاکره آغاز شود. در این اثنا دولت تصمیم می‌گیرد که از طریق مذاکره مستقیم با سر ویلیام فریزر رئیس هیئت مدیره شرکت نفت وارد شود از نام برده دعوت می‌شود که پس از سه هفته به اتفاق آقای گس به تهران بیاید مذاکره با سر ویلیام فریزر در اطراف مواد دیگر شروع می‌شود و طرح‌های جدیدی نسبت به مواد ۱۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰-۲۶ با نظر مشاورین دولت تهیه و به نمایندگان شرکت تسلیم پس از چندین جلسه مذاکره شرکت حاضر به قبول هیچگونه تغییری در مواد امتیازنامه نگردیده و اظهار نمودند که شرکت حاضر به تجدید نظر در هیچ یک از مواد امتیازنامه نبوده و حاضرند با توجه به اوضاع و احوال روز در مبلغ حقوق دولت اگر تعدیلاتی لازم باشد بعمل آورند. بالاخره آخرین پیشنهاد دولت که به شرکت ابلاغ شد این بود که برای هر تن صادرات و فروش شرکت نفت از هر جهت به ۱۶ شلینگ و چهار پنس (قبل از تنزل نرخ لیره) که با احتساب تنزل نرخ لیره و تفاوت آن قریب به ۲۴ شلینگ می‌شود آخرین پیشنهاد دولت مورد موافقت سر ویلیام فریزر و آقای گس قرار نگرفت و قرار شد نمایندگان شرکت نفت آخرین نظر خود را قبل از دو هفته به اطلاع دولت ایران برسانند.

شرکت نفت علاوه بر ده شلینگ و نیم پنس که قبلاً پیشنهاد نموده بابت ۲۰ درصد سود سهام و حق دولت از ذخیره عمومی و مالیات و ذخیره عمومی سالی ۲۵۰۰۰۰۰ لیره را تضمین نمود یعنی هیچ سالی درآمد دولت علاوه برده شلینگ و نیم پنس روی هر تن فروش از بابت رزرو و سود کمتر از ۲۵۰۰۰۰۰ لیره نباشد.

راجع به آخرین پیشنهاد دولت و آخرین پیشنهاد شرکت نفت نظر متخصصین استفسار شد (آقای کورتیس پیشنهاد شرکت نفت را کافی نمی‌داند و می‌گوید حق

الامتیاز کم است در صورتی که بابت سال ۱۹۴۸ مجموعاً ۱۶ شلینگ و چهار پنس بدهد در صورتی قابل است که با اصل تقسیم بالمناصفه منافات نداشته باشد و لکن برحسب ظاهر خیلی کمتر از نصف است زیرا که اگر قیمت نفت خام تنی ۸ و نیم دلار باشد و منافع تصفیه هم در نظر گرفته شود نصف عواید خالص پس از وضع هزینه استخراج ۳ دلار و بیست و پنج صدم و معادل همان ۱۶ شلینگ و چهار پنس خواهد بود و حال آنکه قیمت نفت در ۱۹۴۷ قطعاً بیش از ده دلار بوده و باید به کمپانی خاطر نشان کنید که دولت ونزویلا مدتی است اصل تقسیم بالمناصفه را برقرار ساخته و کمپانی نفت ونزویلا قبول کرده است اکنون دولت شاهنشاهی ایران نمی‌تواند از این اصل منحرف شود و با پیشنهاد کمتری موافقت نماید و بنابراین کمپانی باید اصل تقسیم بالمناصفه را قبول کند.

بطوری که ملاحظه می‌شود آقای کورتیس مبلغ ۱۶ شلینگ و چهار پنس راحتی برای سال ۱۹۴۹ که قیمت نفت خیلی کمتر از ۱۹۴۸ است کافی ندانسته و حال آنکه حق‌الامتیاز پیشنهادی برای سال ۴۷ که من حیث‌المجموع ۱۳ شلینگ است. آقای تورنبرک می‌گوید مبلغ ۱۶ شلینگ و ۴ پنس را که دولت در نظر گرفته حداقلی است که می‌تواند بر اساس عدالت و انصاف قبول کند و ضمناً اظهار داشتند که اگر چه حکمیت تصفیه این موضوع را به تأخیر می‌اندازد و ممکن است مشکلات سیاسی از مقامات بالاتری را وارد جریان نماید بایستی قبول کرد که پذیرفتن پیشنهاد قبلی شرکت نفت از طرف دولت ایران تقریباً بطور حتم بعداً رد خواهد شد بنا بر مراتب فوق، به فرض اینکه شرکت نفت در عدم تمایل خود بر آنکه درآمد حاصله بر اساسی که در بالا بیان شد توزیع گردد باقی بماند جز حکمیت. من طریق عاقلانه دیگری را نمی‌بینم پرفسور ژیدل مشاور حقوقی در یک رساله مفصلی که تقدیم دولت نموده موضوع حکمیت و مواردی را که نسبت به آنها دولت بایستی تقاضای حکمیت نماید مورد مطالعه قرار داده و نسبت بهر یک از آنها مدارک مورد استناد را تعیین نموده است بطوری که از گزارش آقای گلشائیان بر می‌آید نظریات پرفسور ژیدل اینست که دولت بایستی جریان حکمیت را شروع نماید و معتقد است که این اقدام سبب خواهد شد که شرکت نفت و دولت انگلستان را بیشتر متوجه این جریان نموده و حاضر شوند با دولت مذاکرات را تجدید و پیشنهادات بهتری تسلیم نماید. ضمناً پرفسور ژیدل در گزارشات خود، متذکر شده است که هر قسم توافقی بین دولت و شرکت نفت بشود «به شرط این که فقط به صورت یک قرارداد منتها برای ۱۵ سال آینده باشد و بهیچوجه قراری در بابت این که دولت از دعوی خود نسبت به گذشته صرف‌نظر نموده و بالنتیجه این قرارداد را برای استیفای حقوق ایران کافی تشخیص می‌دهد نباشد و فقط قراری باشد دایر براین که بعلت تغییر اوضاع و احوال شرکت حاضر است مبالغ مذکور در امتیاز نامه را به مقدار معین افزایش دهد فعلاً ۴ شلینگ را به شش یا ۱۰ شلینگ برساند.

هم چنین عقیده دارد مواردی که با توجه به تقاضاهای دولت می‌توان به حکمیت ارجاع نمود منحصر بهشت نکته می‌شود:

۱ - مالیات بر درآمدی که به دولت انگلیس پرداخته شده. گرچه در این قسمت کمپانی حاضر شده نسبت به ژنرال رزرو مالیات دولت انگلیس از سهم ما کسر

نشود و از قیمت حق الامتیاز ما که روی تن شماری پرداخت می‌شود نیز مالیات کسر نمی‌شود ولی چون ما خود را نسبت به سایر رزروها ذیحق می‌دانیم پس مالیات بر درآمد انگلیس را در آن قسمت‌ها مؤثر دانسته و تقاضای رفع آن را داریم

۲ - حق در رزروها.

۳ - محدود کردن سود سهام. در این قسمت نیز کمپانی حاضر شده که مقررات دولت انگلیس راجع به محدود نکردن سود سهام در سهم ما تأثیر نداشته باشد ولی با طرز حسابداری شرکت و این که برای اجرای نظر دولت انگلیس عواید اضافی شرکت را که در نظر است توزیع نشود، تنها به ژنرال رزرو نبرده بلکه به سایر رزروها می‌برد و ما حق نظارت در دفاتر و حساب آنها نداریم. بنابراین این از این جهت حق مطالبه داشته و مانعی برای ارجاع به حکمیت نیست.

۴ - مربوط به قرارداد فروش به آمریکایی‌ها و بحریه انگلیس

۵ - مقدار محصولی که در کارخانجات خود شرکت مصرف می‌شود و حق الامتیاز نمی‌دهند

۶ - تفتیش و نظارت در دفاتر و خواستن اطلاعات مالی:

۷ - کسر تعداد مستخدمین خارجی

۸ - عدم پرداخت مالیات و عوارض نسبت به نفت و بنزینی که در موقع جنگ به قشون متفقین در ایران فروخته شده است چیزی که در گزارش آقای گلشانیان مورد توجه است اینست که در قسمت آخر گزارش خود چنین می‌گوید: « به نظر این جانب منظوری را که مقنن از استیفای کامل حقوق حقه ملت ایران داشته با این پیشنهادات شرکت تأمین نخواهد نمود و بنظر اینجانب قابل قبول نیست»

بالاخره رئیس دولت نامه وزیر دارایی را در جلسه ۲۱ خرداد ۱۳۲۸ هیئت دولت قرائت و ذیل آن چنین می‌نویسند:

«این نامه در جلسه شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۲۸ در هیئت وزیران قرائت و مطرح می‌شود. بالاتفاق تصمیم گرفته شد که مصلحت با جریانات فعلی و نظریات متخصصین فعلاً به ارجاع امر حکمیت نیست. اگر دولت همان طور که نظر آقایان نمایندگان مجلس بوده پافشاری کند و بتواند حد وسطی بین پیشنهاد شرکت و دولت پیدا بکند، بهتر است. قرار شد وزارت دارایی مطالعه کرده در این زمینه پیشنهاد قطعی تهیه و به کمپانی ابلاغ گردد.»

چنانکه ملاحظه می‌شود نظر هیئت دولت این بوده که در ۱۶ شلینگ و ۴ پنس توافق شد و نظر کارشناسان هم گفته شد ولی وقتی موضوع در هیئت دولت مطرح می‌شود باز هم به نماینده دولت یعنی وزیر دارایی اختیاری داده نشده بود که به ۶ شلینگ و ۲ پنس (که مجموعاً با احتساب تفاوت نرخ طلا و سایر عوایدی که از حق السهم و مالیات و غیره در حدود ۱۳ شلینگ می‌شود) یعنی آنچه را که نماینده شرکت نفت در بادی امر پیشنهاد کرده بود، تسلیم شود. به هر حال بر اثر ملاقات‌های سیاسی که عیناً در پرونده منعکس است، دولت آقای ساعد ناچار می‌شود عین پیشنهاد کمپانی را به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.

چنانچه خاطر آقایان مستحضر است بواسطه مخالفت شدید و مقاومت و انقضای دوره پانزدهم مجلس شورای ملی مانع از تصویب آن گردیده و قضیه

مسکوت ماند تا در مجلس دوره شانزدهم بر حسب تقاضای دولت و تعیین تکلیف قرارداد الحاقی مجدداً موضوع در مجلس مطرح و بر حسب پیشنهاد عده‌ای از آقایان نمایندگان رسیدگی به امر، به کمیسیون خاصی ارجاع می‌گردد.

چیزی نمی‌گذرد که کابینه آقای منصور ساقط و کابینه آقای رزم‌آرا معرفی می‌شود در این موقع بر حسب تصمیمی که در جلسه ۲۹/۳/۳۰ در مجلس شورای ملی اتخاذ گردیده بود از هر شعبه سه نفر برای عضویت کمیسیون مخصوص نفت انتخاب گردیدند بشرح زیر:

آقایان: دکتر مصدق - جواد گنج‌های - سید علی بهبهانی - دکتر کاسمی - دکتر علوی - ناصر ذوالفقاری - خسرو قشقائی - سرتیپ زاده - فقیه زاده - اللهیار صالح - جمال امامی - جواد عامری - حائری زاده - دکتر هدایتی - دکتر شایگان - پالیزی - فرامرزی - حسین مکی.

اولین جلسه روز دوشنبه پنجم تیر ماه ۲۹ تشکیل گردید و هیئت رئیسه خود را انتخاب ضمناً نامه‌ای به وزارت دارایی نوشته شد که پرونده‌های مربوط به نفت محتوی کلیه اسناد و مدارک خصوصاً گزارش‌های پرفسور ژیدل و گزارش‌های ارمیتاژ اسمیت انگلیسی و گزارش‌های آقای نظام الدین امامی و نامه‌های مرحوم داور و آقای گلشانیان راجع به ماده ۱۶ قرارداد ۱۹۳۳ و همچنین گزارش‌های رسمی و بیلان‌های شرکت نفت را از این تاریخ تا روز یکشنبه ۲۹/۴/۱۱ ارسال دارند ضمناً طبق نامه شماره ۱۶۳ مورخ ۲۹/۴/۵ از آقای دکتر پیرنیا دعوت شد که دو ساعت قبل از ظهر جهت ادای توضیحات در کمیسیون مخصوص نفت که روز دوشنبه ۱۲۹/۴/۲ تشکیل می‌گردد حضور یابد وزارت دارایی طبق نامه محرمانه فوری به شماره ۹۶۲ مورخ ۲۹/۴/۱۱ چنین پاسخ داد مجلس شورای ملی - کمیسیون مخصوص نفت عطف به مرقومه شماره ۱۶۳ مورخ ۵ تیر ماه ۱۳۲۹ مبنی بر اینکه گزارش و اسناد و مدارک مربوط به نفت تا روز یکشنبه ۱۱ تیرماه به آن کمیسیون ارسال گردد استحضار می‌دهد چون تنظیم اوراق و اسناد مزبور مهیا نمودن آنها تا روز یکشنبه ۱۱ تیر ماه مقدور نیست اوراق و مدارک مزبور تا آخر هفته جاری به آن کمیسیون ارسال خواهد شد.

از طرف وزیر دارایی دکتر پیرنیا

مدتی گذشت و پرونده‌ها نرسید تا بالاخره در جلسه سوم کمیسیون مخصوص نفت که در تاریخ دوشنبه ۲۷ شهریور ماه ۲۹ تشکیل شد به اتفاق آراء تصمیم گرفته شد که نامه‌ای به آقای نخست وزیر نوشته شود که اینک برای روشن شدن ذهن نمایندگان محترم عین نامه ذیل به شماره ۲۹۱ مورخ ۲۹/۶/۲۷ به اطلاع میرساند جناب آقای نخست وزیر - کمیسیون منتخب مجلس شورای ملی مأمور مطالعه پرونده نفت و اظهار نظر راجع به لایحه تقدیمی دولت تاکنون سه جلسه منعقد نموده و کتباً و شفاهاً طی نامه‌های شماره ۱۶۳ - ۲۹/۴/۵ و ۲۳۶ - ۲۹/۶/۳۰ از وزارت دارایی خواسته‌است که برای روشن شدن موضوع پرونده‌های مربوط به نفت را به کمیسیون بفرستند متأسفانه تاکنون دولت پرونده‌های مربوطه را نفرستاده است اینک کمیسیون از دولت تقاضا دارد که

دستور فرماید تا مدت ۳ روز از این تاریخ پرونده‌های مربوط به کمیسیون ارسال شود و نیز دولت باید تا ده روز دیگر از این نظریه خود را در باب لایحه تقدیمی به کمیسیون اطلاع دهند چنانچه پس از گذشتن این تاریخها پرونده و نظر دولت به کمیسیون نرسید اعضای کمیسیون تصمیم گرفته‌اند که دولت را دو موضوع نفت استیضاح کنند.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق
در تاریخ ۳۰/۶/۲۲ طبق نامه ۱۹۸۵- ۲۸/۲۹- محرمانه پرونده‌ها از وزارت دارایی به کمیسیون مخصوص نفت واصل گردید.
کمیسیون مخصوص نفت نیز در جلسه سوم مهر ماه خود تصمیم گرفته که نامه‌ای به وزارت دارایی نوشته شود که اینک عین آن ذیلا ذکر می‌شود:

وزارت دارایی

کمیسیون مخصوص نفت روز دوشنبه سوم مهر ماه تشکیل گردید و پس از قرائت نامه شماره ۱۶۳۷۴- ۲۹/۷/۲ جناب آقای نخست وزیر مقرر گردید روز چهارشنبه ۵ مهر ماه ساعت نه و نیم صبح کمیسیون مخصوص نفت تشکیل گردیده و پرونده‌های ارسالی با حضور نماینده وزارت دارایی قرائت شود اینک مقتضی است نماینده آن وزارتخانه در کمیسیون حضور بهم رسانند.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق
آقای نخست وزیر نیز در تاریخ ۲۹/۷/۲ طی نامه شماره ۱۶۳۷۴- ۲۹/۷/۲ راجع به اظهار نظر چنین می‌نویسند:

جناب آقای دکتر مصدق ریاست محترم کمیسیون مخصوص نفت

در پاسخ نامه شماره ۲۹۱- ۲۹/۶/۲۷ اشعار می‌دارد:

۱ - پرونده‌های مربوط به نفت پیوست نامه شماره ۱۹۸۵/م- ۲۹/۶/۲۸ وزارت دارایی برای مطالعه کمیسیون ارسال گردیده‌است و علت اینکه تاکنون ارسال نشده بطوریکه استحضار دارند بدو لزوم مطالعه وزیر دارایی و سپس تعطیل مجلس بوده است.

۲ - راجع به قسمت دوم نامه آن کمیسیون بطوریکه استحضار دارید لایحه الحاقی بنا به تقاضای رئیس دولت سابق در مجلس شورای ملی مطرح و به موجب تصمیمی که در جلسه ۳۸ مجلس مورخ ۳۰ خرداد ۲۹ از طرف مجلس شورای ملی اتخاذ شده‌است لایحه مزبور به آن کمیسیون ارجاع گردیده‌است بنا براین دولت منتظر نتیجه بررسی آن کمیسیون می‌باشد.

امضای نخست وزیر

در جلسه ششم کمیسیون به تاریخ چهارشنبه دوازدهم مهر ماه تصمیم گرفته شد که برای مطالعه پرونده‌ها جلسات کمیسیون مخصوص نفت هفته‌ای سه روز روزهای شنبه - دوشنبه - چهارشنبه مرتباً تشکیل گردد و چون روز شنبه ۱۵ مهر ماه مصادف با افتتاح مجلس سنا بود از روز دوشنبه ۱۷ مهر ماه ۱۳۲۹ جلسات هفته‌ای سه روز تشکیل گردید و از تاریخ دوشنبه هفدهم مهر ماه آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارایی برای ادای توضیحات جلسه در کمیسیون

حضور پیدا کردند در این جلسه ابتدا ۲۵ ماده اعتراضیه دولت که عیناً به استحضار مجلس شورای ملی می‌رسد...

(در این موقع عده برای مذاکره کافی نبود)

رئیس - آقایان خوب است موقع خارج شدن این تابلو را ملاحظه فرمایند که جلسه از اکثریت نیفتد - آقایان باید یک قدری توجه داشته باشند.

بقیه گزارش به قرار ذیل خوانده شد:

ضمناً باید متذکر گردید که پروفیسور ژیدل در هشت مورد از ۲۵ ماده اعتراضیه ارجاع امر را به حکمیت کاملاً بنفع دولت دانسته است.

اینک هشت موردی که پروفیسور حاکمیت ایران را قطعی می‌داند به عرض می‌رساند:

ماده اول از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده اول - تفاوت بهای طلا

به موجب قسمت ۷ از ماده دهم امتیاز نامه ۱۳۱۲ قطع نظر از توافق هایی که در خلال احوال حاصل شده است، آن مقدار لیره‌ای که بوسیله آن شرط تضمین طلا برای دولت تأمین شود، به دولت پرداخت نگردیده است.

خلاصه نظریه پروفیسور ژیدل

بطور کلی با نظریه مزبور موافق و آنرا یکی از هفت ماده‌ای می‌داند که قابل ارجاع به حکمیت است. موضوع اینکه آیا از ماده ۱۰ بند یک قسمت الف یا بند پنجم قسمت (ب) باید استفاده شود به آقای وان زیلند مراجعه شده که بایستی نظر بدهند - چنانچه نامبرده قسمت (ب) بند پنجم ماده ۱۰ را وارد نداند به نظر پروفیسور ژیدل قسمت الف بند یک مرجع است - شرکت ممکن است ایراد کند که تصمیمات او مربوط به صندوق پول بین المللی و بانک بین المللی ترمیم و توسعه [است] که دولت ایران و دولت انگلستان هر دو در آن سهیم می‌باشند ولی این ایراد وارد نیست اولاً چرا که در اینجا موضوع روابط بین دو دولت نیست که هر دو مقید به اجرای قرار دادی باشند بلکه قراردادی است بین یک دولت و یک شرکت تجاری و بنابراین شرکت موظف است مفاد تعهدات خود را در مورد دولت انجام دهد - ثانیاً دولت ایران از شرکت مطالبه طلا نمی‌کند بلکه لیره استرلینگ که پول مذکور در قرارداد است به مقدار بیشتری مطالبه می‌نماید که تعهد خود را ایفا کرده باشد در این صورت با اینکه اجرای آن تعهد برای شرکت ممکن است شاق و مشکل باشد ولی اجرای آن غیرممکن نخواهد بود و بنابراین موضوع فورس ماژور در کار نخواهد بود - دولت ایران تقاضای پرداخت مقدار بیشتری از آنچه که شرکت به او مدیون است نمی‌کند بلکه فقط آنچه را که به او مدیون است می‌خواهد آنهم با پولی که در قرارداد تصریح شده است منتهی این پول باید به نرخی که در موقع عقد قرارداد طرفین نسبت به آن توافق نموده‌اند پرداخت گردد - طرز ارجاع این ماده به حکمیت بسته بنظری است که مسیو وان زیلند بدهد ولی بنظر نویسنده در هر صورت باید بند الف ماده دهم را ۱۰ نیز موافق باشد که طلا دیگر مبنای تعیین ارزشها نیست می‌توان آنرا نیز بطور اضافی به محکمه عرضه نمود.

یادداشت اضافی - در صورتی که توافقهایی بین بانک ملی ایران و بانک انگلستان راجع به تبدیل استرلینگ به طلا ادامه یابد منظور ماده ۱۰ بند پنجم به طریق دیگری تأمین شده‌است و دولت ایران را در مقابل ضرری که در مورد تغییرات پول انگلستان پیش می‌آید مصون نموده‌است بنا براین تردیدی نیست که دولت ایران نمی‌تواند نه مستقیماً و نه از راه حقوقی نسبت ببند پنجم ماده ۱۰ ادعایی برای پرداخت اضافی از شرکت داشته باشد و این ادعا با در نظر گرفتن نامه ۲۰۸/۷۳۵۶ مورخ ۲۵/۹/۳ وزارت دارایی به شرکت که در آن ذکر شده حقوق دولت طبق بند پنجم ماده ۱۰ بطور کامل تأمین شده‌است همان اندازه کمتر قرین موافقت خواهد بود.

رئیس- وقت منقضی شده است. اگر آقایان اجازه بفرمایند، جلسه را ختم کنیم. (صحیح است) بقیه گزارش در جلسه بعد خوانده می‌شود و مورد بحث قرار می‌گیرد. جلسه آینده، روز یکشنبه ۲۶ آذر ساعت ۹. دستور، گزارش کمیسیون نفت.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۳

روز یکشنبه، ۲۶ آذر ماه ۱۳۲۹

رئیس - بقیه گزارش کمیسیون نفت قرائت می‌شود.

ماده دوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده دوم - مالیات دولت انگلستان: حصه دولت ایران از منافع سالیانه شرکت نمی‌بایستی مشمول مقررات مالیات بر درآمد دولت انگلستان می‌شد و آنچه به این ترتیب از حصه دولت انگلستان می‌شد و آنچه به این ترتیب از حصه دولت کسر شده، بایستی جبران شود. لطمه‌ای که به این ترتیب به حقوق ایران وارد آمده‌است، از ارقام صورت ضمیمه پیدا است. نظریه پروفیسور ژیدل نسبت به ماده دوم

ماده دوم - قابل ارجاع به حکمیت: شرکت از لحاظ اینکه تبعه دولت انگلستان است، تابع مالیات‌های آن دولت، از قلیل مالیات بر درآمد و مالیات اضافه درآمد و غیره می‌باشد. ولی سعی کرده‌است قسمتی از این مالیات‌ها را از سهم دولت ایران، طبق ماده دهم (قسمت یکم) امتیازنامه، پرداخت نماید.

دولت ایران معتقد است که پرداختی شرکت به دولت نباید تابع هیچگونه مالیات عادی و استثنایی دولت انگلستان باشد. و بنابراین از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ باید مبلغ پرداختی مسترد و در آتیه نیز این عمل تکرار نشود. در ۱۹۳۳ مالیات دولت

انگلیس و جمع مبلغ پرداختی به دولت ایران، تقریباً مساوی بود ولی از ۱۹۳۶ به بعد، پرداختی به دولت انگلیس تقریباً سه برابر جمع پرداختی به دولت ایران شده است. از ۱۹۳۷ به بعد، مالیات بر درآمد، علاوه بر مصارف عادی به مصرف دفاع و تجدید تسلیحات دولت انگلستان رسیده و در نتیجه دولت ایران مانند یک نفر مؤدی مالیاتی انگلیس بطور غیر مستقیم، بابت تجدید تسلیحات انگلستان [مالیات] پرداخت نموده است.

مالیات بر درآمد که در ۱۹۳۳ معادل ۳۰۵۴۱۸ لیره بود، در ۱۹۳۶ به ۹۱۰۵۵۹ لیره بالا رفته و در ۱۹۳۷ بطور سریع به ۱۶۵۱۵۵۸ لیره ترقی نموده و در ۱۹۴۲ به مبلغ ۴۹۱۷۸۴۸ لیره بالغ گردیده است. - تنها به این مالیات اکتفا نشده بلکه از سال ۱۹۴۳ به بعد مالیات زمان جنگ موسوم به مالیات اضافه بر درآمد به مالیات های انگلیس که بخودی خود طاقت فرسا بوده است اضافه شده است تنها این مالیات در سال ۱۹۴۳ در حدود هشت برابر مالیاتی است که به ایران پرداخت شده و کلیه مالیات های پرداختی به دولت انگلستان در سال مزبور دوازده برابر رقم مالیاتی است که به ایران پرداخت شده. در ۱۹۴۷ این تناسب به هیجده مرتبه بالغ گردیده یعنی ۱۵۲۶۶۶۵۵ لیره در مقابل ۷۶۵۴۰۵ لیره مالیات که طبق قرارداد به دولت ایران پرداخت گردیده است. دولت خارجی که یک شرکت خارجی تابع آنست در موضوع روابط بین امتیاز دهنده و شرکت دارنده امتیاز یک شخص ثالثی است و قانون موضوعه از طرف این شخص ثالث نمی تواند در روابط بین طرفین یک قرارداد نافذ باشد مگر اینکه در قرارداد این موضوع تصریح شده باشد. و در قرارداد ۱۹۳۳ چنین ذکر نشده است موضوع اینکه دولت انگلیس سهامدار عمده شرکت مزبور است هیچگونه تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمی نماید چرا که دولت انگلیس در موقع خرید سهام به عنوان شخص ثالث بوده و به همین علت شرکت مالیات های دولت انگلیس را پرداخت نموده است. مالیات های مزبور به اندازه ای زیاد شده که از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ مبلغی که شرکت بابت مالیات به دولت انگلستان پرداخت نموده معادل ۲۲۲۴۰۷۴۳ لیره بوده و حال آنکه جمع کل وجوه پرداختی به دولت از هر بابت تنها ۶۰۱۶۸۸۷۳ لیره یعنی ۱۲۰۷۲۰۷۰ لیره کمتر از مالیات دولت انگلیس به تنهایی بوده و در عرض همین مدت دولت ایران از حیث منابع طبیعی معادل ۱۶۸۲۹۰۱۲۳ تُن نفت خام فقیر تر شده است. شرکت نیز خود متوجه این موضوع شده و در قرارداد متمم که به دولت پیشنهاد نموده است نیز حقانیت ادعای دولت را تصدیق ضمنی نموده است منتها چون نظر دولت را از حیث مالی تأمین نمی نمود از قبول آن خودداری شد.

ماده سوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده سوم - محدودیت سود سهام شرکت محدودیت میزان سود سهام شرکت به استناد دستور دولت انگلستان در مورد حصه دولت ایران از منافع شرکت نمی بایستی نافذ باشد.

نظریه پرفسور ژیدل در خصوص ماده سوم:

ماده سوم - قابل ارجاع به حکمیت شرکت بنا بر تمایل دولت انگلیس سیاست محدودیت سود سهام را در پیش گرفته که از لحاظ تقلیل مبالغی که بایستی بطور معمول طبق ماده ۱۰ بند یک قسمت (ب) بپردازد به ضرر دولت تمام شده است رئیس کل شرکت در گزارش سالیانه ۱۹۴۷ این موضوع را صراحتاً اظهار داشته که محدودیت سود سهام در نتیجه تمایل دولت انگلستان بوده است و به همین جهت مبلغ ۱۰۵۰۰۰۰۰۰ لیره بعنوان ذخیره عمومی به حساب ذخائر برده شده است و دولت ایران بنا بر این حق دارد که ۲۰ درصد مبلغ مزبور را یعنی ۲۱۰۰۰۰۰۰ لیره از شرکت مطالبه نماید.

ماده چهارم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده چهارم - قرارداد فروش با بحریه انگلیس و شرکت های امریکایی. به موجب ماده ۲۱ امتیاز نامه ۱۳۱۲ شرکت بایستی هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی یا خود داری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید و حال آنکه در مورد قراردادهای فروش که شرکت با بحریه و هواپیمایی انگلستان و شرکت های امریکایی منعقد نموده است از این لحاظ که معامله به نرخ عادلانه روز انجام نگرفته حق دولت نسبت بحصه اش از منافع شرکت تضییع شده است.

رئیس - تأمل کنید اکثریت نیست، آقایان طوری بیرون تشریف ببرند که جلسه از اکثریت نیفتد (بعد از لحظه ای اکثریت حاصل شد) بفرمایید بخوانید.

نظریه پروفیسور ژیدل نسبت به ماده چهارم

ماده چهارم - قابل ارجاع به حکمیت شرکت که بایستی همواره طبق بند (۲) ماده ۲۱ قرارداد منافع دولت را رعایت نماید در نتیجه انعقاد قراردادهایی برای فروش نفت و مواد نفتی به قیمت های غیر تجارتي بر خلاف مصالح دولت عمل نموده است این قراردادها با بزرگترین سهامدار شرکت کم شده و مبلغی که باید به دولت به نسبت سود سهام تقسیم شده پرداخت گردد تقلیل یافته است استناد به گفته های آقای والیس رئیس شرکت در آن موقع و آقایان رامسی ماکدونالد و وینستون چرچیل در موقع کسب اجازه از پارلمان انگلیس برای پرداخت ۲۰۰۰،۰۰۰ لیره جهت خرید قسمت عمده سهام شرکت و مخصوصاً اینکه چرچیل وزیر درباری وقت می گوید:

« ما برای خرید نفت پول پرداخت خواهیم نمود ولی منافع آن به خزانه داری انگلیس بر می گردد. در نتیجه مشارکت با دولت انگلیس شرکت آزادی عمل تجارتي خود را از دست داده است و چون در کلیه مسائل سیاست کلی شرکت باید تابع نظر دولت ایران که عبارت از تأمین حداکثر منفعت برای شرکت است شق اولی را انتخاب نموده و به سهامدار عمده خود حق تقدم داده است مفاد ماده ۲۱ قرارداد داری صریحاً ذکر نشده و تلویحی است ولی در قرارداد ۱۹۳۳ صراحت دارد و وظیفه امتیازی شرکت می باشد مندرجات کتاب رسمی دولت انگلیس شماره ۷۴۱۸ C-D مورخ سال ۱۹۱۴ همچنین اظهارات مستر چرچیل در آن موقع دال بر این است که شرکت قراردادهای طویل المدت برای فروش مواد نفتی بسته که به نفع دولت انگلیس بوده است ولی با منافع دولت ایران تناقض

دارد قیمت تعیین شده در این قراردادها افشا نشده ولی در موقع قطع لوله نفت در ایران در سال ۱۹۱۵ اطلاعاتی به دست آمده که یک مقدار معتنا بهی مازوت طبق قراردادی از طرف شرکت به دولت انگلیس به بهای ۳۰ شلینگ هر تن فوب آبادان فروخته شده است و سر چارلز گرین وی رئیس شرکت نیز رسماً در این مورد اظهار داشته است که قیمت بر حسب مقدار فروش تا یک میزان حداقلی تنزل می‌نماید که این حداقل عبارت است از ۲۵ درصد منافی که شرکت علاوه بر مقداری که برای پرداخت منافع سهام ممتاز و مبلغ ده درصد منافع به سهامداران عادی پرداخت نماید چون اطلاعات صحیح نسبت به چگونگی قراردادهای منعقد جدید تا تجدید شده با وزارت دریاداری و وزارت هواپیمایی و سایر مؤسسات رسمی دولت انگلستان متوجه او شده تعیین نماید ولی رسماً جبران این خسارت‌ها را که به حقوق دولت در مواد ۱۰ یک (ب) و ۱۰ سه و ۲۱ وارد آمده است تقاضا می‌نماید و تعیین این مبلغ را از محکمه حکمیت درخواست می‌نماید و در آتیه نیز را باید اقداماتی بعمل آید که در نتیجه قراردادهای غیرعادی ضرری به منافع دولت وارد نشود و همچنین قراردادهای غیرعادی تجارتي شرکت نیز مانند قراردادهایی است که با دولت انگلستان بسته و باید در موقع انعقاد اینگونه قراردادهای خسارتي را که به دولت ایران بابت فروش غیر از بهای تجارتي وارد می‌آید جبران نماید.

ماده پنجم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده پنجم - مواد نفتی که در عملیات شرکت مصرف می‌شود. حقوق ایران از بابت مواد نفتی که در عملیات شرکت مصرف شده پرداخت نشده است.

نظریه پروفیسور ژیدل درباره ماده پنجم:

ماده پنجم - قابل ارجاع به حکمیت، دولت ایران در اوائل امتیاز مبلغی که شرکت بابت محصولات نفتی که در عملیات خود مصرف می‌نماید به موجب ماده ۱۰ بند یک قسمت الف امتیاز نامه از قرار هر تن ۴ شلینگ مطالبه ننموده ولی از دید مصرف که فعلاً در حدود یک میلیون و نیم تن در سال است دولت را مجبور می‌نماید که از شرکت دعوت کند این موضوع را در محاسبات خود رعایت نماید هیچ ماده‌ای از امتیاز نامه شرکت را از پرداخت حق الامتیاز در این مورد معاف نمی‌نماید و ماده ۱۰ یک الف می‌گوید «پرداخت سالیانه ۴ شلینگ برای هر تن نفت فروش رفته برای مصرف و یا صادر شده از ایران» تردیدی نیست که نفت مورد مصرف شرکت برای عملیاتش نفتی است که از زیر زمین ایران استخراج شده و به همین اندازه کشور فقیر تر شده است و بنابراین دولت باید در این خصوص حقی دریافت نماید او این حق جز به موجب ماده ۱۰ یک الف را دیگری ندارد اظهاراتی که دولت ایران این حق را به صورت بیست در صد از سود تقسیم شده دریافت می‌نماید این مبلغ را به مقدار ناچیز تقلیل می‌دهد و هیچگونه تناسبی با ارزش نفتی که از طرف دولت داده شده ندارد بکار بردن این نفت از طرف شرکت برای عملیات خودش تشکیل یک حقی را می‌دهد و این حق در ایران بوده و محاسبات شرکت نیز آن را به صورت فروش بخودش قلمداد نموده بین اقلام محاسباتی استخراج و تصفیه واقع است.

دولت ایران با رعایت حقوق خود در پرداختی های بعدی به همین منظور مبلغ چهار شلینگ از هر تَن به موجب ماده یک الف امتیاز نامه، برای نفتی که بوسیله شرکت در عملیات صنعتی خود، در سال های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ مصرف نموده مطالعه می نماید. این مفادیر کاملاً معلوم و اختلافی در آن موجود نیست.

ماده ششم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده ششم - بازرسی مالی و اطلاعات مالی نظارت در اجرای بند (۱) از ماده ۱۶ و ۲۱ امتیاز نامه ۱۳۱۲ و سهم دولت در سود توزیع شده در ذخائر شرکت (ذخیره عمومی ذخیره افت و استهلاك ایجاب می نمود که دولت ایران بتواند به دفاتر و محاسبات شرکت رسیدگی کند و از معاملات و تصمیماتی که در حقوق ایران مؤثر است قبلاً اطلاع حاصل نماید.

نظریه پرفسور ژیدل در باره ماده ششم

ماده ششم - قابل ارجاع به حکمیت: دولت ایران نسبت به شرکت حقوق مالی دارد که بعضی آنها آتی و بعضی آتی و دولت قانوناً باید نظارت بیان حقوق داشته و مطمئن شود که شرکت اجرای آنرا معوق نمی گذارد ولی شرکت نه تنها برای اجرای این حق دولت در نظارت بر حقوق خودش مساعدت ننموده بلکه در نتیجه ندادن اطلاعات مالی که برای اعمال حقوق لازم است اقدامات دولت را فلج نموده است شرکت نمی تواند برای فرار از وظائف خود به ماده ۲۱ امتیاز نامه استناد نماید و اینکه در ماده مزبور قید شده که باید اصول حسن نیت مدار اجرای قرارداد باشد در صورتیکه طرف دیگر بموجب امتیاز نامه حقی داشته باشد باید حسن نیت خود را به اثبات رساند و مخصوصاً این موضوع موقعی اهمیت دارد که طرز عمل یک طرف با عرف معمول تفاوت داشته باشد مثلاً طرز تنظیم محاسباتش طوری باهم توأم شده باشد که نتوان این حسابها را در سنین مختلف با هم تطبیق نمود و حتی با یک نظر اجمالی به حساب های منتشره شرکت به چنین نتیجه هایی می رسیم شرکت بعضی اوقات محاسبات مختلف را تحت یک قلم بیلان یا حساب سود و زیان برده و نمی توان با این اعداد طرز تشکیل هر یک از این محاسبات خاص را در سال های متوالی تعقیب نمود علاوه بر این محتویات بعضی این محاسبات بیلان و حساب سود و زیان در سال های مختلفه یکسان نیست و این تغییرات مقایسه آنها را در سال های مختلف بی نتیجه می نماید در مورد سود شرکت Balance of profit شرکت فقط یک رقم می دهد که پس از نظر گرفتن بعضی قسمت ها بدست آمده و یکی از این قسمت ها برای روابط بین دولت و شرکت دارای اهمیت مخصوصی است و آن عبارت از حساب استهلاك و تنزل قیمت است شرکت در محاسبات خود بجای اینکه طریقه معمول استهلاكات که عبارت از تعیین بهای اموال به قیمت اولیه و تعیین ذخیره مخصوصی در بیلان برای این منظور می باشد بکار برد طریق دیگری که تعیین بهای اموال پس از استهلاك باشد بکار برده و با این طریق نمی توان طرز بدست آوردن استهلاكات را جز در موارد استثنایی تعقیب نمود و حال آنکه هر گاه شرکت انتخاب دو طریقه را داشته باشد که یکی از آنها اجازه دهد و دیگری مانع شود که دهنده امتیاز در حقوق خود نظارت نماید طبق ماده ۲۱ قرارداد مجبور

است نه تنها طبق اصل حسن نیت بلکه طبق حقوق صریح دولت، از این دو
طریقه آن یکی را انتخاب کند که به دولت کنترل در حقوق خود را اجازه دهد.
ولی شرکت طریقه دیگر را انتخاب نموده است. راجع به اطلاعاتی که باید به
دولت داده شود شرکت به ماده ۱۵ استناد نموده و طبق این ماده چنین نتیجه
گرفته است که دولت حق تحصیل هیچگونه اطلاعات دیگری را ندارد. ولی استناد
شرکت به این ماده و دادن چنین معانی به آن صحیح نیست چرا که این استدلال تا
موقعی مورد دارد که مواد خصوصی در قرارداد نباشد که به دولت حقوق دیگری
جز حقوق سهامداران شرکت بدهد.

رئیس - تأمل کنید اکثریت نیست (بعد از لحظه‌ای اکثریت حاصل شد)
بفرمایید (بقیه گزارش به قرار ذیل خوانده شد).

ولی به موجب مواد ۱۰ و ۲۰ قرارداد این حق به دولت داده شده است طبق
ماده دهم بند الف دولت در ذخایر (ذخایر عمومی) شرکت سهیم است و منظور از
آن کلیه ذخایر به هر عنوانی که شرکت در دفاتر خود بدهد، می‌باشد. و بنا بر این
دولت باید کلیه اطلاعاتی را داشته باشد که مطمئن شود شرکت بعضی ذخایر
مخفی که در حساب ذخایر عمومی نمی‌آید کنار نگذاشته باشد.

ذخایر استهلاک را ممکن است طوری زیاد قلمداد نمود که از منظور اصلی
منحرف شده و ذخایر مخفی بشود. ولی همین ذخایر در حساب‌های منتشره شرکت
ذکر نمی‌شود. زیرا بطوری که در بالا ذکر شد اموال را پس از کسر استهلاک به
حساب می‌آورد. طبق ماده بیستم قسمت دو، در آخر امتیاز کلیه دارایی شرکت در
ایران مجاناً و بلاعوض به صورت قابل استفاده به دولت تعلق خواهد گرفت و
بنابراین ذخایر استهلاک نباید طوری باشد که در آخر امتیاز با مفاد ماده بیست
راجع به اینکه این اموال مجاناً و بلاعوض به دولت تعلق خواهد گرفت منافات
داشته باشد. چرا که می‌توان این ذخایر را طوری زیاد قلمداد نمود که اموالی که
باید در آخر امتیاز مجاناً به دولت تعلق گیرد چندین مرتبه بهای خود را استهلاک
نموده باشد و هم چنین موضوع تقسیم ذخایر استهلاک نموده باشد و همچنین
موضوع تقسیم ذخایر استهلاک شرکت بین اموال داخل و خارج نباید از نظرات
دولت ایران خارج باشد و شرکت باید اطلاعات لازمه را راجع به مبالغی که به
حساب استهلاک اموال خود در خارج از ایران گذارده ره دولت بدهد در موافقت
نامه سال ۱۹۳۲ راجع به طرز حساب حق الامتیاز و مطالب دیگر، طبق
امتیازنامه دادرسی در فصل هفتم بند ۲ و ۳ ذکر شده بود: نماینده دولت حق
دریافت اطلاعات اضافی بیش از آنچه که در صورت حق الامتیاز ذکر شده، دارد
و شرکت نیز ملزم شده بود که صحت دفاتر خود و دفاتر شرکت‌های تابعه را
تضمین نموده و برای رسیدگی در دسترس نمایندگان دولت قرار بدهد.

ماده هفتم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده هفتم - صادرات نفت خام: ماده ۲۱ امتیاز نامه ۱۳۱۲ و اختیارات
قانونی دولت ایران ایجاب می‌نمود که تصفیه مواد نفتی کلا در داخله ایران بعمل
آید.

ماده هشتم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده هشتم - تأسیساتی که در خارج از ایران وجوه شرکت ایجاد شده است.

ماده نهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:
ماده نهم - قیمت مواد نفتی: تعیین تکلیف قیمت فروش کلیه مواد نفتی در داخله مملکت ایران از لحاظ اینکه آنچه در این باب در امتیاز نامه ۱۳۱۲ نوشته شده بود عملاً از بین رفته است.

ماده دهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:
ماده دهم - تأسیسات پخش نفت: توسعه کافی تأسیسات پخش نفت اعم از نقاطی که فعلاً تأسیساتی در آنجا وجود دارد و یا اینکه هیچگونه تأسیساتی ندارد.
ماده یازدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده یازدهم - تقلیل مستخدمین خارجی و بهبود وضع کارمندان و کارگران ایرانی: تعیین تکلیف طرحی که در این باب در آبان ماه ۱۳۲۶ باستناد مواد ۱۶ و ۱۷ امتیاز نامه ۱۳۱۲ به شرکت تسلیم شده است.

نظریه پرفسور ژیدل نسبت به ماده یازدهم:
ماده یازدهم - قابل ارجاع به حکمیت: شرکت تعهدات خود را برای تقلیل مستخدمین خارجی در ظرف ۱۵ سالی که از امتیاز نامه جدید میگذرد انجام نداده است با اینکه از وظایف امتیاز نامه‌ای شرکت بوده است ارقام نشان می‌دهد که نه تنها کارمندان خارجی را تقلیل نداده بلکه تعداد آنها را از ۲۰۵۰ نفر در سال ۱۹۳۳ فعلاً تقریباً به ۴۰۰۰ نفر افزایش داده است. شرکت باید با توافق دولت طرحی را که طبق ماده شانزدهم برای تقلیل کارمندان خارجی سالیانه و بطور تصاعدی پیش‌بینی شده، تهیه نماید و بجای اتباع خارجی کارمندان ایرانی بطوری که طبق امتیاز نامه تعهد نموده است جایگزین نماید.

علاوه بر اینکه پرفسور ژیدل این ماده را قابل ارجاع به حکمیت می‌داند، ماده یازدهم قرارداد الحاقی پیشنهادی خود را که بایستی به امتیاز نامه اضافه شود نیز به این موضوع اختصاص داده به قرار زیر:

«نظر به اینکه سیاست اساسی شرکت اینست که کارمندان شرکت در ایران شامل حداکثر ایرانی‌های ممکنه باشد شرکت حداکثر پیشرفت تشکیلات حرفه‌ای و فنی را در کارگران و کادر ایرانی بخرج خود به منظور اینکه آنها را در صنعت نفت بطوری استخدام نماید که بعد از ده سال کارمندان خارجی بیش از پنج درصد کارمندان فنی Qualifié نباشد، ادامه خواهد داد.

شرکت موافقت دارد که مبلغ کافی برای اعزام، هر سال پنجاه نفر ایرانی به بریتانیای کبیر جهت آموزش حرفه‌ای در دانشگاه، در موضوع تکنولوژی نفت، در مدت معمول به اختصاص دهد.»

ولی این ماده پیشنهادی برای حصول توافق با شرکت است، نه در صورت ارجاع به حکمیت.

ماده دوازدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:
ماده دوازدهم - جلوگیری از تلف شدن گاز: جلوگیری از اتلاف گاز بوسیله مصرف در عملیات شرکت و لوله کشی به شهرها برای مصرف اهالی و نگهداری آن در چاه‌ها باستناد مواد ۱۲ و ۲۱ امتیاز نامه ۱۳۱۲.

ماده سیزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:
ماده سیزدهم - مقاطعه‌کاران خارجی طبق قوانین کشور

ماده سیزدهم - مقاطعه‌کاران خارجی طبق قوانین کشور
ماده چهاردهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:
ماده چهاردهم - بیمه: بیمه مؤسسات شرکت نفت در ایران، نزد شرکت بیمه
ایران.

ماده پانزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:
ماده پانزدهم - مدت امتیاز: در موقع اصلاح امتیاز داری، دو مطلب بیش از
سایر مطالب مورد توجه طرفین بوده است: از طرف دولت ایران حق الامتیاز و از
طرف شرکت مدت امتیاز در موقعی که هنوز امتیاز داری مجری بوده، با کمتر
از ۴ میلیون تن صادرات و فروش سالیانه، در حدود یک میلیون و نیم پوند طلا
حق الامتیاز دولت می‌شود. و حال آنکه عمل شرکت به استناد امتیاز دولت می‌شود
و حال آنکه عمل شرکت به استناد امتیازنامه ۱۳۱۲ طوری بوده است که با هیجده
میلیون تن صادرات و فروش حق الامتیاز دولت حتی از شش میلیون و نیم پوند
طلا خیلی کمتر است و با این وصف معلوم نیست در موقع فسخ امتیاز داری در
قبال تمدید مدت امتیاز نامه سابق از امتیازنامه ۱۳۱۲ به دولت ایران چه داده
شده است. این مطلب مورد نهایت علاقه دولت ایران و بیش از همه چیز مورد
توجه مردم مملکت است. نکته دیگری که در موقع این مقایسه باید طرف توجه
قرار گیرد این است که به موجب امتیاز ماده شانزدهم - مبنای حق الامتیاز مبلغ
چهار شلینگ در هر تن در سال ۱۹۳۳ معادل یک هشتم قیمت نفت خام ایران
بوده است و حال آنکه فعلاً با صرف طلای آن (بر طبق محاسبه شرکت) کمتر از
یک شانزدهم شده است و به این ترتیب مجموع حق الامتیاز دولت ایران به نسبت
قیمت کل نفت استخراج شده در ایران در سال ۱۹۳۳ در حدود ۳۳ درصد دو ده
و در سال ۱۹۴۷ فقط در حدود ۹ درصد اگر حق الامتیاز دولت ایران طبق
امتیازات کشور ونزوئلا دریافت می‌گردید از بابت ۱۹۴۷ بجای هفت میلیون لیره
بالغ بر ۲۲ میلیون لیره می‌شد یعنی متجاوز از سه برابر شرکت نفت عراق
می‌تواند تا شش شلینگ طلا حق الامتیاز دریافت دارد و این مبلغ نیز با در نظر
گرفتن قیمت عادلانه بیش از سه برابر حق الامتیازی است که تاکنون به دولت ایران
پرداخته شده است بر طبق امتیاز جدید در کویت نیز حق الامتیاز دریافتی از سه
برابر حق الامتیازی که تاکنون به دولت ایران پرداخته شده است متجاوز است
ضمناً از کل حق الامتیازی که ونزوئلا و کویت و بصره دریافت می‌دارند مقداری
هم نفت خام است که عیناً می‌توانند آنرا تحویل گیرند و بنابراین هر گاه این ارقام
منشاء محاسبه باشد مأخذ حق الامتیاز متداول فعلی در دنیا در حدود یک لیره در
هر تن استخراج شده می‌شود از ارقام فوق و مخصوصاً با مدافه در مندرجات
قسمت (۱۷) این یادداشت بخوبی آشکار است که برای حق الامتیاز ایران بهیچوجه
مبنای عادلانه و منصفانه‌ای در کار نیست

ماده هفدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت¹²، نوشته شده است که از آن به بعد
شصت سال معتبر خواهد بود و پیداست که وضع ذخائر نفتی مملکت ایران با
مقایسه مدت های مذکور در دو امتیاز سابق الذکر چه تفاوت فاحشی را متضمن
است.

ماده شانزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده شانزدهم - مبنای حق الامتیاز مبلغ چهار شلینگ در هر تن در سال ۱۹۳۳ معادل یک هشتم قیمت نفت خام ایران بوده است و حال آنکه فعلاً با صرف طلای آن (بر طبق محاسبه شرکت) کمتر از یک شانزدهم شده است و به این ترتیب مجموع حق الامتیاز دولت ایران به نسبت قیمت کل نفت استخراج شده در ایران در سال ۱۹۳۳ در حدود ۳۳ درصد دوده و در سال ۱۹۴۷ فقط در حدود ۹ درصد. اگر حق الامتیاز دولت ایران طبق امتیازات کشور ونزوئلا دریافت می‌گردید، از بابت ۱۹۴۷، بجای هفت میلیون لیره، بالغ بر ۲۲ میلیون لیره می‌شد. یعنی متجاوز از سه برابر.

شرکت نفت عراق می‌تواند تا شش شلینگ طلا حق الامتیاز دریافت دارد و این مبلغ نیز با در نظر گرفتن قیمت عادلانه بیش از سه برابر حق الامتیازی است که تاکنون به دولت ایران پرداخته شده است. بر طبق امتیاز جدید، در کویت نیز، حق الامتیاز دریافتی از سه برابر حق الامتیازی که تاکنون به دولت ایران پرداخته شده است متجاوز است. ضمناً از کل حق الامتیازی که ونزوئلا و کویت و بصره دریافت می‌دارند، مقداری هم نفت خام است که عیناً می‌توانند آنرا تحویل گیرند. و بنابراین، هر گاه این ارقام منشاء محاسبه باشد، مأخذ حق الامتیاز متداول فعلی در دنیا، در حدود یک لیره در هر تن استخراج شده می‌شود. از ارقام فوق و مخصوصاً با مذاقه در مندرجات قسمت (۱۷) این یادداشت بخوبی آشکار است که برای حق الامتیاز ایران بهیچوجه مبنای عادلانه و منصفانه‌ای در کار نیست

ماده هفدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده هفدهم - معافیت‌ها کم و کیف معافیت‌های مالیاتی و گمرکی مورد محاسبه دقیق و تعیین تکلیف قطعی باید قرار گیرد به این معنی که مالیات بر درآمد شرکت بر طبق قانون مالیات بر درآمد ایران برای سال ۱۹۴۷ بالغ بر ۱۲ میلیون لیره می‌گردد و از طرف دیگر بر طبق مقررات مملکت در هر یک از سنوات ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ حقوق و عوارض گمرکی اجناس و اشیائی که شرکت به ایران وارد کرده است در حدود ۱۷ میلیون لیره است. توضیحاً علاوه می‌نماید که شرکت در سال ۱۹۳۳ از بابت مالیات بر درآمد مبلغ ۲۷۴۴۱۲ لیره به دولت ایران و ۳۰۵۴۱۸ لیره به دولت انگلستان پرداخته است و حال آنکه در سال ۱۹۴۷ مالیات دولت ایران ۷۶۵۴۰۵ لیره و مالیات انگلستان ۱۵۲۶۶۶۶۵ لیره بوده است.

ماده هیجدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده هیجدهم - سهام شرکت، تبدیل حصه ایران از ذخایر شرکت به سهم شرکت نظیر معامله‌ای که با صاحبان سهام می‌شود

ماده نوزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده نوزدهم - اسعار: استفاده از یک قسمت از اسعار حاصله از فروش مواد نفتی در دنیا

ماده بیستم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده بیستم - فروش نفت برای صدور: تعیین ترتیبی که به موجب آن شرکت مواد نفتی برای صدور در اختیار دولت یا اتباع ایران خواهد گذاشت

ماده بیست و یکم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:

ماده بیست و یکم- نفت شاه: اتخاذ تدابیر عملی برای تأمین منافع و حقوق ایران در نفت شاه به مناسبت مجاورت با نفت خانه
ماده بیست و دوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:
ماده بیست و دوم - شرکت های وابسته: تعیین مقرراتی که شرکت های غیر تابعه بایستی مشمول آن باشد
ماده بیست و سوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:
ماده بیست و سوم - تغییرات اساسنامه. ضرورت جلب موافقت دولت ایران به تغییراتی که در اساسنامه سال ۱۹۳۳ بعمل آمده و یا بعمل می آید
ماده بیست و چهارم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت
ماده بیست و چهارم - ذخایر شرکت: روشن نمودن وضع ذخایر و طرز تشکیل آنها و تعیین حقوق دولت بطور دقیق
ماده بیست و پنجم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت:
ماده بیست و پنجم- خطوط هواپیمایی و تلگراف و تلفن و غیره: کم و کیف و حدود و قیود استفاده شرکت از خطوط هواپیمایی و تلفن و تلگراف و بندر سازی و غیره باید مورد دقت قرار گیرد
ماده هشتم - قابل ارجاع به حکمیت (خارج از مواد ۲۵ گانه) عین نظریه ترجمه شده در موقعی که قوای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ (سپتامبر ۱۹۴۱ وارد ایران شدند محصولات نفتی مورد احتیاج خود را در آبادان و سایر مؤسسات پخش شرکت در نقاط دیگر دریافت نمودند. به موجب امتیاز نامه مالیات ها و عوارض مربوطه به محصولات نفتی در ایران که بوسیله شرکت به فروش می رسید در قیمت فروش محسوب و بوسیله شرکت دریافت می گردد و شرکت در این مورد ذی حساب است.
ماده نوزدهم امتیاز نامه طرز تعیین بهای محصولات نفتی را در هر سال طبق بند (ج) تعیین نموده به قرار زیر است:
کمپانی حق دارد که به قیمت های اساسی مذکور در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه را به محصولات مزبور بیافزاید، شرکت بدون اینکه به هیچ نوع به دولت ایران مراجعه ای نماید بخودی خود اقدام نموده که حقوق و عوارض محصولات نفتی که به قوای متفقین در ایران تحویل داده است وصول ننماید و بنابراین مقررات ماده نوزدهم امتیاز نامه را صریحاً نقض نموده است.
پس از اتمام جنگ همین که دولت ایران از شرکت درخواست نمود هر چه زودتر صورت محصولات نفتی مورد مصرف متفقین را به اداره مربوطه ارسال دارد، شرکت جهد نمود به راه فراری برای عدم انجام تقاضای دولت متوسل گردد و بالاخره اظهار داشت که دولت برای تعیین ارقام مربوطه به سفارت کبرای انگلستان مراجعه نماید و حال آنکه دولت ایران نباید راجع به عدم اجرای قراردادی که شرکت مرتکب شده با سفارت کبرای انگلستان وارد مذاکره شده.
در نتیجه رسیدگی به حساب های مؤسسات پخش وزارت دارائی دولت شاهنشاهی توانسته است محاسبه ای نماید که طبق آن جمع محصولات نفتی که تحویل قوای متفقین شده بالغ بر یک میلیارد و هفتصد و هشتاد و سه میلیون لیتر

و عوارضی که طبق نرخ مقرر در ۱۹۴۳ به آن تعلق می‌گیرد به مبلغ ۵۷۳ میلیون ریال تخمین زده شده است، همین مبلغ است که دولت شاهنشاهی از شرکت، که بدون اینکه از پرداخت آن معاف و یا هیچگونه اجازه ای برای ع دم وصول آن داشته باشد، تا کنون ایفاء ننموده، مطالبه می نماید که تعهدی را که طبق ماده نوزدهم به عهده داشته انجام دهد.

ضمیمه (۱) مواد ۲۵ گانه اعتراضیه دولت

سال	مالیات عادی	مالیات اضافه بر	جمع
	دولت انگلیس	مالیات دولت ایران	
	درآمد دولت انگلیس		
1933	505418		
	305418	274412	
1934	511733		
	511733	301135	
1935	408635		
	408635	201166	
1936	610559		
	910559	328524	
1937	1651588		
	1651588	362734	
1938	1175029		
	1157029	378494	
1939	1955606		
	1955606	466204	
1940	2975156		
	2975156	460118	
1941	2920682		
	2920682	568667	
1942	4917846		
	4917846	454168	
1943	2798764		
	7662764	4864000	
		606948	
1944	2756457		
	10636457	7880000	
		514725	
1945	2805564		
	10681364	7875800	
		446644	

7300000	2979241	1946
768599	10279241	

765405	10266665	1947
--------	----------	------

ضمیمه شماره (۲) مواد ۲۵ گانه اعتراضیه دولت

مقایسه درآمد دولت در پنج ساله آخر امتیاز داری

پنج ساله اول و پنج ساله اخیر امتیاز جدید

پنجساله آخر امتیاز داری

صادرات و فروش سالها

جمع عایدات دولت	
4785173	1928-1927
571706	
3801189	1929-1928
1452163	
5762803	1930
طلا 1433477	
5567603	1931
1110169	
6041501	1932
1208970	

پنجساله اول امتیاز جدید

6715302	1933
1785012	
7145705	1934
2159142	
7014074	1935
2191902	
7372288	1936
2828502	

8455307	1937
3444439	
	<u>بنجسالة آخر امتياز جديد</u>
9021165	1943
4000000	
11706441	1944
4463778	
15019706	1945
4623161	
18418170	1946
7130257	
18328692	1947
7101478	

از تاریخ دوشنبه پنجم تیر ماه تا تاریخ چهارشنبه هشتم آذر ماه ۲۰ کمیسیون مخصوص نفت بیست و چهار جلسه تشکیل داده و در این بیست و چهار جلسه در اطراف 25 ماده دعاوی دولت مذاکرات مشروع به عمل آمده و از طرف آقایان اعضاء کمیسیون اعتراضات زیادی نسبت به عملیات شرکت نفت و همچنین راجع به قرارداد ۱۹۳۳ با استناد به نطق آقای تقی زاده وزیر دارائی وقت (امضاء کننده قرارداد ۱۹۳۳) در مجلس پانزدهم و نیز قرارداد الحاقی به عمل آمده است که در مقابل آن از طرف دولت جوابهای قانع کننده ادا نشده و با وجود اینکه به کرات از طرف اعضاء کمیسیون به دولت تذکر داده شد، مدافعات خود را از لایحه طبق مسئولیتی که به عهده دارد بیان نماید، مع الوصف دولت به همان توضیحات قناعت کرده و دفاع مستدل و قانع کننده ای ننمود «کلیه این مذاکرات نظر به اهمیتی که دارد در سه جلد دفتر صورت جلسات کمیسیون مخصوص نفت که حاوی 226 صفحه و ذیل هر صفحه به امضای رئیس کمیسیون نفت رسیده مضبوط و کاملاً منعکس است»

بالاخره کمیسیون در بیست و دومین جلسه خود جلسه را سرّی اعلام و وارد شور گردید. در این جلسه پس از چند ساعت مذاکره و مباحثه پیشنهاداتی، منجمله پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در ایران از طرف پنج نفر از اعضاء و همچنین پیشنهاد راجع به غیر قانونی بودن

مکی - کلمه اعلام افتاده، صحیحش اعلام غیر قانونی بودن تمدید مدت ... صدرزاده- بنده از روی گزارش چاپی باید بخوانم ... و هم چنین پیشنهاد راجع به اعلام غیر قانونی بودن تمدید مدت و چند پیشنهاد دیگر از طرف آقایان اعضاء کمیسیون داده شد که چون از طرف بعضی از آقایان تذکر داده شد که باید مرحله به مرحله تکلیف لایحه دولت را معین کرد و برای آنکه در مورد الحاقیه زودتر نتیجه گرفته شود، پس از مذاکرات زیاد پیشنهاد زیر به اتفاق آراء به تصویب رسید که اینک عین آن برای تصویب قرائت و تقدیم مجلس شورای ملی می نماید.

«کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۲۹/۳/۳۰ مجلس شورای ملی تشکیل شده است، پس از مذاکرات و مطالعات به این نتیجه رسیده است که قرارداد الحاقی ساعد - گس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست، لذا مخالفت خود را با آن اظهار می‌دارد.

جمال امامی - سید علی بهبهانی - جواد عامری - دکتر محمد علی هدایتی - اللهیار صالح - دکتر محمد مصدق - حسین مکی - دکتر شایگان - حائری زاده - ناصر ذوالفقاری - جواد گنجه‌ای - سرتیپ زاده - دکتر حسن علوی - پالیزی - خسرو قشقانی - دکتر کاسمی
عبدالرحمن فرامرزی.»

در خاتمه به استحضار آقایان نمایندگان محترم می‌رساند که پس از اتخاذ تصمیم فوق کمیسیون دو جلسه دیگر تشکیل داد که یک جلسه آن سرّی و در جلسه آخر نیز برای تکلیف نهائی کار کمیسیون و تعیین تکلیف مجلس مذاکرات مشروحی به عمل آمد و در این جلسه نیز مجدداً پیشنهادهائی از قبیل ملی شدن صنعت نفت و تقاضای غیر قانونی شناختن و بطلان قرارداد ۱۹۳۳ و پیشنهادهای دیگری به عمل آمده و چون اکثریت آقایان اعضای کمیسیون عقیده داشتند که وظیفه کمیسیون طبق تصمیم مجلس شورای ملی این است که نسبت به استیفاء یا عدم استیفای منافع ایران در مورد قرارداد الحاقی اظهار نظر نماید و در این موضوع، کمیسیون به اتفاق آراء اظهار عقیده نموده است، ورود و بحث در سایر پیشنهادهای فعلاً ضرورتی ندارد و باید این پیشنهادات در مجلس مطرح شود و تکلیف آن‌ها از طرف مجلس شورای ملی معین شود، لذا به پیشنهاد زیر اخذ رأی به عمل آمد و تصویب گردید. (اینک متن پیشنهاد):

نظر به اینکه وظیفه کمیسیون مخصوص نفت اظهار نظر در قرارداد الحاقی از لحاظ استیفاء یا عدم استیفای منافع ایران بوده و به اتفاق آراء اظهار نظر در این موضوع به عمل آمده بنا براین ورود در هرگونه پیشنهادی از وظیفه کمیسیون خارج است و تکلیف آنها از طرف مجلس شورای ملی باید تعیین شود. پیشنهاد مذکور با ده رأی موافق از شانزده نفر عده حاضر به تصویب رسید و چهار نفر مخالف و دو نفر ممتنع رأی دادند بنابراین متن تصمیم کمیسیون برای شور اول و طرح و تصویب آن تقدیم مجلس شورای ملی می‌گردد کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۱۳۲۹/۳/۳۰ مجلس شورای ملی تشکیل شده است پس از مذاکرات و مطالعات به این نتیجه رسید که قرارداد الحاقی ساعد - گس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست لذا مخالفت خود را با آن اظهار می‌دارد.
مخبر کمیسیون مخصوص نفت

- حسین مکی ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۹»

رئیس - آقای دکتر مصدق بواسطه کسالتی که دارند تقاضا کرده‌اند که نطق خودشان را آقای مکی در اینجا قرائت کنند آقای مکی نطق آقای دکتر مصدق را بفرمایید قرائت کنید.

مکی - همانطور که جناب آقای رئیس فرمودند چون کسالت جناب آقای دکتر مصدق شدت پیدا کرده است و اطباء قدغن کرده‌اند از بستر خارج نشوند، برای یک مدتی، و همانطوری که سابقه بوده است، یک مرتبه دیگر که کسالت پیدا کرده

بودند نامه‌ای بوسیله بنده به کمیسیون نفت تقدیم کردند، از این لحاظ به بنده امر فرمودند که نطق ایشان را عینا از روی یادداشت‌های خود ایشان به استحضار مجلس شورای ملی ایران برسانم

(مطالب آقای دکتر مصدق به وسیله آقای مکی به قرار ذیل خوانده شد)

از بدو مشروطیت تاکنون ۱۶ دوره تفنینی افتتاح شده وکلای مجلس اول نمایندگان حقیقی ملت بودند ولی پس از آن هر قدر بیشتر از عمر مشروطه گذشته دخالت دولت در انتخابات به شرحی که به عرض می‌رسد بیشتر شده‌است.

در دوره دوم و سوم، دولت روسیه تزاری در انتخابات شمال و دولت انگلیس در انتخابات جنوب اعمال نظر نموده‌اند، با این حال عده زیادی از نمایندگان من جمله وکلای تهران نماینده حقیقی ملت بوده‌اند و دخالت دولت‌های انگلیس و روسیه تزاری در انتخاب پاره‌ای از نمایندگان مانع این نشد که وقتی که روسها به دولت ایران اولتیماتوم دادند حتی نمایندگانی که با سعی و مساعدت خود آنها به مقام نمایندگی رسیده بودند به وجدان بیدار و شرافت ملی خود تکیه نموده و با وکلای دیگر مجلس دویم در رد باتفاق آراء اولتیماتوم روسیه تزاری همداستان شوند و آن افتخار بزرگ را نصیب مجلس دوم نمایند.

در این موقع آقای مکی با خطاب به آقای وزیر دارایی مشت خود را محکم بروی تریبون زدند و گفتند جناب آقای وزیر دارایی!

وزیر دارایی - مجلس رئیس دارد به شما چه مربوط است؟

دکتر بقائی - این چه جور حرف زدن است؟

مکی - مگر اینجا طویله است؟

وزیر دارایی - شما چه حق دارید این حرفها را بزنید؟

مکی - خیال کردی اینجا می‌توانی به مجلس توهین بکنی، اینجا آلمان نیست که ایران آزاد تشکیل بدهی

وزیر دارایی - هر کار دلت می‌خواهد بکن.

دکتر بقائی - اینجا گردن کلفتی نکنید، آقا باید گوش بدهید

(خواندن بقیه مطالب آقای دکتر مصدق را بقرار ذیل آقای مکی ادامه دادند)

به محض اینکه جنگ بین‌الملل اول خاتمه یافت و یا رقابت دولت روسیه در ایران از بین رفت، دولت انگلیس قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ را منعقد نمود و برای اینکه تصویب آن در مجلس چهارم دچار اشکال نشود در انتخابات آن دوره غیر از انتخابات تهران که قبل از انعقاد قرارداد خاتمه یافته بود، اعمال نظر کرد. در دوره ۵ و ۶ باز نمایندگان تهران وارد مجلس شدند ولی از دوره هفتم ببعد هیچ وکیلی بدون اجازه دولت به مجلس نرفت.

از این مقدمه می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که قرارداد ۱۹۳۳ در مجلس تصویب شده که وکلا، نماینده حقیقی ملت نبوده و به علاوه نظر بوجود رژیم دیکتاتوری هیئت حاکمه، مجریان دستوری بیش، نبوده‌اند و چنانچه مجله مذاکرات مجلس راجع به جلسه هفتم بهمن ماه ۱۳۲۷ را که مربوط جواب آقای تقی‌زاده به آقای عباس اسکندری است قرائت کنند به خوبی معلوم می‌شود که وزیر و وکیل همگی مسلوب‌الاختیار و مطیع یک مرکز بوده‌اند.

برای اینکه قسمت اصلی اظهارات آقای تقی‌زاده دایر به مسلوب‌الاختیار بودن آنها و وجود زور و فشار که دلیل کافی بر بطلان قرارداد ۱۹۳۳ است، برای آقایان نمایندگان واضح و روشن شود نکات اصلی نطق شنبه هفتم بهمن ماه ایشان را که در مجلس پانزدهم ایراد شده است استخراج و در اینجا عیناً نقل می‌کنم «روز آخر کار به ناگهانی صحبت تمديد مدت را به میان آوردند و اصرار ورزیدند ... ما چند نفر مسلوب‌الاختیار به آن راضی نبودیم و بی اندازه و فوق هر تصویری ملول شدیم ... لیکن هیچ چاره‌ای نبود ...

ولی باید عرض کنم که مقصود از اینکه گفتم چاره نبود، تنها بیم اشخاص نسبت به خودشان نبود بلکه اندیشه آنها نسبت به مملکت و عواقب نزاع به آن کیفیت نیز بود.

من هیچوقت راضی به تمديد مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر در اینکار قصوری یا اشتباهی بوده، تقصیر آلت فعل نبوده، بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد.

او خود هم راضی به تمديد مدت نبود و در بدو اظهار این مطلب از طرف حضرات روبروی آنها به تحاشی و وحشت گفت: «عجب! اینکار که بهیچوجه شدنی نیست، می‌خواهید که ما که ۳۰ سال بر گذشتگان برای اینکار لعنت کرده‌ایم، پنجاه سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد.»

پس از نقل نطق آقای تقی‌زاده، اینک باز شمه‌ای از محیط وحشت و فشار آن ایام را شرح می‌دهم:

دولت انگلیس تنها به این قناعت ننمود که در انتخابات نمایندگان دخالت کند، بلکه مقامات رسمی مملکت را نیز دست نشانده خود کرد و علاوه بر دخالت‌های غیرقانونی در امور داخلی یک کشور مستقل، در سال ۱۹۳۳ موقع تمديد امتیاز با فرستادن کشتی‌های جنگی خود به آب‌های خلیج فارس از وسیله تهدید نیز استفاده کرد.

ولی خوشبختانه باید اذعان نمود که در بسیاری از موارد که فقط یک مورد آن را در بالا ذکر نمودم هر وقت منافع ملت ایران در مقابل خارجیان مطرح بوده نمایندگان مجلس شرافت و آبروی ملی خود را بر هر چیز مقدم داشته و سعی نموده‌اند ولو با مقاومت منفی حقوق ملت را مصون و محفوظ نگاه دارند و با این عمل همان وظیفه‌ایی را که از وکلای ملت بایستی انتظار داشت به نحو احسن انجام دهند (اسلامی صحیح است)

از تصویب قانون ۲۹ مهر ماه ۱۳۲۶ متجاوز از سه سال می‌گذرد و دولت‌ها نتوانسته‌اند حقوق ملت ایران را از شرکت نفت استیفا کنند بر فرض اینکه باز دولت مأمور شود که استیفای حقوق ملت را بکند در ماه‌های آخر دوره که نمایندگان گرفتار انتخابات می‌شوند دولت همین لایحه را با چند میلیون لیره اضافه به تصور اینکه نمایندگان وکالت را به حقوق ملت ترجیح می‌دهند و لایحه را تصویب خواهند نمود، به مجلس پیشنهاد می‌کند.

امیدوارم که سیر قهقرایی ملت ایران را تا بدان پایه زبون و نحیف نکرده باشد که نمایندگان منافع ملت را از نظر دور کنند و وظایفی که خود باید انجام

دهند به عهده دولت‌های دست‌نشانده و ناتوان محول نمایند و لکه ننگ تسلیم در مقابل تمایلات خارجی را به دامان مجلس‌های ایران بگذارند و لعنت و خشم ملت مظلوم ایران را برای خود و خانواده خود به طور ابد خریداری کنند.

حال که بطلان قرارداد ۱۹۳۳ از نظر حقوقی ثابت شده و به استحضار آقایان محترم رسید لازم است عرض کنم که قرارداد مزبور را باید بدو دوره تقسیم نمود:

دوره اول - دوره اول از ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ شروع و به ۲۹ آوریل ۱۹۳۶ یعنی به دو سال پس از تاریخ انقضای قرارداد داری ختم می‌شود

دوره دوم - دوره دوم که در حقیقت از ۱۹۶۱ شروع می‌شود در اثر تمدید مدت مندرجه ضمن قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ بهره‌برداری از وسایل کار و منابع نفتی که طبق قرارداد داری از آن سال کلا و بدون هیچ قید و شرطی متعلق به دولت ایران می‌شده است برای مدت ۳۲ سال دیگر تا ۱۹۹۳ به شرکت نفت واکذار گردیده و در ازای این واکذار حتی طبق قرارداد الحاقی و در یک سال مالی شبیه به سال ۱۹۴۸ سالیانه ۶/۱۸ میلیون لیره که کمتر از ۲۰ میلیون لیره سود سرمایه و استهلاک مصالح و وسایلی است که بهره‌برداری از آن به شرکت واکذار شده، به دولت ایران پرداخت خواهد شد، و با این ترتیب مدت ۳۲ سال به شرکت امتیازی بلاعوض داده شده و کوچکترین نتیجه‌ای غیر از ضرر عاید ایران نشده است.

چون نظریات خود را گراراً در این باب به عرض آقایان نمایندگان محترم رسانیده‌ام، اکنون عرایض خود را به همان دوره اول، آنهم راجع به اعتراضات فرعی محدود می‌کنم، چه اعتراض اصلی، همان بطلان قرارداد است، که شامل دوره اول و دوم، هر دو می‌شود.

در اینجا به مورد است که به عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم که پرفسور ژیدل استاد حقوق بین‌المللی نسبت به بطلان قرارداد ۱۹۳۳ چیزی ننوشته است علت این است که سئوالی در این مورد از نامبرده بعمل نیامده و نظریات او را نسبت به قابل ارجاع به حکمیت بودن ۲۵ ماده اعتراضی دولت به شرکت خواستار شده‌اند.

با توجه به این خط‌مشی که توسط دولت ایران تعیین شده است آقای پرفسور ژیدل نسبت به مواردی که قابل طرح در حکمیت بوده، نظریات خوی. و چون اینجانب مذاکره در قرارداد ۱۹۳۳ را که اصلاً منعقد نشده و باطل است مفید فایده نمی‌دانم، فقط به ذکر پاره‌ای از مواد که یا به ضرر ایران تنظیم و یا در مواردی که منافعی برای ایران در برداشته به ضرر ما تفسیر شده است، اکتفا می‌کنم و نظر آقایان نمایندگان را به این نکته متوجه می‌سازم که اگر قرارداد مزبور باطل هم نبود، با توجه به مضرات متعدد و زیانی که در اثر سوء اجرای آن متوجه کشور شده است ضرورت داشت که ملت ایران از اصل حاکمیت که از حقوق غیر قابل تردید هر ملتی است استفاده نموده و با ملی کردن صنعت نفت گریبان خویش را از دست شرکت نفت خلاص نماید.

اسلامی - در موقعی که نفت مطرح است، آقای رئیس‌الوزراء و تمام وزرا باید حاضر باشند چون اهمیت دارد باید تمام دولت حاضر باشد. از این مهمتر

برای ملت ایران چیزی نیست. (دکتر بقائی - اگر این حرف‌ها را بشنود دولت، بعداً نمی‌توانند بگویند که ما آلت فعل بودیم حالا باید بگویند نشنیدیم و اقدام کردیم. دکتر کاسمی - وزیر دارایی وزیر مسئول است که حاضر است مکی - برای اثبات اعتراضات فرعی به ذکر چند مثال قناعت می‌شود: الف - مواردی که در قرارداد به ضرر ملت ایران تنظیم شده‌است:

از جمله موادی که بر خلاف مصالح ایران تنظیم شده‌است، ماده یازدهم می‌باشد که طبق آن شرکت متعهد می‌شود که از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ یعنی در ۱۵ سال اولی که از تاریخ تحمیل قرارداد می‌گذرد از بابت هر گونه مالیات و عوارض که در آن موقع برقرار بوده و یا در آتیه وضع و برقرار شود، برای هر تن از شش میلیون تن اول ۹ پنس و برای هر تن مازاد آن ۶ بر آن پنس بپردازد و بعلاوه هیچوقت جمع این مبلغ از ۲۲۵ هزار لیره در سال کمتر نگردد و از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۲ یعنی ۱۵ سال دوم، مبلغ پرداختی بابت هر گونه مالیات و عوارض موجود و یا مالیات و عوارضی که بعداً وضع شود، برای هر تن از شش میلیون تن اول یک شیلینگ و برای هر تن مازاد بر آن، ۹ پنس یعنی ۳ چهارم شیلینگ بوده و جمع این پرداختی نیز از ۳۰۰ هزار لیره کمتر نگردد.

با این ترتیب در یک سال مالی شبیه به سال ۱۹۴۸ که شرکت طبق بیلان خود که مورد رسیدگی و تصدیق دولت ایران واقع نشده ۶۲ میلیون لیره عایدی داشته‌است، دولت ایران به گفته آقای غلامحسین فروهر وزیر دارایی، در حدود یک میلیون و چهار صد هزار لیره یعنی ۲۱ مرتبه کمتر از ۲۸ میلیون لیره‌ای که در سال مزبور دولت انگلیس به عنوان مالیات گرفته دریافت کرده‌است.

چنانچه قرارداد داری اجرا می‌شد برای یک سال مالی شبیه به همان سال ۱۹۴۸ و نرخ مالیاتی فعلی (۵۰ درصد)، حق دولت ایران بابت مالیات آنهم فقط از شرکت نفت به ۳۱ میلیون لیره بالغ می‌گردید.

اما برای ۳۰ سال رویهم یعنی از ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۳، آقای غلامحسین فروهر وزیر دارایی، به قسمت آخر ماده ۱۱ قرارداد [که] به شرح زیر تنظیم شده‌است: «قبل از سنه ۱۹۶۳ راجع به میزان مبالغی که کمپانی در ازای معافیت کامل عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی به نفع دولت و با ادارات محلی در مدت ۳۰ سال دوم که منتهی بسته ۱۹۹۳ می‌شود باید بپردازد طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود.»

استناد نموده و در نامه اول خود که در پاسخ به سؤال این جانب به کمیسیون نفت داده، چنین نوشته‌اند:

«راجع به تمدید مدت امتیاز و نظر ایشان از ۱۰ سال دیگر شروع می‌شود و بطوری که استحضار دارند نه به موجب قرارداد ۱۹۳۳ و نه به موجب قرارداد الحاقی، حقوق دولت ایران نسبت به این مدت، یعنی ۳۰ سال که از ۱۰ سال آینده به بعد مشخص می‌گردد، معین نگردیده و نیز به موجب ماده ۱۱ امتیازنامه مقرر است که نسبت به مالیات مربوط به این دوره که بدون شک قسمت مهمی از درآمد دولت را تشکیل خواهد داد بعداً طرفین مذاکره و توافق نمایند بنابراین حقوقی را که قرارداد الحاقی مشخص می‌نماید فقط مربوط است به مدتی که از امتیاز داری باقی مانده است»

و به این ترتیب اظهار امیدواری کرده‌اند که قبل از سنه ۱۹۶۳ وزیر دارایی ایران خواهد توانست جبران خسارت ۳۲ سال تمدید مدت را بوسیله وضع مالیات برای ۳۰ سال دویم بنماید. ولی معلوم نکرده‌اند چرا خودشان که فعلاً استیفای حقوق ملت ایران بدست ایشان سپرده شده، حاضر شده‌اند (طبق قرارداد الحاقی که کمیسیون نفت آن را باتفاق آراء رد کرده‌است) حداکثر فقط ۳ پنس بر مالیات هر تن بیافزایند و میزان آن را از ۹ پنس به ۱۲ پنس یعنی ۱۲ شلینگ تضمین شده به طلا برسانند و چون همیشه محل قبلی مبنای افزایش‌های بعدی قرار خواهد گرفت مسلم است که در صورت ادامه قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی وزیر دارایی آتیه ایران نخواهد توانست برای افزایش مالیات بر درآمد ایران بیش از چند پنس بدست آورد زیرا در یک سال مالی شبیه به ۱۹۴۸ که شرکت عواید خود را در ازای فروش ۵/۲۳ میلیون تن نفت ۶۲ میلیون لیره قلمداد کرده‌است (و با فرض نرخ مالیاتی ۵۰ درصد) یک شلینگ تضمین شده به طلا به عنوان مالیات پرداخته و حال آنکه میزان مالیات هر تن بر اساس اعداد بالا مساوی ۲۷ شلینگ می‌شده است زیرا سهام مالیاتی ایران از قرار پنجاه درصد عایدات شرکت مساوی است با ۳۱ میلیون لیره و بنابراین مالیات دریافتی از هر تن به شلینگ از این قرار می‌شود:

$$۲۷ = ۲۳/۵۰۰/۰۰۰ : ۳۱/۰۰۰/۰۰۰$$

شلینگ بالا در حدود ۱۸ برابر مالیاتی است که ضمن قرارداد الحاقی با در نظر گرفتن تضمین به طلا دولت ایران پذیرفته‌است.

مثال دیگر - قیمت مواد نفتی برای فروش در ایران بر اساس قیمت نفت خلیج مکزیک و خلیج رومانی با تخفیف ۱۰ درصد برای مردم و ۲۵ درصد برای دولت تعیین شده است و حال آن که قیمت تمام شده نفت ایران که یکی از غنی‌ترین و کم خرج‌ترین منابع دنیا است در حدود ۱ پنجم تا یک سوم قیمت‌های دو خلیج نامبرده می‌باشد.

بنا بر این دولت ایران حتی برای نفت مصرفی خود که از منابع کشور استخراج می‌شود باید سود هنگفتی به ضرر توسعه اقتصادیات و صنایع مملکت و به نفع شرکت پرداخت کند.

مثال دیگر - از مواد مضره بحال دولت ایران معافیت شرکت از پرداخت حقوق گمرکی و عوارضی است که زیان آن تا حدی بوده که اگر شرکت نفت تمام نفت ما را مجاناً می‌برد و هیچگونه حقی بابت حق‌الامتیاز و مالیات و سود به دولت ایران نمی‌پرداخت و فقط از گمرک معاف نمی‌بود، مبالغی که بیش از کل حق‌الامتیاز و مالیات و سود می‌بود به دولت ایران پرداخت کرده بود و در این زمینه هم در نطق آقای مهندس احمد رضوی و آقای حسین مکی و همچنین ضمن مقالات متعدد و دقیق روزنامه‌های باختر و شاهد و جبهه آزادی که از روزنامه‌های ملی می‌باشد اعدادی منتشر شده است که مرا از ذکر هر گونه مثال و عدد معاف می‌کند.

ب - مواردی که بر خلاف نص صریح قرارداد عمل شده است.

فقره سوم از ماده ۱۶ قرارداد راجع به نقل سیل مستخدمین غیر ایرانی از این قرار است. (طرفین موافقت می‌نمایند در این که طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و بجای آنها بطور تصاعدی در کوتاه‌ترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بگذارند) بنابراین اصل پورسانتاژ که در طرح عمومی قائم مقام اصل نقصان تصاعدی شده برخلاف نص قرارداد می‌باشد.

چنانچه ماده بالا از روی حسن نیت عمل شده بود و دو هزار نفر کارمند خارجی نفت همه ساله صد نفر کسر شده و به جای آنها از کارمندان ماهر ایرانی گماشته شده بود در سال ۱۹۴۷ یعنی پانزده سال پس از اجرای قرارداد تعداد کارمندان غیر ایرانی شرکت به ۵۰۰ نفر تقلیل می‌یافت و حال آنکه تفسیر خلاف نص شرکت نفت یعنی اصل پورسانتاژ که هیچگاه به تصویب هیئت دولت هم نرسیده است باعث شده که تعداد کارمندان خارجی شرکت از ۲۰۰۰ نفر در سال ۱۹۳۳ به ۴۲۰۰ نفر در سال ۱۹۴۷ بالغ گردد و بنابراین بجای آنکه تعداد آنها معادل یک ربع شود، بیش از دو برابر گردیده است.

توضیح آنکه اگر برای حقوق ماهانه هر مستخدم بطور متوسط یک صد لیره در نظر بگیریم در سال ۱۹۴۷ که به حساب بالا تعداد کارمندان خارجی به جای ۵۰۰ نفر به ۴۲۰۰ نفر بالغ شده است مبلغی در حدود ۴ میلیون لیره بجای این که ایرانیان از آن استفاده کرده باشند خارجی‌ها استفاده نموده‌اند.

جمع مبلغ بالا در ظرف ۱۵ سال ۱۹۳۳ در حدود ۳۱ میلیون لیره و چنانچه به لیره تنزل یافته حساب کنیم ۴۶ میلیون لیره می‌شود.

این تفسیر غلط شرکت باعث شده که همواره ایرانیان از عملیات فنی شرکت برکنار نگاهداشته شوند و در نتیجه رفتار ناهنجار شرکت و تبعیضی که بین ایرانیان ردیف اول و کارگران انگلیسی می‌شود، از کلیه مهندسين ایرانی که بر اساس مواد قرارداد در خارجه تحصیل کرده و به کارهای شرکت گماشته شده‌اند بیش از معدودی از آنها در خدمت شرکت باقی نمانده و بقیه با حقوق‌های کمتر و شرایط زندگی سخت تری دنبال کارهای دیگر رفته‌اند.

مثال دیگری که قرارداد ۱۹۳۳ را به ضرر ایران تفسیر کرده‌اند رسیدگی به حساب‌های شرکت نفت است:

توضیح آنکه به علت عدم صراحت قرارداد در رسیدگی به محاسبات شرکت نفت از اعمال این حق که نتیجه منطقی مشارکت دولت در سود شرکت است جلوگیری کرده و این تفسیر غلط که یکی از مواد اختلاف دولت ایران و شرکت نفت بوده به نظر پرفسور ژیدل نیز از مواردی است که حقانیت ایران در صورت مراجعه به حکمیت محرز است.

قسمت اخیر بند ب ماده چهاردهم نیز که می‌گوید:

«... و بعلاوه مامورین مزبور در تمام ادارات کمپانی و در تمام خاک ایران حق تحصیل هر گونه اطلاعی را خواهند داشت» می‌رساند که دولت حق دارد به محاسبات شرکت نیز رسیدگی کند.

و باز یکی از مواردی که شرکت قرارداد ۱۹۳۳ را به ضرر ما تفسیر کرده‌است بند ۵ ماده ۱۰ قرارداد نامبرده مربوط به تضمین طلا می‌باشد توضیح آنکه بر طبق قسمت الف از بند پنج ماده ۱۰ «هرگاه موقتی قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینگ (یعنی ۱۴۴۰ پنس) در مقابل یک اونس تروی تجاوز نماید برای هر پنس افزایش، به همان نسبت، بر مبالغ محاسبه شده، بابت مالیات و حق‌الامتیاز بایستی اضافه شود» و البته در موقع عقد قرارداد، بازار فروش طلای آزاد در لندن وجود داشته. ولی پس از شروع به جنگ، بازار آزاد طلا به علت تنزل تدریجی لیره، از بین رفته و نرخ رسمی طلا جانشین نرخ واقعی آن شده‌است. و چون شرکت نفت هم بر اساس این نرخ رسمی اضافه حق دولت ایران را محاسبه و پرداخت نموده، لذا در نتیجه تفاوتی که بین نرخ رسمی و نرخ واقعی طلا بوده، دولت در حدود ۱۵ میلیون لیره متضرر شده‌است.

این تفسیر بر خلاف منطق سبب شده‌است که پرفسور ژیدل و وان زیلاند متفقاً تفسیر شرکت را غیر عادلانه تلقی کنند و مراجعه به حکمیت را برای دولت ایران صلاح‌اندیشی نمایند.

نگفته نمی‌گذارم بجای اینکه قرارداد الحاقی حق‌الامتیاز و مالیات دولت را بر اساس طلای شمش تضمین نماید و اسمی از لیره نبرد که قیمت رسمی آن با قیمت واقعی طلا مورد اختلاف واقع شود، ماده تضمین طلا را بر طبق نظر شرکت و بر خلاف حق تفسیر کرده‌است.

توضیح آنکه ضمن قسمت ب ماده ۳ قرارداد الحاقی مربوط به افزایش ۲ شلینگ برای حق‌الامتیاز هر تن و قسمت ب ماده ۷ همان قرارداد دایر به افزایش ۳ پنس بر مالیات هر تن نفت استخراجی که علاوه بر شش میلیون تن بوده باشد، شرکت نفت به طور عطف بـِماسبق مقررات قرارداد الحاقی را برای سال ۱۹۴۸

قبول نمود و میزان بدهی خود را از بابت اضافات بالا که به طلا تضمین شده‌است به لیره کاغذی محاسبه و در قرارداد قید کرده‌است. در این محاسبه برای تبدیل لیره تضمین شده به طلا به لیره کاغذی، شرکت نرخ رسمی را بکار برده و با این ترتیب تفسیر خود را که مورد اعتراض دولت ایران بوده، به طور ضمنی مُسَجَل و قطعی کرده‌است. از موارد دیگری که قرارداد در تحت لوای تأمین حقوق ملت ایران موجب تضییع حق آن شده‌است ماده ۲۲ قرارداد دایر به تعیین حکم واحد از طرف دیوان داوری دائمی بین‌المللی به جای حَکَم طرفین و سر حَکَم می‌باشد. توضیح آنکه ضمن به اصل هفدهم قرارداد داری هر گونه اختلاف «... باید رجوع به دو حَکَم در تهران شود و آن دو حَکَم توسط طرفین انتخاب خواهند شد و دو حَکَم هم قبل از مبادرت به مرافعه حَکَم ثالثی را تعیین خواهند نمود.

حَکَم‌ها و یا در صورتی که حَکَمین مزبورین متفق نشوند حُکَم حَکَم ثالث قطعی خواهد بود «و بنابراین هر طرفی حَکَم خود را تعیین و آن دو حَکَم طبق مقررات حَکَمیت در ایران سر حَکَم را تعیین می‌کرده‌اند. ولی طبق بند ماده ۲۲ قرارداد ۱۹۳۳ :

اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حَکَم خود را تعیین نکرد و یا تعیین آنرا به طرف دیگر ابلاغ ننمود، طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داوری دائمی بین‌المللی (یا از نایب رئیس در موردی که مطابق قسمت اخیر جزو ب پیش‌بینی گردیده) تقاضا نماید که یک حَکَم منفرد ذیصلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند. و در این صورت اختلاف موجود به وسیله حَکَم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید. ... وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد حَکَم ثالث یا حَکَم منفرد مذکور در جزو معین خواهد کرد ...»

و با این ترتیب محل حکمیت و قانون آن می‌تواند خارج از ایران بوده و یا مقررات قانون حکمیت ایران نیز موافقت نداشته باشد و این امر نیز علاوه بر زیان مادی که در مورد دعوی ایران با توجه به نفوذ نسبی دولت انگلیس و دولت ایران در مجامع بین‌المللی در بردارد، در حقیقت با حق حاکمیت دولت ایران نیز مبادینت داشته‌است زیرا دولت ایران که شاکی فرض شده و حکم خود را معین کرده‌است، با این ترتیب از حق تعیین حَکَم خود نیز محروم گردیده و سرنوشت دعوی خود را به دست حَکَم منفردی که به ظن قوی و طبق ناموس طبیعت از نظریات دولت انگلیس پشتیبانی خواهد کرد، سپرده‌است.

معایب و مضارّ قرارداد ۱۹۳۳ که به عرض مجلس شورای ملی رسید، منحصر به موارد فوق‌الاشعار که فقط به عنوان مثال ذکر شده نیست چه بسیاری از موارد دیگر از قبیل امتناع شرکت از پرداخت حق دولت راجع به مواد نفتی مصرف شده در خود شرکت که در سال ۱۹۴۷ بالغ بر ۱/۵ میلیون تن یعنی دو برابر مصرفی تمام کشور ایران بوده‌است وجود دارد که این جانب برای اجتناب از اطاله کلام حتی از اشاره به آنها خود داری کرده‌ام و هر شخص منصفی که پی به مشکلات اجرای امتیاز نفت ببرد، تصدیق خواهد نمود که تنظیم قراردادی

که مصالح و منافع ایران را تامین کند با اوضاع کنونی ایران و ضعف و خصوصیت‌های دولت‌ها علی‌الخصوص که اکثریت سهام شرکت نفت متعلق به دولت انگلیس و بنابراین زمام امور شرکت نیز در دست دولت است امری محال به نظر می‌رسد و تنها راهی که ممکن باشد منافع ملت را تامین نمود همان ملی کردن صنعت نفت است که استخراج نفت به دست دولت و به حساب ملت ایران بشود (صحیح است)

هر کس نگران شود که پس از این کار دولت دچار مشکلات می‌شود فکری باطل می‌کند زیرا بر طبق مقررات قرارداد ۱۹۳۳ شرکت نفت حتی صاحب سهم اصلی آن یعنی دولت انگلیس راهی جز مراجعه به حکمیت ندارد و با فرض این که پس از اعلام ملی شدن نفت شرکت به حکمیت رجوع کند هیچ حکمی نیست که بتواند یک دولتی را از حق حاکمیت محروم نماید و تنها چیزی که ممکن است به عهده ایران تعلق بگیرد پرداخت ارزش مستهلک نشده مایملک شرکت می‌باشد که ارزش آن هم در مقابل نتیجه مهمی که از ملی کردن نفت عاید ایران می‌شود قابل توجه نیست.

اگر فرض کنیم که شرکت نفت به حکمیت ارجاع کند و دیوان داوری دائمی بین‌المللی طبق بند «د» ماده ۲۲ قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ حکم واحدی تعیین کند، که صد در صد هواخواه سیاست انگلیس هم باشد، با وضعیت فعلی باز هم نتیجه حکمیت به مراتب بهتر از وضعیت کنونی خواهد بود.

آنهایی که بیم دارند ایرانیان نمی‌توانند از منابع نفت جنوب مثل شرکت نفت بهره‌برداری کنند نگرانیشان بی‌مورد است و بر فرض این که بجا باشد چون تاکنون ملت ایران از آنچه شرکت پرداخته سودی نبرده و زیان و خراب کاری‌های شرکت را نیز متحمل شده‌است در حقیقت خسارتی نخواهد برد بلکه بر عکس در اثر کوتاه شدن دست شرکت از منابع نفتی ما کشور ایران از عملیات و تحریکات خانمان برانداز و زیان بخش شرکت مصون مانده و به پای توانای ملت خواهد توانست، ظرف مدت کوتاهی، راه تمدن و پیشرفت و ترقی را پیموده و خود را به جلوداران تمدن امروزی عالم برساند.

اما حقیقت این است که کشور ایران دچار هیچ‌گونه ضرر اقتصادی و ارزی هم در اثر ملی کردن صنعت نفت نخواهد شد زیرا اگر فرض کنیم که ایرانیان به جای ۳۰ میلیون تن استخراجی شرکت در سال ۱۹۵۰ فقط ده میلیون تن نفت استخراج کنند و برای هر تن که شرکت یک لیبره خرج می‌کند دو لیبره مصرف نمایند باز هم بر اساس فروض هر تن ۵ لیبره (که قیمت فرضی خلیج فارس خواهد بود) دولت ایران ۳۰ میلیون لیبره عایدی خواهد داشت. و حال آنکه با استخراج ۳۰ میلیون تن در سال ۱۹۵۰ و طبق اظهار وزیر دارائی، عایدی دولت ایران حداکثر ۲۵ میلیون لیبره خواهد گردید و تازه هم ۲۰ میلیون تن نفت باقی مانده که صد میلیون ارزش دارد، ذخیره خواهد ماند تا فرزندان آتیه ایران بتوانند از آن به نفع خود بهره‌برداری نمایند.

محاسن و برتری‌های دیگری که اهمیت اساسی دارد و با ملی کردن صنعت نفت تأمین خواهد شد این است که:

۱ - دولت و ملت از اعمال نفوذهایی که شرکت و دولت انگلیس معمول داشته و شمه ای از آن را در جلسه یک شنبه ۱۲ آذر ماه ۱۲۲۹ به عرض مجلس شورای ملی رسانیده ام مصون خواهد ماند.

۲ - سایر کشورها هم بهانه‌ای برای تقاضای این قبیل امتیازات که با استقلال و تمامیت مملکت متعرض است نخواهند داشت و ملت ایران خواهند توانست را ترقی را بدون هیچ گونه اعمال نفوذ و موانع خارجی در محیط صلح و صفا، ببیماید.

در این جا لازم می‌دانم مجدداً از پشت تریبون مجلس شورای ملی به نام ملت ایران، از کلیه وکلای وطن پرست دوره چهاردهم و پانزدهم و مجلس فعلی و همچنین حزب ایران و افرادی که در راه روشن شدن اذهان عمومی نسبت به موضوع حیاتی نفت، با نطق‌ها و خطابه‌ها و انتشارات و تالیفات خود، با صرف وقت، ابراز علاقه نموده‌اند، صمیمانه تشکر نمایم. و همچنین به حزب استقلال و احزاب و روزنامه‌های ملی و دانشجویان و دستجات و اصناف و همچنین افرادی که در راه استیفای حقوق ملت از جبهه ملی پشتیبانی نموده‌اند تقدیر و تشکر نموده و اطمینان دهم که ملت بیدار و پاک نهاد ایران هیچ وقت خدمات صادقانه آنها را فراموش نخواهد نمود و آنان نیز در راه خدمتی که در پیش گرفته‌اند به یاری خدای متعال توفیق حاصل خواهند نمود.

فرار از یأس و سعی در انجام خدمات ملی، دو علاج واقعی دردهای بی درمان این کشور ستمدیده است و من به شما و ملت ایران در اختیار این راه صواب تبریک و تهنیت می‌گویم.

در خاتمه، برای این که نشان دهم که در اثر ملی کردن صنعت نفت هیچ گونه مزاحمت سیاسی ممکن نیست برای ملت ایران پیش‌آمد کند جریان مجلس شورای ملی انگلستان را که مستر پیک تورن راجع به ملی کردن صنایع در بیرمانی از وزیر امور خارجه انگلستان سؤال نموده‌است به اطلاع نمایندگان محترم میرسانم:

سؤال مستر پیک تورن - آیا مستر بوین اطلاع دارد که در بیرمانی دولت فعلی آنجا می‌خواهد اصول سوسیالیزم را رواج دهد و می‌داند کارخانجات و صنایع و شرکت‌های انگلیس و آن قسمتی که انگلیس‌ها در آن سهام دارند چه خواهد شد و سرنوشت آن چیست؟

جواب بوین - مستر بوین وزیر امور خارجه انگلستان در پاسخ نماینده مجلس چنین جواب داده است :

«آن‌ها کاملاً تصمیم دارند که کارخانجات و صنایع را ملی کنند. و با پرداخت خسارت صاحبان سهام موافقت کرده‌اند و در تمام بیانات خود، این موضوع را همیشه گفته‌اند و سیاستی را که می‌خواهند تعقیب نمایند، اعلام نموده‌اند و مؤسسات را هم تصرف کرده‌اند. ولی در موضوع پرداخت خسارت، اخیراً چنین مستفاد می‌شود که می‌خواهند آن را هم تغییر دهند. من خیال می‌کنم که این مجلس هیچوقت نخواهد خواست که ما با دولت بیرمانی وارد مخاصمه شویم. زیرا طبق منشور ملل متفق، مواد خام در کشور متعلق به خود آن کشور می‌باشد. و در

صورتی که خسارت را به طریق صحیح و عادلانه بپردازند ما موافقت داریم و نمی‌توانیم در امور داخلی کشوری هم مداخله داشته باشیم. (صحیح است)»

نتیجه - با توجه به نکات مهم و اساسی بالا و حقایقی که ضمن آن روشن شده است، دیگر جای هیچگونه نگرانی، حتی برای ضعیف‌ترین مردم، باقی نمی‌ماند تا چه رسد به نمایندگان محترم مجلس شورای ملی که هر یک خود را نماینده واقعی ده‌ها هزار نفر مردم این سرزمین می‌دانند. ده‌ها هزار نفری که حتی یک نفر آنها حاضر نیست که دیناری از حقوق ملی خویش را با توجه به نیازمندی کشور، به دیگران واگذار نماید. و با این ترتیب، اگر خود را نماینده ملت می‌دانید، راهی برای شما جز استیفای کامل حقوق ملت ایران از راه ملی کردن صنایع نفت در تمام ایران، وجود ندارد. و در صورتی که با تمام استدلال‌ات روشن بالا و به خصوص نکته اخیر، یعنی ملی شدن صنایع کشور بیرمانی که سرمایه‌های انگلیسی بکار افتاده توسط آن‌ها، به چندین برابر سرمایه بکار افتاده در شرکت نفت انگلیس و ایران بالغ می‌شود است، باز هم در انجام این وظیفه ملی و وجدانی تعلل و تردید بخرج دهید، دیگر هیچ اسمی بر آن نمی‌توان گذارد و همین است که هیچ یک از افراد ملت گرسنه و فقیر ایران این گناه را بر ما و اعقابمان، نخواهد بخشید و دیر یا زود انتقام این تعلل و مسامحه و عدم انجام وظیفه نمایندگی را از ما و اولاد و اعقابمان خواهد کشید.

مکی - نطق ایشان تمام شد. یاد داشتی هم ایشان با تلفن فرمودند. بنده به استحضار آقایان میرسانم:

در خاتمه لازم می‌دانم از احساسات وطن پرستانه جنابان آقایان می‌رسید علی بهبهانی - عباس اسلامی - کاظم شیبانی که از روی کمال وطن پرستی، پیشنهاد نمایندگان جبهه ملی را امضا فرموده‌اند تشکر و این احساسات پاک را تجلیل و توفیق ایشان را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم و پیشنهادی هم با امضا ۱۱ نفر، راجع به ملی شدن صنعت نفت کرده‌ایم که از طرف جبهه ملی تقدیم می‌کنم که در موقعش قرائت بشود. تقدیم مقام ریاست می‌کنم.

دکتر بقائی - نگاه دارید آقای مکی شاید یک عده‌ای هم بخواهند امضاء کنند.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۵ روز پنجشنبه ۳۰ آذر ماه ۱۳۲۹

«بیانات قبل از دستور آقای دکتر مصدق»

رئیس - آقای مکی وقتشان را داده‌اند به آقای دکتر مصدق. بفرمایید آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - اکنون بیش از سه سال است که موضوع استیفای حقوق ملت ایران از شرکت غاصب نفت مطرح است و چنانچه ملت ایران و جهانیان می‌دانستند تا شهریور ماه ۱۳۲۸ دولت‌های ما با حفظ نهایت استتار و اختفا آنهم نسبت به ملت ایران که صاحب اصلی کلیه منابع خود می‌باشد، قرارداد الحاقی گس- گلشانیان را در قالب ظاهر الصلاحی ریختند و با استفاده از تنگنای وقت دوره پانزدهم تقنینیه،

که آخرین روزهای حیات خود را طی می‌نمود، آنرا تقدیم مجلس شورای ملی نمودند. به امید آنکه با عدم اطلاع نمایندگان از جزئیات امر نفت، با اضافه کردن چند شلینگ و پرداخت قسمتی از مطالبات ما شرکت بتواند هم مفاصا حساب در یافت کند و هم قرارداد باطل ۱۹۳۳ را مجلس شورای ملی، با تصویب قرارداد الحاقی، تأیید و تنفیذ نماید.

ملت باهوش ایران که به خیال غاصبین نفت و خدمتگزاران آن در خواب غفلت غوطه‌ور است، به ناگاه با استفاده از صدای افراد اقلیت، ناله‌های مظلومیت خود را ضمن نطق آقای مکی به گوش جهانیان رسانید و وکلای اکثریت عموماً با مقاومت منفی خود، مانع شدند آقای مکی را از صحبت محروم نمایند و قرارداد را به تصویب برسانند.

انتخابات اول و دوم تهران، با وجود اینکه زر و زور در دست دولت بود، در اثر بیداری مردم، توفیق کسانی را که رسماً برنامه خود را با مخالفت قرارداد الحاقی اعلام نموده بودند، میسر ساخت. و بالاخره عده‌ای را که هدف واقعی آنها هدف ملت ایران بود روانه مجلس نمود پس از صحنه‌سازی‌های حکومت ساعد و سپس حکومت منصور و بعد رزم‌آرا نتیجه این شد که دفاع قرارداد الحاقی را دولت رزم‌آرا به عهده بگیرد و در صدد اختناق احساسات عمومی در این امر حیاتی برآید ولی مبارزه مصرانه اقلیت که مساعدت‌های عده‌ای از وکلای اکثریت عملاً برخوردار بود، منتهی به این شد که کمیسیون مخصوص نفت برخلاف انتظاری که اربابان نفت از آن داشتند با استفاده از شعور ملی و وجدان پاک ایرانیان همانطوری که ملت ایران انتظار داشت قرارداد الحاقی را با اتفاق آرا رد کند و برای دفعه دوم مشت محکمی بر دهان نفت آشام شرکت غاصب نفت فرود آورد.

گو اینکه حقایقی که از پرونده نفت مستفاد شده بود بطور کامل و مقتضی به بهانه اسرار اداری هنوز به گوش ملت ایران نرسیده است ولی توضیحاتی که نمایندگان اقلیت برای روشن شدن اذهان مردم ضمن استیضاح دولت راجع به نفت داده و در جلسات اخیر مجلس هم اطلاعات مفیدی در اختیار ملت ایران و جهانیان قرار داده‌اند سبب شد که برای اولین بار شرکت غاصب نفت و حامیان و خدمتگزارانش از خواب نادانی و غفلت بیدار و ناگهان متوجه شوند که تا چه اندازه قافیه را در اصرار به اظهار نظر مجلس نسبت به قرارداد الحاقی باخته‌اند.

تا این اواخر هم اشخاصی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم با مقامات شرکت نفت تماس داشته اینطور تصور نموده‌اند که عنوان ملی کردن صنعت نفت در تمام ایران موضوعی است که با انتشارات و تبلیغات خلاف واقع آن‌ها مورد عنایت و توجه خاص ملت و نمایندگان آنها واقع خواهد شد و آنرا بیشتر تهدید و یا بهتر بگویم شوخی تصور می‌نموده‌اند.

بحث در جلسات اخیر مجلس شورای ملی که به موضوع نفت تخصیص داده شده بود و قلم جراید حق‌نویس که هر روز مردم را در جریان حوادث می‌گذاشت پرده عظمت این بیچارگان را چنان پاره نمود که دیگر بحث در موضوع را صلاح ندیده و قبل از اینکه کارد به استخوانشان برسد خواسته‌اند وسایلی را که به نفع ملت ایران تبلیغات می‌کنند و یا می‌نویسند از دست مردم بگیرند و وسایلی

دلگرمی آنهایی که هنوز خیال خیانت به کشور و خدمت به اجانب را در سر می‌پروراندند، فراهم آورده و وسایل پیشرفت مقاصد شوم خود که تفویض اختیار به دولت برای بحث در قرارداد الحاقی جدید باشد فراهم آورند.

علاوه بر بازداشت مدیران جرایم ملی از قبیل آقای دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز در دو سه روز اخیر محل چاپخانه موسوی که خانه یکی از رشیدترین فرزندان این آب و خاک و نماینده دوم تهران اعلام شده بود از دستبرد و خرابکاری عده‌ای چاقوکش که به تقویت قوای انتظامی با کمال بی‌باکی اصول قانون اساسی را زیر پا گذارده‌اند محفوظ نمانده و حقیقت زندگانی را عملاً برای افراد اقلیت که زبان گویای ملت ایران است دشوار و خطرناک نموده و آنها را از کلیه وسایل قانونی کشورهای مترقی برای رسانیدن صدای ملت به گوش جهانیان محروم کرده‌اند.

نمایندگان جبهه ملی برای رفع این مشکلات و مضیقه‌ها روز قبل به آقای رزم‌آرا نخست وزیر در سه وحله و هریک به فاصله یک ساعت صحبت نموده و خواستار شدند که رفع این همه مضیقه روزنامه‌های ملی و مدیران آنها و همچنین فشاری که به آقای دکتر بقایی وارد می‌آید بکنند. ولی نخست وزیر بهیچوجه روی مساعد نشان نداده سهل است، نمایندگان جبهه ملی را به تشدید فشار به بهانه‌هایی که بهیچوجه موجه نمی‌باشد تهدید نموده‌اند.

چون بزرگترین هدف نمایندگان اقلیت ملی کردن صنعت نفت که یگانه راه علاج دردهای بی‌درمان این کشور ستمدیده است، می‌باشد و با طرز عمل دولت فعلی و دستگاه انتظامی آن سازگار نیست و انجام وظایف ملی که رسانیدن حقایق به گوش ملت ایران است غیر ممکن شده است، لذا کلیه افراد جبهه ملی از دیشب نظر به اینکه ملت بیدار ایران خوب می‌داند که این مضیقه‌ها بدست خدمتگزاران شرکت غاصب نفت فراهم می‌شود و دولت ما نیز از آنان پشتیبانی نموده و بهانه جلوگیری اغتشاشاتی که خود ایجاد کننده آن است، در صدد شکستن قلم و بریدن زبان اقلیت و ملت ایران است.

ما نمایندگان اقلیت خود را موظف می‌دانیم که به کلیه جهانیان اعلام کنیم که هرگونه قراری نسبت به لایحه نفت در مجلس با توجه به مضیقه‌هایی که ایجاد شده، داده شود مثل اقداماتی که در دوره قرارداد ۱۹۳۳ شده، از درجه اعتبار ساقط است و ملت ایران را بهیچوجه متعهد نمی‌کند و رسماً اعلام می‌کنم که ملت ایران هر قراری غیر از ملی کردن نفت را که حق مسلم اوست، به رسمیت نخواهد شناخت و این مبارزه مقدس تا نیل به هدف همچنان ادامه خواهد داشت.

بنده در خاتمه می‌خواهم عرض کنم که دولتی که اینجا می‌آید و شکایت می‌کند که یکی از نمایندگان اقلیت که گفته‌است «لوطی بازی های دولت»، این دولت حق ندارد وقتی که یک مدیر روزنامه را می‌برد و در یک جایی که جناب‌آرا را حبس می‌کنند، حبس می‌کند، به تصدیق و شهادت آقای معدل که دیشب رفتند، دیدند که آقای دکتر فاطمی جزو جنایتکاران حبس شده، یک مدیر روزنامه‌ای که یک سال است بلاانقطاع از حقوق ملت ایران دفاع می‌کند. ای خاک بر سر این دولت که با این مدیر روزنامه اینطور رفتار می‌کند. به این دولت هر ناسزا و هر فحشی و هر چه در این مجلس بگویند کم است.

بنده بقیه وقتم را می‌دهم به آقای معدل.
مکی - شرکت نفت به دولت دستور داده است که لایحه اش را پس بگیرد.

«۶- بقیه مذاکرات در گزارش کمیسیون مخصوص نفت»
رئیس- وارد دستور می شویم. آقای دکتر بقائی

.....
دکتر بقائی- اینها تمام مربوط به نفت است جناب آقای رئیس. حتی دستوری هم از طرف شرکت نفت به دولت داده شده است که بیاید لایحه اش را مسترد بکند. آن هم مربوط به نفت است چون وضعیت خطرناک شده، گفتند دولت باید لایحه اش را پس بگیرد.
حائری زاده - دولت حق ندارد پس بگیرد. این را دولت نیاورده. طرح قانونی است ما باید تکلیفش را معین کنیم.
آزاد - حق ندارد پس بگیرد.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۷
روز سه شنبه ۵ دی ماه ۱۳۲۹

«۵- بقیه مذاکرات در گزارش کمیسیون مخصوص نفت و استرداد لایحه بوسیله آقای وزیر دارائی»
رئیس- گزارش کمیسیون نفت مطرح است. آقای وزیر دارائی.
وزیر دارائی -

.....
در خاتمه، نظر به اینکه کمیسیون مخصوص نفت، لایحه قرارداد الحاقی را جهت استیفای حقوق ایران کافی ندانسته، دولت این لایحه را مسترد می‌دارد تا طبق قانون ۲۹ مهر ۱۳۲۶ در حقوق کشور اقدام و نتیجه را به عرض شورای ملی برساند.

- مهمه شدید و تعرض نمایندگان
آزاد - خیانت کردند خائن ها. هفت تیر می خواهند، گلوله می خواهند.
چند نفر از نمایندگان - خائن ها
دکتر بقائی - بوین گفته. آقای رئیس سؤال فرمودید بوین کیست؟ بوین آن کسی است که امر کرد بیایند این حرفها را بزنند.
کشاورز صدر - دولت را برای این کار استیضاح می کنم.

.....
نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۸
روز سه شنبه ۱۹ دی ماه ۱۳۲۹

«۴- مذاکره و اعلام فوریت طرح پیشنهادی راجع به مردود بودن بیانات وزیر دارائی در جلسه ۵ دی
رئیس - ... طرحی است که حالا قرائت می شود:

ریاست محترم مجلس شورای ملی
تقاضا داریم طرح زیر را به عنوان تصمیم قانونی، با قید دو فوریت و فی
المجلس طرح و تصویب آنرا پیشنهاد کنید.

مجلس شورای ملی بیانات سه شنبه دی ماه ۱۳۲۹ آقای فروهر را مردود
دانسته و به هیچوجه مورد تصدیق نمایندگان ملت نخواهد بود و انزجار خود را
از عمل ایشان اعلام می کند.

حسین مکی، محمود نریمان، حائری زاده، آزاد، دکتر طباطبائی، صالح، بهبهانی، حسن
مکرم، اردلان، دکتر جلالی، معدل، دکتر معظمی، مخبر فرهمند، حانقی، محمد
ذوالفقاری، دکتر بقائی، دکتر کیان، کشاورز صدر، دکتر سید امامی، ناظرزاده،
حبیب پناهی، دکتر مجتهدی، ثقه الاسلامی، دکتر شایگان و یک عده دیگر امضا
هست.

رئیس - فوریت اول مطرح است.

.....

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۹۹

۵ شنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۲۹

«۲- بقیه مذاکره در فوریت و اصل طرح قانونی راجع به مردود بودن بیانات
آقای وزیر دارائی در جلسه پنجم دی ماه و خاتمه مذاکره آن

.....

رئیس- فعلاً باید رأی گرفته شود و عده برای رأی کافی نیست.
جمال امامی- اسم را بردارید آن اظهارات را تقبیح کنید. من موافقم.
کشاورز صدر - به آقایانی که در خارج هستند بفرمائید که اشکالات را رفع می
کنیم، بیابند.

مکی - آقایان ارباب مهدی- ظفرالسلطان- ابریشمکار- دکتر راجی- سلطانی-
سنندجی- در بیرون تشریف دارند. آقای شکرایی هم هستند بفرمائید آقایان بیابند
تو.

رئیس- آقای شکرایی غائب است اصلاً نیامده.

مکی - در سرسرا با آقای کشاورز صحبت می کردند.

رئیس - بالاخره فرستادم آقایان بیابند. چند دقیقه تنفس می دهم.

امینی - تنفس ندهید آقا!

رئیس - پس چکار کنیم؟ پنج دقیقه می نشینیم.

کشاورز صدر - آقا بنده کفایت مذاکرات را پس می گیرم.

رئیس - دیگر نمی شود، صحبت شده و به رأی رسیده نمی شود پس گرفت.

کشاورز صدر- حضرتعالی بفرمائید که اگر آقایان نیابند ما هم آنوقت لج می کنیم
سرکار دیگر آنوقت گله نکنید.

رئیس- آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده معتقد نیستم که ایشان پس بگیرد. باید در یک موقع حساس
معلوم بشود که چه اشخاصی خدمتگزار و چه اشخاصی تابع دیگران هستند. پس

نباید بگیرند و اگر نشد، مجلس را تعطیل می‌کنیم (صحیح است) تا ملت ایران هم بفهمند که چه اشخاصی باعث تعطیل مجلس هستند (صحیح است) فرامرزی- با این عمل خودشان تمام مجلس را بدنام می‌کنند. همان هائی که سه نفری با هم ساخته‌اند آن‌ها تمام مجلس را بدنام می‌کنند. مکی- جناب آقای رئیس امر بفرمائید نایب رئیس تان جناب آقای گنجه ای بفرمایند تو.

امامی اهری - آقای مکی هم خرده حساب تصفیه می‌کنند. آقای گنجه ای را الآن پای تلفن خواستند از تبریز.

رئیس - اگر آقایان موافقت می‌کنند، ده دقیقه تنفس داده شود که آن مورد اختلاف هم که در این قسمت است، رفع بشود.

در این موقع، ساعت ۱۱ و ۱۰ دقیقه، جلسه به عنوان تنفس تعطیل و یک ربع به ظهر مجدداً تشکیل شد.

رئیس- در خارج یک موافقتی شده که اینطور رأی گرفته شود به این ماده واحده که حالا قرائت می‌شد به شرح زیر قرائت شد:

بیانات وزیر دارائی در جلسه سه شنبه ۲۹/۱۰/۵، راجع به نفت، به هیچوجه مورد تصدیق مجلس شورای ملی نمی‌باشد و مردود است.

ارالان- احسنت

رئیس- مخالفی نیست؟

دکتر معظمی- عوض ۱۰ دی ماه بنویسید سه شنبه ۵ دی ماه (صحیح است) ۱۳۲۹

رئیس- رأی گرفته می‌شود به این تصمیم قانونی، آقایانی که موافقت قیام بفرمایند. عموم نمایندگان قیام نمودند.

رئیس- به اتفاق تصویب شد. برای مجلس سنا فرستاده می‌شود.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۰۲

چهارشنبه ۲۷ دی ماه ۱۳۲۹

«۵- طرح و تصویب طرح فوری راجع به اختیار کمیسیون نفت و تعیین وظیفه دولت در امر نفت»

رئیس- طرح پیشنهادی قرائت می‌شود:

ریاست محترم مجلس شورای ملی

متمنی است طرح ضمیمه را دستور فرمائید با قید دو فوریت و فی المجلس، طرح فرمایند.

جمال امامی- حائری زاده- دکتر شایگان- خسرو قشقائی- اللهیار صالح- دکتر بقائی- غلامرضا فولادوند- حاذقی- مخبر فرهمند- آزاد- فرامرزی- کشاورز

صدر- معدل- اردلان- اسلامی- نریمان- حسین مکی

مجلس شورای ملی، با تأیید و تصویب گزارش کمیسیون نفت دائر بر اینکه لایحه ساعد - گس استیفای حقوق ایران را نمی‌نماید، به منظور اجرای قانون

مهر ماه ۱۳۲۶ به آن کمیسیون مأموریت می دهد، با توجه به پیشنهادات آقایان نمایندگان، در ظرف دو ماه، گزارشی مبنی بر تعیین وظیفه دولت تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.

جمال امامی، دکتر بقائی، دکتر شایگان، قشقائی، حائری زاده، ابتهاج، دکتر مجتهدی، دکتر امامی، سرتیپ زاده، بزرگ نیا، نریمان، ثقه الاسلامی، بهادری، اللهیار صالح، فولادوند، دولتشاهی، فرامرزی، شیبانی، مکرم و عده ای دیگر از آقایان نمایندگان.

رئیس- مخالفی نیست؟ گفته شد خیر.

رئیس- آقایانی که موافقت در ظرف دو هفته پیشنهادات داده بشود، قیام کنند. اکثریت برخواستند.

رئیس- تصویب شد. دیگر پیشنهادی نیست؟ پس در ماده واحده یک پیشنهاد اصلاحی آقای تیمورتاش دادند قبول شد و یک اصلاحی آقای نبوی دادند قبول شد و یکی هم همین موضوع دو هفته رأی گرفته می شود با این اصلاحات، به این ماده واحده. آقایانی که موافقت قیام بفرمایند.

اکثریت برخواستند.

رئیس- تصویب شد.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۷

سه شنبه ۲۲ اسفند ماه ۱۳۲۹

- بیانات بعد از دستور آقای دکتر مصدق

۷- بیانات بعد از دستور آقای دکتر مصدق

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - برای رأی عده کافی نیست ولی برای حرف زدن که کافی است بنده با نهایت ضعف و ناتوانی امروز که قرار بود گزارش نفت مطرح بشود اینجا آمدم ولی اینجا تحقیقاتی که کردم معلوم شد که اصلاً بکلی این گزارش که قضیه حیاتی مملکت است و برای استقلال سیاسی و اقتصادی مملکت حیاتی دارد جزو دستور نمی شود بنده هم بیش از این نمی توانم این جا باشم و مرخص می شوم

صدرزاده - جناب آقای دکتر مصدق تشریف داشته باشید

نایب رئیس - آقایانی که با صحبت نمودن آقای دکتر مصدق موافقت قیام فرمایند

نمایندگان - همه موافقم بفرمایند

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق بفرمایید

دکتر مصدق - در اوایل دوره ۶۰ تقنینیه که مرحوم مستوفی الممالک زمامدار شده و برای رفع اختلاف شرکت با دولت کمیسویی در مجلس انتخاب و افتخار عضویت آن نصیب من گردیده بود پس از مذاکرات و تبادل افکار، عقیده مند شدم تا شرکت نفت در ایران هست ملت ایران نخواهد توانست از استقلال سیاسی و

اقتصادی خود بهره‌مند شود و آرزو می‌کردم روزی فرا رسد که ملت ایران بتواند این زنجیر بدبختی و این حلقه اسارت و عبودیت را پاره کند. در اواسط سال ۱۳۲۳ وقتی که آقای کافتارادزه برای تحصیل امتیاز نفت شمال به ایران آمد موقع بدست من رسید، که از مضار و معایب آن ورق پاره در مجلس حرف بزنم و معایب مضار گفته شده را علت طرح پیشنهادی خود راجع به تحریم امتیاز نفت قرار دهم.

نظر من در تمام دوره پیروی از سیاست موازنه آن هم منفی بود نه مثبت. در صورتی که نظر نمایندگان حزب توده در مجلس این بود که موازنه وقتی برقرار می‌شود که همسایه شمالی هم در شمال از حقوق و مزایای شرکت نفت یعنی دولت انگلیس در جنوب بهره‌مند شود.

حال آنکه معقول نیست پیکر بی دو دست به تواند مقدرات خود را اداره کند و هر کس که خواهان تعالی و ترقی و مقید به حفظ استقلال ایران است باید سعی کند که دست بریده هر چه زودتر بجای خود گذارده شود، تا ملت ایران بتواند در مقابل دول بزرگ از حقوق حقه خود دفاع کند.

روی عقیده من، آقای رحیمیان پیشنهادی در جلسه علنی مجلس به من داد که آنرا امضاء کنم ولی استنکاف نمودم و امروز می‌توانم به عرض جامعه برسانم که علت این استنکاف چه بود.

پیشنهاد ایشان امتیاز شرکت نفت را الغاء می‌کرد چنانچه قرار داد داری هم ماخذ عملیات شرکت نفت قرار می‌گرفت چون حق الغای امتیاز برای دولت در آن شناخته نشده بود الغای امتیاز سبب می‌شد که بر طبق یکی از مواد همان قرار داد اختلاف بین شرکت و دولت منجر به حکمیت شود.

و معایب حکمیت هم بر آقایان پوشیده نیست و چون تا آن وقت سیاست اعمال صاحب امتیاز و مضار معامله او تمام گفته نشده و ملت ایران از اوضاع رقت بار خود اطلاع کافی نداشت و سیاست بین المللی وقت هم اجازه نمی‌داد که در آن ایام از ملی شدن صنعت نفت در مجلس کمترین اظهاری بشود و هیچیک از نمایندگان هم غیر از من پیشنهاد آقای رحیمیان را امضاء نمی‌کرد - چون که اکثریت مجلس هواخواه سیاست انگلیس و نمایندگان حزب توده هم می‌خواستند دولت شوروی همان امتیاز و مزایا را در شمال تحصیل کند و موازنه سیاسی به این طریق برقرار شود- بنابراین مجوزی نداشت که من آن را امضاء کنم و از کارهایی که بعداً در آن مجلس به نفع ایران صورت گرفت از قبیل الغای قرارداد دکتر میلیسپو که اختیارات او مخالف قانون اساسی بود و رد پیشنهاد کمیسیون سه جانبه موفقیت‌های دیگری که نصیب آن مجلس شد، محروم شوم.

مجلس پانزدهم افتتاح شد و قرار داد شرکت مختلط ایران و شوروی که بر اساس ۵۱ و ۴۹ درصد تنظیم شده بود در جلسه علنی رد شد و سیاست موازنه اقتضا می‌کرد که دولت مأموریت داده شود که استیفای حقوق ملت ایران را از صاحب امتیاز نفت جنوب بکند و موقع بدست آمد که عده‌ای از نمایندگان اقلیت آن مجلس منجمه آقایان اسکندری و مهندس رضوی و رحیمیان و حائری‌زاده و دکتر بقائی و بعضی دیگر از نمایندگان اکثریت من جمله آقایان امیرتیمور کلالی و مسعود ثابتی توضیحات بیشتری در اطراف آن ورق پاره بدهند و در آخر دوره

که قرارداد ساعد و گس از نظر استیفای حقوق ملت ایران تنظیم شده و در حقیقت حقوق ملت ایران استیفا نشده بود مطرح شود و آقای حسین مکی عضو کنونی جبهه ملی و همکار عزیز من از اطلاعات مهندسین وطن پرست مملکت منجمله آقای مهندس حسینی استفاده نموده و با توضیحات بیشتری جلسه ما قبل آخر مجلس به واسطه احساسات شورانگیز آقای دکتر معظمی متشنج شود و آقای مکی آنقدر ایستادگی کنند تا دوره ۱۵ منقضی شده و قرارداد تصویب نشود.

چیزی نمانده بود که انتخابات دوره ۱۶ تقنینیه در تهران شروع شود که جبهه ملی از نمایندگان اقلیت دوره پانزدهم و این جانب یعنی دشمنان معروف سرسخت امتیاز نفت و عده دیگر تشکیل گردید.

مردم تهران به منظور رفاندوم ملت به کار نفت ۷ نفر از نمایندگان جبهه ملی را که غیر از من هیچ کدام سابقه وکالت تهران نداشتند با آراء زیاد برای استیفای حق ملت ایران انتخاب و روانه مجلس نمود و نتیجه این شد که قرارداد ساعد و گس در جلسه علنی مردود شناخته شده و به یک کمیسیون ۱۸ نفری موسوم به کمیسیون مخصوص نفت اختیار داده شود رویه‌ای اتخاذ کند که استیفای حقوق ملت ایران کاملاً بشود.

کمیسیون نفت به اتفاق آراء موفق شد که آن دست جدا شده را به پیکر نحیف و ضعیف ایران وصل یعنی ملی شدن صنعت نفت را در تمام کشور اعلام نموده که در این جلسه مطرح است.

اکنون لازم می‌دانم که از مساعدت آقای جمال امامی که در راه ملی شدن صنعت نفت، در آخرین ساعت مساعی بسیار بکار برده‌اند و همچنین به آقایان بهبهانی- کاظم شیبانی- اسلامی - فرامرزی و کشاورز صدر که بعد از نمایندگان جبهه ملی به ترتیب مذکور پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را امضاء کرده‌اند و نیز از تمام آقایان نمایندگان اکثریت مجلس و عضو کمیسیون که موافقت با ملی شدن صنعت نفت را از وظایف اولیه خود نسبت به ملت ایران دانسته‌اند تشکرات بی پایان خود را تقدیم نموده و از همگی سپاسگذاری کنم.

به شما ای نمایندگان مجلس شانزدهم، به شما ای آقایان نمایندگانی که در وطن پرستی شما نمی‌توان تردید نمود، عرض می‌کنم گزارش کمیسیون را بدون فوت وقت که ممکن است از کیسه ملت ایران برود و دیگر شما موقعی بدست نیاورید که به این خدمت بزرگ ملی مفتخر و موفق شوید، تصویب کنید تا این بدن ضعیف و نحیف آن دست مقطوع خود را به بدن وصل کند و با دو دست در راه استقلال اقتصادی و سیاسی خود مبارزه نموده و رفع این بیچارگی و بدبختی که بواسطه سوء سیاست همسایه جنوبی نصیب ملت ایران شده است بکند.

ملت ایران خطراتی در پشت سر دارد که اگر دست بریده بدن متصل گردید می‌تواند با دو دست از آن خطرات جلوگیری کند.

بنده بیش از این نمی‌خواهم عرض کنم. فقط خاطر آقایان نمایندگان محترم را به این موضوع متوجه می‌کنم که شما برای جلوگیری از عدم رضایت ملت ایران که سرتاسر مملکت را گرفته است چه فکر کرده‌اید؟ اگر فکری نکرده‌اید، یقین داشته باشید که مملکت را دچار خطر می‌کنید و اگر فکر کرده‌اید بگویید که آن را به چه ترتیب عملی می‌کنید. بنظر نمایندگان جبهه ملی هیچ فکری و هیچ راهی

برای حفظ استقرار مملکت و عدم مداخله دُول بزرگ غیر از ملی شدن صنعت نفت نیست، صنعت نفت باید ملی شود و این وجوهی که از کیسه این ملت بیچاره بدون لباس، بدون غذا به جیب خارجی می‌رود و ممکن است که موجب یک خطرات بزرگی شود صرف خود ملت بشود.

آنهائی که می‌گویند این قرارداد باطل و ساختگی را معتبر بشمارند، اگر برای امنیت این مملکت و جلوگیری از خطرات راهی دارند، بگویند. و چنانچه نگویند و بخواهند عایدات نفت جنوب را که حق ملت بیچاره و بدبخت ایران است و باید برای جلوگیری از عدم رضایت صرف کارهای تولیدی بشود و مردم بکار اشتغال ورزند و بتوانند اشاعه کنند باز غارت و چپاول نمایند باید بدانند که از خطر نمی‌توان جلوگیری کرد.

شنیدم نظر شرکت نفت این است که در بعضی نمایندگان، اگر بتوانند، اعمال نفوذ کنند که در مجلس شورای ملی حاضر نشوند که این دو سه روز آخر سال مقتضی بشود و تا ۱۷ فروردین هم خدا بزرگ است که چه چیزها پیش بیاید. و من یقین دارم که نمایندگان همگی آنقدر وطن پرست هستند که زیر بار هیچ نفوذی نروند (صحیح است).

ای نمایندگان محترم و ای کسانی که دلسوز مملکتید، در جلسه آتیه مجلس حاضر شوید و این رای کمیسیون را، باتفاق آراء، تصویب کنید تا کمیسیون بتواند هر چه زودتر راه حلی برای ملی شدن صنعت نفت به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند. شما نمایندگان ملت تصمیمی اتخاذ کنید که مملکت را از خطر دخالت بیگانگان حفظ نمایید. (احسنت - احسنت)

مکی - در جلسه آینده، هر کس نیاید اسمش را در روزنامه‌ها اعلام می‌کنیم.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۲۸

پنجشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹

«۴ - طرح و تصویب گزارش کمیسیون نفت راجع به تأیید تصمیم آن کمیسیون»
رئیس - پیشنهادی رسده است قرائت می‌شود
بشرح زیر قرائت شد:

ریاست محترم مجلس شورای ملی
امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می‌نمائیم گزارش کمیسیون مخصوص نفت مقدم بر سایر لوایح در دستور قرار گیرد.

دکتر بقائی - آزاد - اللهیار صالح - حائری زاده - دکتر مصدق - خسرو قشقائی (پناهی - همه این پیشنهاد را امضاء می‌کنند) حسین مکی - کشاورز صدر - ناصر ذوالفقاری - برومند - دکتر شایگان - بهبهانی و چند امضاء دیگر که قابل خواندن نیست (نریمان - نریمان) نریمان.

رئیس - رأی گرفته می‌شود به این گزارش که مقدم باشد بر دستور پیش آقایانی که موافقت قیام کنند (اکثر بر خاستند) تصویب شد. گزارش قرائت می‌شود بعد طبق موافق و مخالف صحبت می‌کنند.

گزارش کمیسیون نفت بشرح زیر قرائت شد)

گزارش از کمیسیون مخصوص نفت به مجلس شورای ملی

مجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون مخصوص نفت که طبق تصمیم قانونی در جلسه پنجشنبه ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۲۹ از طرف مجلس شورای ملی اتخاذ شده است و منبأ یاد آوری به عرض مجلس شورای ملی می‌رساند:

تصمیم قانونی

«مجلس شورای ملی با تأیید و تصویب گزارش کمیسیون نفت دائر بر اینکه لایحه ساعد - گس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست بمنظور اجرای قانون مهرماه ۱۳۲۶ به آن کمیسیون مأموریت می‌دهد که با توجه به پیشنهادات آقایان نمایندگان در ظرف دو ماه گزارشی مبنی بر تعیین وظیفه و رویه دولت تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.»

از تاریخ نهم بهمن ماه ۱۳۲۹ الی تاریخ ۵ شنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۲۹ دوازده جلسه تشکیل داده و غالب جلسات طولانی و در جلسه چند ساعت مشغول مطالعه جوانب و اطراف موضوع بوده و از لحاظ سیاسی و اقتصادی و قضائی و غیره مذاقه کامل بعمل آورده که عیناً چگونگی مذاکرات در صورت جلسات کمیسیون منعکس است. بالاخره در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون باتفاق آراء تصمیم ذیل را اتخاذ و اینکه گزارش آن تقدیم مجلس شورای ملی می‌گردد.

مجلس شورای ملی

«نظر به اینکه ضمن پیشنهادات به کمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجائی که وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید می‌نماید.

دکتر مصدق - جمال امامی - دکتر شایگان - صالح بهبهانی - حائری‌زاده - گنجه‌ای - حسین مکی - سر تیپ‌زاده - پالیزی - دکتر علوی - قشقائی - ناصر ذوالفقاری - دکتر کاسمی - دکتر هدایتی - فقیه‌زاده - عامری - فرامرزی.»

بنابراین ماده واحده ذیل را با قید دو فوریت برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی می‌نماید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصمیم مورخ ۱۷/۱۲/۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت را تأیید و با تمدید مدت موافقت می‌نماید.
مخبر کمیسیون مخصوص نفت - حسین مکی

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - در یک چنین موقعی که مجلس شورای ملی می‌خواهد یک تصمیمی که حقیقتاً جنبه حیاتی برای مملکت دارد بگیرد، هر قدر ما کمتر حرف بزنیم و هر قدر زودتر این تصمیم اتخاذ بشود در صلاح ملت و مملکت است

(اردلان - این طور نیست) به این جهت بنده فقط می‌خواهم عرض کنم که من از تمام آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی در این باب تشکر کرده‌ام و من قابل نیستم که تشکر کنم این تشکر را ملت ایران باید از شما بکند شما نمایندگان ملت هستید، شما به وظیفه خود عمل می‌کنید و احتیاجی به تشکر ندارید (صحیح است) و تمام اعضای کمیسیون و آقای قشقائی آقای ذوالفقاری که اسمی از آقایان در جلسه قبل نبردم با پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت موافق بودند که در صورت جلسات کمیسیون نفت این مسئله مندرج است. اکنون می‌خواهم راجع به خبری که از لندن منتشر شده است چند کلمه‌ای به عرض آقایان محترم پس از قرائت این خبر برسانم.

امروز در مجلس لردها، لرد ونسی تار از دولت پرسید که آیا اقدامات لازم برای حفظ منافع انگلیس در ایران بعمل آمده‌است یا خیر؟ هندرسن معاون پارلمانی از جانب دولت گفت که دولت هم قانوناً حق دارد و هم موظف است منافع قانونی بازرگانی خود را در ماوراء بحار حفظ نماید، من چنین استنباط کرده‌ام که آقای لرد ونسی تار از این سؤال شرکت نفت را به خصوص در نظر گرفته است.

از طرف دولت ایران هیچ تقاضائی جدیداً درباره این شرکت از دولت بریتانیا نشده‌است شرکت حاضر است برای قرارداد الحاقی جدیدی با دولت ایران وارد مذاکره شود که بر پایه تساوی منافع شرکت و ایران باشد، اخیراً شرکت نفت قبل از واقعه ناگوار قتل سپهبد رزم‌آرا همین مذاکرات را با دولت ایران نموده بود، مدت قانونی شرکت نفت تا سال ۱۹۳۳ است و به دولت ایران خاطر نشان شده‌است که به موجب شرایط پیمان سال ۱۹۳۳ دولت ایران نمی‌تواند یک جانبه به عملیات بهره برداری شرکت نفت خاتمه دهد، به سفیر کبیر انگلیس در تهران دستور داده شده که در این باب یادداشتی به دولت ایران تسلیم نماید. این بود جواب هندرسن به لرد ونسی تار سپس لرد نامبرده از نماینده دولت سؤال کرد که:

آیا به اعلامیه آیت الله کاشانی توجه شده‌است که او نه فقط قتل رزم‌آرا را به دیده تصویب نگریسته حتی تحریک نموده که مردم برای بیرون راندن شرکت نفت از ایران به قوه قهریه و بلکه به گشت و کشتار و تخریب متوسل شوند؟ هندرسن جواب داد، دولت بریتانیا هیچگاه حاضر نیست به حرفهای این فرد ایرانی ترتیب اثر بدهد زیرا او مسئولیتی ندارد و خود اعتراف کرده که در جنگ گذشته، یکی از عمال نازی‌ها در ایران بوده و حتی در واقعه سوء قصدی که بر علیه پادشاه خودش روی داده توقیف و بعداً تبعید گردید.

قبلاً می‌خواهم عرض کنم که جناب آقای هندرسن معاون وزارت خارجه انگلیس چه سمتی دارد که در این باب مذاکراتی در مجلس لردها کرده‌اند؟ زیرا فرض کنید که دولت انگلیس یکی از صاحبان سهام شرکت نفت باشد، در این مورد دولت انگلستان مثل سایر صاحبان سهم است، هیچ امتیازی بر سایر صاحبان سهام ندارد و دولت انگلیس باید تحت نظریات شرکت نفت باشد و اگر شرکت نفت حرفی دارد خود شرکت با دولت ایران بزند، به هیچوجه دولت ایران امتیازی به دولت انگلیس نداده که دولت انگلیس خودش را در این وارد مرحله

بکند، من و تمام نمایندگان این مجلس شورای ملی هیچ سمتی برای هندرسن، که چنین حرفی در مجلس لردها زده است نمی‌توانیم قبول کنیم (نمایندگان - صحیح است) قرارداد ۱۹۳۳ که من آن را قرارداد ساختگی می‌دانم (صحیح است) به زور ایجاد شد و حالا می‌خواهند بروز هم اجراء کنند، ملت ایران هیچ وقت حاضر نیست که زیر بار این حرف‌ها برود خصوصاً با وضعیاتی که امروز در مصالح عمومی هست، اطاعت کند و زیر بار این زور برود (صحیح است) قسمت دیگر عرض من این است که هندرسن به یک مقام روحانی این مملکت که نماینده این مجلس هم هست (صحیح است) و مصونیت هم دارد (صحیح است) و از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شده است توهین کرده است، هیچ دولتی و هیچ ملتی نمی‌بایست به مقدسات یک مملکتی، برای منافع خودشان برای اینکه بتوانند تا سال ۱۹۹۳ منافع ایران را، عایدات نفت جنوب را، غارت بکنند چنین اهانتی بکنند (صحیح است) هرگز و به هیچوجه ملت ایران راضی نخواهد شد که یک دولتی که به ما اظهار دوستی می‌کند وضع بین المللی اقتضا می‌کند که ما با این دولت همیشه دوست باشیم معاون وزارت خارجه اش در مجلس لردها چنین مذاکراتی بکند (صحیح است)

رئیس - دیگر پیشنهادی نیست، باید رأی گرفته شود به ماده واحده و اصلاحاتی که مورد تصویب مجلس قرار گرفته، قبل از اینکه اعلام رأی کنم، آقای فرامرزی شرحی نوشته اند که دو روز است مریض هستند و عقیده شان همان است که در کمیسیون داده اند. رأی گرفته می شود به گزارش کمیسیون با اصلاحاتی که شده است، آقایان موافقین قیام فرمایند. (عموم نمایندگان به اتفاق آراء قیام نمودند) تصویب شد. (کف زدن ممتد مخبرین جرائد و تماشاچیان و چند نفر نمایندگان)

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۳۰

۵ شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۳۰

«۴- بیانات آقای دکتر مصدق»

رئیس- آقای دکتر مصدق بفرمائید.
دکتر مصدق - قبلاً لازم است که از جناب آقای علاء نخست وزیر و دوست سی ساله خود برای اینکه بعد از الغای حکومت نظامی به مجلس آمده‌اند، تشکر کنم. چون با سوابقی که در باره اخلاق ایشان دارم، راضی نمی‌شدم به مجلس بیایند و در همان وهله اول مورد اعتراض نمایندگان جبهه ملی واقع شوند.
نظر ما این است که کشورمان تا سر حد امکان از اصول دموکراسی استفاده کند و کاری نکند که به مقررات این رژیم سکنه وارد شده و مملکت تا ابد با حکومت زور و قلدری اداره شود.

در کدام یک از ممالک دموکرات برای وقوع قتل از حکومت نظامی استفاده می‌کنند؟ مگر نبود که چند روز قبل سوء قصد کنندگان به جان رئیس جمهور، در آمریکا، بر طبق قوانین عادی محاکمه و محکوم شدند؟

اگر برای هر کاری باید حکومت نظامی اعلان کنند و اگر همیشه مملکت ما تحت چنین رژیم اداری اداره شود چه احتیاجی به دادگستری به این عرض و طول داریم و چه وقت ملت ایران توانست به مدارج عالی و ترقی برسد؟ با این وضع کافی است که شخص قلدری در رأس حکومت واقع شود و از هر کسی که نفسی در آمد او را دستگیر و در زندان شهربان و دژبانی محبوس کنند.

نظر مجلس شورای ملی از تعیین مدت هفت روز برای پیشنهاد به مجلس اینست که اگر یک دولت آزادی خواه به عادت صحیحی برقراری حکومت نظامی را احساس نمود و دلایل خود را ذکر کند و اگر در مدت مزبور از آن استفاده فوری نمود قبل از تمام شدن آن مدت آنرا ملغی کند.

از اینکه نظریات جبهه ملی راجع به لغو حکومت نظامی مورد توجه رئیس و اعضای این دولت واقع شد، سپاسگزارم و امیدوارم که دولت با شیوه مرضیه‌ای که پیش گرفته‌است بتواند آمال آزادیخواهان و وطن‌پرستان را عملی نموده و هیچ وقت رضا ندهد که بر خلاف انصاف و عدالت مردم بیگناه در دادگاه نظامی حسب الامری محکوم شوند.

بعضی چنین شهرت داده‌اند که جبهه ملی در تشکیل این دولت دخالت داشته اینست در این جلسه که نمایندگان محترم و عده‌ای از هموطنان حاضرند در حضور رئیس و اعضاء دولت این مطالب را قویاً تکذیب می‌کنم. دخالت جبهه ملی در این دولت فقط جنبه منفی داشته است و بس. و مقصود این بوده که از وزرای سابق کسی وارد این دولت نشود تا وزرای بعد بدانند که برای خدمت به مملکت لازم است احراز شخصیت کنند.

اگر وزرای دولت قبل با قرارداد الحاقی ساعد و مخالف بودند، می‌بایست وقتی که رئیس آن دولت در سنا و کمیسیون نفت صریحاً دفاع آن قرارداد را به عهده گرفت، استعفا دهند. زیرا مسئولیت مشترکه اجازه نمی‌داد که با رئیس دولتی همکاری کنند که موافقت خود را با قراردادی که از طرف ملت ایران مردود شده اعلام کرده بود.

بیش از این در این باب چیزی عرض نمی‌کنم و چون در این قبیل مواقع که افق سیاست روشن نیست اشخاصی که وارد در امور حساس اند گاه به مرض سکنه و گاه به مرض فُجاه مبتلا می‌شوند این است که وصیتنامه خود را، در بهترین محلی که بایگانی مجلس است، ودیعه می‌گذارم و آنرا تقدیم مقام ریاست می‌کنم.

آقایان نمایندگان محترم! مملکت ایران باید به طریق دموکراسی و بر طبق اصول مشروطیت اداره شود. دیکتاتوری مملکت ما را بروز سیاه نشانده و آنرا هیچوقت ملت ایران طالب نبوده و نیست. دیکتاتوری همیشه بدست بیگانگان و به نفع آن‌ها ایجاد شده و ملت از آن بهره‌ای جز حبس و زجر و ذلت و بدبختی نبرده و نخواهد برد.

طبیعی است هر کس به مصائبی که سر او آمده واقف است:

حبس و حتی مرگ من برای خود من اهمیتی نداشته و ندارد. ولی شاید تاکنون کسی مطلع نباشد که در اثر حبس من و فشار دولت دیکتاتوری، دختر بیچاره ام مشاعر خود را از دست داد و اکنون در یکی از بیمارستان های سویس بسر می برد (با حالت تأثر) (آشتیانی زاده - آنهایی که نچشیده اند نمی فهمند چیست) همین فرزند دلبندم، زمانی که در زندان بسر می بردم سعی می کرد خود را زیر اتومبیل دیکتاتور بیندازد و جان خود را از مشقت و رنج و مذلت و بدبختی که برای او فراهم شده بود، خلاص کند.

از خداوند خواهانم که دیگر ملت ایران گرفتار چنین روزهایی نشده و اولاد شما و فرزندان وطن به این دردها مبتلا نشوند (نمایندگان - انشاءالله) در این مبارزه، من تنها نیستم و عده دیگری هم از همکارانم افتخار می کنند که در راه تعالی و ترقی وطن خود شهید شوند. و آنوقت است که تمام ملت حاضر می شود شربت شهادت را نوش جان کند.

اکنون لازم است من از مجلس که باتفاق آراء به ملی شدن صنعت نفت رای داده است، تشکر کنم شما آقایان کاری کرده اید که هیچیک از ادوار تقنینیه این مملکت، نکرده است. شما ثابت کرده اید که هر وقت منافع ایران در خطر است همه یکدل و یکزبان، موافق و مخالف، دوست و دشمن، متفق و حتی حاضر می شوید که جان خود را در راه سعادت ایران فدا کنید.

شما ثابت کرده اید که ایرانی هیچوقت وطن خود را تسلیم خارجی نخواهد نمود. و نیز مدلل نموده اید که هر وقت حادثه حیاتی روی دهد، همه متفق القول و متفق الکلمه از منافع ایران و استقلال وطن عزیز دفاع می کنید (صحیح است).

اکنون لازم است که بدانید که سیاست خارجی نسبت به شما، خوش بین نیست. چون که آن ها می خواهند مجلسی باشد که از مسائل حیاتی آنها دفاع کند. و بواسطه احساساتی که در کار نفت بخرج داده اید در انتخابات دوره بعد، با شما مخالفت می کنند. و اگر بتوانند، نخواهند گذاشت که معتقدین به شما آراء خود را به شما بدهند همچنان که در دوره هفتم تقنینیه نمایندگان اقلیت در خود شهر تهران انتخاب نشدند و در دوره پانزدهم که دولت قوام متصدی کار انتخابات مملکت بود نمایندگان تهران آنهايي شدند که بعد از ۱۲ نفر اولی نوشته شده بودند. و بیگانگان سعی خواهند نمود که نمایندگان فعلی در انتخابات دوره ۱۷ انتخاب نشوند. و بجای آن ها اشخاصی وارد مجلس بشوند که صدی صد مجری افکار خارجی باشند و روی همین نظر بود که در کابینه قبل بعضی اشخاص وارد شدند که معروف جامعه نبودند زیرا اشخاصی که معروف جامعه و صاحب شخصیت باشند، هیچوقت حاضر نمی شوند سرمایه ای که در یک عمر تحصیل کرده اند، در یک روز فدا کنند.

در اینصورت لازم است که توجه ملت ایران را برای رأیی که داده اید از خود سلب نکنید و برای همیشه آنرا ذخیره نمایند که این سرمایه برای شما و اولاد شما، از هر مال و ضیاع و عقاری بزرگتر و بالاتر است.

آقایان محترم و همکاران عزیز بیائید تا آخر دوره از خط مشی اخیر خود منحرف نشوید و کاری نکنیم که اصول دموکراسی در این مملکت عملی شود و ایران عزیز بتواند در سایه این رژیم به اوج ترقی و تعالی برسد و با هر گونه

دخالتی از طرف بیگانگان و باز تکرار می‌کنم با هر گونه دخالتی از طرف بیگانگان چه راست و چه چپ باید مبارزه کنید و وطن عزیز را از دستبرد حوادث بعون الله و رسوله محفوظ بدارید.

ما نمایندگان تهران وکالت این مردم را به ارث نبرده‌ایم و به هر کجا که رسیده‌ایم بواسطه خدمتی است که به ملت کرده‌ایم و هر کس بالقوه قابل خدمت است و امیدوارم که در بحران کنونی دنیا از خدمت به ملت صرفنظر نکنید چونکه ملت اگر توانا شد قادر است که تمام افراد را در پناه خود حراست کند.

آقایان محترم! شما بیانیید به کعبه ملت رو کنید تا بطور قطع دو ثلث از شما را روانه خانه خود کند اگر شما عرایض من را قبول و اجرا کنید مطمئن باشید که ملت با انتخاب کسانی موافقت خواهد نمود که صمیمیت خود را در این دوره نسبت به او ثابت کند (صحیح است) اینجا بنده می‌خواستم به جناب آقای نخست وزیر یک تذکری بدهم و آن این است که با سوابقی که جناب ایشان در وزارت خارجه دارند باید به این نکته توجه کنند آقایانی که از این ملت ضعیف حقوق گزاف می‌گیرند و یک بودجه زیادی به آن‌ها داد می‌شود این‌ها وظیفه دارند که در ممالک خارجه از مصالح ملت و از پیش آمدهای روز دفاع کنند (صحیح است) ما هیچوقت نمی‌شنویم که یکی از مأمورین ما در خارجه برخیزند و از مصالح مملکت حرفی بزنند صحبتی بکنند در حقیقت آن‌ها مثل این است که هیچوقت نباید راجع به مملکت حرفی بزنند و صدایشان در مصالح مملکت به هیچوجه در نیاید (حائری‌زاده - مرده‌اند) و مخصوصاً توجه جناب آقای نخست‌وزیر را به این مسئله جلب می‌کنم که آنچه لازم است در این باب توجه بفرمایند که در این وضع حساس در این موقعی که مجلس شورای ملی صنعت نفت را ملی کرده‌است و یک جرایدی در اروپا با پول کمپانی نفت، یک تبلیغات ناروا و یک تبلیغاتی که واقعاً بر خلاف مصالح ملت ایران است می‌کنند، باید از طرف تمام نمایندگان ایران تکذیب بشود. امیدوارم که انشاءالله فراموش نمی‌فرمائید و در این باب آنچه که لازمه جدیت است می‌فرمائید.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۳۲

سه شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۰

«۴- بیانات آقای دکتر مصدق به عنوان ماده ۹۰ آئین‌نامه»

رئیس- در جلسه قبل اینجا بیاناتی شد که آقای دکتر مصدق طبق ماده ۹۰ خواستند اظهاراتی بکنند.

حالا توضیحی دارید بفرمائید.

دکتر مصدق- قبل از اینکه شروع به عرایض بکنم، یک تذکری به آقایان نمایندگان محترم و همکاران عزیزم می‌خواهم بدهم و آن این است که مجلس

شورای ملی البته تصویب نمود که در ظرف پانزده روز آقایان نمایندگان پیشنهادات خود را به کمیسیون مخصوص نفت بدهند (عده ای از نمایندگان - صحیح است) ولی چون به کمترین حساب، روزی صد هزار لیتر ضرر دولت ایران از تأخیر تصمیم کمیسیون است، استدعا می‌کنم که آقایان در صلاح مملکت و در صلاح ملت، پیشنهادات خود را تا روز یکشنبه بدهند که روز دوشنبه پیشنهادات مطرح و مذاکره شده و نظریات کمیسیون نفت هر چه زودتر به مجلس شورای ملی تقدیم شود (نمایندگان - صحیح است) و دولت و ملت از این مدتی که مجلس شورای ملی معین کرده است خیلی متضرر نشود. (نمایندگان - صحیح است)

و بعد راجع به عرایض که به موجب ماده ۹۰ از مقام ریاست اجازه بعضی عرایض را درخواست کرده ام، لازم است عرض کنم که عرایض بنده از مدت آئین نامه البته قدری تجاوز خواهد کرد. اگر اجازه می‌فرمائید عرض کنم و اگر اجازه نمی‌فرمائید ...

نمایندگان- کسی مخالف نیست بفرمائید.
رئیس- اگر مخالفی نیست، بفرمائید. اگر مخالفی هست رأی می‌گیریم.
فرامرزی- به شرط اینکه فرقی گذاشته نشود. برای هر کس باشد فرقی نکند.
رئیس - آقای فرامرزی اگر شما مخالفید، بفرمائید رأی گرفته شود.
فرامرزی- بنده مخالف نیستم منظورم این است که فرقی گذاشته نشود.
رئیس- فرقی گذاشته نشده اگر مخالفی باشد، رأی گرفته می‌شود.

دکتر مصدق- خیلی متشکرم که به خودتان زحمت رأی دادن ندادید و بنده شروع می‌کنم. بیاناتی که در جلسه قبل مجلس شد، قسمتی از آن حقایقی بود که هیچکس نمی‌تواند آن‌ها را انکار کند. و در قسمتی که راجع به دخالت جناب آقای علاء اظهار شده، توضیح می‌دهم که در مقدمات کار قرارداد ۱۹۳۳ ایشان دخالت نموده اند. ولی من یقین دارم اگر ایشان نتوانستند از حقوق ملت ایران دفاع کنند، علت این بوده که نمی‌دانستند ملت از عدم اجرای قرارداد داری، همان قراردادی که همیشه با آن مخالف بوده چقدر متضرر شده است.

کسانی که انتظار دارند هر کسی بدون مطالعه، نظریات دقیقی اظهار کند، بر خلاف عقل و منطق است. و کار استخراج معادن نفت جنوب، کاری است که هیچکس صلاحیت این را ندارد که بدون مطالعه دقیقه و اطلاعات کافی، بتواند کوچکترین اظهاری بکند.

البته می‌توان به آقای علاء این ایران را نمود: چرا حاضر شدند بدون مطالعات کافی، مأموریت دولت را قبول کنند. ولی همه می‌دانند که هر کس در دوره دیکتاتوری متصدی کاری بود، نمی‌توانست از امر دولت تخلف کند.

چنانچه ایراد به ایشان وارد باشد که چرا دفاع از الغای قرارداد را به عهده گرفته اند، گناه آقای تقی زاده مافوق حد تصور است. چونکه ایشان از حقایق کاملاً مطلع بودند ولی به وظیفه خود عمل نکردند.

بعد از الغای امتیاز، دولت انگلیس یادداشتی به دولت ایران نوشت و متذکر شد اگر در ظرف یک هفته مراسم خود را در خصوص الغا استرداد نکند، موضوع در دیوان دآوری بین المللی لاهه مطرح می‌شود. ولی چون به استناد ماده ۳۶

اساسنامه، صلاحیت آن دیوان شامل اختلافاتی بود که طرفین به آن رجوع کنند و دولت ایران که مراجعه نکرده بود، دیوان داوری نمی توانست در حل اختلاف وارد شود و تصمیمی اتخاذ کند.

لذا دولت انگلیس به استناد ماده ۱۵ اساسنامه جامعه ملل که هر وقت اختلافی بین اعضای جامعه روی دهد و به حدی برسد که منجر به قطع روابط شود، شورای جامعه باید دخالت کند، به جامعه ملل مراجعه کرد. ولی آقای تقی زاده، وزیر مالیه که مسئولیت کار را مستقیماً و قانوناً به عهده داشت و از امور بین المللی هم کاملاً مطلع بود، به واسطه سازش با کمپانی نفت، مخالفت نمود و اعتراض نکرد که جامعه ملل در اختلافی که یک طرف آن شرکت نفت باشد نمی تواند دخالت کند.

سلطان وقت هم، به هر جهتی از جهات، با نظریات دولت انگلیس موافقت نمود و مرحوم داور و جناب آقای حسین علاء را که سابقه ای از نقشه کار نداشت، برای دفاع از الغای قرارداد، مأمور جامعه ملل کرد. آقای بنش نماینده چکسلواکی در جامعه ملل که می خواهم او را دلال معامله معرفی کنم، چهار ماده تنظیم نمود که ماده اول آن این بود: «طرفین موافقت نمودند که موضوع را تا جلسه ماه مه ۱۹۳۳ در شورا مسکوت بگذارند و در صورت لزوم، در تمدید موافقت نمایند.» و به این ترتیب، مقدمات کار تمدید را فراهم کرد.

و اینکه جناب آقای تقی زاده در نطقی که در مجلس ۱۵ ایراد کرده و گفته اند: «من شخصاً راضی به تمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند. و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده، تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد. او خود هم راضی به تمدید مدت نبود و در بنو اظهار این مطلب از طرف حضرات، روبروی آن ها به تحاشی و وحشت گفت: عجب این کار که به هیچوجه شدنی نیست. می خواهید که ما سی سال بر گذشتگان برای اینکار لعنت کردیم پنجاه سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم؟ ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد.»

خلاف محض است. چون هم در جامعه ملل قرار شده بود امتیاز شرکت نفت تمدید شود و هم چند سال قبل از تمدید، بر طبق مکاتباتی که با مرحوم تیمورتاش نموده اند، از نظر کمپانی راجع به تمدید مدت مطلع بوده اند. که برای استحضار ملت ایران آن مکاتبات عیناً قرائت می شود:

«۱۹ آذر ماه ۱۳۰۸»

«دوست محترم و معظم

پس از تقدیم سلام خالصانه و تجدید مراتب ارادت صمیمی آنکه قدری تردید داشتم در اینکه مطلبی را که در ذیل می خواهم عرض کنم، بطور رسمی یعنی به وزارت جلیله دربار پهلوی عرض کنم یا بطور خصوصی و غیر رسمی به خود حضرت عالی. ولی پس از تأمل به جهاتی مصمم شدم که شق دوم را اختیار کنم. مخصوصاً در باب مذاکرات راجع به امتیاز نفت و تمدید آن و شرایط آن و حساب های نفت و دلایل طرفین و منظور هر کدام از آن ها، یک کلمه هم اطلاع به

دست مخلص نرسید جز آنچه بطور تصادف از کسی حرفی شنیده می شد یا از تلگرافاتی که آقای میرزا عیسی خان فیض مجبوراً برای رمز کردن به سفارت می فرستد و جواب آن با رمز می آید و از قرائن مندرجات آن ها چیزی بطور حدس و قیاس، استنباط می شد. حتی صورت پروژه قرارداد را که در نظر بوده برای تمدید امتیاز منعقد شود تا امروز ندیدم. و البته تصدیق خواهید فرمود که مقتضی هم نبوده که مخلص پیش آقای فیض رفته در باب چیزی که خود دولت در آن باب به اینجانب اطلاع نداده و به کسی که او را واسطه آن کار قرار داده اند هم حکم نفرموده اند مرا از سابقه امر و جریان کاملاً مستحضر بدارد.

ضمناً باید عرض کنم که ماکلین تک ارتباطی با گولبنگیان دارد. گویا آن ها او را به دولت ایران معرفی کرده اند. و در این اواخر گولبنگیان، یعنی پسر گولبنگیان پاریس که خود را اتاشه افتخاری مالی سفارت می داند، مکرر پیش اینجانب آمده و در تأیید منظورات کمپانی نفت «انگلیس و ایران» در مسئله تمدید امتیاز حرف زده. یک روز هم ماکلین تک را برای بیان دلایل خود در آن باب، پیش من آورد و ماکلین تک در پیشرفت منظور کمپانی، عایداتی بیشتر از عایدات حالیه دارد. و چنان بطور سادگی این مطلب را بیان می کرد، مثل آنکه کمپانی ها با همان امتیاز سابق و بدون هیچ تقاضای جدید، می خواهد به ما بیشتر منفعت بدهد و ما قبول نمی کنیم! و تناسب اضافه منافع را، با آنچه کمپانی از دولت ایران در عوض می خواهد منظور نمی داشت. در صورتی که حالا واضح شده که بواسطه مساعی مشترکه از طرف تمام علاقمندان در نفت که در موقوف داشتن رقابت در فروش نفت در تمام دنیا و تحدید محصول به عمل می آید، هر کس که منابع نفت را به مدت درازتری در دست داشته باشد و بتواند کمتر در بیاورد و گرانتر بفروشد، گوی سبقت را ربوده است. لهدا کمپانی نفت جنوب علاقمندی زیادی به تمدید مدت دارد. و قیمت موافقت ما در این باب، نسبت به منظور او، هم باید بالطبع تابع قانون طبیعی اقتصادی عرضه و تقاضا باشد و حق داریم به قیمت ارزانی از دست ندهیم. زیرا که ما هم می دانیم زمان ما برای ما کار می کند و هر چه اجل امتیاز نزدیکتر شود و قدرت و استحکام و قوام داخلی مملکت و دولت تزاید گیرد، منظور ما بهتر حاصل می شود.

زیاده عرضی ندارد جز تکرار مراتب ارادت صمیم.
حسن تقی زاده

(اسلامی- این ها بسیار مهم است. این ها را لطف بفرمائید در روزنامه ها منتشر کنند تا ملت ایران مطلع شود.)

و بنابراین آقای تقی زاده خوب می دانستند که از الغای قرارداد، مقصود این نبود که دست کمپانی نفت کوتاه شود بلکه این بود که قرارداد تمدید شود. و من تصور نمی کنم که حتی امروز هم جناب آقای علاء بطوری که لازم است، از کنه مطلب مستحضر باشند. بنابراین نسبت جرم خیانت به ایشان دور از انصاف است. (عهده ای از نمایندگان - صحیح است) چونکه این نسبت را به کسی می تواند داد که در ارتکاب جرم قاصد و به اصطلاح جزائون، دارای (انتانسیون کویابل - intention coupable) باشد و مرتکب جرم هم شده باشد. و تنها نقصی که

می توان برای ایشان شمرد، این است که به نظریات آقای تقی زاده اهمیت زیاد می دهند. (آشتیانی زاده- و هنوز هم می دهند.)

کما اینکه وقتی من در خصوص الغای حکومت نظامی با ایشان داخل مذاکره شدم، فرمودند که مثل تقی زاده کسی با آن موافقت نموده باشد، شما چطور عقیده دارید که حکومت نظامی بر خلاف مصالح مملکت است؟

و وقتی اظهارات من را نسبت به هویت آقای تقی زاده استماع نمودند، مبهوت شدند و حرفی نزدند. و امیدوارم که در ایشان مؤثر واقع شده باشد.

معروف است که مرحوم حاج میرزا جواد مجتهد تبریز، که با اینجانب قرابت داشت، نسبت به اخلاق مرحوم ولیعهد (مظفرالدین شاه بعد) اینطور گفته: اگر ولیعهد شمر را به پیشکاری خود انتخاب کند، از یزید بدتر است و اگر سلمان را به پیشکاری انتخاب نمود، در حکم پیغمبر است.

حال عرض می کنم که اگر جناب آقای علاء آقای تقی زاده را مشاور خود قرار دهند، قادر نخواهند بود کوچکترین خدمتی به این مملکت بدبخت بکنند ولی اگر با اشخاص خیرخواه و خدمتگزار مشورت کنند، نام نیک خود را در صفحات تاریخ ایران ثبت می کنند.

بی جهت نبود که در زمامداری رزم آرا، اینجانب به کمیسیون نفت پیشنهاد کردم برای تسویه حساب دولت با کمپانی، کمیسینی از نمایندگان مجلسین انتخاب شود. چونکه پیش بینی می کردم اگر دولتی روی کار بیاید که خدای ناکرده با آقای تقی زاده مشورت کند، سازش کمپانی با یک نفر رئیس دولت سهل و میسر است.

البته از این پیشنهاد تصور نخواهد کرد که من یک نظر شخصی داشته ام. چونکه در این جلسه عمومی که نمایندگان محترم و هموطنان عزیز حضور دارند، عرض می کنم اگر مجلس شورای ملی مرا به عضویت کمیسیون انتخاب کند، بواسطه خستگی و ضعف مزاج، نمی توانم آن را قبول کنم.

اکنون باید دید از اینکه من اظهار کردم با جناب آقای علاء سی سال است دوستی دارم چه ضرری متوجه مملکت شده است؟ (حادثی- هیچ چیز)

من با ایشان سی سال است دوستم. و از این صراحت خود ندامت حاصل نمی کنم چونکه ایشان مردی هستند فعال، خیرخواه، متواضع و دمکرات منش. و در هر کاری که وارد شده اند، آنرا جدی تلقی نموده و کار را برای امرار معاش و تحصیل مقام قبول نکرده اند. (عده ای از نمایندگان - صحیح است)

ایشان مردی هستند صمیمی و راستگو. اگر اندک سوء نظری داشتند، هرگز اقرار نمی کردند که در برقراری حکومت نظامی، آقای تقی زاده آنطور اظهار کرده اند و ایشان نظریات آقای تقی زاده، اهمیت فوق العاده داده اند.

و باز هم اظهار می کنم که دوستی من ارتباطی با امور سیاسی ندارد. چونکه ممکن است یک پدر و یک پسر هر کدام در یک حزب مخالف، عضویت قبول کنند. ولی در خانه علائق پدری و فرزندی خود را حفظ نمایند.

نمایندگان اقلیت با کار خوب دولت موافقت و از آن تمجید می کنند. همچنانکه در موقع قرارداد تجارتي شوروی و ایران، از رزم آراء تشکر کرده اند. و از کار بد هر دولتی هم تنقید و با آن مخالفت می کنند.

از اینکه من علت موجه دولت نبوده ام و توانسته ام نظریات جبهه ملی و همکاران عزیزم را برای استخلاص عده زیادی از مردم بیگناه، عملی کنم و آن ها را از دست حکومت نظامی که دشمن آزادی است خلاص کنم، خوشوقتم. حکومت نظامی که برای دو ماه اعلان شده و ممکن بود با زمینه سازی تمدید و همیشه برقرار شود تا آن هائی که می خواهند از بیت المال مسلمین سوء استفاده کنند، مخالفین خود را به وسیله حکومت نظامی دستگیر و زندانی نمایند، با توجهات این دولت، از بین رفت. و ابلاغ نظریات اقلیت به آقای نخست وزیر که از وزرای سابق در این دولت وارد نشوند، به نتیجه مطلوبه رسید. بدیهی است که نباید تمام آن وزرا را به یک چشم نگاه کرد. چونکه بین آن ها، چند نفری بودند که با تصمیم دولت مخالف بودند و استعفا هم دادند. ولی بواسطه اینکه تجربیات سیاسی آن ها کم بود! خراج فروهر وزیر دارائی از دولت سبب شد که اغفال شوند. در صورتیکه فروهر عضو دولت بود و چون رئیس دولت دفاع از قرارداد ساعد و گس را به عهده گرفته بود، از نظر مسئولیت مشترکه، می بایست به اخراج فروهر قناعت نکنند و از کار کناره جوئی کنند.

من به این جهت از دولت علاء سپاسگزاری کرده ام که هر دولتی غیر از ایشان حاضر نمی شد تصمیم خود را در خصوص حکومت نظامی الغا کند. و در صورت عدم موافقت، مخالفت جبهه ملی سبب می شد که دولت ساقط شود. و در این موقع که هر ساعتی برای مملکت ارزشی فوق العاده دارد، بحرانی ایجاد شده و بعد هم دولتی بهتر از ایشان تشکیل نشود.

من ناچارم که این حقایق را از پشت این تریبون به سمع ملت ایران برسانم که محتمل است اگر کابینه علاء ساقط شود، کابینه قوام السلطنه یا کسی مثل او زمامدار شود، کاری که ما هیچوقت نمی توانیم با آن موافقت کنیم. چونکه قوام السلطنه و امثال او کسانی هستند که هیچوقت بوئی از آزادی به مشام شان نرسیده است. و قوام السلطنه همان کسی است که در انتخابات ایران، منتها درجه تقلب را بکار برد و در انتخابات اکثر ولایات، از محاکمه سهیلی و تدین درس گرفت و تجربه آموخت، سندی بدست نداد و بازرسانی انتخاب نمود که دستورات خود را شفاهاً بدهد و مردم را از حقوق حقه خود، محروم کند.

قوام السلطنه همان کسی است که بر خلاف صریح قانون، قرار شرکت نفت ایران و شوروی را امضاء کرد. اگر نظر ایشان این بود که مجلس ۱۵ آن را الغا کند، کاری بوده که بر خلاف نزاکت بین المللی مرتکب شده است. و معلوم نیست چه اطمینانی داشتند که اوضاع و احوال تغییر می کند و موازنه سیاسی به نفع دولت شوروی برقرار نشده و قرار ایشان در مجلس شورای ملی تصویب نشود. و اینکار بر خلاف نزاکت بطوریکه در بعضی جراند نوشته اند، سبب شده که از ما، ده میلیون دلار خسارت مطالبه کنند.

و چنانچه مقصود قوام به این بوده که استخراج نفت شمال هم از نظر سیاست موازنه مثبت، به دولت اتحاد جماهیر شوروی داده شود، این کار یک خیانت مسلمی بوده که ایشان نسبت به ایران، یعنی کشوری که در آن گوشت و پوست و استخوان او پرورش یافته، مرتکب شده است.

جبهه ملی می گوید که صنعت نفت باید در سراسر ایران ملی شود تا موضوع دخالت شرکت نفت و اعمال نفوذ آن از بین برود. و بنابراین تشکیل شرکت نفت مختلط در شمال ایران، سبب می شد که دولت شوروی هم با ما همان معامله ای را بکند که شرکت نفت انگلیس می کند.

من از آقایان نمایندگان محترم استدعا می کنم توجه کنند مملکتی که در نصف آن دولت انگلیس و در نصف دیگر اتحاد جماهیر شوروی دخالت کند، کجا مستقل است و در چنین مملکتی چطور ممکن است پایه زندگی مردم به جایی برسد که در دُول مترقی ساکنین آن رسیده اند؟

نظریات جبهه ملی این است که شرکت نفت از ایران برود تا دست بیگانگان در سیاست این مملکت قطع شود و دولت ها، صد در صد ملی تشکیل شوند. ولی متأسفانه بعضی ها که نمی خواهم از آن ها اسمی ببرم، طالب این هستند که بعد از این، دولت قوام و یا دولتی مثل او تشکیل شود و از فروش جواز و دادن ترفیعات بدون موقع و استحقاق سوء استفاده کنند.

و این رویه سبب شود که در این مملکت عدم رضایت روز بروز شدیدتر شده و توسعه پیدا کند کمونیسیم قائم مقام آزادی شود و پرونده قطور آقای قوام راجع به فروش جوازا که در مجلس مانده است اجرا نشده و ایشان دچار عواقب شوم اعمال خود نشوند.

آقای محترم! شما ای کسانی که می توانید [نسبت] به عرایض من قضاوت کنید، توجه کنید که من در این جلسه چه عرض می کنم. و حواس خود را جمع کنید به آنچه که فقط از نظر خیرخواهی عرض می کنم عمل کنید. ما می گوئیم که ایران جز از طریق دموکراسی و غیر از عدالت اجتماعی، با رویه دیگر اصلاح و اداره نمی شود. آیا با تشکیل دولتی مثل دولت قوام، این نظریه تأمین می شود؟ (دکتر هدایتی- هیچوقت)

آقایان نمایندگان و مردم حساس وطن پرست! آیا شما راضی می شوید که یک بار دیگر کسی زمامدار شود و اشخاص مؤثر جامعه را بوسیله جوازهای نامشروع و کالاهای ممنوع الورود، تطمیع کند و مردم حساس وطن پرست را که در ادارات دولتی هستند تهدید کند تا اینکه شرکت نفت کامیابی حاصل نموده و آرزوی ملت عملی نشود؟

آیا بعد از احراز چنین موفقیتی، شرکت نفت اجازه خواهد داد که در دوره ۱۷ یکی از شما نمایندگان که رأی به ملی شدن نفت داده اید، وارد مجلس شوید؟ البته مخالفین این دولت ظاهراً نظری غیر از سقوط آن ندارند، ولی باید شما و مردم این مملکت بدانید که نتیجه قهری سقوط این دولت، تشکیل دولت قوام یا دولتی شبیه آن می شود که حضرت آیت الله کاشانی را در راه مسافرت و از منطقه ای که حکومت نظامی اعلان نشده، توقیف و تبعید کنند.

من از آقایانی که با این دولت مخالفت می کنند، استدعا می کنم بفرمایند که بعد از سقوط این دولت چه کسی را می خواهند مصدر کار کنند؟ (آشتیانی زاده - خود حضرت مستطاب عالی را) اگر بگویند چاهی نکنده ایم و منار را دزدیده ایم، در درایت و عقل آن ها تردید می کنم.

اینکه بعضی ها می گویند اینجانب تشکیل دولت بدهم، آیا دخالت پنجاه ساله شرکت نفت در این مملکت اجازه خواهد داد که من و امثال دولتی تشکیل دهند و موفقیتی در کار پیدا کنند؟

اگر این کار شدنی بود، در این چند سال اخیر می شد. پس این بیانات فقط برای این است که من و مردم را اغفال کنند. و خوشبختانه ملت ایران و من هیچوقت اغفال نشده ایم. و از خداوند متعال مسئلت دارم که باز ما را از شرّ این شیاطین حفظ کند.
نمایندگان - انشاءالله.

این ها بود نظریات جبهه ملی و علت مدارای اقلیت با این دولت. و یک بار دیگر در حضور آقایان نمایندگان و رئیس و اعضای محترم دولت، هر گونه دخالت جبهه ملی را در تشکیل این دولت تکذیب می کنم.

جبهه ملی دارای این شجاعت هست که اگر قرار بشود در حکومتی شرکت کند، ملت و مردم را از چگونگی امر مطلع و مستحضر کند و نشان داده است که تا امروز هیچوقت گرد سیاست اغفال و فریب نگردیده و چنانکه کسانی برای حمله به ما مأموریت دارند، باید بدانند که ملت ایران به اظهارات آنان ارج و ارزشی نمی دهد.
نمایندگان - احسنت، احسنت

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۳۶

سه شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۰

«۴- بیانات قبل از دستور»

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده قسمتی از اجازه آقای کاظم شبیانی استفاده می‌کنم به شرطی که آقایان نمایندگان محترم مدتی را که از آنجا به اینجا آمده‌ام حساب نفرمایند (خنده نمایندگان) بعد از ملی شدن صنعت نفت یک سلسله عملیاتی در معادن نفت جنوب روی داده که نه تنها بر خلاف مصالح آن دُولی بوده که از محصول معادن نفت ما استفاده می‌کنند.

کمپانی اینطور خواست که به دنیا بفهماند اگر صنعت نفت ملی بشود، دولت ایران قادر به بهره‌برداری از آن نخواهد بود، در صورتی که همه می‌دانند اگر دولت ایران بالفرض نتواند تأسیساتی مثل تأسیسات کنونی شرکت نفت برپا کند، بدون تردید حتماً قادر است که مثل معادن نفت قفقاز که سال ها مصرف آن نقطه دُول اتحاد شوروی و ایران را تأمین کرده بود، از معادن خود بهره‌برداری نموده و دست کمپانی غدار و ستمکار را از سیاست استقلال شکنانه ایران کوتاه کند (صحیح است).

من عرض می‌کنم هر کس که از ابتدائی ترین حق خود که داشتن یک لقمه نان برای امرار حیات است محروم شد حق دارد از حقوق دفاع مشروع، یعنی «لژی تیم دفانس» (شوشتری - نفهمیم) (جواد مسعودی - دفاع مشروع) استفاده نماید (صحیح است) که آن اعتصاب است، و به این وسیله با هم متفق شوند تا بتوانند حق خود را استیفاء نمایند و البته هیچکس نمی‌تواند منتظر و امیدوار باشد که عده‌ای با شکم خالی کار کنند (صحیح است) و کیسه سرمایه داران انگلیس را مملو از لیره‌های طلا نمایند (آشتیانی‌زاده - با گلوله شکم کارگران را پر کردند) و من در این موضوع وارد نمی‌شوم چه اشخاصی سبب شده اند که آن‌ها اعتصاب کنند و چه اشخاصی با آن‌هایی که هیچ نداشتند کمک کنند که تلگراف شکایات خود را به مرکز مخابره نمایند.

فقط به این ضرب المثل متوسل می‌شوم که گفته‌اند شکم گرسنه عقیده و ایمان ندارد و هر آدم غریب یا بیچاره‌ای ناچار است به حشیش توسل نماید.

من از جناب آقای نخست وزیر سؤال می‌کنم آیا وظیفه دولت این نبود که اول به حرف‌های اعتصاب‌کنندگان رسیدگی و معلوم کنند که پس از ملی شدن صنعت نفت چه موجباتی پیش آمده که شرکت نفت از حقوق حقه کارگران بکاهد یا اینکه تن به اعلان حکومت نظامی بدهد؟ و بطوری که شایع است، پس از انتشار خبر حکومت نظامی از رادیو لندن، حکومت نظامی را اعلان نماید؟

من چون با بعضی از اصول کمونیسم از آن جمله مخالفت با آزادی فردی، که حق غیر قابل انکار افراد هر جامعه است و بطوری که گفته‌اند «برای آزادی حدی نیست مگر آنجایی که آزادی دیگران شروع می‌شود» موافق نیستم، خصوصاً اینکه پیروان این اصول برای پیشرفت عقیده و مرام خود از بعضی مراکز استفاده می‌کنند که با ما نه وحدت زبانی، نه نژادی نه مذهبی و نه هدف مشترک که استقلال ایران است دارند، ولی صاف و پوست کنده و بی پروا عرض می‌کنم، در آنچه مربوط به حقوق کارگری است از صمیم قلب موافقت و هیچوقت نمی‌توانم حتی کوچکترین مخالفتی بنمایم.

و این اصل اختصاص به کمونیسم ندارد که آن‌ها برای خود یک مفاخری قرار دهند، بلکه از بدو اجتماع بشر هر فرد با عاطفه و هر شخص با وجدانی راضی نشده که یک فردی برای ادامه زندگی از نان خالی محروم شود و عده دیگر آنقدر بخورند که از سیری شکم خود را بترکانند (احسنت) (حاذقی - می‌ترکد، نمی‌ترکانند). مگر نبود که مولای متقیان و امیر مؤمنان صلی الله علیه وآله و سلم شب‌ها نان به کول خود می‌گذاشت و به خانه اشخاص ناتوان تسلیم می‌کرد (صحیح است)

اصول حمایت از کارگران در ممالک اروپا با اختراع ماشین توأم است و چنانچه در ایران این اصول رعایت نشده علت این است که مملکت ما از کار با ماشین محروم بوده است و اکنون که ماشینیم در این مملکت رو به توسعه می‌گذارد چه مانعی دارد که ما خود این اصول را همچنانکه ملت انگلیس و بعضی از ملل مترقی نموده‌اند، اجرا نماییم.

ممکن است بگویند که دکتر مصدق واعظ غیر متعظ است، لذا عرض می‌کنم من که از بدو زندگی در یک خانواده اشرافی متولد شده و به صورتی که همه

می‌دانند پرورش یافته‌ام چگونه می‌توانم رویه‌ای غیر از این اتخاذ و خانواده‌ام را با خود دشمن نمایم بر فرض اینکه من یکی آدم و عقیده خود را به مرحله اجرا گذارم به قول معروف از یک گل بهار نمی‌شود و آیا غیر از اینکه خود را دچار جماعتی متعرض قرار دهم نتیجه دیگری می‌توانم از آن بگیرم پس ناچارم از این وضعیت کنونی اکل میته کنم تا بتوانم آنچه در صلاح مردم است به عرض جامعه برسانم.

رئیس- آقای دکتر اجازه بفرمائید، آقایان با ادامه صحبت آقای دکتر مصدق مخالف نیستند؟ (نمایندگان - خیر) بفرمائید

دکتر مصدق- دلیل اینکه نمایندگان جبهه ملی از دادن رأی به لایحه دولت راجع به برقراری حکومت نظامی خودداری کرده‌اند غیر از این نبود که دولت بدون تحقیق و بدون رسیدگی که آیا این اعتصاب بجاست یا بی جاست آن را اعلان نمود.

جناب آقای نخست وزیر از بدو تشکیل حکومت نظامی، تلگرافات عدیده‌ای از مردم بیچاره و از کارگران بدبخت و مظلوم نواحی نفت خیز رسیده است که همه به اطلاع و استحضار آن جناب رسیده و مخصوصاً یکی از آن‌ها با اینکه مخبره کنندگان آن به این هیئت حاکمه عقیده ندارند، حاضر شده‌اند عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا بروند در محل تحقیقات و رسیدگی نمایند که آن را روز قبل به جنابعالی تقدیم کرده‌ام و همه نالان و گریانند که عاقبت سرنوشت آنها چه خواهد شد و آیا شرکت نفت خواهد گذاشت که دولت ایران احقاق حق آن‌ها را بکند یا نه؟

در این صورت لازم است به شکایات حقه آنان رسیدگی شود و رفع ظلم را از مظلوم را به جای خود بنشانند.

لازم می‌دانم که نظریات دولت را به این مطالب توجه دهم که مأمورین فعلی متصدی کار خصوصاً در مناطق نفت خیز کسانی هستند که یا کمپانی آنها را سرکار برده و یا از سابق با کمپانی سرکار داشته‌اند.

در اینصورت شما چگونه اطمینان می‌کنید که به گزارش یکطرفی آنها که غیر از حمایت از عملیات نامشروع کمپانی نیست اعتماد نمائید؟

من توجه شما را به این مطلب جلب می‌کنم که آن‌ها دارای شخصیتی نیستند که بتوانند در مقابل حرف‌های ناحساب کمپانی مقاومت نمایند در این صورت مقتضی است هر چه زودتر به تقاضای آن‌ها ترتیب اثر داده شود تا دامنه این اعتصاب به نقاط دیگر سرایت نکند و کمپانی نتواند تصمیم مجلس شورای ملی را که در مصالح ملک و ملت اتخاذ شده‌است، عقیم و بلا اثر نماید.

اگر کارگران شرکت نفت برای نداشتن نان اعتصاب می‌کنند، سایر مردم ایران هم با آن‌ها وجه اشتراک دارند راست و بی پرده عرض می‌کنم که ادامه رویه‌ای که کمپانی اتخاذ کرده نه در صلاح خود او و نه در صلاح ما و آن مللی است که از محصول نفتی ما استفاده می‌نمایند.

اکنون اجازه می‌خواهم بیانی‌ای که در جلسه شب قبل جبهه ملی برای نصیحت به کارگران و برای اینکه آن‌ها بکار خود ادامه دهند [صادر شده] بخوانم. عده‌ای از نمایندگان- بفرمایید

جمال امامی- آقای دکتر آن ها به حرف شما گوش نمی‌دهند، به حرف مسکو گوش می‌دهند.
هموطنان

در حیات ملت ها روزهای خطیر حساس و در عین حال گرانبهای یافت می‌شود که اگر قوای عاقله ملت حقایق اوضاع را درک کند می‌تواند کارهای بزرگ و مؤثر به نفع مملکت و مصلحت ملت انجام دهد.

ایامی را که در حال حاضر ملت ایران می‌گذارند از همان روزهای حساس و گرانبهای تاریخ اوست که باید با نهایت هوشیاری و مآل اندیشی مراقب کیفیت جریان حوادث باشد، امور اجتماعی و کارهایی که در زندگی اقتصادی و سیاسی میلیون ها نفر آثار جاودان دارد جز به نیروی همت اجتماع و کمک مؤثر یکایک افراد و طبقات فهمیده و عناصر روشندل کشور انجام پذیر نیست.

امروز افکار عمومی با هیئت سیاسی و اقتصادی مسئله نفت و ملی شدن این صنعت مهم در سراسر کشور و آثار حیاتی برچیدن دستگاه سیاست باز و مخرب شرکت نفت جنوب و برانداختن این پایگاه سیاسی استعمار بخریبی واقف است هموطنان عزیز می‌دانند که شکستن این طلسم پنجاه ساله و واژگون ساختن این لانه فساد کار آسانی نبود، زیرا از یک طرف حریف حيله گر به انواع کارشکنی و اخلال و دسیسه و تحریک و هر وسیله ای که به مشغول کردن و عصبانی و منحرف ساختن ملت ایران منجر گردد متشبث می‌شود و از طرف دیگر انجام خواسته ملت ما جز با همکاری هماهنگی کلیه نیروهای مقتدر طبقات و افراد مردم امکان پذیر نبوده و نیست.

جبهه ملی که خود را نماینده صدیق آمال و مظهر افکار عمومی ملت ایران می‌داند و به مبارزه در راه تحقق آمال جامعه ایرانی مباحثات می‌کند، به خود حق می‌دهد در این ایام گرانبها و حساس لحظاتی که سیاست استعماری و عامل کهن سال آن یعنی شرکت نفت جنوب از توسل به وسائل و تحریکاتی که موجب عصبانیت و انحراف ملت ایران و باعث آشوب و آشفتگی اوضاع وطن عزیز ما می‌شود فرو گذار نمی‌کند از مردم مبارز و هوشمند ایران تمنی کند، متانت و خونسردی خود را که اولین شرط لازم به پایان بردن این جهاد عظیم ملی است از دست ندهد، تا به سیاست‌های دسیسه کار که می‌خواهند اوضاع ایران را آشفته و مایه نگرانی بین المللی جلوه دهند مجال هیچگونه تبلیغ مضرّ به منظور اخلال داده نشود.

هموطنان کارگر

شرکت نفت این بار مستقیماً و بدون حاجت به پرده پوشی شما کارگران هنرمند ایرانی را که در سخت ترین شرایط زندگی به حساب یغمای پنجاه ساله او به استخراج طلای سیاه مشغول بوده‌اید با کسر مبلغی از حقوق ناچیزتان به اعتصاب وا داشته و در ادامه موجبات اعتصاب و عصبانی نمودن شما از هر گونه اقدام تحریک آمیز خودداری نکرده و طبعاً دامنه این نگرانی و ناراحتی را اگر به او مجالی داده شود به نقاط دیگر کشور نیز سرایت خواهد داد تا از طرفی با تبلیغات مغرضانه افکار عمومی قسمتی از دنیا را از لحاظ سیاست کلی و احتیاج قطعی که به نفت دارند بر ضد خواسته ملت ما و تصمیم مجلسین ایران

برانگیزد و از طرف دیگر با درهم ریختن اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران و انتشار اخبار وحشت انگیز ما را بخود مشغول و از وقوع حوادث احتمالی مرعوب سازد.

جبهه ملی در عین حال که جداً از دولت می‌خواهد هر چه زودتر شرکت نفت را مکلف کند، آن قسمت از حقوق و اضافات کارگران را که برخلاف حق بمنظور ایجاد نگرانی و برای اجرای نقشه‌های شوم خود کسر کرده، بپردازد از هموطنان و برادران کارگر خود تمنی دارد با نهایت هوشیاری و بیداری و در کمال آرامش و خونسردی مراقب این تحریکات و دسانس مدام حریف کهنه کار باشند و متانت خود را به هیچ صورت از دست ندهند و همواره متوجه باشند که فقط در پناه حفظ نظم و تسلط بر اعصاب ملت ایران موفق خواهد شد از اوضاع دنیا که برای تحقق آمال و خواسته‌های او فوق العاده مناسب و مساعد است استفاده کامل کند.

جبهه ملی اطمینان دارد که با اتخاذ و اتفاق و پشتکار و مقاومت ملت ایران می‌تواند بزودی به اجرای هدف بلند و بزرگ خود، یعنی ملی کردن صنعت نفت که متضمن نجات از استعمار و تحصیل استقلال واقعی سیاسی و سیادت اقتصادی، درک مشروطیت حقیقی و حکومت ملی و تمام آثار و مزایائی که در داشتن چنین حکومتی مترتب است نائل و کامیاب گردد.

جبهه ملی، تا به امروز امتحان داده‌است که در مبارزات اصولی و منطقی با سرسختی و مقاومت از هیچ مانع داخلی و خارجی وحشت نداشته و هرگز نخواست‌است مردم را فریب دهد و یا آلت بی اراده سیاست‌های ضد ملی بشود. به همین جهت آنچه را که به صلاح و خیر مملکت بوده به موقع خود با کمال صراحت و بی پرده ابراز داشته‌است. امروز هر تشنج و هر توطئه و تحریک و هر تشتت و نفاق به نفع کمپانی نفت تمام خواهد شد، هر کس ایرانی است و برای سعادت ایران و مردم این سرزمین کار می‌کند باید خود را از فریب عوامل کمپانی که در هر لباس وزیر لوای هر مسلک و مرام پنهان هستند برحذر نگاهدارد و فراموش نکند که در اوضاع حاضر سرنوشت و مقدرات امروز و فردای ایران در گرو رشد ملی و تربیت اجتماعی اوست.

جبهه ملی برای تضمین و تأمین حقوق حقه کارگران تعهد می‌کند که از هر اقدام مفید خودداری نکند و به منظور اینکه این تعهد جنبه رسمی و قانونی داشته باشد، طرحی از طرف وکلای جبهه ملی به قید فوریت به مجلس تقدیم خواهد شد که پس از اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت تمام حقوق و مزایائی را که بعد از تصویب قانون اخیر کمپانی نفت از کارگران ایرانی به بهانه‌های مختلف کسر کرده است به آنان بپردازد.

چاه های نفت ایران ودایعی است از فرزندان و نسل‌های آینده این کشور که حفاظت آنها بدست توانا و حس کاردانی و لیاقت شما سپرده شده‌است. این ودایع ملی را بر شما فرض است که حفظ و حراست نمایند.

موضوع دیگری که لازم است عرض کنم این است که در بعضی از جراید مرکزی که با من هم روابط حسنه دارند این سوء تفاهم حاصل شده که گفته‌ام آقای علاء چون مأمور دولت بوده‌اند نمی‌دانستند از امر دولت مخصوصاً دولت

دیکتاتوری امتناع کنند در صورتی که نظر من این نبود، اگر دولت امری برخلاف افکار عمومی و مصالح عمومی بکند، مأمور دولت یا وزیر باید آنرا اجرا نماید من نگفته‌ام اگر دولت یا شاهنشاه به وزیر گفت امتیاز نفت را امضاء کند او مجبور است که امر دولت را مجرا نماید، چون که «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار» چه لزوم است که شخصی ترسو و علاقمند بکار کار، کار حساسی را قبول کند و امری برخلاف مصالح مملکت بنماید؟ بلکه گفته‌ام که آقای علاء مأمور بوده که در جامعه ملل از الغای قرار داد داری دفاع کند، اگر دفاع ایشان مؤثر واقع می‌شد و قرارداد داری از ین رفته بود آیا ایشان غیر از خدمت کار دیگری کرده بودند، ما هیچوقت موافق این دولت نبوده‌ایم، چون که وظیفه اقلیت این است که شأن خود را حفظ کند و از دست ندهد و وضعیت خود را برای خدمات و اصلاح مملکت هیچوقت متزلزل ننماید من از این دولت که بواسطه دستور بعضی اشخاص هر که باشند، برای انتشار نطق یکی از نمایندگان اقلیت، گوینده را منتظر خدمت کند و رئیس اداره تبلیغات را وادار به استعفا نماید، بسیاری گله دارم و من نمی‌دانم عاقبت این مملکت به کجا خواهد رسید که یک دولتی اگر تابع بعضی اشخاص نشود از بین برود و اگر نشود و با منویات ملت ایران موافقت نکند، بواسطه مخالفت افکار عمومی باز سقوط کند و به هیچ وجه نتواند به خدمت ادامه دهد و بواسطه بی‌دوامی کمترین عملی در حفظ وضعیات و حیثیات مملکت ننماید.

نخست وزیر -

... و اما راجع به موضوع استعفای رئیس تبلیغات، هیچ صحت ندارد که او را مجبور به استعفا کرده باشیم، ایشان مشغول کار هستند، سر کار خودشان هستند، فقط اعتراضی داشتیم، که ایشان نطق آقای نریمان را از اول تا آخر با یک شدت و حدتی بیان کردند، ولی نطق این اشخاص که موافق بودند با دولت، خلاصه کردند و درست بیان نکردند.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۴۰

پنجشنبه ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

رئیس- آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق- روز نهم آبان را به خاطر دارم که روز شنبه بود، مرحوم مستوفی الممالک به من تلفن فرمودند که شما امروز به مجلس می‌روید یا نه؟ به ایشان عرض کردم که خیر امروز روز مجلس نیست، روز شنبه است. فرمودند پس شما اطلاع ندارید امروز یک ماده واحده ای به مجلس می‌برند و باید که در این باب با هم مشورت بکنیم و تکلیف خودمان را معین بکنیم. بنده رفتم منزل ایشان، فرمودند که آیا صلاح هست که به مجلس برویم یا نه؟ به ایشان عرض کردم که توپچی ده سال موجب می‌گیرد که یک روز شلیک بکند و اگر آن روز شلیک نکرد، انجام وظیفه نکرده (صحیح است) به وکیل مجلس دو سال حقوق می‌دهند

و از این امتیازات نمایندگی استفاده می کند، برای این است که یک روز درباره مملکت قدم بردارد و یک روز حرف حق بزند. یک روز کار صحیح بکند، و اگر نکند، تمام این دو سال، رفت و آمدش در مجلس بی مورد است. مقصود از این عرایض این بود که من به اتفاق آرای اعضای کمیسیون نفت به ریاست کمیسیون انتخاب شدم (صحیح است) البته آقایان این طور انتظار دارند که اگر من چیزی به نظرم برسد و آقایان نشنیده باشند، یا اطلاع نداشته باشند، عرض بکنم، ممکن است در آتیة خیلی نزدیکی حوادثی روی بدهد که این کاری که شما کرده اید بکلی عقیم بماند. حالا این اطلاعات من است، حالا اگر این اطلاعات صحیح باشد، شما اگر زودتر کار خودتان را تمام بکنید، به مقصود نمی رسند، و اگر صحیح نباشد، باز انجام وظیفه کرده اید. خصوصاً اینکه از نظر اقتصادی ما روزی سیصد هزار لیره از تأخیر کار متضرر می شویم و (صحیح است) سیصد هزار لیره که تقریباً سه میلیون تومان در روز می شود، که شما می توانید یک روزش را بدهید و یک مردمان گرسنه ای را که به این مجلس و به این دستگاه هجوم می آورند سیر بکنید. مطابق صورتی که خود شرکت نفت می دهد، ۳۲ میلیون تُن استخراج می شود، ۳۲ میلیون تُن هر تنی پنج لیره نرخ خلیج فارس است، یک لیره که برای مخارج موضوع کنید، چهار لیره قیمت هر یک تُن نفت است بنا بر این شما سی و دو میلیون تُن حساب بفرمائید. سی و دو میلیون تُن ضرب در چهار می شود ۱۲۸ میلیون لیره در سال و هر ماهی تقریباً متجاوز از ده میلیون لیره و در هر روزی متجاوز از ۳۰۰ هزار لیره عایداتی است، که به این مملکت و به این ملت فقیر باید برسد و از بین می رود. بنده عرض می کنم که کمیسیون نفت با این رویه ای که دارد موفق نخواهد شد که این کار را قبل از حوادثی، اگر روی بدهد، این کار را تمام بکند. استدعای من این است که امروز ۴ بعد از ظهر آقایان اعضاء کمیسیون محترم نفت تشریف بیاورند کمیسیون را تشکیل بدهند (صحیح است) اگر امروز این کار تمام نشد، فردای جمعه را هم به هیچ وجه تعطیل نکنند و تشریف بیاورند در مجلس و این کار را تمام کنند (صحیح است) و جناب آقای رئیس هم روز شنبه یا صبح یا عصر مجلس را تشکیل بدهند و این طرحی را که کمیسیون باید پیشنهاد کند، به عنوان یک طرح به قید سه فوریت بیاورند در این مجلس تصویب بشود. (صحیح است) آقایان شما یک رأی دادید، یک خدمتی کردید، یک نامی در کردید. یک مردمی هم برای این کاری که کردید نهایت فداکاری را کردند، بیائید نگذارید فداکاری مردم و خدمتی که شما کردید به هدر برود.

من آنچه که اطلاع دارم و بی مأخذ نیست، ممکن است برای از بین بردن کار شما، برای از بین بردن این فداکاری که مردم این مملکت کرده اند، حوادثی روی بدهد که تمام این مسائل عقیم بماند. شما اگر این قدم را برداشتید می توانید به یک عایداتی که متجاوز از عایدات تمام مملکت است نائل بشوید.

بعضی اشخاص می گویند که این کمیسیونی که ما در نظر داریم از هیئت مقننه، یعنی از مجلس سنا و از مجلس شورای ملی که در این کار دخالت بکنند، این دخالت قوه مقننه در قوه مجریه است. به هیچ وجه اینطور نیست، این کمیسیون کارش این است که بعد از اینکه تعیین شد بلافاصله تأسیسات نفت جنوب

را از شرکت انگلیس تحویل می‌گیرد و از تحویل گرفتن هم مقصود این نیست که بروند آنجا، مقصود این است، این‌ها را تحویل بگیرند یعنی خلع ید از آن‌ها می‌کنند که در عایداتش دخالتی نکنند و یک عده ای را آنجا بگمارند که عایدات، نصیب ملت ایران بشود. و بعد اساسنامه شرکت نفت جنوب را تهیه بکنند و به مجلس شورای ملی برای تصویب پیشنهاد بکنند، این یک کاری نیست که این کمیسیون یا هیئت در کار اجرائی دخالت کرده باشد.

این هیئت کارش نظارت چند روزه ای است که تا آن اساسنامه شرکت نفت جنوب تهیه بشود، نظارت باید بکند، بلکه همچنانکه امروز نمایندگان مجلس در کار بانک ملی نظارت می‌کنند و بعد وظیفه اش این است که آن اساسنامه را به مجلس شورای ملی پیشنهاد بکند و همچنین وظایف اش این است که اگر کمپانی ادعائی بکند، به ادعای کمپانی و به مطالبات حقه دولت که از کمپانی دارد، رسیدگی بکند و باز به مجلس گزارش بدهد.

به هیچ وجه کار این کمیسیون دخالت در قوه مجریه نیست، وقتی که این کار تمام شد، کمیسیون می‌رود و شرکت نفت مطابق یک شرکت دولتی در دست ایران اداره می‌شود.

در خاتمه، آقای فقیه زاده به بنده شرحی مرقوم فرموده اند، که من دیروز در کمیسیون پیشنهاد کرده ام که عایدات شرکت نفت از تاریخی که سنا ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرده است، باید به ملت ایران برسد (صحیح است) و بعضی از جراید به نام آقای تقی زاده نوشته اند. حالا ممکن هم هست که جراید بواسطه قریب المخرج بودن این دو اسم اشتباه کرده باشند، البته در جراید این مطلب توضیح خواهد شد.

بنده به جناب آقای رئیس عرض می‌کنم که امروز جنابعالی وظیفه دارید که این کار را اداره بفرمائید و اگر اداره بفرمائید، هرگونه خسارتی که به این ملت برسد مسئولش حضرتعالی هستید.

رئیس- جنابعالی رئیس کمیسیون نفت هستید، هر وقت بفرمائید، بنده اقدام می‌کنم. دکتر مصدق - بنده عرض می‌کنم امروز ۴ بعد از ظهر کمیسیون تشکیل خواهد شد، اگر کارش تمام شد که تمام شد، اگر کارش تمام نشد، فردا، چهار قبل از ظهر باید دوباره تشکیل شود و برای روز شنبه هم جلسه را هر ساعتی که صلاح می‌دانید معین بفرمائید.

شوشتری- بحرین را هم باید رویش تصمیم بگیرید.
عامری- بنده عضو کمیسیون نفت هستم و یک تذکری دارم.
رئیس- این‌ها نطق قبل از دستور است و آقایانی که اسم نوشته اند راجع به هر چه بخواهند صحبت می‌کنند، دیگر تذکر ندارد.

عامری - اگر یک تذکری باشد و یک موضوعی مطرح باشد و یکی از اعضاء کمیسیون هم بخواهد توضیحی بدهد آن مقدم بر این است.

رئیس - شما بر طبق کدام ماده آئین نامه این را می‌فرمائید؟ اولاً اختیار تشکیل کمیسیون‌ها، با رئیس کمیسیون است، منتهی، بطوریکه عرض کردم، آقای دکتر مصدق اطلاع می‌فرمایند، بنده هم تأکید می‌کنم که اطلاع داده بشود و انشاء الله تشکیل بشود، به محض این هم که گزارش برسد، فوری مجلس دعوت خواهد شد.

نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۱۴۱

شنبه هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

«۱- طرح و تصویب طرح سه فوری راجع به ترتیب اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت نسبت به معادن مورد بهره‌برداری شرکت سابق نفت انگلیس و ایران»

نایب رئیس - چون روز قبل تعطیل بوده‌است، صورت جلسه قبل حاضر نیست، بنابراین صورت مجلس نداریم و گزارشی از کمیسیون نفت رسیده، همانطوری که از مقام ریاست اطلاع داده بودند، این جلسه فوق العاده‌است و گزارش کمیسیون نفت مطرح است.

جمال امامی - بنده با طرحش مخالفم.

نایب رئیس - گزارش قرائت می‌شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

گزارش از کمیسیون مخصوص نفت به مجلس شورای ملی
کمیسیون مخصوص نفت که طبق قانون ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ مأمور تهیه طرح اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور تشکیل گردیده بود پس از تشکیل چند جلسه بالاخره در جلسه پنجم اردیبهشت ۱۳۳۰ که در حدود پنج ساعت بطول انجامید فعلاً نسبت به معادن نفت مورد بهره‌برداری شرکت سابق نفت انگلیس و ایران باتفاق آراء تصمیم ذیل را اتخاذ و اینک گزارش آنرا برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

مخبر کمیسیون مخصوص نفت - حسین مکی

ماده ۱- به منظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ راجع به ملی شدن نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلسین شورای ملی به انتخاب هر یک از مجلس و وزیر دارائی وقت یا قائم مقام او و یک نفر دیگر انتخاب دولت تشکیل می‌شود.

ماده ۲- دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری و عذر وجود ادعائی بر دولت متعذر شود، دولت می‌تواند تا میزان بیست و پنج درصد از عایدات جاری نفت را، پس از وضع مخارج بهره‌برداری، برای تأمین مدعی به شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده ۳- دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط به مطالعات و دعاوی حقه دولت و همچنین به دعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد، که پس از تصویب مجلسین به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده ۴- چون از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت بتصویب مجلس سنا نیز رسیده است، کلیه در آمد نفت و محصولات نفتی حق

مسلم ملت ایران است، دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله، در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید.

ماده ۵- هیئت مختلط باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارتی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند.

ماده ۶- برای تبدیل تدریجی بمتخصصین ایرانی، هیئت ایرانی مختلط مکلف است، آئین نامه فرستادن عده‌ای محصل به طریق مسابقه، در هر سال برای یادگرفتن رشته‌های مختلف معلومات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورهای خارج را، تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ به موقع اجرا گذارد. مخارج تحصیل این محصلین از عوائد نفت پرداخته خواهد شد.

ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ماه (۱۳۲۹) (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده‌اند می‌توانند از این ببعدهم به نرخ عادلانه بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۸- کلیه پیشنهادهای هیئت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه می‌شود باید قبلاً به کمیسیون گزارش آن به مجلس شورای ملی تقدیم گردد.

ماده ۹- هیئت مختلط باید در ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون به کار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ به مجلس تقدیم کند و در صورتی که احتیاج به تمدید مدت باشد با ذکر دلایل موجهه در خواسته تمدید نماید.

آشتیانی‌زاده - بنده عرضی دارم.

امامی اهری - اخطار نظامنامه‌ای دارم و اخطار مقدم است از لحاظ اینکه دولت باید حضور داشته باشد در جلسه و دفاع بکند از این جهت است.

مکی- هیچ احتیاجی ندارد

کشاورز صدر - احتیاجی ندارد

تیمور تاش - اخطار دارم

نایب رئیس - بفرمائید

تیمور تاش - معمولاً لوایح یا گزارشاتی که در مجلس مطرح می‌شود، باید ۴۸ ساعت قبل طبع و توزیع شده باشد، برای اینکه آقایان نمایندگان مطلع از اصل موضوع باید باشند تا بتوانند در اطراف آن فکر کنند امروز صبح فقط گزارش بدست اکثریت نمایندگان مجلس رسیده است (کشاورز صدر - مربوط به لوایح است نه گزارش) این مسلماً از هر لایحه‌ای مهمتر است بنا براین استدعا می‌کنم که آقایان توجه به این اصل بفرمایید و اضافه بفرمایید که نمایندگان فکری در اطراف این موضوع بکنند و بعداً مطرح بشود. این نص صریح نظامنامه است.

نایب رئیس- قبل از این مطالب یک طرحی به قید سه فوریت رسیده است (آشتیانی‌زاده - بنده با آن طرح مخالفم) اجازه بفرمائید طرح سه فوریتی تقدیم شده

و در ضمن آقای جمال امامی پیشنهاد کرده‌اند که الآن خوانده شود، حالا عقیده من این است که مطابق نظامنامه بایستی راجع به پیشنهاد آقای جمال امامی صحبت بشود بعد راجع به آن طرح (آشتیانی‌زاده - گزارش مطرح است، آقا اول مخالف و موافق حرف بزنند، ملی شدن نفت اینطور نیست این به نفع کمپانی است) پیشنهاد آقای جمال امامی قرائت می‌شود.

پیشنهاد می‌کنم که طرح ملی شدن نفت عجالاً مسکوت بماند.
نایب رئیس - مطابق ماده ۱۴۷ به طور اختصار صحبت کنید

دکتر معظمی - در مورد این پیشنهاد اخطار دارم
جمال امامی - اجازه بفرمائید

تیمور تاش - آقای رئیس اخطار من راجع به ۴۸ ساعت وارد هست یا نیست؟
امینی - ماده ۱۳۴ اگر وارد است بفرمائید.

شوشتری - وارد است یا خیر؟

تیمور تاش - اگر وارد است که اصلاً قابل طرح نیست

نایب رئیس - آقای جمال امامی بفرمایید

جمال امامی - در جلسه خصوصی آمدم یک ساعت استدلال کردیم، آقایان هم همه موافقت فرمودند، همه با نظر بنده موافق بودند (امینی - که چی؟) عرض کردم که این موضوع به مرحله اجرائی رسیده‌است. وقتی به مرحله اجرائی در آمده است، بالاخره باید با حضور دولت باشد، چون مجری آن دولت است ما یک تکلیف قانونگذاری داشتیم و آنرا آوردیم به مرحله عمل رساندیم. قانونش را هم گذرانیم. حالا که به مرحله اجرا رسیده است، این سابقه نیست که بدون نظر دولت ما بیایم اینجا دولت را مکلف به اجرای عملی بکنیم که خودش اطلاعی از آن ندارد. و همچنین پیشنهاد بنده را آقایان پذیرفتند. به همین دلیل هم گفتم، برای این که بحران ادامه پیدا نکند از آقای دکتر مصدق استدعا کردم، آقایان هم موافقت فرمودند با نظر بنده، از ایشان استدعا کردیم که زمامداری را قبول بکنند تا فرمان شان صادر بشود (دکتر مصدق - به هیچوجه چنین صحبتی نشد) همه صحبت روی این بود. چیز عجیبی است آقایان همه شاهد بودند صد نفر بودند بنده خلاف می‌گویم؟ غیر از این بود؟ (کشاورز صدر - قرار شد فوراً نفت مطرح بشود) آقا مجلس شورای ملی بدون حضور دولت، نمی‌تواند در کارهای اجرائی دخالت کند. آقای مصدق خودشان قبول کردند. وقتی که فرمان شان صادر شد حق دارند بیایند این گزارش را قبول بفرمایند، بنام خودشان بعد طرح بشود.

تیمور تاش - بنده اخطار دارم طبق ماده ۳۴ آئین نامه

نایب رئیس - اجازه بفرمایید طرح سه فوریتی رسیده‌است مطرح کنیم چون این طرح در واقع تغییر دستور جلسه است

کشاورز صدر - بنده بنام اخطار می‌خواهم صحبت کنم.

نایب رئیس - طرح قانونی قرائت می‌شود

جمال امامی - این چیست که می‌خواهند بخوانند؟ پیشنهاد بنده رأی بگیرید.

نایب رئیس - طرح قانونی است به فید سه فوریت.

جمال امامی - اول باید پیشنهاد بنده رأی گرفته شود.

تیمورتاش - پیشنهاد شما فعلاً قابل طرح نیست و وارد هم نیست بنده اخطار دارم مطابق ماده ۳۴ نظام نامه.

نایب رئیس - ماده ۱۴۷ آئین نامه قرائت می‌شود:

ماده ۱۴۷ - هر یک از نمایندگان حق دارد از مجلس کتباً تقاضا نماید که طرح یا لایحه قانونی که به مجلس مراجعه شده است موقتاً یا دائماً مسکوت بماند در این قبیل موارد در خصوص رد یا قبول این تقاضا قبل از آنکه در موضوع اصلی بحث شود پس از توضیح مختصر پیشنهاد کننده و پاسخ آن از طرف یک مخالف که باید با رعایت اختصار کامل بعمل آید محدود به بحث در موضوع باشد رأی گرفته می‌شود و در صورتیکه تقاضاهای متعددی بشود و منجر به اخذ رأی گردد تعیین حق تقدم و تأخر با رئیس مجلس است مگر در مواردی که تقدم آن مطلب در نظامنامه تصریح شده باشد.

جمال امامی-کجای این مخالف است؟

نایب رئیس - آقای تیمورتاش مخالف هستید؟

تیمورتاش - بلی

نایب رئیس - پس از مخالف باید رأی بگیریم.

مکی - گزارش که از بین رفته. طرح ۳ فوریتی مطرح شده است و بجای آن آمده است.

تیمورتاش - علت مخالفت بنده با پیشنهاد آقای جمال امامی از لحاظ اصل موضوع نیست بلکه از لحاظ این است که اساساً طرح گزارش کمیسیون نفت مخالف صریح ماده ۳۴ آئین نامه است. بنده ماده ۳۴ آئین نامه را می‌خوانم: گزارش کمیسیون ها باید لااقل چهل و هشت ساعت قبل از موقع طرح در مجلس طبع و توزیع شده باشد (مکی - طرح سه فوریتی دادیم) امروز صبح این گزارش بدست ما رسیده است باید لااقل ۴۸ ساعت قبل از طرح در مجلس، طبع و توزیع شده باشد. بعد از دو ساعت که الآن هم نزدیک ظهر است، آمده اند این گزارش را در مجلس طرح می‌کنند و این قابل طرح نیست چون مخالف نص صریح ماده ۳۴ نظامنامه است وقتی که یک چنین معنی در نظامنامه برای طرح ان هست طبیعتاً در اطراف سکوت یا عدم سکوتش نمی‌شود مذاکره کرد.

نایب رئیس - پس اگر آقایان موافق هستند با پیشنهاد آقای جمال امامی رأی بگیریم

امینی - این موضوع مهم مملکتی است شما نمی‌توانید مسکوت بگذارید

مکی - اجازه بفرمایید بنده عرضی دارم.

نایب رئیس - بفرمایید

مکی - اخطار آقای تیمورتاش وارد نیست، پیشنهاد آقای جمال امامی هم به دلایلی که عرض می‌کنم وارد نیست زیرا ایشان پیشنهاد کردند که این موضوع مسکوت بماند در صورتیکه طرح ۳ فوریتی داده شده است اول باید به فوریت‌های آن رأی گرفته شود اگر بفوریت‌های آن رأی گرفته شود آنوقت می‌توانند پیشنهاد سکوت بدهند و اما پیشنهاد آقای تیمورتاش وارد نیست برای اینکه الآن گزارش رفته است کنار طرح ۳ فوریتی جانشین آن شده و طرح ۳ فوریتی را هم هر آن وکلا می‌توانند بدهند. طرح ۳ فوریتی وقتی که مطرح شد آقایان می‌توانند روی فوریت‌ها موافق و مخالف صحبت کنند و رأی بگیرند گزارش رفته است کنار و

طرح ۳ فوریتی عین گزارش هست (تیمور تاش - پس گزارش کنار است) و ۳ فوریت است و آقای رئیس اجازه بفرمائید مطرح شود آقایان هم موافقت بفرمائید که مطرح بشود، خواهش می‌کنم آقایان اجازه بفرمائید که در دستور طرح ۳ فوریتی قرار بگیرد.

نایب رئیس - پس با موافقت آقایان طرح مزبور مطرح می‌شود.
ناصر ذوالفقاری - اخطار نظامنامه‌ای دارم.
اردلان - حل شد قضیه.

امینی - در صورتیکه طرح باشد حل است.

نایب رئیس - با موافقت آقایان طرح ۳ فوریتی مطرح می‌شود:
نظر به اینکه در تصویب قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت هر قدر تأخیر شود ملت بیشتر متضرر می‌شود، نظر به اینکه دخالت شرکت سابق نفت انگلیس و ایران در امور سیاسی و اقتصادی ما سبب شده که مردم دچار فقر و بدبختی و از هستی ساقط شوند و ملی شدن صنعت نفت موجب خواهد شد که عوایدی قریب دوبرابر تمام مالیات‌ها بر بودجه کشور افزوده گردد و بالنتیجه سطح زندگی مردم این مملکت بالا رفته وضعیت طبقات فقیر و ناتوان بهتر شود، نظر به اینکه بهبودی طبقات ناتوان سبب خواهد شد عدم رضایتی که اکنون در تمام مملکت حکمفرما است از بین برود و آبادی مرموز از عدم رضایت مردم بیش از این سوء استفاده نمایند و تحریکات نکنند و در نتیجه به امنیت داخلی ایران و به صلح جهانی کمک بشود، لذا امضاء کنندگان، مواد نه گانه ذیل را با قید سه فوریت پیشنهاد و درخواست می‌کنیم که در همین جلسه تصویب شود.

بعضی از نمایندگان - اسامی آقایان امضاء کننده را هم قرائت کنید
رئیس - البته مواد آن عین گزارش است. دیگر قرائت آن‌ها الزامی ندارد امضاء ها خوانده می‌شود: آقایان: ناصر ذوالفقاری- الهیار صالح- دکتر شایگان - کشاورز صدر - خسرو قشقائی - دکتر هدایتی-حائری‌زاده - سرتیپ‌زاده - دکتر بقائی - دکتر مصدق - گنجه ای - اسلامی - فرامرزی - شیبانی - دکتر کاسمی - فقیه‌زاده.

رئیس- ماده نهم قرائت می‌شود. ماده نهم از قانون طرز اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت به این شرح خوانده شد:

ماده ۹ - هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ به مجلس تقدیم کند. و در صورتیکه احتیاج به تمدید مدت باشد با ذکر دلایل موجهه در خواست تمدید نماید.
رئیس- مخالفی ندارد و کسی اجازه نخواست. و یک پیشنهادی آقای دکتر مصدق داده‌اند که قرائت می‌شود:

پیشنهاد می‌کنم که در آخر بند نهم اضافه شود تا زمانیکه تمدید مدت به هر جهتی از جهات از تصویب کمیسیون نفت و مجلسین نگذشته‌است، هیئت مختلط می‌تواند به کار خود ادامه دهد.

دکتر مصدق

رئیس - آقای دکتر بفرمائید

دکتر مصدق - بنده تصور نمی‌کردم که با این ناتوانی بتوانم یک چنین خدمتی را که امروز در مجلس شورای ملی خواستند به من رجوع کنند قبول کنم فقط چیزی که سبب شد که من این خدمت را قبول بکنم عشق و علاقه‌ای بوده که به ملی شدن صنعت نفت داشتم. شرط من این بوده که این لایحه یعنی تکلیف ملی شدن صنعت نفت، از مجلسین بگذرد تا من بتوانم آن امری را که فرمودید (صفائی - از مجلس شورای ملی فرمودید) از مجلسین گفتم چون نظر بنده این است که صنعت نفت ملی شود اگر شما رأی دادید و مجلس سنا رأی نداد که ملی شد (عده‌ای از نمایندگان - رأی می‌دهند) هر وقت که رأی دادند بنده هم با کمال افتخار امری را که آقایان به بنده رجوع فرموده‌اند قبول می‌کنم و امیدوارم که انشاءالله با کمک و معاضدت شما آقایان، بتوانم خدمتی به این مملکت بکنم و یک رویه‌ای در پیش بگیریم روز گار مردم از این بهتر بشود. انشاءالله

اما راجع به این پیشنهادی که کردم. با نهایت دقتی که ما راجع به تنظیم این مواد به کار بردیم این مسئله از نظر دور شده بود و مورد توجه نشده بود. آقای دکتر فاطمی به من توجه دادند که اگر این هیئتی که سه ماه برای آن تعیین شده، تقاضای تمدید کرد و آن تقاضای تمدید یک مدتی تصویب نشد تکلیف این هیئت چه می‌شود؟ (یکی از نمایندگان - این ایراد وارد است) در صورتیکه حقیقتاً نظر مجلس شورای ملی این است که این هیئت تا زمانی که کار خودش را خاتمه ندهد بماند و به هیچ جهتی از جهات از بین نرود به این جهت بنده پیشنهاد کردم که تازمانی که تمدید مدت نشده است این هیئت در کار خود بماند. (شوشتری - کدام هیئت؟) هیئت مختلط و دیگر اینکه بنده را از مجلس بیرون کردید و بنده در کمیسیون نفت هیچ نظری ندارم خیلی میل دارم که جناب آقای ملک مدنی این جمله «کمیسیون مربوطه» را تبدیل بفرمایند به «کمیسیون نفت» در پیشنهاد خیلی کش دار است چون ممکن است هر کس در هر کمیسیونی باشد نظرش این باشد که کمیسیون مربوطه آنجاست. این است که بنده استدعا می‌کنم این کمیسیون مربوطه تبدیل شود به «کمیسیون نفت».

(ملک مدنی - بنده توضیح دادم که منظور از کمیسیون مربوطه همان کمیسیون نفت است)

رئیس - بجای «کمیسیون مربوطه» جمله «کمیسیون نفت» می‌گذاریم (جمعی از نمایندگان - صحیح است) پیشنهاد آقای دکتر مصدق دو مرتبه قرائت می‌شود: پیشنهاد می‌کنم که در آخر بند نهم اضافه شود «تا زمانی که تمدید مدت به هر جهتی از جهات» از تصویب کمیسیون نفت و مجلسین نگذشته هیئت مختلط می‌تواند به کار خود ادامه دهد.

دکتر محمد مصدق

رئیس - مجلسین کافی است چون تمدید را باید مجلسین اجازه بدهند. کلمه کمیسیون نفت به عقیده بنده اینجا زیادی است. این را هم این طور اصلاح می‌کنیم.

دکتر مصدق - آقا چطور اصلاح می‌فرمایید؟

رئیس - کلمه مجلسین بنظر بنده کافی است و کلمه کمیسیون نفت زائد است (دکتر مصدق - صحیح است) آقایانی که با این پیشنهاد به این ترتیب موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

.....
رئیس- رأی گرفته می شود به مجموع مواد. آقایانی که موافقت قیام فرمایند. (عموم نمایندگان برخاستند) چون رأی اتفاق داده شد، من اعلام می کنم که باتفاق آراء تصویب شد. به مجلس سنا فرستاده می شود. (نمایندگان - انشاء الله مبارک است)

(جلسه به ساعت ۱۱ و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر ختم شد.)

پایان جلد اول